





پردیس هنرهای زیبا

گروه شهرسازی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته شهرسازی گرایش برنامه ریزی منطقه‌ای

تحلیل جایگاه شهرهای میانی در نظام شهری

منطقه آذربایجان به منظور تعادل بخشی توسعه منطقه‌ای

نگارنده:

اسماعیل کیوانلو

استاد راهنما:

دکتر اسفندیار زبردست

تابستان ۱۳۹۲

تقدیم به:

روح پدرم که موفقیت‌ایم در زندگی، مدیون تلاش‌های بی‌وقفه او است و مادر مهربانم که عشق به امید و  
رحمت را در وجودم شعله‌ور ساخت و برادران و خواهر بزرگوارم که از خویش گذشتند تا جاده‌ی خوشبختی من  
هموارتر گردد.

## چکیده

روند فزاینده رشد شهرنشینی و تمرکز منابع و امکانات در کلان‌شهرها، عدم تعادل منطقه‌ای را تشدید کرده است که این پدیده به صورت عدم تعادل فضایی و اختلاف شدید نظام کار و فعالیت در سطح منطقه آذربایجان و بزرگ‌سری شهر تبریز و غلبه شدید دو شهر ارومیه و اردبیل بر سطح منطقه نمود یافته است. به طوری که در نیمه غربی منطقه آذربایجان میزان شهرنشینی بیش از ۷۵ درصد و نیمه شرقی کمتر از ۲۵ درصد است؛ لذا در جهت تمرکززدایی و دستیابی به عدالت فضایی، راهبرد گسترش و تقویت نقش شهرهای میانی در جهت تعدیل نابرابری‌های منطقه‌ای مبتنی بر نظریات توسعه سیستمی هیلهورست و کانزمن مورد توجه قرار گرفته است.

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. برای تحلیل و شناسایی روندهای تحولات جمعیتی نظام شهری، از سه دسته شاخص‌های نخست شهری، شاخص‌های تمرکز و شاخص‌های توزیع تعادل و به منظور توصیف و تحلیل وضعیت اقتصادی از روش ترکیب-سهم و ضریب مکانی استفاده شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با رشد شهرهای میانی از میزان نخست شهری و تمرکز شهری کاسته و نظام شهری به سمت تعادل پیش می‌رود. شاخص‌های اقتصادی بهبود روند وضعیت اقتصادی در منطقه آذربایجان را با تقویت نقش شهرهای میانی نشان می‌دهد. در نهایت به منظور ایجاد تعادل بیشتر در سطح منطقه آذربایجان، شهرهای میانی با عملکردهای تسکینی، مرزی، توسعه‌ای و تولیدی تعیین و مکان‌یابی گردیدند.

## واژه‌های کلیدی:

شهر میانی، نظریه هیلهورست، نظریه کانزمن، شاخص‌های نخست شهری، شاخص‌های تمرکز، شاخص‌های توزیع تعادل، روش ترکیب-سهم، روش ضریب مکانی

## پیشگفتار

کشور ایران نیز، به عنوان یک کشور در حال توسعه با رشد شتابان شهرنشینی مواجه بوده، به طوری که در آن شبکه کهکشانی نظام سکونتگاهی به شبکه زنجیره‌ای تبدیل شده است و افزایش جمعیت شهرنشین در سال‌های اخیر موید این مطلب است (نسبت جمعیت شهرنشین در سال ۱۳۳۵ از ۳۱/۴ به ۷۱ در سال ۱۳۹۰ رسیده است). بازتاب چنین فرایندی باعث کمرنگ‌تر شدن نقش حلقه‌های واسط (شهر میانی) و آشفستگی آرایش جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین شده است.

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، توجه برنامه‌ریزان به تمرکززدایی فضایی-کالبدی باهدف توازن بخشیدن به نظام سکونتگاهی، مهار رشد ناهنجار کلان‌شهرها، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و دوگانگی شهری-روستایی به اتخاذ راهبردهای متفاوتی در زمینه توزیع جمعیت و شهرنشینی شده است. یکی از مهم‌ترین راهبردهای موجود در این خصوص، توجه به تقویت شهرهای اندازه متوسط و حمایت از ایجاد این‌گونه شهرها در شبکه شهری کشور است. (امکچی، ۸۳: چهارده) وجود شهر میانی و فرصت‌های رشد در آن تا حد زیادی از مشکلات و پیامدهای رشد شتابان کاسته و منجر به برقراری عدالت فضایی می‌گردد. در این پژوهش سعی بر آن است که نقش شهرهای میانی در تعادل توسعه منطقه آذربایجان را به نحو مطلوب ترسیم نماید. لذا این پژوهش در ۵ فصل گردآوری و تدوین شده است.

فصل اول به کلیات پژوهش از جمله تعریف مساله و ضرورت و اهمیت پژوهش و نیز سؤالات و فرضیات پژوهش می‌پردازد. فصل دوم به مبانی نظری اشاره دارد که در آن به نظریات توسعه منطقه‌ای و نظرات اندیشمندان در رابطه با شهر میانی در توسعه منطقه‌ای و نیز تجارب جهانی در این زمینه اشاره دارد که در نهایت با توجه به این سه بخش چارچوب نظری پژوهش شکل می‌گیرد. فصل سوم به شناخت منطقه آذربایجان از جمله تحولات فضایی جمعیت و مهاجرت و نیز اشتغال در این منطقه می‌پردازد. فصل چهارم به تحلیل نظام فعالیت و اسکان می‌پردازد که برای تحلیل نظام جمعیتی از

شاخص‌های نخست شهری، تمرکز و توزیع تعادل استفاده شده است و برای بررسی وضعیت اقتصادی از آنالیز ترکیب- سهم (shift-share) و نیز تحلیل ضریب مکانی (LQ) استفاده شده است. در فصل پنجم به آزمون فرضیات و پاسخ به سؤالات پژوهش پرداخته شده است و در نهایت پیشنهادهایی در این زمینه ارائه گردیده است.

## تقدیر و تشکر

من بذل لک جهد عنایتہ فابذل لہ جهد شکرک

کسی که بذل کند به تو عنایت خود را، تو نیز نهایت سپاسگزاری خود را به او بذل کن.

مولی الموحدین علی علیه السلام

قبل از هر چیز خداوند تبارک و تعالی را به خاطر تمامی نعمت‌هایی که تاکنون ارزانی‌ام داشته شاکرم، خداوند سبحانی که اراده او بالاتر از همه اراده‌هاست و بدون اذن او حتی برگه‌ای هم از درخت نمی‌افتد.

بر خود لازم می‌دانم که نهایت تشکر خود را از جناب دکتر زبردست استاد راهنما ارجمندم داشته باشم چرا که در طول دوران تحصیل و مراحل انجام این تحقیق از هیچ کوششی دریغ نورزیدند و با راهنمایی‌های راهگشای خودکار را بر من سهل نمودند.

بر خود واجب می‌دانم که از پدر و مادر عزیزم نهایت تشکر و سپاس را داشته باشم، آن‌ها که در تمام مراحل زندگی‌ام بهترین یار و یاورم بودند و از هیچ کوششی برایم دریغ نورزیدند و همیشه با راهنمایی‌های خود مشوقم بودند.

امید به آن دارم که خداوند تبارک و تعالی به همه ما توفیق دهد که بتوانیم در طول مسیر زندگی‌مان به وظایف خود عمل نموده و در راه اعتلاء و پیشرفت میهن عزیزمان گام برداریم.

## فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق	۱
۱-۱ تعریف مساله	۲
۱-۲ اهمیت و ضرورت مطالعه	۳
۱-۳ هدف مطالعه:	۴
۱-۴ فرضیه‌های اولیه پژوهش	۴
۱-۵ روش‌شناسی (متدلوژی) پژوهش	۵
۱-۵-۱ ابزارها و فنون (تکنیک‌های) پژوهش	۶
۱-۶ روند انجام پژوهش	۶
۱-۷ روش گردآوری اطلاعات	۸
۱-۸ جامعه آماری	۸
۱-۹ مشکلات تحقیق	۸

فصل دوم: مبانی نظری پژوهش	۹
۱-۲ مبانی نظری تحقیق:	۱۰
۲-۲ تعاریف و مفاهیم کلیدی مرتبط با توسعه فضایی و مساله اندازه شهر	۱۰
۲-۲-۱ تعریف منطقه	۱۰
۲-۲-۲ سیستم منطقه‌ای (Reginal System)	۱۰
۲-۲-۳ نظام شهری (Urban System)	۱۰
۲-۲-۴ توازن منطقه‌ای (Reginal Balance)	۱۱
۲-۲-۵ نخست شهر (Primate city)	۱۲
۲-۲-۶ نقش و کارکرد شهر	۱۲
۲-۲-۷ مفهوم اندازه شهر	۱۳
۲-۲-۸ مفهوم شهر میانی (متوسط)	۱۴
۲-۳ ویژگی اقتصادی شهرهای میانی	۱۷
۲-۴ ویژگی جمعیتی شهر میانی	۲۰



- ۲-۵ ویژگی اجتماعی شهر میانی..... ۲۱
- ۲-۶ نظریه‌های حد مطلوب جمعیت..... ۲۱
- ۲-۶-۱ تعریف شهر میانی ..... ۲۵
- ۲-۷ مرور مبانی نظری و بیان دیدگاه‌ها..... ۲۷
- ۲-۸ گروه دیدگاه‌های تبیین‌کننده نوسازی (رشد اقتصادی)..... ۲۸
- ۲-۸-۱ نظریه قطب رشد ..... ۲۸
- ۲-۹ نظریه ناپیوستگی:..... ۲۹
- ۲-۱۰ گروه دیدگاه‌های تبیین‌کننده انتقادی (وابستگی)..... ۲۹
- ۲-۱۰-۱ نظریه مرکز-پیرامون ..... ۳۰
- ۲-۱۱ گروه دیدگاه‌های تبیین‌کننده دیدگاه منطقه‌ای..... ۳۰
- ۲-۱۱-۱ مکان مرکزی: ..... ۳۱
- ۲-۱۱-۲ نظریه کشت - شهر یا اگروپولیتن (Agropolitan) ..... ۳۲
- ۲-۱۱-۳ نظریه راندینلی ..... ۳۳
- ۲-۱۱-۴ استراتژی شبکه منطقه‌ای ..... ۳۴
- ۲-۱۱-۵ الگوی نظام توسعه منطقه‌ای ..... ۳۵
- ۲-۱۱-۶ الگوی توسعه فضایی کلان ..... ۳۶
- ۲-۱۱-۷ دیدگاه توسعه فضایی هیلهورست (نگرش سیستمی به نظام‌های منطقه‌ای) ..... ۳۶
- ۲-۱۱-۸ نظریه شهرهای انگلی و زایا ..... ۴۰
- ۲-۱۱-۹ الگوی تور و وزنه ..... ۴۰
- ۲-۱۲ نظریات و دیدگاه‌های مدافع نقش توسعه‌ای شهرهای متوسط..... ۴۱
- ۲-۱۲-۱ رابرت هاکنبرگ (Robert A. Hackenberg) ..... ۴۲
- ۲-۱۲-۲ کلاس کانزمن (Klus,R.Kunzmann) ..... ۴۲
- ۲-۱۲-۳ نیل هنسن (Neil Hansen) ..... ۴۶
- ۲-۱۲-۴ منرس فیلهو (Naércio Aquino Menezes-Filho) ..... ۴۷
- ۲-۱۲-۵ جو. یو. آمو (J.U.Umo) ..... ۴۷
- ۲-۱۲-۶ ویلیام آلنسو (William Alonso) ..... ۴۸
- ۲-۱۲-۷ دنیس راندینلی (Dennis Rondinrlli) ..... ۴۹

- ۵۰ ..... ۲-۱۲-۸ جرج هاردوی و دیوید سترث وایت (Gorge Hardoy & David Satterthwait)
- ۵۰ ..... ۲-۱۲-۹ آمیتاب کاندا (Amitabh Kundu)
- ۵۱ ..... ۲-۱۲-۱۰ بکر و موریسون (Becker & Morrison)
- ۵۱ ..... ۲-۱۲-۱۱ اشمیت و هنری (Schmitt & Henry)
- ۵۲ ..... ۲-۱۲-۱۲ ام. پراکاش ماتور (Mathur)
- ۵۴ ..... ۲-۱۳-۱ بررسی تجربیات کشورها در ارتباط با شهر میانی
- ۵۴ ..... ۲-۱۳-۱ فرانسه
- ۵۶ ..... ۲-۱۳-۲ هند
- ۶۰ ..... ۲-۱۳-۳ چین
- ۶۲ ..... ۲-۱۳-۴ کره جنوبی
- ۶۴ ..... ۲-۱۴-۱ چارچوب نظری
- ۶۶ ..... ۲-۱۵-۱ مدل تحلیلی پژوهش
- ۶۶ ..... ۲-۱۵-۱ تحلیل جمعیتی
- ۶۹ ..... ۲-۱۵-۲ تحلیل مکانی
- ۷۰ ..... ۲-۱۵-۳ تحلیل اقتصادی
- ۷۳ ..... فصل سوم: شناخت منطقه آذربایجان
- ۷۴ ..... ۳-۱ مقدمه
- ۷۴ ..... ۳-۲ شناخت جغرافیایی منطقه آذربایجان
- ۷۵ ..... ۳-۳ تقسیمات سیاسی منطقه
- ۷۵ ..... ۳-۴ شناخت ویژگی‌های اقتصادی، حمل‌ونقل، انرژی و معادن
- ۷۸ ..... ۳-۵ شناخت جمعیتی، اقتصادی، سیاسی منطقه
- ۸۰ ..... ۳-۶ تحولات جمعیت در کانون‌های شهری آذربایجان در مقاطع زمانی مورد مطالعه
- ۸۳ ..... ۳-۷ جریان‌های مهاجرتی منطقه آذربایجان
- ۸۵ ..... ۳-۸ بررسی اشتغال منطقه آذربایجان
- ۸۶ ..... ۳-۹ نتیجه‌گیری

## فصل چهارم: بررسی تحلیل سازمان فضایی و شبکه شهری آذربایجان ..... ۸۸

۴-۱ مقدمه ..... ۸۹

۴-۲ بررسی شهرهای میانی آذربایجان در محدوده زمانی مطالعه (۱۳۹۰-۱۳۳۵) ..... ۹۰

۴-۲-۱ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۳۵ ..... ۹۰

۴-۲-۲ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۴۵ ..... ۹۱

۴-۲-۳ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۵۵ ..... ۹۲

۴-۲-۴ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۶۵ ..... ۹۳

۴-۳ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۷۵ ..... ۹۴

۴-۳-۱ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۸۵ ..... ۹۵

۴-۳-۲ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۹۰ ..... ۹۶

۴-۴ بررسی شبکه شهری منطقه آذربایجان در مقاطع زمانی مورد مطالعه ..... ۹۷

۴-۴-۱ بررسی شاخص‌های نخست شهری ..... ۹۸

۴-۴-۲ شاخص‌های بررسی میزان تمرکز ..... ۱۰۰

۴-۴-۳ شاخص‌های بررسی میزان تعادل ..... ۱۰۲

۴-۵ تأثیر شهرهای میانی بر تمرکز و توزیع تعادل منطقه آذربایجان ..... ۱۰۹

۴-۶ تحلیل مکانی شهرهای میانی ..... ۱۱۰

۴-۷ شناخت وضعیت اقتصادی منطقه آذربایجان ..... ۱۱۷

۴-۷-۱ تحلیل بخش‌های اقتصادی منطقه آذربایجان با استفاده از روش ترکیب-سهم ..... ۱۱۸

۴-۸ روش ضریب مکانی ..... ۱۲۸

۴-۹ نقش اقتصادی منطقه آذربایجان ..... ۱۳۷

۴-۱۰ فعالیت شهرهای میانی ..... ۱۳۹

۴-۱۱ نتیجه‌گیری ..... ۱۴۱

## فصل پنجم: آزمون فرضیه‌ها، ارائه پیشنهادها و نتیجه‌گیری ..... ۱۴۲

۵-۱ مقدمه ..... ۱۴۳

۵-۲ پاسخ به سوالات و آزمون فرضیات ..... ۱۴۴

۵-۲-۱ فرضیه اول ..... ۱۴۴

۱۴۶	۵-۲-۲ فرضیه دوم
۱۴۸	۵-۲-۳ فرضیه سوم
۱۴۹	۵-۳ پاسخ به سؤالات پژوهش
۱۵۰	۵-۴ تدوین سناریو های پیشنهادی
۱۵۱	۵-۴-۱ سناریو اول: ادامه روند وضع موجود
۱۵۳	۵-۴-۲ سناریو دوم: تقویت شهرمیان‌ی با عملکردهای مرزی، تسکینی، توسعه‌ای، تولیدی
۱۵۷	۵-۵ سناریو سوم: حالت مطلوب
۱۵۸	۵-۶ ارزیابی سناریو ها و انتخاب گزینه برتر
۱۵۹	۵-۷ نتیجه‌گیری
۱۵۹	منابع و مآخذ
۱۶۵	پیوست

## فهرست جدول‌ها

- جدول ۱-۲ پاره‌ای از واژه‌های پر کاربرد در ارتباط با شهرهای میانی ..... ۱۷
- جدول ۲-۲ اندازه بهینه شهر بر اساس مطالعات انجام‌شده ..... ۲۴
- جدول ۲-۳ تحلیل تغییرات شهرهای میانی ..... ۶۷
- جدول ۲-۴ شاخص‌های تحلیل نخست شهری ..... ۶۷
- جدول ۲-۵ شاخص‌های تمرکز شهری ..... ۶۸
- جدول ۲-۶ شاخص‌های توزیع تعادل شهری ..... ۶۹
- جدول ۲-۷ تیپولوژی شهرهای میانی بر اساس شاخص‌های مکانی ..... ۷۰
- جدول ۲-۸ تیپولوژی شهرهای میانی بر اساس شاخص‌های اقتصادی ..... ۷۱
- جدول ۱-۳ تقسیمات سیاسی منطقه آذربایجان به تفکیک استان در پایان ۱۳۹۰ ..... ۷۵
- جدول ۲-۳ مشخصات راه‌های منطقه آذربایجان ..... ۷۷
- جدول ۳-۳ جمعیت منطقه آذربایجان به تفکیک استان ..... ۷۸
- جدول ۳-۴ نسبت جمعیت منطقه آذربایجان به تفکیک استان و مقایسه آن با کل کشور ..... ۷۹
- جدول ۳-۵ روند تغییرات تعداد شهر و جمعیت شهری منطقه آذربایجان به تفکیک طبقات شهری ..... ۸۲
- جدول ۳-۶ توازن مهاجرتی منطقه آذربایجان با دیگر استان‌های کشور در دهه ۸۵-۱۳۵۵ ..... ۸۴
- جدول ۳-۷ اشتغال در بخش‌های اصلی اقتصاد منطقه آذربایجان ۱۳۸۵-۱۳۷۵ ..... ۸۵
- جدول ۴-۱ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۳۵ ..... ۹۱
- جدول ۴-۲ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۴۵ ..... ۹۲
- جدول ۴-۳ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۵۵ ..... ۹۳
- جدول ۴-۴ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۶۵ ..... ۹۴
- جدول ۴-۵ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۷۵ ..... ۹۵
- جدول ۴-۶ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۸۵ ..... ۹۶
- جدول ۴-۷ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۹۰ ..... ۹۷

- جدول ۸-۴ ضریب دادر قاعده رتبه-اندازه در شهرهای منطقه مورد مطالعه طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵. ۱۰۴
- جدول ۹-۴ مقدار ضریب جینی در منطقه آذربایجان..... ۱۰۸
- جدول ۱۰-۴ همبستگی بین شهرهای میانی و شاخص‌های نظام شهری ..... ۱۰۹
- جدول ۱۱-۴ تغییرات اشتغال در سطح ملی در کلان منطقه آذربایجان در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵..... ۱۲۰
- جدول ۱۲-۴ اثر رشد ملی در منطقه آذربایجان..... ۱۲۱
- جدول ۱۳-۴ اثر ترکیب بخش‌ها در منطقه آذربایجان در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵..... ۱۲۲
- جدول ۱۴-۴ اثر ترکیب بخش‌ها در استان آذربایجان شرقی در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵..... ۱۲۳
- جدول ۱۵-۴ اثر ترکیب بخش‌ها در استان آذربایجان غربی در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵..... ۱۲۴
- جدول ۱۶-۴ اثر ترکیب بخش‌ها در استان اردبیل در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵..... ۱۲۴
- جدول ۴-۱۷ اشتغال و اجزاء تغییرات اشتغال در منطقه آذربایجان ۱۳۸۵-۱۳۷۵..... ۱۲۵
- جدول ۱۸-۴ تغییرات اشتغال در سطح ملی در کلان منطقه آذربایجان در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵..... ۱۲۷
- جدول ۱۹-۴ ضریب مکانی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۵..... ۱۲۹
- جدول ۲۰-۴ ضریب مکانی شهرهای استان آذربایجان غربی ۱۳۸۵..... ۱۳۰
- جدول ۲۱-۴ ضریب مکانی شهرهای استان اردبیل ۱۳۸۵..... ۱۳۱
- جدول ۲۲-۴ ضریب مکانی بخش‌های عمده فعالیت در منطقه آذربایجان..... ۱۳۲
- جدول ۲۳-۴ نقش اقتصادی شهرستان‌های منطقه آذربایجان..... ۱۳۹
- جدول ۲۴-۴ فعالیت‌های پایه شهرهای میانی..... ۱۴۰
- جدول ۱-۵ تغییرات شهرهای میانی با تغییرات شاخص‌های نخست شهری ..... ۱۴۴
- جدول ۲-۵ تغییرات شهرهای میانی با تغییرات شاخص‌های توزیع تعادل..... ۱۴۶
- جدول ۳-۵ تغییرات شهرهای میانی و شاخص‌های نخست شهری و توزیع تعادل..... ۱۴۷
- جدول ۴-۵ پیش‌بینی توزیع شهرهای منطقه آذربایجان بر حسب اندازه..... ۱۵۲
- جدول ۵-۵ نقش اقتصادی شهرهای میانی موجود..... ۱۵۵
- جدول ۶-۵ نقش اقتصادی شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن..... ۱۵۵

جدول ۱-۶ ضریب مکانی شهرهای میانی ..... ۱۶۶

جدول ۲-۶ نسبت مشاغل شهرهای میانی ..... ۱۶۸

## فهرست شکل‌ها

- شکل ۱-۱ رویه پژوهش ..... ۷
- شکل ۱-۲ جایگاه شهرهای میانی در طیف نظام سلسله‌مراتب شهری ..... ۱۶
- شکل ۲-۲ نقطه اپتیمم (بهینه) درآمد و هزینه شهر در محدوده شهرهای متوسط ..... ۱۶
- شکل ۲-۳ حداقل و حداکثر سهم انواع فعالیت‌های اقتصادی در اندازه‌های مختلف شهرها ..... ۱۸
- شکل ۲-۴ الگوی مهاجرت و رابطه آن با مقیاس شهر ..... ۲۰
- شکل ۲-۵ طبقه‌بندی شهرهای ایران در سال ۱۳۹۰ ..... ۲۷
- شکل ۲-۶ فرایند اثر قطب رشد ..... ۲۹
- شکل ۲-۷ مکان مرکزی کریستالر ..... ۳۱
- شکل ۲-۸ نمای فرضی استراتژی انسجام متمرکز ..... ۳۷
- شکل ۲-۹ نمای فرضی استراتژی انسجام پراکنده ..... ۳۸
- شکل ۲-۱۰ نمای فرضی استراتژی بسط متمرکز ..... ۳۸
- شکل ۲-۱۱ نمای فرضی استراتژی بسط پراکنده ..... ۳۹
- شکل ۲-۱۲ تأثیر تعادل‌بخش ایجاد چند وزنه در اطراف ثقل اولیه برای کاهش تأثیرگذاری وزنه اصلی ..... ۴۱
- شکل ۲-۱۳ سه عملکرد اصلی پیشنهادی برای شهرهای میانی ..... ۴۴
- شکل ۲-۱۴ سه دسته‌بندی از شهرهای میانی ..... ۴۶
- شکل ۲-۱۵ تحولات جمعیت شهرنشین فرانسه ..... ۵۵
- شکل ۲-۱۶ تحولات جمعیت شهرنشین هند ..... ۵۷
- شکل ۲-۱۷ تحولات جمعیت شهری چین ..... ۶۰
- شکل ۲-۱۸ چارچوب نظری پژوهش ..... ۶۵
- شکل ۲-۱۹ مدل تحلیلی پژوهش ..... ۷۲
- شکل ۳-۱ موقعیت جغرافیایی و تقسیمات منطقه آذربایجان ..... ۷۵
- شکل ۳-۲ راه‌های منطقه آذربایجان ..... ۷۷



- شکل ۳-۳ جمعیت منطقه آذربایجان به تفکیک استان به کشور ۱۳۳۵-۱۳۹۰ ..... ۸۰
- شکل ۳-۴ توزیع جمعیت شهری کلان منطقه آذربایجان به تفکیک طبقات شهری (۱۳۹۰) ..... ۸۳
- شکل ۳-۵ موازنه مهاجرتی بین استانی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ ..... ۸۵
- شکل ۳-۶ تغییرات اشتغال در منطقه آذربایجان (۱۳۸۵-۱۳۷۵) ..... ۸۶
- شکل ۴-۱ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۳۵ ..... ۹۱
- شکل ۴-۲ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۴۵ ..... ۹۲
- شکل ۴-۳ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست+ست جمعیت استاندارد سال ۱۳۵۵ ..... ۹۳
- شکل ۴-۴ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۶۵ ..... ۹۴
- شکل ۴-۵ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۷۵ ..... ۹۵
- شکل ۴-۶ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۸۵ ..... ۹۶
- شکل ۴-۷ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۹۰ ..... ۹۷
- شکل ۴-۸ شاخص‌های نخست شهر در منطقه آذربایجان ..... ۱۰۰
- شکل ۴-۹ شاخص عدم تمرکز هندرسون ..... ۱۰۱
- شکل ۴-۱۰ شاخص آنتروپی ..... ۱۰۳
- شکل ۴-۱۱ نمودارهای لگ نرمال در دوره‌های مورد بررسی ..... ۱۰۵
- شکل ۴-۱۲ رگرسیون خطی نمودارهای لگ نرمال در دوره‌های مورد بررسی ..... ۱۰۵
- شکل ۴-۱۳ توزیع گروه‌های شهری و جمعیت شهری با استفاده از منحنی لورنز منطقه آذربایجان ..... ۱۰۸
- شکل ۴-۱۴ فاصله شهرهای کوچک از یکدیگر ..... ۱۱۱
- شکل ۴-۱۵ تراکم جمعیتی شهرهای کوچک ..... ۱۱۱
- شکل ۴-۱۶ فاصله شهرهای میانی از همه مراکز شهری ..... ۱۱۲
- شکل ۴-۱۷ فاصله شبکه راه‌ها از شهرهای موجود ..... ۱۱۳
- شکل ۴-۱۸ جمعیت شهرها میانی و کوچک ..... ۱۱۳
- شکل ۴-۱۹ مکان عمومی شهرهای میانی ..... ۱۱۴

- شکل ۲۰-۴ فاصله از کلانشهر ..... ۱۱۵
- شکل ۲۱-۴ شهرهای تسکینی ..... ۱۱۶
- شکل ۲۲-۴ فاصله از مرزها ..... ۱۱۶
- شکل ۲۳-۴ شهرهای مرزی ..... ۱۱۷
- شکل ۲۴-۴ تحولات اشتغال در کلان منطقه آذربایجان سال ۱۳۸۵ ..... ۱۳۵
- شکل ۲۵-۴ تحولات اشتغال در استان اردبیل سال ۱۳۸۵ ..... ۱۳۶
- شکل ۲۶-۴ تحولات اشتغال در استان آذربایجان غربی سال ۱۳۸۵ ..... ۱۳۶
- شکل ۲۷-۴ تحولات اشتغال در استان آذربایجان شرقی سال ۱۳۸۵ ..... ۱۳۷
- شکل ۲۸-۴ مثلث بورژوا و گارنیه و شناخت نقش اقتصادی منطقه ..... ۱۳۸
- شکل ۱-۵ نقش سناریو در آینده‌نگری ..... ۱۵۰
- شکل ۲-۵ شهرهای متوسط منطقه آذربایجان در آینده ..... ۱۵۳
- شکل ۳-۵ شهرهای میانی با عملکرد تسکینی، مرزی، توسعه‌ای و تولیدی ..... ۱۵۷
- شکل ۴-۵ پراکنش حالت مطلوب مراکز شهری در منطقه آذربایجان با استفاده از قاعده رتبه - اندازه ..... ۱۵۸
- شکل ۵-۵ ارزیابی سناریوها ..... ۱۵۸

# فصل اول: کلیات تحقیق

## ۱-۱ تعریف مساله

در چند دهه اخیر، رشد لجام‌گسیخته شهرنشینی، تعادل ارگانیک نظام شهری را نامتعادل ساخته و شبکه کهکشانی نظام شهری ایران را به شبکه زنجیره‌ای تبدیل نموده است که در آن نخست شهرها و کلانشهرها به مانند قطب‌های مغناطیس تمام امکانات رو به سوی خود جذب می‌کنند و نابرابری منطقه‌ای به مثابه مرکز-پیرامون به وجود آورده‌اند که کلان‌شهر در مرکز و دیگر شهرها و روستاها در پیرامون قرار گرفته‌اند که این امر باعث عدم تعادل فضایی نسبی و توزیع ناعادلانه فضا و فعالیت شده است؛ این وضعیت در منطقه آذربایجان به وضوح مشهود است؛ به طوری که در نیمه غربی منطقه آذربایجان میزان شهرنشینی بیش از ۷۵ درصد و نیمه شرقی کمتر از ۳۵ درصد است. عدم تعادل منطقه‌ای آذربایجان باعث شکل‌گیری هرم ناقص شبکه شهری و نیز عدم رعایت کامل اصل سلسله‌مراتب شهری در آن شده که این منطقه را با چالش‌های عمده‌ای از جمله پدیده نخست شهری و تمرکز سرمایه و منابع در آن‌ها، مهاجرت (مهاجر فرستی) و در نهایت عدم تعادل منطقه‌ای روبه رو ساخته است.

وجود مادر شهرهای منطقه‌ای با تمرکز امکانات و شهرهای کوچک با زیرساخت‌های ضعیف و عدم ارتباط مناسب بین این دو، خلأ شهرهای میانی را مضاعف می‌نماید. در واقع شهرهای میانی حلقه واسط بین شهرهای کوچک و مادر شهرهای منطقه‌ای در راستای تمرکززدایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و مهار رشد بی‌رویه مادر شهرهای منطقه‌ای، بهبود سلسله‌مراتب سکونتگاهی و در نهایت تعادل بخشی منطقه‌ای است که نقش آن (شهر میانی) در منطقه آذربایجان کم‌رنگ است.

در ارتباط با اندازه شهر و به خصوص شهرهای میانی و نقش و کارکرد آن در نظام شهری دیدگاه‌های مختلفی مطرح است و هر یک از آن‌ها پیش‌فرض‌هایی را در ارتباط با شهر میانی ارائه کرده‌اند. آنچه که به عنوان پرسش آغازین مطرح می‌شود این است که آیا پیش‌فرض‌های حاکم بر برخی از این دیدگاه‌ها در مورد اندازه شهر و به خصوص شهرهای میانی مورد تأیید است؟ با در نظر گیری نارسایی‌های یادشده و اهداف پژوهش، پرسش‌های زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند:

❖ آیا توسعه‌ی شهرهای میانی می‌تواند بر روند گسترش شهرهای بزرگ تأثیر گذاشته و کاهش پدیده‌ی بزرگ سری را موجب شود؟

❖ آیا توسعه شهرهای میانی در سطح منطقه آذربایجان بر میزان توسعه تعادل موثر است؟

❖ آیا وضعیت کنونی شهرهای میانی در ساختار فضایی منطقه آذربایجان مناسب است؟ اگر نه راهبردهای تقویت شهرهای میانی در منطقه آذربایجان چیست؟

## ۲-۱ اهمیت و ضرورت مطالعه

مقابله با قطب رشد و دوگانگی، کاهش مشکلات شهرهای بزرگ، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، تقویت و تحریک فعالیت‌های اقتصادی روستایی و کاهش فقر شهری سبب شد تا شهرهای میانی در توسعه ملی به عنوان موضوعی حیاتی مورد توجه قرار گیرد؛ (قرخلو، ۱۳۸۷: ۱۴۸ به نقل از Tacoli and Satterthwaite, 2002, p:20) زیرا حاصل از میان رفتن نقش شهرهای کوچک و متوسط پیدایش شبکه شهری زنجیره‌ای است که در آن شهر کوچک یا میانی و حتی در مواردی روستا به طور مستقیم با مادر شهر اصلی در ارتباطند (قرخلو، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

منطقه آذربایجان پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بالقوه زیادی دارد؛ اما به دلیل مهیا نبودن امکانات و زیرساخت و تمرکز سرمایه و منابع در کلان‌شهرها، سایر شهرها از رقابت توسعه با آنها بازماندند و ظهور نخست شهر تبریز، اردبیل و ارومیه این امر را تصدیق می‌کند و فقدان تعادل منطقه‌ای و برنامه‌ریزی به منظور دستیابی به یک تعادل فضایی منسجم را نمایان می‌سازد.

نادیده گرفتن نقش و جایگاه شهرهای متوسط و کم توجهی به پیوندهای عمودی و افقی آنها با سکونتگاه‌های دیگر و عدم ترکیب سیاست‌های شهرنشینی با سیاست‌های شهرنشینی با سیاست‌های اقتصادی و بی‌توجهی به آثار فضایی سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی، به سهم خود موجب تشدید مشکلات شهرنشینی، توزیع متمرکز مردم و فعالیت‌ها و دوگانگی در توسعه فضایی گردیده است و در این میان دیدگاه‌هایی هستند که معتقدند که شهرهای متوسط می‌توانند نقش یک کاتالیزور را در

توزیع متعادل فواید توسعه بین مناطق و نواحی مختلف بر عهده بگیرند (محمد زاده تیتکانلو: ۵). شهر میانی باید نقش خدماتی پر رنگی داشته باشند تا کارکردهای فرا منطقه‌ای را بر عهده بگیرند و به عنوان رابط بین شهرهای کوچک و بزرگ عمل نمایند. بدین ترتیب برای تعدیل نابرابری‌های منطقه‌ای آذربایجان باید به نقش شهرهای میانی به عنوان حلقه واسط و مکمل سلسله‌مراتب شهری در نظام شهری باید توجه نمود.

### ۳-۱ هدف مطالعه:

هدف کلان این پژوهش «برقراری تعادل منطقه‌ای با استراتژی توسعه شهرهای میانی در منطقه آذربایجان» می‌باشد که با توجه به کلان بودن هدف پژوهش، اهداف خرد زیر مد نظر است:

❖ بررسی وضعیت نظام شهری منطقه‌ی آذربایجان با تاکید بر نقش شهرهای میانی بر نخست شهری

❖ بررسی نقش شهرهای میانی در منطقه آذربایجان بر تعادل نظام شهری

❖ ارائه راهبرد با توجه به شرایط کنونی نظام شهری در راستای تقویت نقش شهرهای میانی در تعادل بخشی و توسعه‌ی منطقه‌ای

### ۴-۱ فرضیه‌های اولیه پژوهش

از دیدگاه لانزی بری و آلدریچ فرضیه یک بیانیه و یا اغلب سؤالی است که بعد از جمع‌آوری اطلاعات و سوابق تحقیق و انجام تحلیل، می‌تواند به صورت مثبت، منفی و یا محتمل پاسخ داده شود. (فاطمه بهفروز، ۱۳۷۸: ۱۰۳) در مجموع این چنین می‌توان یک فرضیه را تعریف نمود؛ فرضیه عبارت است از حدس یا گمان اندیشمندان درباره ماهیت و چگونگی روابط بین پدیده‌ها، اشیاء و متغیرها که محقق را در تشخیص نزدیک‌ترین و محتمل‌ترین راه برای کشف مجهول کمک می‌کند. (حافظ نیا، ۱۳۸۰: ۹۱). فرضیه‌های مورد آزمون پژوهش عبارت‌اند از:

❖ فرضیه ۱: به نظر می‌رسد توسعه‌ی شهرهای میانی باعث کاهش درجه نخست شهری می‌شود.

❖ فرضیه ۲: به نظر می‌رسد توسعه‌ی شهرهای میانی باعث افزایش تعادل در منطقه‌ی آذربایجان می‌شود.

❖ فرضیه ۳: به نظر می‌رسد که جایگاه کنونی شهرهای میانی در ساختار فضایی منطقه آذربایجان مناسب نیست.

## ۱-۵ روش‌شناسی (متدلوژی) پژوهش

دستیابی به اهداف تعیین‌شده در هر پژوهش نیازمند تدوین روش پژوهش مشخصی است. روش پژوهش به گونه‌ای تنظیم گردد که ضمن تجزیه و تحلیل مسائل و ابعاد مختلف موضوع مورد نظر از طریق فرضیات در نظر گرفته‌شده بتواند به نتیجه مطلوب‌تری دست یابد.

در پژوهش حاضر نیز سعی شده است از روش‌های مختلف استفاده گردد تا بتواند موضوع را هرچه بهتر مورد بررسی قرار داده و زوایای مختلف آن را مورد کنکاش قرار دهد؛ به نتایج دلخواه دست‌یافته و موضوع را برای دیگران بهتر قابل‌درک سازد. در واقع منظور از روش پژوهش در اینجا، شیوه پیش رفتن به سوی این هدف خواهد بود. با توجه به عنوان و هدف مطالعه، روش‌شناس ترکیبی این تحقیق شامل دو روش است:

روش اصلی انجام این پژوهش، فرضی - استقرایی (Inductive - Hypothetical) است و بر مبنای آن طی چند مرحله، ضمن استدلال منطقی، فرضیه‌ها تدوین و شاخص‌های مربوط به آن‌ها ساخته‌شده و سپس با داده‌های حاصل از مشاهده‌های مستقیم و غیرمستقیم مقابله گردیده و در نهایت تأیید یا رد می‌شود. این روش برای شناخت پدیده و ویژگی‌های آن و آزمون فرضیه‌های به کار گرفته می‌شود. درجه بالای اعتبار علمی این روش و قابلیت تعمیم نتایج، آن را توجیه‌پذیر ساخته و تلاش بر این است که با استفاده از این روش و تکنیک‌های مربوط به آن، به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود. این پژوهش بنا به ماهیت، موضوع و اهدافی که برای آن پیش‌بینی شده است از نوع

مطالعات کاربردی و از روشهای توصیفی - تحلیلی استفاده نموده است. برای گردآوری اطلاعات از مطالعات اسنادی و میدانی بهره‌گیری می‌شود.

در سه گام کلی اطلاعات پژوهش تحلیل می‌شود. گام اول به تحلیل جمعیتی با روش نقطه شکست برای تعیین شهرهای میانی در دهه‌های سرشماری است و نیز تحلیل نظام شهری با سه شاخص نخست شهری و تمرکز شهری و توزیع تعادل در این گام می‌باشد. گام دوم تحلیل مکانی است که با نرم‌افزار ArcGIS شهرهای مرزی و تسکینی تعیین می‌گردد. گام سوم تحلیل اقتصادی است که برای بررسی توزیع پراکنش شهرها به خصوص شهرهای میانی و نیز تعیین نقش شهرهای تولیدی و توسعه‌ای در این گام صورت می‌گیرد.

### ۱-۵-۱ ابزارها و فنون (تکنیکهای) پژوهش

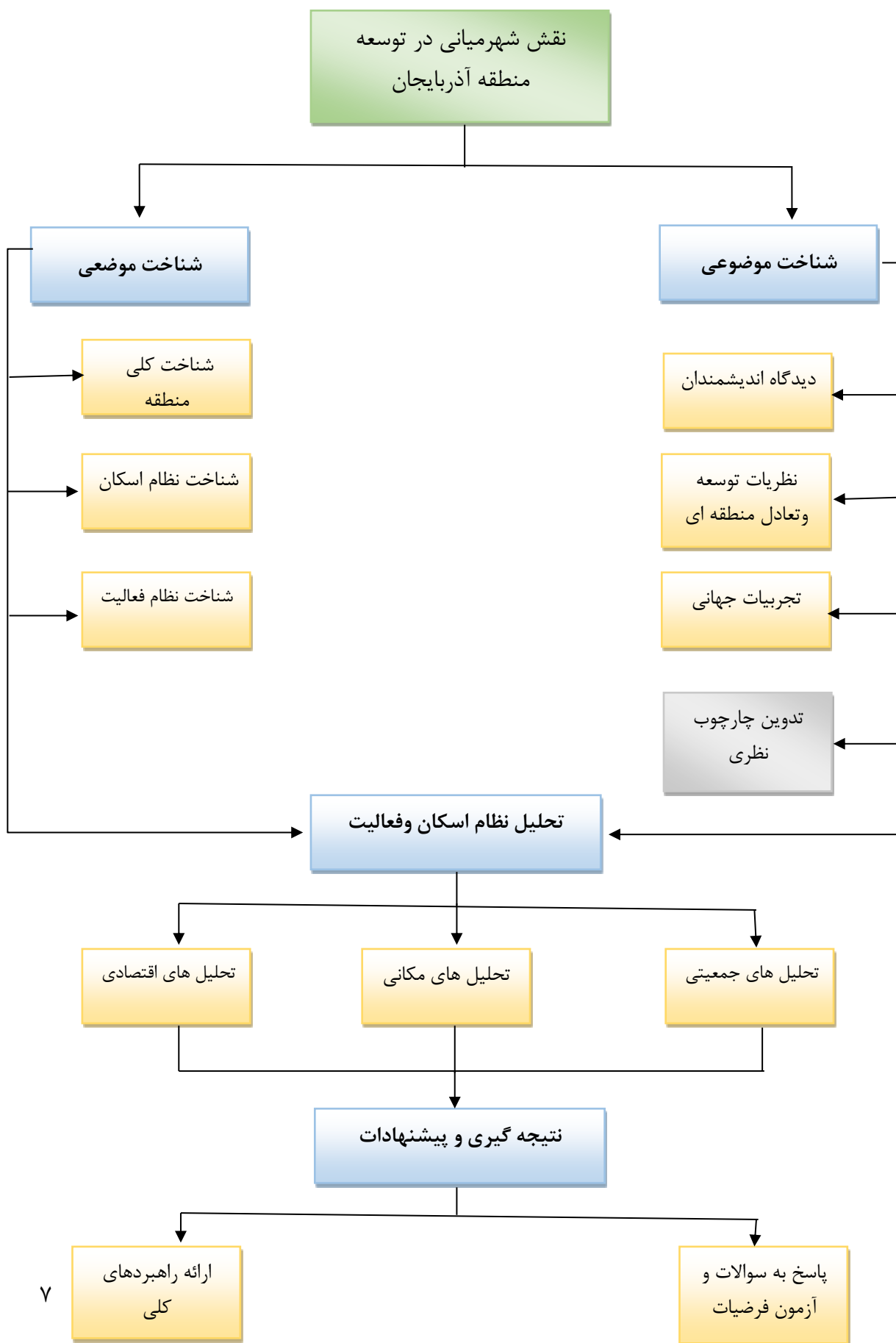
- ۱ - استفاده از فنون تحلیل آماری
- ۲ - استفاده از تکنیکهای ترسیمی
- ۳ - استفاده از مشخص‌کننده‌های ریاضی و استفاده از فنون متداول برای تحلیل وضع موجود یا پیش‌بینی سنج‌های جمعیتی و اقتصادی
- ۴ - استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای مانند استفاده از نرم‌افزارهایی برای محاسبات آماری و تحلیل اطلاعات مانند: Excel و تهیه نقشه‌های مورد نیاز با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS و Autocad
- ۵ - استفاده از ابزارهای مشاهده و برداشت و تکنیکهای مطالعات اسنادی

### ۶-۱ روند انجام پژوهش

روند انجام پژوهش، بررسی فرایندها و روابط بین هر گام پژوهش با گام‌های دیگر در جهت دستیابی به اهداف، تحلیل و ارزیابی پژوهش را در یک نگاه میسر می‌سازد. روند پژوهش حاضر در صفحه بعد ارائه شده است.



شکل ۱-۱- رویه پژوهش



## ۷-۱ روش گردآوری اطلاعات

این تحقیق از نوع توصیفی و به روش پیمایشی است که داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات اسنادی شامل مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعه منابع موجود درباره شهرهای میانی و نیز مطالعه گزارش‌ها و طرح‌های درباره منطقه آذربایجان به دست آمده است.

## ۸-۱ جامعه آماری

جامعه آماری نقاط شهری منطقه آذربایجان در سال ۱۳۹۰ (۱۲۴ شهر) است؛ که در ارتباط با یکدیگر مقایسه و بررسی می‌گردند. برای تهیه و گردآوری اطلاعات مورد نیاز از سرشماری عمومی نفوس و مسکن و مرکز آمار ایران استفاده شده است که آخرین آمار و اطلاعات گردآوری و سپس و با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای Excel, ArcGIS به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

## ۹-۱ مشکلات تحقیق

پاره‌ای کمبودها در زمینه‌ی پژوهش باعث ایجاد محدودیت‌هایی در جریان تهیه پایان‌نامه حاضر ایجاد گردید که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ❖ به‌روز نبودن آمار و اطلاعات
- ❖ عدم همکاری لازم سازمان‌ها و ادارت ذیربط
- ❖ گستردگی محدوده مورد مطالعه
- ❖ مسائل و مشکلات مالی پژوهش از قبیل، تایپ، تکثیر، گرفتن آمار، نقشه‌ها و...

# فصل دوم: مبانی نظری پژوهش

## ۱-۲ مبانی نظری تحقیق:

این فصل تعاریف و مفاهیم کلیدی مرتبط با پژوهش و مبانی نظری را شامل می‌شود که در آن مفاهیم نظام شهری، توازن منطقه‌ای، نقش و کارکرد شهر، اندازه شهر، ویژگی‌های شهرهای میانی، سیر تکاملی نظریات اندازه جمعیت مطلوب شهر و نظریات اندیشمندان و علما در مورد شهر میانی جایگاه شهرهای میانی در توازن منطقه‌ای در متون نظری جهان بیان می‌شود و در نهایت یک جمع‌بندی از مباحث ارائه‌شده در قالب چهارچوب نظری پژوهش و مدل تحقیق ارائه می‌گردد.

## ۲-۲ تعاریف و مفاهیم کلیدی مرتبط با توسعه فضایی و مساله اندازه شهر

در ابتدا برای شناخت و فهم بهتر موضوع علمی، مفاهیم کلیدی مرتبط با پژوهش مطرح و بررسی می‌شود تا دید کافی از زوایای موضوع روشن گردد. از این رو مفاهیم کلیدی زیر مرور می‌شود:

### ۱-۲-۲ تعریف منطقه

منطقه، فضایی است با محتوای مشخص که کالبدی هویت یافته داشته باشد، در واقع فضایی با محتوا و کالبد مشترک در یک قلمروی جغرافیایی را منطقه می‌گوییم (معصومی اشکوری، ۱۳۸۷: ۲۱).

### ۲-۲-۲ سیستم منطقه‌ای (Reginal System)

سیستم‌های منطقه‌ای یا ناحیه‌ای، مجموعه وابستگی‌های و پیوستگی‌های ساخت فضایی در جریان‌ات انرژی، کالا و اطلاعات هستند که بر دو سیستم جمعیت فضایی و سیستم اقتصادی تاکید می‌کند (فنی، ۱۳۸۸: ۱۵).

### ۳-۲-۲ نظام شهری (Urban System)

هاردوی و ساترتوایت، نظام شهری را مجموعه‌ای از مراکز شهری مستقل واقع در یک محدوده مشخص و تعامل بین آن‌ها تعریف می‌کند (زبردست به نقل از هاردوی و ساترتوایت، ۱۹۸۶: ۱۲). نظام شهری را مطابق یک نگرش سیستمی می‌توان مجموعه‌ای از شهرها دانست که باهم در یک کنش و

واکنش متقابل بوده و در یک ترکیب ویژه با سلسله مراتبی از نقش‌ها و عملکردها نقشی کلیدی را در توسعه ملی - منطقه‌ای بر عهده‌دارند (عبداللهی به نقل از شیخی، ۱۳۸۸: ۱۵).

در تعریف دیگر نظام شهری را آرایشی از شهرها می‌دانند که در یک فضای معین جغرافیایی، در ارتباط و کنش و واکنش متقابل با یکدیگر از طریق تحرک‌های جمعیتی، جریان کالا، افکار و عرضه خدمات گسترده شده و تشکیل یک سیستم به هم پیوسته عملکردی و ساختاری را می‌دهند (عبداللهی به نقل از شکویی، ۱۳۸۸: ۱۶). بنابراین شبکه شهری عبارت است از ارتباط متقابل مراکز شهری و نظام مبادله‌ای که بین شهرها در رابطه با عملکرد تخصصی آن‌ها به وجود می‌آید. به علت حاکم بودن نظام متمرکز در اغلب کشورها، نقش و اهمیت شهرهای کوچک و متوسط کمتر ولی شهرهای بزرگ بیشتر است. برای همین با از بین رفتن نقش شهرهای کوچک و متوسط در آن کشورها به ویژه در کشورهای جهان سوم، شبکه شهری به صورت زنجیره‌ای، در مقابل آن، در کشورهای صنعتی پیشرفته به صورت همگون و کهکشانی است (رضوانی، ۱۳۷۴: ۲۸).

## ۲-۲-۴ توازن منطقه‌ای (Reginal Balance)

برای نخستین بار در انگلستان در سال ۱۹۴۰ «کمسیون بارلو» این واژه را به صورت گسترده مورد استفاده قرار دارد. ولی شکست در ارائه تعریف دقیق و روشنی از این واژه در آن زمان موجب گردید تا از این واژه برای اهداف مختلف استفاده شود. از این رو امروزه توازن منطقه‌ای می‌تواند به معنای تراکم جمعیتی مساوی در کشور باشد و یا توزیع فعالیت‌ها به گونه‌ای که نرخ خالص مهاجرت در میان مناطق صفر گردد.

به عبارت دیگر توازن منطقه‌ای در حقیقت به معنای برخوردار بودن مناطق از فرصت‌های مساوی برای برطرف ساختن ضعف‌های معیشتی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی در جهت دستیابی به تمامی استعدادها و پتانسیل‌های بالقوه منطقه است (عبداللهی به نقل از اردشیری، ۱۳۸۸: ۱۶).

## ۵-۲-۲ نخست شهر (Primate city)

پدیده نخست شهری یا ماکرو سفالی در نظام شهری به معنای حضور تک شهرهای مسلط و مقدم است که به واسطه اندازه و عملکردهای خود به عنوان شهر برتر در صحنه عملکردی یک کشور شناخته می‌شوند. این اصطلاح توسط جغرافیدانی بنام «مارک جفرسون» در دهه ۱۹۳۰ وارد ادبیات مربوط به نظام شهری شد. در حقیقت جفرسون با بیان این اصطلاح به دنبال توضیح و تبیین پدیده «شهرهای عظیم الجثه» که نسبت زیادی از جمعیت و منابع و عملکردهای اقتصادی ملی را به خود اختصاص می‌دهند، بود. به گفته وی نخست شهرها اغلب (اما نه همیشه) همان پایتخت‌ها و مراکز سیاسی-اداری کشورها هستند. فرانسه، انگلیس، مکزیک و ایران از جمله کشورهایی هستند که با پدیده بزرگ سری (ماکرو سفالی) در نظام شهری خود روبرو هستند (عبداللهی به نقل از حاجی پور، ۱۳۸۸: ۱۶).

## ۶-۲-۲ نقش و کارکرد شهر

به نظر ماکس دریو، نقش‌های شهر، قابل طبقه‌بندی نیست، چرا که این شهرها، تصنعی و ایستا نیستند و تابع تغییر و تحول زمانی هستند، ولی اغلب شهرها، نقش‌ها و کارکردهای متعددی دارند که همزمان و یا متعاقب هم رشد می‌کنند. وی معتقد است که شهر، ضمن اینکه خدماتی به ناحیه پیرامون ارائه می‌کند، از شرایط و خدمات گوناگون ناحیه بهره‌مند و متأثر می‌شود؛ بنابراین، برای آزمون و مطالعه کارکردهای شهر باید ناحیه پیرامون را نیز بررسی کرد (فنی، ۱۳۸۸: ۱۰).

البته نقش و کارکردهای شهر در فعالیت‌ها و خدمات اقتصادی آن خلاصه نمی‌شود، بلکه شهر دارای تعاملات اجتماعی و فرهنگی قوی و مستمری با حوزه نفوذ و ناحیه پیرامون خود است که گاهی با روش‌های کمی قابل سنجش نیستند. در هر حال، شهر با مجموعه‌ای از نقش‌ها و کارکردهای مختلف و متنوع، به عنوان یک سیستم و با نوعی در هم تنیدگی، دارای روابط درونی با اجزا خود و روابط بیرونی با حوزه و ناحیه پیرامونی است (همان: ۱۱).

## ۷-۲-۲ مفهوم اندازه شهر

اندازه شهر تعریف روشن و کوتاهی ندارد. عوامل متعددی در اندازه یک شهر موثرند که توصیف آن‌ها و نقشی که هر کدام به عهده دارد، به تعریف اندازه شهر کمک می‌کند. این عوامل عبارت‌اند از:

- تعداد جمعیت

- توان اقتصادی شهر (درآمد کل شهر، یا درآمد سرانه یا متوسط درآمد خانوار)

- اندازه فیزیکی شهر (وسعت شهر)

- تراکم (منظور از آن رابطه بین تعداد جمعیت و مساحت شهر و یا به عبارت دیگر شدت

استفاده از زمین است.) (زبردست، ۱۳۸۳: ۷)

اصولاً در تعیین اندازه شهرهای میانه بیشتر به معیارهای جمعیتی استناد می‌شود که دلیل آن نبود یا محدود بودن اطلاعات در خصوص دیگر ویژگی‌ها و عملکردهای شهرهای میان مقیاس است که به ناچار مقیاس جمعیتی به عنوان رایج‌ترین و در دسترس‌ترین منابع برای مجموعه وسیع‌تری از کشورها به کار می‌آید. راندینلی برای رفع محدودیتی که فقط از استناد به مقیاس جمعیتی، در مفهوم «میانه» ممکن است رخ دهد، تراکم شهری، سطح فیزیکی واحد شهری، تناسب نیروی به کارگماشته شده در مشاغل غیر کشاورزی، اختلاط و تنوع فعالیت‌های اقتصادی، ویژگی‌های فیزیکی و ارتباطی شهرها را مقولات مناسبی برای پالایش تعریف صرف جمعیت‌شناسانه تلقی می‌کند (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۵).

کوین لینچ با تأیید تعداد جمعیت به عنوان شاخص اصلی، در این باره چنین می‌گوید: «در این مورد توافق کلی وجود دارد که متغیر کلیدی، تعداد جمعیت ساکن است و نه مثلاً تعداد کارگران و یا وسعت جغرافیایی سکونتگاه و یا اندازه و یا ارزش پولی تولید.» سازمان ملل متحد نیز در دسته‌بندی اندازه شهرها صرفاً به ملاک جمعیتی تکیه دارد (زبردست، ۱۳۸۳: ۷).

برای کمرنگ کردن نابرابری فضایی و عدم کارایی شهرهای بزرگ و دستیابی به عدالت فضایی، تعیین اندازه بهینه شهر به عنوان یک موضوع اصلی مطرح می‌گردد. شهر اغلب بر اساس معیار جمعیت

به شهر کوچک و بزرگ تقسیم‌بندی کالبدی شده و از یکدیگر متمایز می‌شوند. به این ترتیب هر شهر بر حسب کشش جمعیتی، اندازه و نوع کارکرد و فعالیت، حوزه نفوذ و... خود را مشخص می‌کند. البته تعریف حد جمعیتی از یک منطقه به منطقه دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

در رابطه با نظام با شبکه شهری که از نظریات زیپف، بری و دیگران تحت عنوان رتبه - اندازه، گرفته شده است. طبق این اصل فرض شده که اندازه شهرها در اقتصادی پیشرفته و شبکه شهری سلسله مراتبی، نسبتی از بزرگ‌ترین شهر است. بدین ترتیب، سازمان فضایی ویژه‌ای از سکونتگاه‌ها قابل‌شناسایی و مطالعه است که هم طی تحقق رشد اقتصادی حاصل می‌شود و هم نمایانگر نوعی نظام سلسله‌مراتب سکونتگاهی بهینه و منسجم است. در این سازمان فضایی ویژه، برنامه‌ریزی برای ظرفیت‌سازی و تقویت ساختاری کانون‌ها و شهرهای کوچک و میانی (در نظام) سکونتگاهی برای ایجاد ارتباطات قوی تر و موثرتر درون منطقه‌ای و محلی با آن‌ها، با این فرض کلی همراه است که این شهرها، در فرایند توسعه فضایی منطقه و رسوخ آثار توسعه به نواحی پیرامونی، می‌توانند نقش‌های موثری ایفا کنند (فنی، ۱۳۸۸: ۳۰). منظور از سلسله‌مراتب تعیین جایگاه جمعیتی، تفاوت‌های جمعیتی، توزیع رتبه - اندازه، تعادل یا عدم تعادل جمعیتی شهر در نظام و طبقات جمعیتی شهرهای یک منطقه جغرافیایی است (زیاری، ۱۳۸۴: ۱۶۶).

## ۲-۸ مفهوم شهر میانی (متوسط)

تعریف دقیقی از شهرهای کوچک، میانی و بزرگ وجود ندارد. به همین دلیل معمولاً آستانه‌های حداقل و حداکثر برای تعیین و تشخیص شهرهای کوچک، میانی و بزرگ به کار گرفته می‌شود (زبردست، ۱۳۸۳: ۹). شهر میانی نیز مانند برخی مفاهیم و واژه‌ها، یک مفهوم نسبی است، چرا که به درجه توسعه‌یافتگی، سطح توسعه‌یافتگی و ساختار اقتصادی یک کشور بستگی دارد و به تبع آن در داخل یک کشور نیز از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. معیارهایی برای تشخیص اندازه شهر وجود دارد که اغلب بار کمی دارند ولی بار کیفی نیز می‌تواند به آن‌ها افزوده شود. رایج‌ترین شاخص

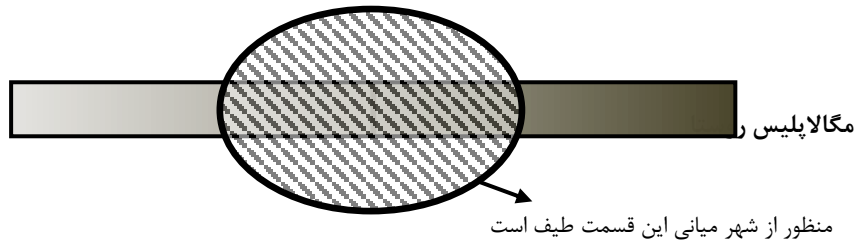


برای سطح‌بندی شهرها، شاخص جمعیتی است. هرچند اندازه جمعیتی شهر، دلالت بر مفهوم نقشی که در ایفا می‌کند ولی می‌تواند بیانگر عملکرد و نقش شهر در شبکه شهری و حوزه پیرامونی آن باشد (فنی، ۱۳۸۸: ۱۱).

اندازه شهر میانی در هر کشور با اندازه بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین شهر همان سرزمین سنجیده می‌شود و بیشتر اندازه نسبی جمعیت را در نظر می‌گیرند. در شناخت شهرهای رده متوسط، علاوه بر شمار جمعیت، کارایی اقتصادی، فعالیت‌های عمده اقتصادی، ترکیب اشتغال، تراکم شهری، سطح فیزیکی واحد شهری، تناسب نیروی به‌کارگماشته شده در مشاغل غیر کشاورزی، درآمد و هزینه سرانه نیز می‌تواند به کار آید (شکویی، ۱۳۷۷: ۸۸). بدین قرار شهر میانی با پذیرش سهم قابل توجهی از عوامل تولید، سرمایه‌گذاری‌ها و نیروی انسانی و جمعیت کشور، در فواصل متناسب با وسعت سرزمین همچون وزنه‌هایی به دور از حوزه کشش و جاذبه مرکز (پایتخت) عمل کرده و قادر به تثبیت مجموعه عوامل لازم برای شکوفایی مناطق سرزمین می‌شوند. با این کار به همراه کاهش تفاوت‌های مرکز با پیرامون می‌تواند به تعادلی موزون در سراسر سرزمین دست یافت (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۳).

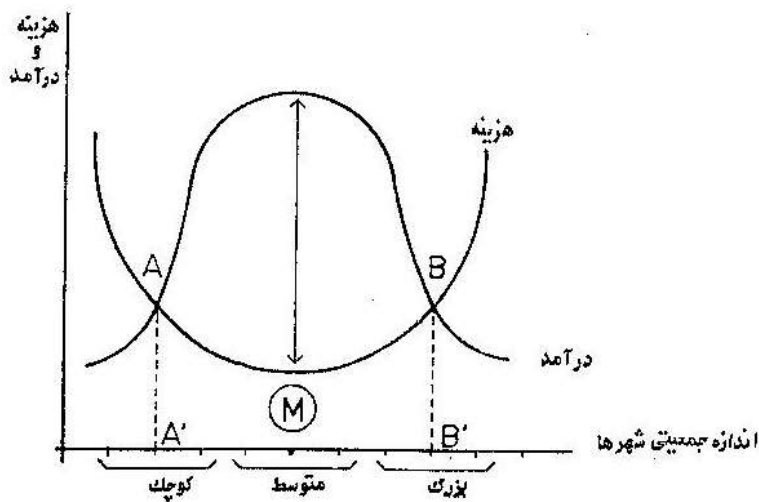
موضوع تعیین اندازه مطلوب شهر از یک سو و توجه به مساله آرایش فضایی سکونتگاه‌ها و الگوهایی چون نظام سلسله مراتبی برای چیدمان مطلوب شهرها از سوی دیگر، رهیافت‌هایی به شمار می‌آید که برون‌رفت از معضلاتی چون عدم کارآیی اقتصادی و عدم تعادل‌های فضایی و نیاز به عدالت در بهره‌وری از فرصت‌ها برای همه را می‌توانند نوید دهند. توجه به شهر متوسط یا میانی نیز از همین خاستگاه شکل گرفته است. در بطن مباحثی که هر یک از دیدگاهی ویژه بدان می‌پردازند، شهرهای میانی مقیاسی مطلوب برای برقراری عدالت اجتماعی و کارآیی اقتصادی مورد نظر بسیاری از تئوری پردازان توسعه بودند. از نظر آنان شهرهای میان مقیاس در نظام اسکان، از مناسب‌ترین موقعیت برای سپردن نقش «مرکز» نسبت به «پیرامون» خود در مقیاس منطقه‌ای، علاوه بر رشد خود موجب تثبیت بنیان‌های لازمه رشد در منطقه و توسعه حوزه نفوذ خود نیز خواهد شد. در این حال، مجموعه فرایندهای که در مرکز موجب وقوع رشد با نرخ‌های بالا می‌شوند در دیگر مناطق نیز با حضور شهرهای

میانی در مقیاس متناسب با اندازه‌شان، رخ خواهد داد (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۲).



شکل ۱-۲ جایگاه شهرهای میانی در طیف نظام سلسله‌مراتب شهری

در دستیابی به یک تعریف مناسب از شهر اندازه متوسط، متوسط درآمد سرانه (AI) و متوسط هزینه سرانه (AC) نیز می‌توانند به عنوان معیاری مداخله کنند. شهرها با افزایش اندازه‌شان امکان تأمین درآمدهای بیشتر را مهیا می‌سازند. این افزایش تا حدی استمرار می‌یابد، اما پس از نقطه‌ای به دلیل ظهور هزینه‌های اضافی حاصل از «بزرگی مقیاس» روند افزایش درآمد سرانه متوقف شده و سپس فرو می‌افتد. هزینه سرانه هر شهروند نیز با بزرگ‌تر شدن مقیاس شهر به دلیل بروز «مطلوبیت‌های مقیاس» به طور تدریجی کاهش می‌یابد اما پس از نقطه‌ای این کاهش متوقف شده و هزینه‌های سرانه افزایش می‌یابد (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۴).



شکل ۲-۲ نقطه اپتیمم (بهینه) درآمد و هزینه شهر در محدوده شهرهای متوسط، مأخذ: امکچی، ۱۳۸۳: ۱۵

در این رابطه آلسو می‌گوید، هدف از کار آیی اقتصادی این است که نه فقط به وسیله کاهش هزینه‌ها بلکه با افزایش تفاوت بین متوسط درآمد سرانه و متوسط هزینه سرانه، به «کار آیی» بالاتری

دست یابیم. بدین قرار شهرهایی با اندازه مطلوب در حوزه‌ای قرار می‌گیرند که این کار آیی تأمین شود. حوزه‌ای که در آن میزان درآمد بیش از هزینه‌هاست. اینان مجموعه نقاطی محسوب می‌شوند که به دلیل وجود یکی از جاذبه‌ها به طور مثال تأمین درآمدهای بیشتر، پذیرنده جمعیت حاصل از افزایش و رشد در سایر نقاط هستند. این حوزه معمولاً «طیف» مناسبی از شهرهای کوچک تا بزرگ را دربر می‌گیرد؛ اما در مقیاس‌های میانی جمعیت، این دو تابع از نظر «کارآیی اقتصادی» به مطلوب‌ترین وضعیت خود نزدیک شده و تفاوت بین درآمد و هزینه در نقطه M حداکثر می‌شود (۴)، یعنی شهرهای میانی مناسب‌ترین شرایط را از نظر «کارآیی اقتصادی» خواهند داشت. (همان، ۱۳۸۳: ۱۶)

در متون شهرسازی، از واژه‌های مختلفی برای تبیین شهرهای میانی استفاده شده است. از مهم‌ترین واژه‌ها و اصطلاحاتی که کمابیش مترادف واژه شهر میانی در متون جهانی به کار می‌رود می‌توان به واژه‌های زیر اشاره نمود.

جدول ۱-۲ پاره‌ای از واژه‌های پر کاربرد در ارتباط با شهرهای میانی

Medium cities	شهرهای متوسط
Mid-sized cities	شهرهای میان اندازه
Secondary cities	شهرهای ثانویه
Intermediate cities	شهرهای بینابین

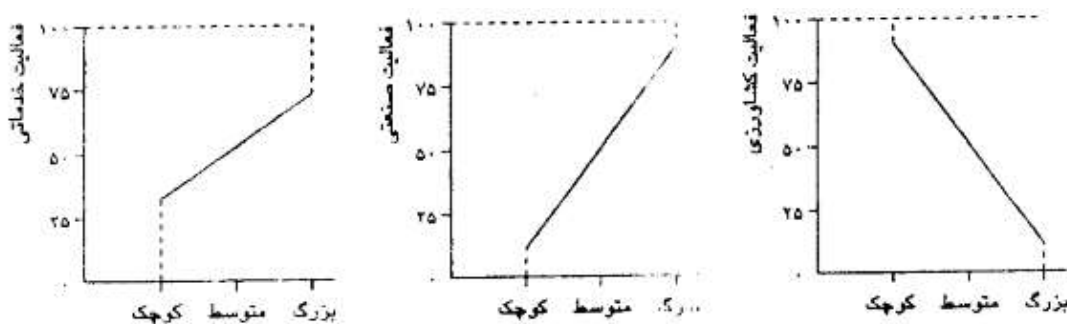
## ۳-۲ ویژگی اقتصادی شهرهای میانی

طیف شهرهایی که در مقیاس شهر میانی جای می‌گیرند در کشورهای مختلف (با توجه به ساختار سکونت، ساختار اقتصادی و...) متفاوت است؛ اما می‌توان گفت که شهرهای در این طیف، از نظر ویژگی‌های اقتصادی به یکدیگر تشابه و قرابت دارند.

اصولاً نوعی ارتباط قوی بین اندازه شهر و نوع فعالیت عمده و تنوع عملکردهای موجود در آن را می‌توان جستجو کرد. شهرها با تغییر در اندازه‌شان از نظر نوع غالب فعالیت‌های اقتصادی و ترکیب فعالیت‌ها دچار تحول می‌شوند. با تغییر موقعیت شهر از تعلق به گروه شهرهای کوچک تا شهرهای

بزرگ نوعی کاهش تدریجی در سهم مشاغل کشاورزی و افزایش تدریجی در سهم مشاغل صنعتی می‌توان مشاهده کرد. شهرهای کوچک بیشتر در فعالیتهای کشاورزی و خدمات وابسته بدان و شهرهای بزرگ در فعالیتهای صنعتی یا خدمات وابسته بدان فعال‌اند. شهرهای کوچک با افزایش تدریجی اندازه‌شان از سهم مشاغل کشاورزی‌شان کاسته شده و بر سهم فعالیتهای دیگرشان از گروه صنعتی و خدماتی افزوده می‌شود. این جریان را به طور بالعکس نیز می‌توان مشاهده کرد (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۷).

فعالیت‌های بخش خدمات به دلیل پیچیدگی ماهوی خود از ویژگی بارزی همچون بخش صنعت و کشاورزی، به خصوص از جنبه کالبدی برخوردار نیست و به همین سبب در تغییر اندازه شهر با وضوحی مشابه بخش‌های دیگر شرکت نمی‌کند. نکته مهمی که در این گروه از فعالیت‌ها (خدمات) می‌توان دید مشروط بودن برپایی یک سکونتگاه مستقل شهری به وجود حداقلی از فعالیت‌های خدماتی است که در واقع به طور ثابت باید برای ایجاد هر سکونتگاه شهری تامین شود (همان، ۱۸).



شکل ۳-۲ حداقل و حداکثر سهم انواع فعالیت‌های اقتصادی در اندازه‌های مختلف شهرها،

مأخذ: امکچی، ۱۳۸۳: ۱۸

شهرهای میانی در هر دو سطح اقتصاد ملی و منطقه‌ای اهمیت دارند. آن‌ها جاهایی هستند که نسبت مهمی از جمعیت انگلستان کار و زندگی می‌کنند. نقش شهر، توسط زندگی مردم و اینکه چگونه اقتصاد بین شهر و نواحی اطراف عمل می‌کند، توسط شهرهای میانی تعریف می‌شود (Hildreth, 2007: 165).

در اینجا به ویژگی اقتصادی شهر میانی در انگلستان اشاره می‌شود. شهرهای میانی انگلستان

جدید با استفاده از سرمایه، به پشتیبانی توسعه اقتصادی می‌پردازد. چند خوشه‌ی قوی، تمرکز بالایی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بازار بوستون، دسترسی به انتقال فناوری و سرمایه‌های فکری از دانشگاه‌های منطقه را بر عهده دارند. همچنین دو گرایش جدید به افزایش جریان سرمایه به شهرهای میانی در منطقه کمک می‌کند. اول، شهرهای میانی انگلستان جدید شاهد ظهور گروه‌های ناجی، شبکه‌ها و منابع در جهت حمایت مالی ناجی است و دوم، منطقه، مکان برخی از نوآورانه‌ترین رویکردهای سرمایه‌گذاری (مخاطره‌آمیز) است. سهام خصوصی به طور کلی و سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز به طور خاص در میان سریع‌ترین حرکت و کارآفرینی صنایع در طول سال، تأثیر خود را بر روی چشم‌انداز اقتصادی جوامع انگلستان جدید، ثابت کرده است. به عنوان مثال صنعت به رشد و پیشرفت، برنامه‌ریزی فعال بر اساس درک از پویایی صنعت، شهرهای میانی انگلستان جدید را به ادامه رشد اشتغال، تشکیل شرکت و ایجاد ثروت در پرورش سرمایه و سرمایه‌گذاری سهام خصوصی قادر ساخته است. (Carlson and Chakrabarti, 2007: 8) بدین ترتیب شهرهای میانی انگلستان، تحرک اقتصادی را منوط به گسترش صنعت و سرمایه‌گذاری نموده است.

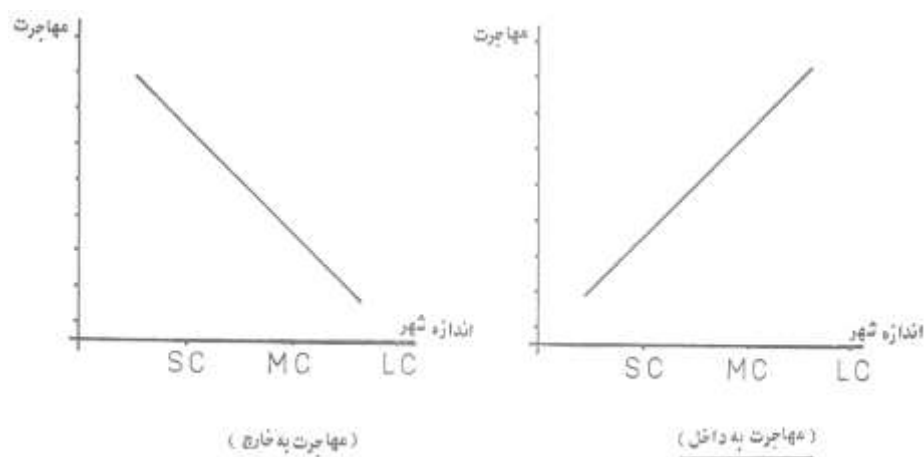
علاوه بر نوع فعالیت، مقیاس فعالیت‌ها، میزان بازدهی فعالیت اقتصادی، شاخص‌های اجتماعی در گروه‌بندی شهرها موثرند. شهرهای میانی به دلیل موقعیت مکانی خود بازاری برای محصولات کشاورزی اطراف خود محسوب شده و علاوه بر مصرف این محصولات به دلیل تقاضای جمعیت، به عنوان کانال عبور این محصولات به شبکه تجاری سرزمین نیز عمل می‌کند (امکچی، ۱۳۸۳: ۲۰). راندینلی در این باره می‌گوید، بدین ترتیب شاید فعالیت‌های تجاری و امور وابسته به اشتغال کشاورزی را بتوان از مهم‌ترین وجوه فعالیت‌های اقتصادی شهرهای میانه به حساب آورد (همان: ۲۱).

انگیزه اصلی مهاجرت، بر مبنای محاسبه اقتصادی (هزینه - فایده) بین شهر (مکان سرمایه) و روستا (مکان نیروی کار) است و دیگر اینکه ظرفیت روستا برای ایجاد اشتغال و برقراری تعادل اکولوژیکی مناسب نباشد و افراد (نیروی کار آزادشده) مجبور به مهاجرت به شهر شوند که این امر شهرنشینی شتابان و نامتوازن کلان‌شهرها را در پی دارد که باعث تسریع پدیده نخست شهری شده و

سلسله‌مراتب شهری ناهمگون گردد. یکی از راهبردهای کاهش این روند تقویت حلقه مکمل (شهر میانی) کلان‌شهر و شهرهای کوچک و روستا می‌باشد.

## ۴-۲ ویژگی جمعیتی شهر میانی

رایج‌ترین شاخص برای سطح‌بندی و توزیع شهرها، شاخص جمعیتی است؛ زیرا بررسی سایر معیارها به آسانی و دسترسی ویژگی جمعیتی نیست، هرچند که طبقه‌بندی بر این اساس کامل نیست؛ اما تا حد زیادی بیانگر نقش و عملکرد شهر در شبکه شهری است. رشد کلی جمعیت خود تابع رشد طبیعی و نرخ مهاجرت و برابری آن‌ها است. مهاجرت اغلب به دلیل منفعت اقتصادی و اختلاف سطح کیفیت زندگی در شهرهای بزرگ با شهرهای کوچک و روستاها اتفاق می‌افتد که باعث تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ و شکل‌گیری پدیده نخست شهری می‌شود.



شکل ۴-۲ الگوی مهاجرت و رابطه آن با مقیاس شهر، مأخذ: امکچی، ۱۳۸۳: ۲۳

نرخ رشد و نرخ مهاجرت به داخل، همسو با مقیاس شهر تغییر می‌کند و با آن رابطه مستقیم دارد. در حالی که نرخ مهاجرت به بیرون با مقیاس شهر نسبت عکس داشته و به طور معکوس تغییر می‌کند (امکچی، ۱۳۸۳: ۲۳).

بدین ترتیب در صورت اتخاذ سیاست ایجاد تعادل در توزیع سکونتگاه‌های جمعیتی و سپردن نقشی متناسب با مقیاس سکونتگاه به تثبیت جمعیت و پیشگیری از جریانات شدید جمعیتی و تبعات آن امید داشت. شهرهای میانی در چنین شرایطی موقعیت ممتاز مورد انتظار مهاجران را می‌توانند

برایشان فراهم آورند، فواصل مهاجرت را کوتاه کنند و پتانسیل‌های موجود را در منطقه نگه داشته و موجبات القای رشد با نرخ‌های بالاتر در دوره‌های آتی شوند (امکچی به نقل از کانزمن، ۱۳۶۴: ۷).

## ۵-۲ ویژگی اجتماعی شهر میانی

شهر میانی به علت اختلاط ویژگی شهرهای بزرگ و شهر کوچک و محیط روستایی، دارای اقتصاد بازرگانی - صنعتی (وابسته به صنایع کشاورزی) و نیز به لحاظ تعاملات، محل برخورد خرده‌فرهنگ می‌باشد. جمعیت شهر و مهاجران (به عنوان یکی از عوامل توسعه) نهایتاً پایگاه و موقعیت اجتماعی شهر (با وجود تضادها) را تعریف می‌کند. البته این امر تابع وضعیت اقتصادی و خدمات فرهنگی و اجتماعی نیز می‌باشد. لذا برای ارتقای نقش اجتماعی باید زیرساخت‌های آن مانند آموزش، بهداشت و اوقات فراغت ارتقاء داد.

برای جلوگیری از تمرکز منابع و امکانات در شهرهای بزرگ باید این نیروی کار (مهاجران) در اطراف شهرهای کوچک و محیط روستایی قرار بگیرد که این امر در قالب تقویت نقش شهر میانی میسر می‌باشد که این امر نیازمند فرهنگ‌سازی و ظرفیت‌سازی و ارتقای زیرساخت‌ها می‌باشد.

با توجه به ویژگی‌های اشاره‌شده در بالا، شهرهای میانی به عنوان حلقه واسط در سلسله‌مراتب شهری در راستای تعادل بخشی فضایی ایفای نقش می‌نماید. تفاوت سطح زندگی بین شهرهای کوچک و دیگر شهرها و نیز اقتصاد بازرگانی - صنعتی (وابسته به صنایع کشاورزی) مهاجرت به شهرهای میانی را باعث می‌شود که این امر به لحاظ تعاملات، محل برخورد خرده‌فرهنگ می‌گردد. با تقویت زیرساخت‌ها، این تفاوت‌ها و دوگانگی، تعدیل‌شده و نظام شهری به سوی تعادل پیش می‌رود.

## ۶-۲ نظریه‌های حد مطلوب جمعیت

از آنجا که موضوع مورد مطالعه با جمعیت مرتبط است، نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی از صاحب‌نظران و علما ارائه گردیده است که در اینجا به تعدادی از نظرات مهم اشاره می‌شود.

سابقه این نظریات به گذشته‌های بسیار دور می‌رسد ولی در خاستگاه و سرچشمه خود دارای

این دو وجه مشخص هستند که تا قبل از اختراع چاپ فقط به وسیله خالقان مدینه‌های خیالی به تصور در آمده‌اند. افلاطون و ارسطو در توصیف جوامع ایده آل خود به موضوع حد تناسب جمعیت توجه کرده‌اند. به اعتقاد افلاطون، رقم ایده آل برای تعداد نفوس یک دولت شهر یونانی رقم ۵۰۴۰ نفر است. افلاطون ۵۰۴۰ نفر را مطلوب می‌دانست که با زنان و کودکان به حدود ۳۲ هزار نفر می‌رسد. به نظر ارسطو، اگر تعداد ساکنان شهر از حد معینی درگذرد. فقر و گرسنگی گسترش خواهد یافت. وی می‌گوید: «جمعیت شهر باید به آن اندازه باشد که برای هرکس امکان زندگی خوش و آزادانه را فراهم آورد» (شکویی، ۱۳۷۷: ۹۲).

ابونصر فارابی اولین کسی است که به تصور حیات مستقل شهر نزدیک شده است و یک رابطه ارگانیک در کارکرد شهر می‌بیند و تقسیم‌بندی وی از شهرهای عظمی، وسطی و صغری به همین منظور است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۱۷).

ابنزرهاوارد، حد متوسط باغشهر را جمعیت ۳۰ هزار نفر بیان می‌کند؛ زیرا وی به مشکلات و تبعات شهرهای بزرگ پی برده بوده و برای کاهش آن راه حل تمرکززدایی از شهر بزرگ را در قالب باغشهر (خودکفا) ارائه می‌دهد تا تعادل بین سیستم شهری حفظ شود.

فلیپ پنشل، جغرافیدان فرانسوی، عقیده دارد که حد متناسب جمعیت شهرها بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر نوسان دارد. دی خوجایف معتقد است برای شهری که در مسیر صنعتی شدن گام بر می‌دارد، به این منظور که بتواند رابطه منطقی شهری را با ناحیه خود برقرار کند، حد متناسب جمعیت شهری ۳۰۰ هزار نفر است (شکویی، ۱۳۷۷: ۹۲).

در اروپای غربی، نوشهرهای کوتاه اندام را تا ۳۰ هزار نفر و شهرهای متوسط را تا ۱۰۰ هزار نفر و شهرهای بزرگ را تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت در نظر می‌گیرند. سعی شهر سازان این بوده است که سقف گسترش شهرها را با این معیار بالا ببرند (همان، ۹۲).

اقتصاددانان و دانشمندان علوم اجتماعی مدت‌هاست در این باره که آیا اصولاً میزان مطلوبی برای شهرها وجود دارد یا خیر، بحث و اظهار نظر می‌کنند. به اعتقاد برخی، حد اعلای مطلوبیت، مخصوصاً



وقتی مساله اشتغال در میان باشد، رقمی حدود ۵۰۰ هزار نفر است. وقتی این رقم به حدود یک تا دو میلیون برسد. حفظ معیارهای عمومی زندگی دشوارتر می‌شود. البته این ارقام فقط برآوردهای میانگین را نشان می‌دهند و بدیهی است که هرگز نمی‌توان به حد مطلوبی که قابل اعمال در تمام شهرهای جهان باشد دست یافت (همان، ۹۳).

گاستون بارده، شهرساز معروف فرانسوی، بر این باور است که فقط داده‌های اقتصادی بیانگر حد متناسب شهر نیست. بلکه معیارهای اخلاقی نیز در این زمینه دخیل‌اند و علاوه بر تجهیزات فردی و جمعی، جو عمومی شهر و میدان پرتوافشانی ناحیه‌ای شهر نیز می‌تواند در تعیین حد متناسب شهرها، موثر باشد. در زمان ما، شهر مطلوب، شهری است که شرایط اقتصادی‌اش مطلوب باشد مانند فرصت‌های اشتغال، وجود واحدهای مسکونی سالم و کافی، سیستم خوب حمل‌ونقل، مدارس و بیمارستان‌های مجهز و کافی، سهولت دسترسی به مرکز خرید، تثبیت وضعیت مالی شهر و در نهایت، حاکمیت عدالت اجتماعی در شهر (همان، ۹۳).

ریچاردسون در این باره می‌گوید: «جستجو برای یافتن اندازه بهینه برای شهر، چون شکار سیم‌مرغ امری تخیلی است» (طرح منطقه آذربایجان، ۱۳۷۸: ۲۲).

لومکس شهرهای بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر جمعیت را بهینه می‌داند. سر توماس مور جمعیت آرمان شهر خود را که (فقط شامل یک شهر نمی‌باشد) بین ۶۰ تا ۹۰ هزار نفر می‌دانست (زبردست ۱۳۸۳: ۱۷).

در سال ۱۹۴۵، کلارک (زبردست به نقل از کلارک، ۱۹۴۵: ۱۱۳-۹۷) با بررسی عملکرد اقتصادی یک شهر در ارتباط با اندازه آن به این نتیجه رسید که اندازه بهینه برای یک شهر بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر جمعیت است. در سال ۱۹۵۱، دانکن (زبردست به نقل از دانکن، ۱۹۵۱: ۶۴۴۶) با مطالعه سرانه هزینه خدمات شهری در شهرهای بالای ۲۵ هزار نفر جمعیت آمریکا به این نتیجه می‌رسد که شهرهای با جمعیت بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر جمعیت بهینه هستند. این مطالعه یافته‌های مطالعه مشابهی را توسط اوگبرن در سال ۱۹۳۷ انجام شده بود، تأیید می‌کند. برنان، اندازه بهینه شهر

را بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت می‌داند و معتقد است که در این اندازه، ساکنین شهر از رفاه و زندگی اجتماعی مطلوب تری برخوردارند (همان، ۱۷).

هیرش در سال ۱۹۵۹ با مطالعه هزینه‌های شهری اندازه بهینه شهر را بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر تعیین می‌کند. در سال ۱۹۶۰ کمیسیون سلطنتی دولت ملی لندن بزرگ، شهرهای بین ۱۰۰ هزار نفر تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت را به عنوان شهرهای بهینه پیشنهاد می‌کند (زبردست به نقل از Richardson, ۱۹۷۲: ۳۰).

شهر سالم در رابطه استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود، سیستم اکولوژیک (مصرف منابع و انتشار آلودگی و...) و بهداشت، کیفیت زندگی مطلوب، عدالت اجتماعی و نیز در راستای توسعه پایدار معنا یافته است که تعادل آن وابسته میزان جمعیت است. حد مطلوب جمعیت با توجه به شرایط و پتانسیل‌های هر منطقه فرق می‌کند و نمی‌توان حد یکسانی برای آن تعریف نمود.

با توجه نظریات اشاره شده در بالا، جمعیت فی‌ال‌نفسه ملاک نیست بلکه تعادل بین منابع و جمعیت مهم است؛ اما از آنجا که امکانات طبیعی و اقتصادی کشورها متفاوت است، به تبع حد مطلوب جمعیت از کشوری به کشور دیگر متفاوت خواهد بود. به همین دلیل هر گز نمی‌توان حد مطلوبی برای تمام شهرهای جهان در نظر گرفت.

جدول ۲-۲ اندازه بهینه شهر بر اساس مطالعات انجام شده

ردیف	مطالعه	اندازه بهینه شهر (هزار نفر)
۱	سر توماس مور	۹۰-۶۰
۲	هوارد Howard (۱۹۰۲)	۳۲
۳	لوماکس Lomax (۱۹۴۳)	۱۰۰-۵۰
۴	کلارک Clark (۱۹۴۵)	۲۰۰-۱۰۰
۵	دانکن Duncan (۱۹۵۶)	۱۰۰-۵۰
۶	برنان (Brennan)	۲۰-۱۰
۷	هیرش Hirsch (۱۹۵۹)	۱۰۰-۵۰
۸	کمیسیون سلطنتی دولت ملی لندن بزرگ (۱۹۶۰)	۲۵۰-۱۰۰
۹	فلیپ پنشمل	۲۵۰-۲۰۰
۱۰	خوجایف Khodjaiev	۳۰۰

مأخذ: زبردست، ۱۳۸۳: ۳۵

## ۱-۶-۲- تعریف شهر میانی

اندازه جمعیت شهرهای میانی در کشورهای مختلف، با توجه به عوامل جغرافیایی و نیز نظام شهری و روش‌های برنامه‌ریزی آن‌ها متفاوت است. در فرانسه رقم ۲۰ تا ۲۰۰ هزار نفر را برای گروه شهرهای میانی در نظر می‌گیرند، در انگلستان ۵ تا ۱۰۰ هزار نفر ملاک است و در چین شهرهایی که ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارند، شهر میانی محسوب می‌شوند. در ایتالیا جمعیت شهرهای میانی از ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفر است. جمعیت شهرهای میانی در کشورهای هلند و بلژیک بالاست، در این کشورها که میزان شهرنشینی بالاست، به رغم ساختارهای شهری متفاوت، شبکه شهرهای میانی بسیار توسعه یافته است. در فرانسه، آلمان و ایتالیا شهرهای میانی واجد اهمیت‌اند. در ایتالیا ۲۳/۵ درصد از جمعیت در شهرهای ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفری سکونت دارند و در مقابل ۲۸ درصد در تمام شهرهایی ساکن‌اند که دارای بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت هستند (شکویی، ۱۳۷۷: ۹۰).

در کشور نیجریه شهرهای با جمعیت ۲۰۰ تا ۳۵۰ هزار نفر به عنوان شهرهای میانی در نظر گرفته می‌شوند. (Aniah, 2001: 112) در اسپانیا، شهرهای با جمعیت بین ۵۰ تا ۲۵۰ هزار نفر شهر میانی محسوب می‌شوند (Gomez, Medina, 2010: 4).

در آلمان شهرهای با جمعیت ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نفر، در شوروی سابق شهرهای بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر، در آفریقا شهرهای بین ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر و در آسیا شهرهای بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر، در آفریقا شهرهای بین ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر و در آسیا شهرهای بین ۲۰ تا ۲۵۰ هزار نفر شهرهای میانی خوانده می‌شود (زبردست به نقل از Filho, ۱۹۸۵: ۵۲۰).

راندینلی در بررسی خود در مورد شهرهای میانی شهرهای با جمعیت ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر را شهر میانی در نظر گرفته است (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۰).

در اتحادیه اروپا نسبت زیادی از جمعیت در مراکز شهری کوچک و میانی زندگی می‌کنند. تقریباً ۴۰ درصد در نواحی شهری کوچک (از ۱۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر) زندگی می‌کنند و ۲۰ درصد در شهرهای متوسط (بین ۵۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ هزار نفر) و ۲۰ درصد در شهرهای بزرگ (۲۵۰۰۰۰ نفر

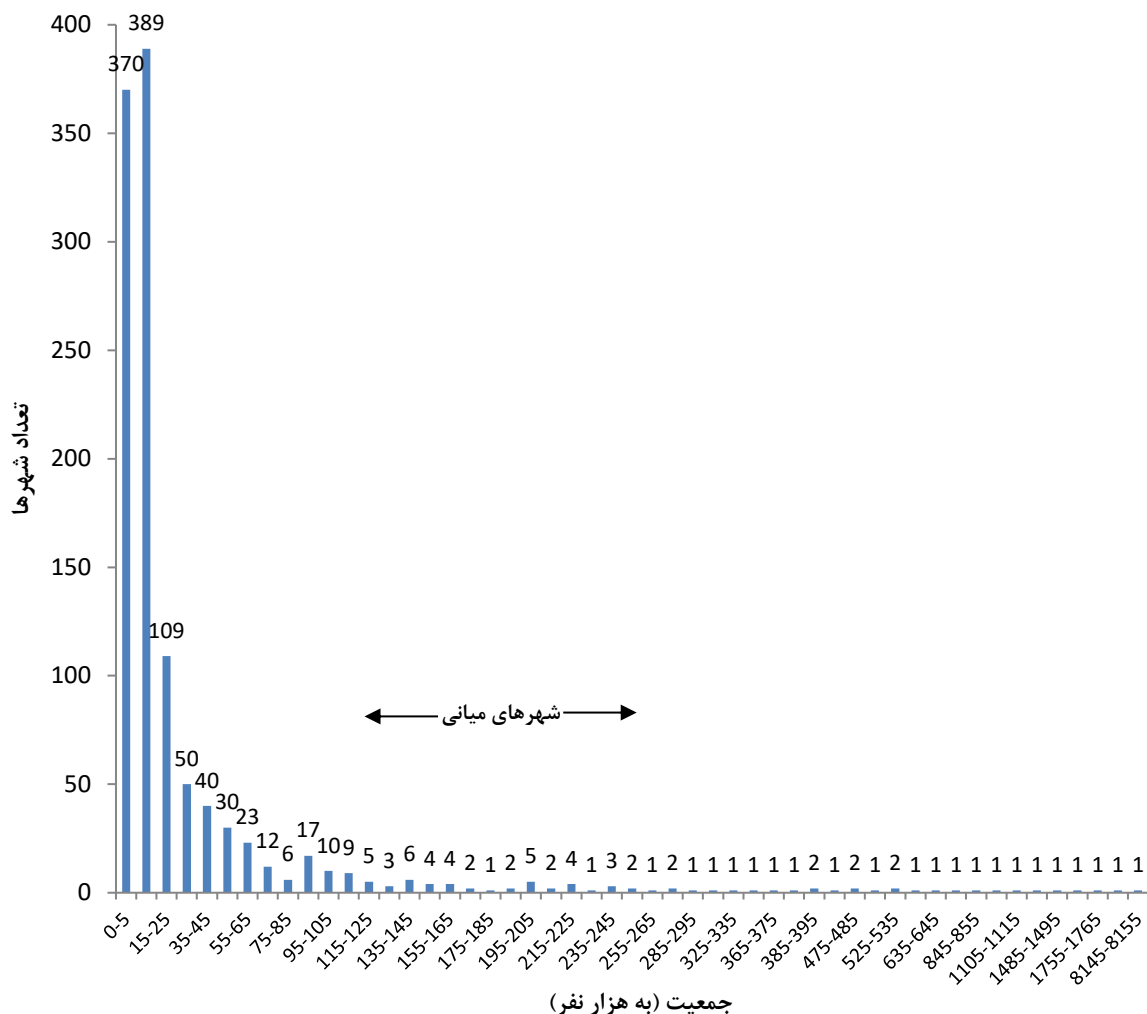
به بالا) زندگی می‌کنند. در سیستم فضایی اروپا حدود ۱۰۰۰ مرکز شهری با جمعیت ۵۰۰۰۰ به بالا و حدود ۵۰۰۰ شهر بین ۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر هستند (EEA,2006:35).

کارشناسان سازمان ملل این شهرها را بین ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت طبقه‌بندی کرده‌اند. رأی صاحب‌نظران در این زمینه مختلف است؛ از جمله لویل می‌گوید: شهر میانی، شهرهای بیش از ۱۰۰ هزار نفر هستند. پیر ژرژ شهرهای متوسط یا میانه اندام را دارای ۵۰ تا ۱۵۰ هزار نفر جمعیت می‌داند (شکویی، ۱۳۷۷: ۹۰).

در دو رساله دکتری که در ارتباط با شهرهای میانی در ایران تدوین شده‌اند، شهر میانی، شهرهای با جمعیت بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر در نظر گرفته شده است<sup>۱</sup> (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۰). در ایران گزارش آمایش سرزمین (ستیران ۱۳۵۶)، شهرهای میانی را شهرهایی با جمعیت ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر دانسته است. زنجانی شهرهای متوسط ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری را شهرهای متوسط کوچک و شهرهای ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری را شهرهای بزرگ می‌داند. سعید نیا، شهرهای متوسط را شهرهایی با جمعیت بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر ذکر می‌کند. گیتی اعتماد شهرهای متوسط را دارای ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر جمعیت می‌داند. در طرح آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران، شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری شهرهای متوسط کوچک و شهرهای ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری شهرهای متوسط بزرگ محسوب شده‌اند. به طور کلی، بر اساس رأی صاحب‌نظران مختلف و با توجه به ویژگی‌ها و طبقه‌بندی جمعیتی شهرهای ایران می‌توان گفت که بر طبق این پژوهش، شهرهای متوسط در ایران، شهرهایی هستند که ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت دارند (شکویی، ۱۳۷۷: ۹۰). به این ترتیب با توجه به موارد اشاره‌شده در بالا، در این پژوهش شهرهای ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر به عنوان شهر میانی در نظر گرفته می‌شوند. البته لازم به ذکر است که این جمعیت در حال حاضر مدنظر است و در دهه‌های قبل با توجه به اندازه نسبی جمعیت، شهرهای میانی دارای جمعیت‌های کمتری بودند. در پژوهش حاضر

۱- رساله های خانم حمیده محمد زاده تیتکانلو (۱۳۸۱) و خانم اشرف السادات باقری (۱۳۷۵)

جمعیت شهرهای میانی در دوره‌های قبل با روش نقطه شکست ارائه گردیده است که در فصل ۴ به روش نقطه شکست اشاره می‌شود.



شکل ۲-۵ طبقه‌بندی شهرهای ایران در سال ۱۳۹۰

## ۲-۲ مرور مبانی نظری و بیان دیدگاهها

در این قسمت مطالعه مبانی نظری باهدف تبیین نقش شهر میانی در تعادل بخشی توسعه منطقه‌ای صورت گرفته و در این راستا، به بازکاوی دیدگاهها و نظریه‌های موجود پرداخته شده است. مرور ادبیات موضوع نشان می‌دهد که مباحث موجود را می‌توان در سه گروه دیدگاه‌های رشد اقتصادی و دیدگاه‌های انتقادی (وابستگی) و دیدگاه‌های منطقه‌ای جای داد. بنابراین در اینجا به این دیدگاهها پرداخته می‌شود.

## ۸-۲ گروه دیدگاه‌های تبیین‌کننده نوسازی (رشد اقتصادی)

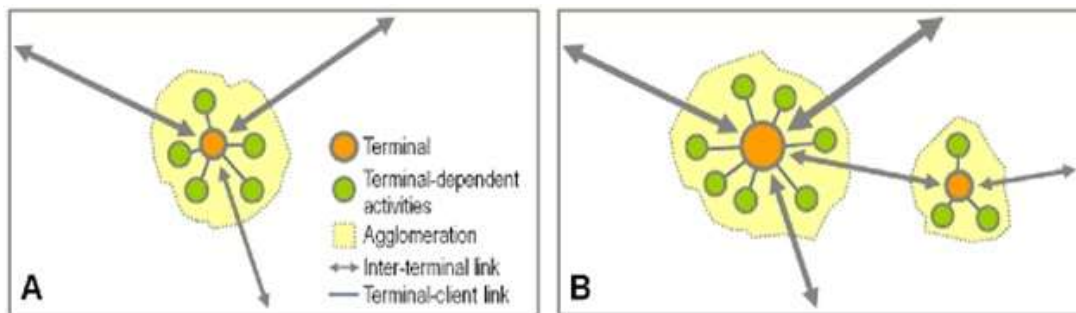
در برابر توسعه ناموزونی که رخ می‌دهد، نظریه‌های مسلط رشد اقتصادی به توجیه آن پرداختند و آن را به عنوان مرحله گذار به سوی تعادل نهایی قلمداد کردند. فلسفه اقتصاد نئوکلاسیک که اساس نظریه‌های فوق را تشکیل می‌دهد، بین کار آیی تولید و عدالت توزیع تمایز قائل است و از میان انگیزه‌های اقتصادی، اولویت را با کار آیی دانسته تا تولید و پس انداز و سرمایه‌گذاری توسط کارآفرینان را تشویق کند که سرانجام به نفع تمامی جامعه بوده و درآمدهای به دست آمده به سایر اقشار اجتماع نیز رخنه خواهد کرد. (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۵۵) به این ترتیب این دیدگاه سعی در برقراری عدالت فضایی در پهنه سر زمین دارد که در اینجا به آن پرداخته می‌شود.

### ۲-۸-۱ نظریه قطب رشد

سیاست توسعه از بالا (مرکز) در نظریه اقتصادی نئوکلاسیک ریشه دارد که نمونه آزمایشی آن، مفهوم قطب رشد است که بر عملکرد نیروهای بازار آزاد تکیه دارد و سرمایه‌گذاری در صنعت به منزله موتور توسعه برای فعالیت‌های کشاورزی و تجاری است. تئوری اساسی این رویکرد آن است که توسعه، از تقاضای خارجی و ضربه‌های رشد ناشی می‌شود و به صورت پویا و خود به خودی در سایر بخش‌های منطقه رسوخ خواهد کرد. در واقع نظریه قطب رشد بر افزایش تولید ناشی از صرفه‌های تجمع (از طریق سرمایه‌گذاری کلان در صنایع)، در بزرگ‌ترین شهرها تاکید دارد؛ طبق این نظریه دولت‌ها می‌توانند انگیزه‌های رشد اقتصادی را فراهم آورند. این رشد اقتصادی در خارج از مراکز شهری انتشار می‌یابد و باعث توسعه اجتماعی-اقتصادی ناحیه‌ای می‌شود. بدین سان در نظریه قطب رشد به شهرها اولویت داده می‌شود تا توسعه اجتماعی-اقتصادی شهرها باعث توسعه اجتماعی - اقتصادی روستاها شود.

این نظریه برای تمهیدات اجتماعی و توسعه روستایی راهکاری ارائه نمی‌دهد. چرا که ایجاد صنایع بزرگ را حداکثر در دو یا سه شهر می‌توان اجرا کرد و برای شهرهای کوچک و میانی و روستاها

قابلیت اجرایی ندارد و هیچ‌گونه پیشنهادی برای توسعه این مناطق ارائه نمی‌دهد.



شکل ۶-۲ فرایند اثر قطب رشد

## ۹-۲ نظریه ناپیوستگی:

میردال با توجه به مقوله دوگانگی و چندگانگی ساختارهای اقتصادی، حالت توسعه‌یافتگی را در نتیجه پدیده «ناپیوستگی» موجود در کشورهای در حال توسعه و فقدان رابطه منسجم بین قدرت تولید و سطح درآمد می‌داند که حاصل آن عدم تعادل بین مناطق خواهد بود. (امکچی، ۱۳۸۳: ۸) وی معتقد است برای تامین عدالت اجتماعی و یکپارچگی فضایی در اقتصاد ملی باید از اثرات انتشار تدریجی رشد بهره گرفت و نقاط تعادل دهنده را شناسایی کرد. میردال با پذیرفتن اصل مداخله، به تقویت شهرهای متوسط و یا کوچک‌تر که قابلیت پذیرش نقش القای توسعه به حوزه پیرامونی خود را دارا هستند، اشاره دارد و این نقاط را، نقاط تعادل بخش می‌داند. (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۵۲)

## ۱۰-۲ گروه دیدگاه‌های تبیین‌کننده انتقادی (وابستگی)

دیدگاه انتقادی که در مقابل دیدگاه رشد اقتصادی و نوسازی مطرح گردید. به عنوان دیدگاه وابستگی و رشد موزون یاد می‌شود. این دیدگاه بر خلاف نظریات توجیه‌کننده توسعه ناموزون به عنوان ضرورت و مرحله اولیه در رشد اقتصادی معتقد است که توسعه ناموزون ذاتی رشد اقتصادی، در اقتصاد بازار هست. اقتصاددانان پیشگام این دیدگاه فرانک (A.G.Frank)، پریش (R.Prebisch) رئیس کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین (ECLA) و فورتادو (C.Furtado) بودند که روند رشد اقتصادی در

جنوب را توسعه‌نیافتگی نام نهادند و خواهان رفع موانع برونی جوامع جنوب و یاری گرفتن از درون شدند و بر صنعتی شدن شهری همچون صنعتی شدن کشاورزی با جهت‌گیری بازارهای داخلی تاکید ورزیدند. از دیدگاه وابستگی با قطبی شدن توسعه به طور کلی مخالفتی نبوده بلکه بر خروج ارزش افزوده در ساختار فضایی مرکز-پیرامون به سود مرکز و نیز وابستگی پیرامون به سرمایه خارجی انتقاد شده است. (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۶۱) که در اینجا به توضیح بیشتر این نظریه پرداخته می‌شود.

## ۲-۱۰-۱ نظریه مرکز-پیرامون

راهبرد توسعه مرکز-پیرامونی باعث برهم خوردن تعادل بین روستا و شهر و تشدید نابرابری می‌شود و نظام سنتی و کارکرد مبتنی بر اقتصاد کشاورزی جای خود را به توسعه صنعتی مبتنی بر سرمایه‌داری و بی‌هویت می‌دهد. «رفع این نابرابری‌ها و نا به سامانی‌ها جز از طریق توسعه درون‌زا، تکیه بر امکانات محلی، بهره‌گیری از منابع بالقوه و سمت دهی امکانات و استعدادها در مسیر صحیح برای ایجاد تعادل و توازن بین روستاها ممکن نیست و این به برنامه‌ریزی ناحیه‌ای یکپارچه مبتنی بر تحلیل فضایی نیاز دارد.» (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۰۷)

فریدمن به تشریح چگونگی رشد مرکز به زیان پیرامون و تشدید نابرابری‌ها و فرایند ایجاد ساختار دوگانه و پیدایش ابر شهر، مداخله دولت و به ویژه تلفیق سیاست‌های توسعه منطقه‌ای دولت و ابتکارهای ناحیه‌ای در سطح محلی معتقد است. به علاوه توازن منطقه‌ای را در پیوند کامل با اقتصاد منطقه‌ای یکپارچه می‌داند. (تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۵۲)

## ۲-۱۱ گروه دیدگاه‌های تبیین‌کننده دیدگاه منطقه‌ای

دیدگاه نظری توسعه که مورد بحث قرار گرفت تأثیر مستقیم بر جایگاه شهر و نظام شهری داشته است. مهم‌ترین رخداد در توجه به سطحی کلان تر از شهر و کوچک‌تر از سطح ملی است که بنام سطح منطقه‌ای مهم گردیده است که سعی در برقراری کار آیی (استدلال اقتصادی) و عدالت (استدلال اجتماعی) دارد (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۶۴). در این زمینه می‌توان به دیدگاه‌های زیر اشاره کرد:

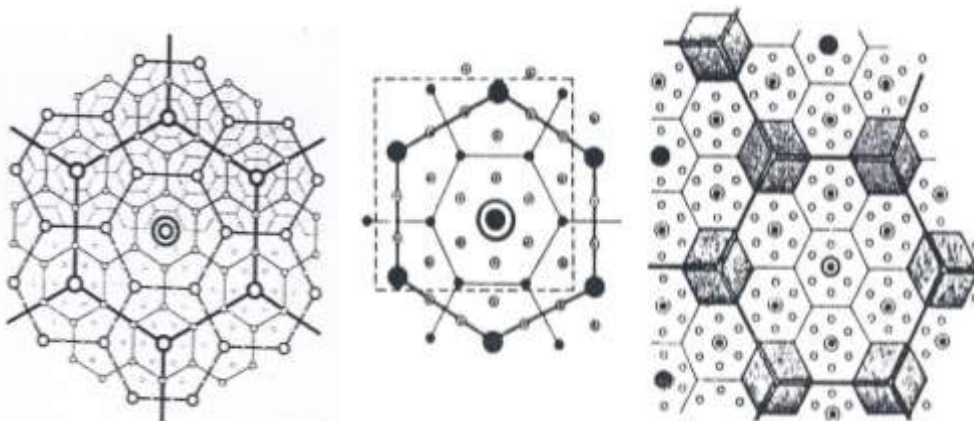


## ۱-۱۱-۲ مکان مرکزی:

در نظریه مکان مرکزی فون تونن، کریستالر، لوش و گالپین تبلور بیشتری داشته‌اند. این مفهوم پایه به رفتار منطقی جمعیت ساکن در پهنه محیطی همگون با شبکه‌ای سلسله مراتبی از مراکز عرضه کالا و خدمات بر می‌گردد که در برابر تعدادی مراکز کوچک، شمار کمتری مراکز بزرگ‌تر مورد نیاز است و این پایه‌ای یا اصل قابل تعمیم به سطوح پهنه‌ای متفاوت از روستاهای کوچک تا کلان‌شهر است. از این مفهوم می‌توان در سطح‌بندی سکونتگاه‌ها بهره گرفت؛ به این ترتیب که سکونتگاه‌ها را در سطح ملی، به مکان‌های مرکزی رده‌بالا تر، رده‌های پایین تر و مکان‌های مرکزی معین کرد. سپس اهمیت مرکزیت یک مکان، در رده‌بندی سلسله مراتبی که در آن منعکس می‌شود؛ بنابراین نظریه‌هایی مانند نظریه مکان مرکزی کریستالر، بر کارکرد خدمات‌رسانی سلسله مراتبی سکونتگاه‌های بالادست (با خدمات و امکانات بیشتر) به مناطق و سکونتگاه‌های پیرامونی پایین‌دست، استوار است. (فنی، ۱۳۸۸: ۳۰)

در واقع مدل اصلی کریستالر متکی به اصل بازاریابی است که نتیجه آن پدید آمدن روابط متقابل سلسله‌مراتب بین مکان‌های مرکزی است (زیاری به نقل از عظیمی، ۱۳۸۱: ۷۳).

کریستالر مدل  $P_m = KH_m$  را که در آن  $m$  طبقه هر شهر،  $P_m$  اندازه شهری که طبقه  $m$  است،  $H_m$  جمعیتی که به وسیله این شهر به آن‌ها خدمات عرضه می‌شود،  $K$  ضریب ثابتی است که مقدار آن بین صفر و یک است. (زیاری به نقل از Meyer, 1981)



شکل ۲-۷ مکان مرکزی کریستالر، مأخذ: عظیمی، ۱۳۸۱: ۴۵

## ۲-۱۱-۲ نظریه کشت - شهر یا آگروپولیتن (Agropolitan)

نابرابر درآمدی، سطح کیفیت زندگی و فرصت‌های مناسب پیشرفت، به عنوان قطب‌های جاذب در شهرها عمل کرده، مهاجرت از شهرهای کوچک و روستاها به شهرهای بزرگ را تشدید می‌کند. به همین علت برای کاهش فشار بر شهرها، برنامه‌هایی برای توقف جریان مهاجرت و نگهداشت جمعیت در روستاها پیش‌بینی و ظرفیت‌هایی در آنها ایجاد شد. در دهه ۱۹۷۰ نیز فریدمن الگوی توسعه روستا- شهری را در قالب کشت- شهر یا آگروپولیتن برای شهرهایی که به کار کشاورزی در عرصه‌های پیرامونی خود می‌پردازند ارائه کرد (امکچی به نقل از فریدمن و داگلاس، ۱۳۶۳، ص ۶۳-۵۷) به سبب غیرعملی بودن این نظریه، کاربرد آن در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ متوقف شد. دلایل عمده این ناکامی را باید حمایت ناکافی و مأیوس‌کننده مردم و دولت‌های کشورهای جهان سوم و برگشت به اقتصاد معیشتی به شمار آورد. در پی حمایت از رویکرد توسعه کشت شهرها، مهاجرت از روستا به شهر با نرخی فراتر از گذشته ادامه یافت و قطب‌گرایی مرکز- پیرامون نیز با شدت هرچه تمام‌تر ادامه پیدا کرد. در نتیجه سال‌های دهه ۱۹۸۰، مشکلات «شهرهای پیشتاز» نیز در کشورهای جهان سوم به سطح بسیار بحرانی رسید (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۰۸).

در همین زمینه جانسون با مطالعه مجموعه شهرهایی که دارای فعالیت‌هایی از نوع روستایی هستند، یعنی روستا شهرها، از نقش آنها برای پر کردن شکاف توسعه بین شهرهای بزرگ و روستاهای پیرامون آنها سخن گفت و انجام این امر را از طریق تجاری کردن کشاورزی در آنها ممکن دانست. از نظر او کلیه برنامه‌ها در زمینه چنین گرایشی باید از رشد شهر-بازارها حمایت کند. جانسون، راندینلی (۱۹۷۹) و یانگ (۱۹۸۸) به نقش توسعه‌دهنده شهرها و روستا-شهرها در مناطق روستایی تاکید داشتند. همه این نظریه‌ها در چارچوب طراحی چارچوبی برای چیدمان سکونتگاه‌ها جهت افزایش مطلوبیت، کارایی اقتصادی بیشتر در توزیع فرصت‌ها تدوین می‌شدند (امکچی، ۱۳۸۳: ۹).

## ۲-۱۱-۳ نظریه راندینلی

بحث نقش شهرهای متوسط در توازون منطقه‌ای در «عملکردهای شهری در توسعه روستایی» - نام پروژه راندینلی - که توسط آژانس ایالات متحده آمریکا برای توسعه بین‌المللی در دهه ۱۹۸۰ در بولیوی، فیلیپین اجرا شد، به صراحت اشاره شده است. (Rondinelli, 1999, Adell: 14 به نقل از، 1983; 1984) عملکردهای شهری در توسعه روستایی و توسعه شهرهای میانی و نقش اقتصادی شهرها را در افزایش تولیدات کشاورزی و درآمدهای روستایی تعریف می‌کند (Mason به نقل از Rhoda 1982, Rondinelli 1980, 1985).

«راندینلی در تحلیل روابط شهر و روستا بر محور سیاست توسعه، در سلسله مراتب شهری بر جمعیت شهری تاکید می‌کند» (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۷۶). به زعم وی «اهداف توسعه روستایی جدا از شهرها عملی نیست، زیرا بازارهای اصلی برای دریافت مازاد تولید کشاورزی در مراکز شهرها قرار گرفته است و از این طریق روستاها خدمات مورد نیاز خود را از مراکز شهری به دست می‌آورند» (زیاری، ۱۳۸۸: ۱۲۶) از این روی پیشنهاد می‌کند در صورتی که دولت‌ها بخواهند در سطوح اجتماعی و فضایی به توسعه گسترده دست یابند، باید پراکندگی جغرافیایی سرمایه‌گذاری‌ها را تقویت کنند و این امر از طریق عدم تمرکز یکپارچه شهرها ممکن می‌شود و امکان دسترسی به بازارها را برای همه مردمی که در مناطق و نواحی کشور زندگی می‌کنند فراهم می‌آورد. بدین ترتیب راندینلی در زمینه توسعه، نظریه خود را بر مبنای عدم تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در سکونت‌گاه‌های انسانی با تاکید بر استراتژی توسعه بر محور شهری در تأمین حداقل شرایط برای مردم روستایی قرار می‌دهد که آن‌ها را قادر می‌سازد تا جوامع روستایی خود را به توسعه اجتماعی-اقتصادی برسانند. راندینلی در نظریه خود به مفهوم بر خود وابستگی‌ها نیز اهمیت می‌دهد و این وابستگی‌های موجود، در بین حوزه تعادل فضایی و اجتماعی-اقتصادی را پایگاه اصلی توسعه می‌داند. از طرف دیگر وی بر توجه به تقویت شهرهای میانی در امر توسعه تاکید می‌کند و معتقد است شهرهای میانی از مشکلات امر مسکن، حمل‌ونقل، اشتغال، آلودگی و نابرابری‌های منطقه‌ای می‌کاهد (زیاری، ۱۳۸۸: ۱۲۷-۱۲۶).

اخیراً یوفرد بر دوجنبه حیاتی دینامیک روستا-شهری تمرکز کرده است:

۱- بازار شهرها و جایگاهشان در بازاریابی محصولات کشاورزی خاص و ۲- شهرهای میانی به عنوان

تولید کالا و خدمات برای جوامع روستایی، منابع اشتغال و محرک برای تولید محصولات کشاورزی

(Mason, 1989: 30-31).

شهرهای متوسط سرویس های متنوع بیشتری [نسبت به شهرهای کوچک تر] شامل چاپ

تجاری، مؤسسات تعمیر وسایل موتوری و ماشین های کوچک، گالوانیزه و مغازه پردازش فلز

دارند (Rondinelli, 1983: 386).

## ۲-۱-۴ استراتژی شبکه منطقه ای

راهبرد شبکه منطقه ای که مدل شبکه ای یا مدل خوشه ای نیز نامیده می شود، توسط مایک

داگلاس، پس از گذشت زمانی متجاوز از دو دهه از طرح رویکرد اگروپولیتن، ارائه شده است. در قالب

این استراتژی پیوندهای روستایی - شهری و وابستگی های متقابل مابین آن ها، در تحلیل و

سیاست گذاری درهم آمیخته شده و تفکیک روستایی و شهری که سال ها در توسعه و برنامه ریزی

مطرح بوده است، کنار گذاشته شده است.

داگلاس (۱۹۹۸)، بر این باور است که تفاوت در پیوندهای روستایی - شهری حتی در میان

نقاط واقع در حومه یک شهرک، فراوان است. با قرار دادن دهات و شهرک ها در چارچوب یک واحد

توسعه منطقه ای، هم تنوع بیشتری به وجود می آید و هم فعالیت های یک سکونتگاه، می تواند

تکمیل کننده فعالیت سکونتگاه دیگر باشد. در نتیجه این امر، رشد منطقه ای به یک مرکز محدود

نمی شود و مراکز متعدد در این زمینه تأثیرگذار خواهند بود. به این ترتیب روابط بین مراکز

سکونتگاهی، روابطی عمده تاً افقی، تکمیلی و متقابل است. در واقع به جای آن که رابطه ای دو به دو بین

ده و شهرک برقرار باشد، شبکه ای محلی و دارای ارتباطاتی با درجات متفاوت، در طول منطقه و نیز

در تعامل با خارج از منطقه شکل می گیرد. این شبکه ها یا خوشه ها، از طریق بررسی جریان های

مختلف (مردم، کالا، سرمایه...) در میان سکونتگاه‌های مختلف مشخص می‌شوند. با شناخت و تعیین خوشه‌ها و برقراری پیوند مناسب مابین آن‌ها، سازمان فضایی منطقه‌ای شکل مناسب تری پیدا می‌کند و سطح مناسبی از تجمع و تنوع اقتصادی را برای رقابت با رشد مناطق مرکزی به وجود می‌آورد. در نتیجه این امر، اقتصاد منطقه‌ای مستحکم تر و دربرگیرنده مقیاس فضایی وسیع تری نسبت به یک شهرک و حومه آن می‌شود؛ و ضمن ارائه فعالیت‌های متنوع اقتصادی، با تغییرات قیمت‌ها و شیفت در تقاضا و منابع، بهتر رو به رو می‌شود. بدین ترتیب پتانسیل بیشتری برای بهره‌گیری از پیوندهای روبه بالا و رو به پایین و نیز تأثیر فزاینده آن‌ها در اقتصاد منطقه فراهم خواهد شد. به طور خلاصه باید گفت که رویکرد شبکه منطقه‌ای، نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکزی را در رابطه با پویایی پیوندهای روستایی- شهری ارائه می‌دهد.

## ۲-۱۱-۵ الگوی نظام توسعه منطقه‌ای

میسرا و مابوگنج، در بررسی پدیده عدم تعادل در سر زمین در کشورهای مختلف، دستیابی به تعادل را در دستیابی به نظامی متخلخل، برگرفته از الگوی ساخت صخره‌ای می‌دانستند و برخورداری از ذراتی تقریباً هم اندازه، یعنی «نظام شهری یک دست» را لازمه توزیع یکنواخت و عادلانه‌تر فرصت‌ها در کل سرزمین تلقی می‌کردند. این دیدگاه به نوعی گرایش «برابری‌گرا» اعتقاد داشت. چنین چیدمانی در نظام سکونتگاهی از یک سو مانع از ایجاد شهرهای بسیار بزرگ و از سوی دیگر پدید آمدن شهرها و سکونتگاه‌های کوچک و غیر برخوردار خواهد شد. در نهایت شکل شبکه‌ای که همه امکانات را به طور یکسان در سراسر سر زمین توزیع کند می‌تواند مانع از بروز عدم تعادل پیش گفته شود (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۰).

به طور کلی نظام توسعه منطقه‌ای معتقد است نابرابری‌های میان مناطق تنها به دلیل تفاوت‌های موجود در بهره‌وری (عوامل اقتصادی) نیست. بلکه سازمان اداری، سیاسی و ترتیبات نهادی که بر مالکیت و نحوه توزیع عواید و محصولات تأثیر می‌گذارند نیز دخیل‌اند (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۵۳).

## ۲-۱۱-۶ الگوی توسعه فضایی کلان

به وسیله افرادی چون فوجن لو، صالح و داگلاس تدوین شده نیز با تکیه بر زمینه بروز دوگانگی، یکی مقوله شمال-جنوب و روابط خارجی ناشی از آن، دوگانگی بین فعالیت‌های اقتصادی بخش رسمی و غیررسمی و دوگانگی بین نواحی شهری و روستایی، دستیابی به نوعی شبکه سکونتگاهی مناسب را در دستور کار خود قرار دادند. این نوع تفکر منجر به ارائه نظریه‌های شد که اولاً تعدیل فرایند قطبی شدن کشور را هدف خود قرار می‌داد و دوماً موضوع بروز پدیده اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد کشور را محور مداخلات الگوی توسعه خود می‌کرد. در کنار آنها تلاش برای کاهش تفاوت‌های شهری-روستایی و توسعه همزمان شهر و روستا و باز توزیع مجدد درآمد و فرصت‌ها را در کل سرزمین لازم می‌دانست (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۰).

## ۲-۱۱-۷ دیدگاه توسعه فضایی هیلهورست (نگرش سیستمی به نظام‌های منطقه‌ای)

از نظریاتی که در خصوص تعادل و انتظام فضایی مطرح شد می‌توان به نظریه تعادل فضایی منطقه‌ای هیلهورست در دهه ۱۹۷۰ میلادی اشاره کرد. تئوری سازمان فضایی هیلهورست را می‌توان مکمل تئوری مرکز-پیرامون فریدمن و قطب رشد پرو دانست. در این تئوری با ایجاد تفکر سیستمی در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، شیوه نوینی در برنامه‌ریزی تعادل فضایی ارائه شد که کاربردهای آن تاکنون نیز در برنامه‌ریزی توسعه فضایی کشورها به خصوص کشورهای جهان سوم ادامه داشته است. هیلهورست با توجه به اهمیت راهبردهای توسعه فضایی در از بین بردن دوگانگی‌های درون منطقه‌ای، میان منطقه‌ای و بخشی چهار استراتژی انتظام بخش و فضایی را مطرح کرد که به دو بحث محوری بسط (گسترش) و تثبیت تقسیم می‌شود (زالی، ۱۳۸۳: ۸۶).

### ۱- استراتژی انسجام متمرکز (Concentrated Consolidation)

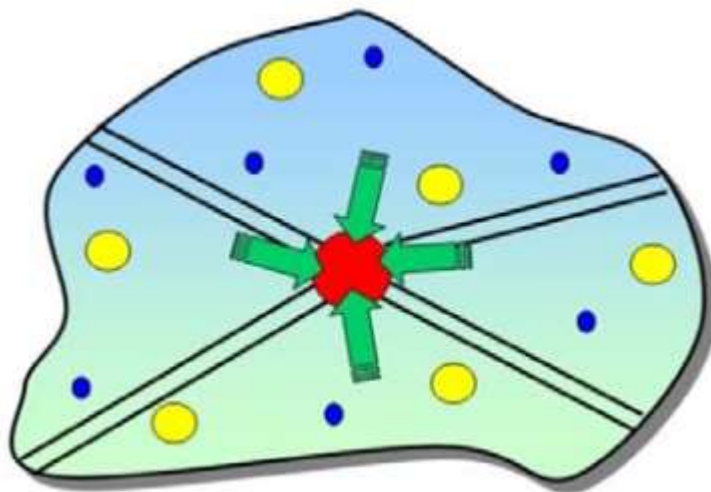
در این استراتژی تقویت مرکز و نیروی مایل به مرکز در منطقه مورد تاکید قرار گرفته و لذا سرمایه‌گذاری در خود مرکز به ایجاد مرکز جدید در منطقه و یا مراکز درجه ۲ در اطراف مرکز منطقه

مناسب تشخیص داده می‌شود. این راهبرد از طریق سیاست‌های زیر دنبال می‌شود:

الف- سرمایه‌گذاری در منطقه

ب- سرمایه‌گذاری در یک مرکز منطقه‌ای جدید

ج- سرمایه‌گذاری در محل‌های درجه دوم منطقه، نزدیک به مرکز منطقه (عبداللهی، ۸۸: ۷۱).



شکل ۸-۲ نمای فرضی استراتژی انسجام متمرکز، مأخذ: مرصوصی، ۱۳۸۹:۵۴

## ۲- استراتژی انسجام پراکنده (Dispersed Consolidation)

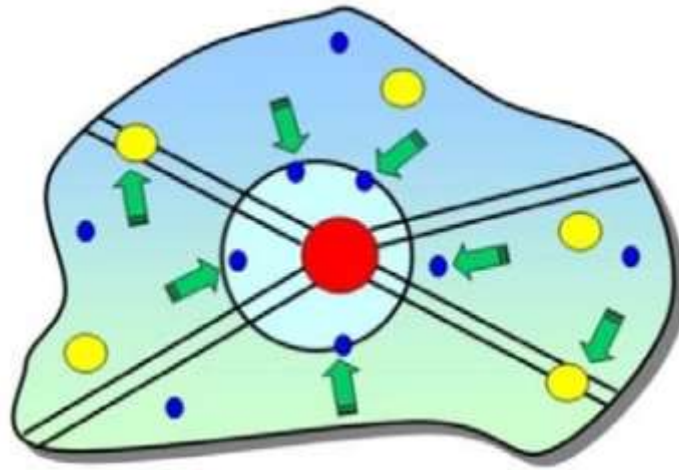
در این استراتژی نیز تقویت نیروی مایل به مرکز توصیه می‌شود. لیکن رشد لجام‌گسیخته مرکز

منطقه مانع از تقویت خود مرکز می‌گردد. این راهبرد از طریق یکی از سیاست‌های زیر دنبال می‌شود.

الف- تقویت مراکز درجه ۳ در اطراف مرکز منطقه

ب- سرمایه‌گذاری در مکان‌های نزدیک به خطوط اصلی تردد داخلی

ج- تقویت مکان‌های درجه ۲ در اطراف مرکز منطقه (عبداللهی، ۸۸: ۷۱).



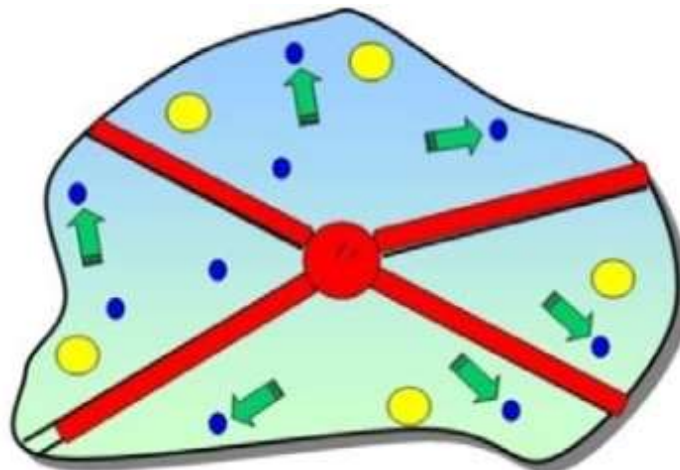
شکل ۹-۲ نمای فرضی استراتژی انسجام پراکنده، مأخذ: مرصوصی، ۱۳۸۹: ۵۴

### ۳- استراتژی گسترش متمرکز (Concentrated Expansion)

در این استراتژی تقویت نیروی گریز از مرکز توصیه می‌شود. لیکن این امر بایستی از طریق سرمایه‌گذاری‌های پراکنده در کل منطقه صورت گیرد. سیاست‌های دنبال کننده راهبرد گسترش متمرکز عبارت‌اند از:

الف - ایجاد محورهای توسعه در منطقه

ب- تقویت مراکز درجه ۳ در اطراف مرز منطقه و یا مراکز درجه ۲ واقع در منطقه (عبداللهی، ۸۸: ۷۲).

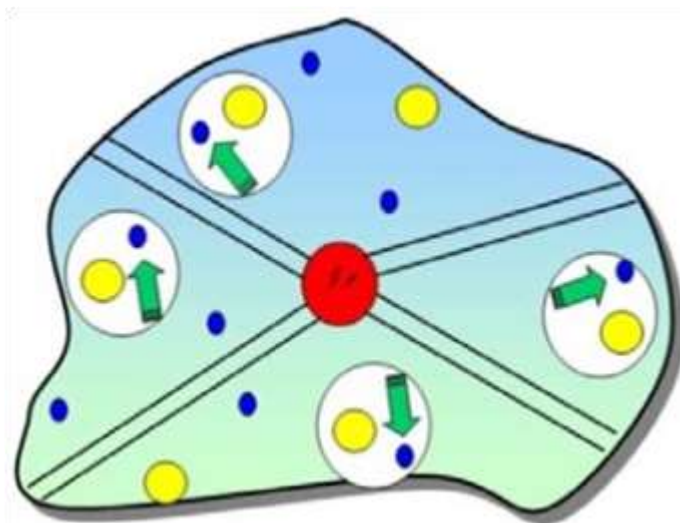


شکل ۱۰-۲ نمای فرضی استراتژی بسط متمرکز، مأخذ: مرصوصی، ۱۳۸۹: ۵۶



#### ۴- استراتژی گسترش پراکنده (Dispersed Expansion)

در این راهبرد به دلیل وجود بعضی محدودیت‌ها به لحاظ وسعت منطقه و حجم سرمایه‌گذاری یا تقویت نیروی گریز از مرکز از طریق توسعه مراکز مشخصی در اطراف مرز توصیه می‌شود. در این استراتژی نیز انتخاب تعداد معدودی مراکز درجه ۲ در اطراف مرز منطقه و یا ایجاد مراکز جدید منطقه‌ای بافاصله مناسبی از مراکز قبلی در اولویت قرار می‌گیرند (عبداللهی، ۸۸: ۷۲).



شکل ۱۱-۲ نمای فرضی استراتژی بسط پراکنده، مأخذ: مرصوسی، ۱۳۸۹: ۵۶

راهبرد بسط به دنبال تقویت نیروهای گریز از مرکز برای ایجاد انتظام فضایی است و راهبرد تثبیت به دنبال تقویت نیروهای مایل به مرکز، جهت ایجاد انتظام فضایی است. از نظر زمان نیز استراتژی بسط دنباله طبیعی استراتژی تثبیت است (عبداللهی به نقل از Hilhorst, 1971).

استراتژی تثبیت برای استان‌هایی مناسب است که از یک مرکز منطقه‌ای ضعیف برخوردارند و برای ایفای نقش مدیریت منطقه‌ای لازم است مرکز منطقه تقویت‌شده، در مراحل بعدی به بسط آن محورهای توسعه و مراکز توسعه درجه ۲ ارتقاء پیدا کند (سید فاطمی، ۱۳۸۹: ۵ به نقل از اردشیری، ۱۳۷۰). استراتژی بسط برای استان‌هایی مناسب است که از مرکز منطقه‌ای نیرومندی برخوردارند، لیکن دارای تعادل فضایی مناسب نیستند و امکانات و خدمات در سطح منطقه از توزیع نامتعادل برخوردار است (همان: ۲-۳).

## ۲-۱۱-۸ نظریه شهرهای انگلی و زایا

نظریه شهرهای زایا و انگلی اولین بار در سال ۱۹۳۸ توسط هوزلیتز مطرح شد. شهر زایا در رشد اقتصادی، منطقه‌ای که در آن واقع است فعالیت می‌کند و مقدار قابل توجهی از ارزش اضافی انباشته شده در خود را به سرمایه‌گذاری‌های (به منظور افزایش استخراج مازاد از مناطق روستایی مورد نظر) که سبب گسترش تولید می‌شوند، اختصاص می‌دهند. در حالی که شهر انگلی شهری است که از نظر اقتصادی، اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی بر یک حوزه تسلط کامل داشته باشد و در نقاط مختلف آن تأثیر منفی بر جای گذارد. در شهرهای انگلی جهان سوم، همواره میان شهر انگلی و منطقه نفوذ آن در مبادله مازاد عدم توازن دیده می‌شود، توزیع مجدد مازاد از حوزه‌های پیرامون به طرف شهر انگلی صورت می‌گیرد، نیروهای شهر مسلط انگلی حوزه‌های روستایی و منطقه نفوذ را مجبور می‌سازند تولیدات خود را جهت مصرف به مادرشهر صادر کنند و جریان مازاد همیشه یک طرفه است. در شهرهای جهان سوم نخبگان و قدرتمندان در مادر شهرهای بزرگ یا شهرهای مسلط زندگی می‌کنند و در نتیجه سرمایه‌گذاری در این شهرها، این تعداد محدود بر کل جامعه تسلط می‌یابند و تقسیم کار قشربندی میان شهر و حوزه‌های روستایی به موازات تقسیم کار و قشربندی در داخل مادر شهرها تکمیل می‌شود (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۷۴). این امر باعث عدم توازن در سلسله‌مراتب شهری می‌شود. در این رابطه گسترش و تقویت شهرهای میانی و کوچک باعث تعادل سیستم شهری شده و نقش شهر انگلی را کمرنگ تر می‌سازد.

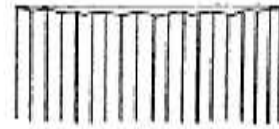
## ۲-۱۱-۹ الگوی تور و وزنه

در الگوی تور و وزنه‌ها، یک منطقه به شبکه‌ای از تور تشبیه شده و هر رشته‌ی نخ، نمایانگر ارتباطات و محل‌های تقاطع نخ‌ها نشانگر مراکز اسکان جمعیت است. با توجه به این مدل، شهرهای متوسط به دلیل داشتن ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، اداری و سیاسی، این قابلیت را دارند که مانند وزنه‌های تعادل‌بخش بافاصله‌ی کافی از شهر مسلط، سازمان فضایی منطقی را متوازن کنند. تقویت

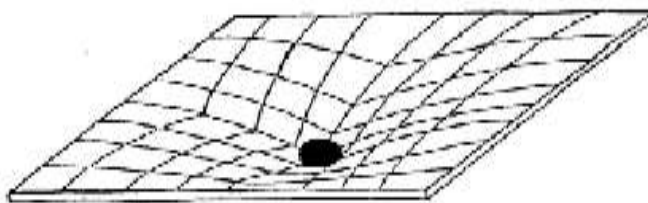
این شهرها به منزله آن است که بر سنگینی این وزنه‌ها افزوده شده و اختلاف شدید وزن آن‌ها به شهر اول کاهش یابد (حاتمی نژاد، ۱۳۹۰: ۲۶).



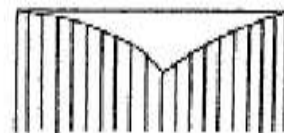
حالت اول: شبکه تور بدون وزنه‌ها



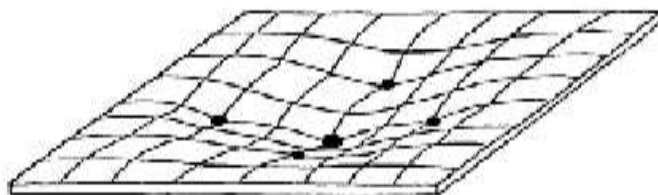
حالت اول: برش از میان تور



حالت دوم: شبکه تور با یک وزنه سنگین



حالت دوم: برش از میان تور



حالت سوم: شبکه تور با توزیع نسوبه وزنه‌های متوسط



حالت سوم: برش از میان تور

شکل ۱۲-۲ تأثیر تعادل بخش ایجاد چند وزنه دیگر در اطراف ثقل اولیه برای کاهش دامنه تأثیرگذاری وزنه اصلی، مأخذ: محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۵۶

## ۱۲-۲ نظریات و دیدگاه‌های مدافع نقش توسعه‌ای شهرهای متوسط

در ادامه مبانی نظری و در تکمیل آن به برخی تلاش‌هایی که در جهت تبیین نقش شهرهای میانی در توسعه منطقه‌ای انجام شده، اشاره می‌شود. پژوهشگرانی در این راستا کوشیده‌اند تا نظریه‌های

مختلف در ارتباط با نقش شهرهای میانی را بررسی و عوامل مؤثر در آن را شناسایی و دسته‌بندی کنند که در بخش‌های مختلف این پژوهش از آن‌ها به تناسب استفاده می‌شود و خلاصه‌ای از نتایج کار آن‌ها در ادامه خواهد آمد:

## ۲-۱۲-۱ رابرت هاکنبرگ (Robert A. Hackenberg)

الگوی شهرنشینی معاصر در جهان در حال توسعه بر اساس تجربیات گذشته کشورهای صنعتی یا مدل‌های شهر صنعتی است. دو تفاوت عمده به طور خاص، قابل توجه است. اول، بخش غیررسمی به عنوان یک کاراکتر اصلی شهرهای بزرگ ظاهر می‌شود، نقش مثبتی بر تعادل، در فرایند توسعه اقتصادی و تحول جمعیتی دارد. دوم، نواحی روستایی به شهر توسط فرم‌های تولید، زیرساخت و مدیریت نفوذ می‌کند. فرایند انتشار شهرنشینی که امکانات جدید برای پراکندگی رشد اقتصادی و الگوهای جدید تحرک اجتماعی و فضایی را معرفی می‌کند (Hackenberg, 1980: 391).

هاکنبرگ در اثر مطالعه شهرنشینی پراکنده و الگوهای نوین توسعه شهری و منطقه‌ای در فیلیپین با مطالعه موردی شهر دواو در جنوب این کشور به این نتیجه می‌رسد که تقویت شهرهای متوسط موجب ایجاد پیوندهای این شهرها با شهرها و شهرک‌های کوچک‌تر شده و در نتیجه توسعه موزون از «پایین به بالا» اتفاق می‌افتد (زبردست، ۱۳۸۳: ۲۷)؛ که این امر، مداخله دولت در ایجاد تعادل و توسعه موزون را مد نظر قرار می‌دهد.

## ۲-۱۲-۲ کلاس کانزمن (Klus, R. Kunzmann)

کانزمن با بررسی دلایل عدم تحقق برنامه‌های جامع توسعه منطقه‌ای، حمایت و تقویت شهرهای میانی را رمز موفقیت خط مشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌داند. او ضمن اشاره به نقش و عملکردهای شهرهای میانی در دستیابی به یک الگوی شهرنشینی متوازن و متعادل، توسعه هدایت‌شده کالبدی، اقتصادی و اجتماعی شهرهای متوسط را موجب تسریع موارد زیر می‌داند:

-تخفیف مشکلات شهرهای بزرگ تر

-تحرك بخشیدن به اقتصاد روستایی - منطقه‌ای

-کاهش اختلاف‌ها و نابرابری‌های مناطق

-افزایش توانایی‌های سیستم مدیریت - اجرا

- کاهش فقر شهری و کمک به تأمین نیازهای اساسی جوامع روستایی و شهری

- تحرك اقتصاد شهری و اشاعه نوآوری‌ها (زبردست به نقل از محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۸۹-۸۸).

کلاس کانزمن می‌گوید: «شهرهای میانی، بنا به موقعیت جغرافیایی‌شان، می‌توانند چهار عملکرد

داشته باشند:

الف- عملکرد تولیدی شامل تهیه کالا و ارائه خدمات برای مناطق کشاورزی اطراف

ب- عملکرد توسعه‌ای از طریق ایجاد، حمایت و تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی در منطقه

ج- عملکرد تسکینی یا تعدیلی به شکل جهت دادن و منحرف ساختن فشارهای توسعه از مادرشهر به

مناطق شهری انتخاب‌شده در حاشیه و اطراف مادرشهر (امکچی به نقل از کانزمن، ۱۳۶۴: ۶)

د- عملکرد مرزی، تبادل و دروازه‌ای، عملکرد دیگر یک شهر در داخل و خارج مرزهای اروپا از طریق

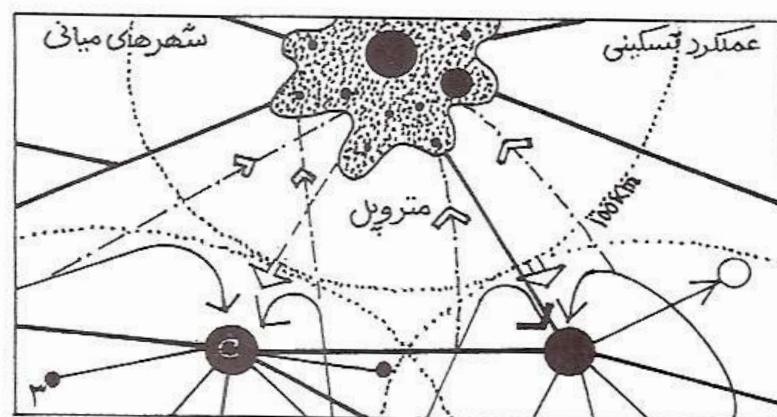
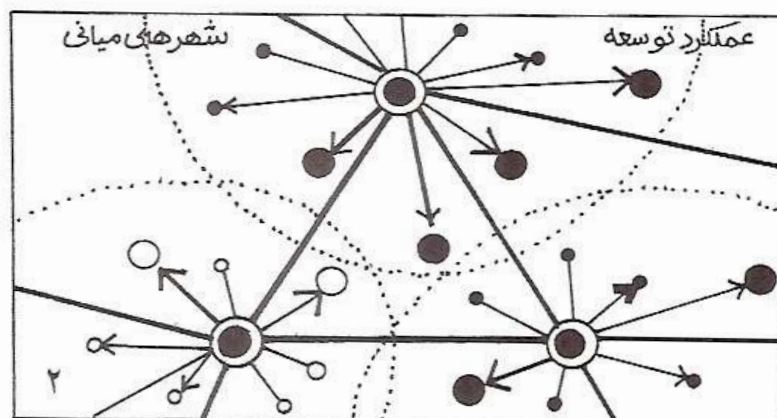
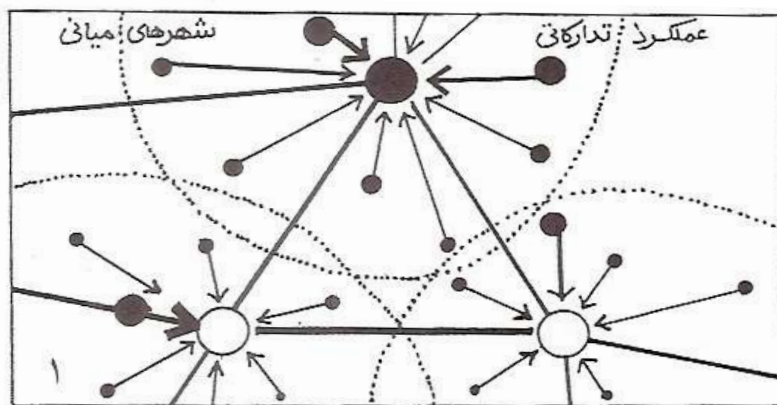
مرکز دروازه‌ای و مرکز تبادل فرهنگی (Kunzmann, 5).

وی معتقد است که این شهرها در تحرك ساختار اقتصادی سکونتگاه‌های پیرامون تأثیر مثبت

دارند. تسکین و کاهش مشکلات شهرهای بزرگ (با جذب بخشی از جریان‌های مهاجرت روستا-

شهری)، کمک به رونق اقتصاد شهری و روستایی، جذب مهاجرین روستایی و کاهش نابرابری‌های

منطقه‌ای را از جمله نقش‌های شهر متوسط می‌داند (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۹۱-۸۸).



شکل ۱۳-۲ سه عملکرد اصلی پیشنهادی برای شهرهای میانی، مأخذ امکچی، ۱۳۸۳: ۷۳

رشد تمرکز توسعه اقتصادی که بر مناطق شهری تأثیر می‌گذارد در سه دسته از شهرهای میانی

کاملاً متفاوت طبقه‌بندی می‌شود:

شهر متوسط در داخل مناطق کلانشهری، تأثیر زیادی بر روند توسعه ارضی دارد. آن‌ها ترکیبی

از مزایای زندگی در هسته مرکزی کلانشهر و در حومه شهر را پیشنهاد می‌کند. معمولاً، چنین

شهرهایی سابقه‌ای طولانی، هویت و درجه بالایی از زیست پذیری را دارند که منعکس کننده سنت‌های ریشه‌دار محلی است، اتصال از طریق جاده و راه‌آهن است. آن‌ها (شهرهای میانی) مکان‌های مورد علاقه برای خانواده‌هایی که به سبک زندگی سنتی علاقه دارند و یا به خارج از هسته کلانشهر توسط بازار املاک و مستغلات رانده شده، هستند. علاوه بر این، دسترسی آسان به فرودگاه کلانشهر باعث می‌شود سفرهای کسب و کار یک روزه در اروپا امکان پذیر باشد. به عنوان یک قاعده چنین شهرهای متوسطی پیشرفت می‌کنند. آن‌ها از لحاظ جمعیت و توسعه اقتصادی رشد می‌کنند. بودجه‌شان سالم و آن‌ها می‌توانند استانداردهای بالای زیرساخت‌های عمومی را حفظ کنند. مدیریت عمومی کارآمد و مشارکت عمومی خصوصی می‌توانند به راحتی ساماندهی شوند.

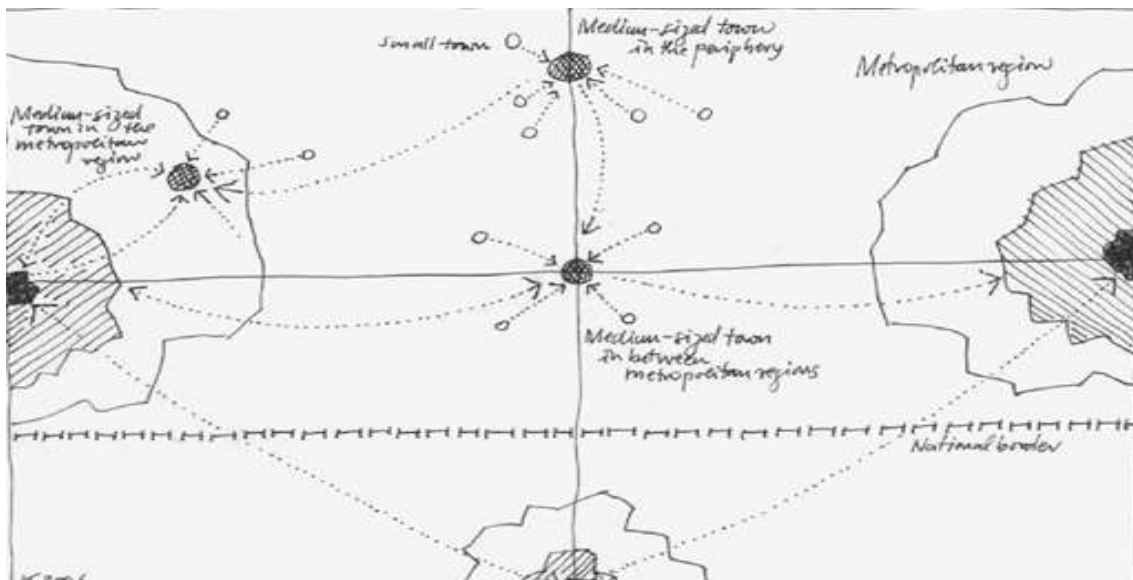
با این حال، نوع دیگری از شهرهای متوسط در داخل مناطق کلانشهری، روستاهای سابق در لبه مرکز کلانشهر هستند که به سرعت بیشتر از دهه‌های گذشته افزایش یافته، گسترش شهری و فشار توسعه را ناشی می‌شوند. با بهره‌گیری از حق خودمختاری‌شان، آن‌ها با موفقیت، مخالف گنج‌نیده شدن به هسته شهر هستند.

شهرهای متوسط در بین یا روی لبه مناطق کلانشهری در بین موقعیت‌های مختلف هستند. آن‌ها می‌توانند در توسعه مناطق کلانشهری مفید باشند. اگر آن‌ها به هسته توسط سرویس‌های مترو متداول و کارآمد، یا اتصالات آزاد مناسب و متراکم به سیستم شاهراه متراکم کلانشهر لینک شوند. تحت چنین شرایطی عملکرد شهرها مثل جزیره برون مرزی در خارج از مناطق کلانشهری در یک محیط روستایی، با تمام امکانات طبیعی خود، جاذبه‌های گردشگری و پتانسیل زیست‌محیطی، به راحتی به جاذبه‌های هسته کلانشهری در عرض یک ساعت زمان رفت و آمد می‌رسد. املاک و مستغلات حتی اینجا ارزان تر است. خانواده‌های جوان، توسط تنوع فرصت‌های شغلی در منطقه کلانشهری جذب می‌شوند و پذیرش فاصله رفت و آمد طولانی، اینجا را برای ملک مقرون به صرفه و مناسب می‌نماید.

به هر حال اگر چنین شهرهایی ضعیف به هسته کلانشهری متصل شوند، آن‌ها با مشکلات

مشابه در پیرامون شهرها مواجه می‌شوند، اگرچه به طور بالقوه در حوزه نفوذ کلانشهرها قرار دارند آن‌ها (شهرهای میانی) خانوارها و بنگاه‌های کمتری را جذب می‌کند. از نظر اقتصادی، جمعیت فعال بیشتر تمایل به ترک دارند، جمعیت باقی‌مانده و زیرساخت‌های عمومی فرسایش می‌یابد. اعمال نفوذ برای اتصال فیزیکی بهتر به هسته کلانشهر یک فرصتی برای روند معکوس منفی در درازمدت، بسیج درونی اراضی سرمایه‌ای است.

شهرهای میانی در پیرامون اروپا بازنده نسبی جهانی شدن هستند. اتصالاتشان به شبکه حمل‌ونقل ملی، اروپا (هوایی، راه‌آهن و جاده) ضعیف است. از این رو اقتصاد محلی از ضرر محلی شدن رنج می‌برد. در نتیجه سرمایه‌گذاری کمی در داخل می‌شود، با این امر، توجه به پارلن‌های عمومی عظیم و امتیازات قانونی داده‌شده، چنین سرمایه‌گذاری را به خود جلب می‌کند. در نتیجه بازار کار جذابیت سابق خود را از دست می‌دهد و فرصت‌های آموزش برای مدارس کاهش می‌یابد. بیکاری بلندمدت رشد می‌یابد. جوان، از نظر اقتصادی، خانوارهای فعال متمایل به ترک شهر و مهاجرت به مناطق کلانشهری با تنوع بازار کار هستند (Kunzmann, 5-7).



شکل ۱۴-۲ سه دسته‌بندی از شهرهای میانی، مأخذ: Kunzmann, 9

## ۲-۱۲-۳ نیل هنسن (Neil Hansen)

نظریه‌های اولیه او در مورد شهرهای کوچک و میانی که از بررسی تاریخی دیدگاه‌ها و



راهبردهای فضایی توسعه، عمدتاً قطب رشد و مفاهیم مرتبط با آن و نقد آن‌ها حاصل شده است، رشد شهرهای کوچک و میانی در کشورهای در حال توسعه را با توجه به اهمیت منابع انسانی و نیازهای اساسی برای توسعه، راه حل مناسبی برای پیشرفت و توسعه این کشورها می‌داند. در واقع شهرهای کوچک و میانی رشد و عدالت و رفاه عمومی را با یکدیگر پیوند می‌زند. او پارادایم سیاست سرمایه‌گذاری منطقه‌ای [برای دستیابی به توسعه موزون و تعادل فضایی] را به شرح زیر مطرح می‌کند: در کشوری با یک نخست شهر، بعید است که باقیمانده سرزمین آن از منظر توسعه یکنواخت باشد. مناطقی با گرایش صنعتی، مناطقی دارای پتانسیل رشد کشاورزی و نیز مناطقی با حداقل مزیت‌های توسعه وجود خواهند داشت. در مقایسه با نخست شهر، مناطق مذکور مناطق عقب‌مانده و نخست شهر را منطقه میانی می‌نامیم (زبردست، ۱۳۸۳: ۲۸-۲۹).

#### ۲-۱۲-۴ منرس فیلهو (Naércio Aquino Menezes-Filho)

عملکرد نادرست سیستم‌های موجود ناشی از تجمع و تمرکز انسان و فعالیت و سرمایه، باید به طریقی اصلاح شود و در این میان شهر متوسط می‌تواند عملکرد بد را به حداقل برساند. فیلهو معتقد است که شهر متوسط به عنوان یک مرکز تجاری، نقطه پخش ارزش‌ها و فواید نظام اقتصادی - اجتماعی مربوط به بخش خودش است و نقش آن در انتقال، اساسی است. پایه و اساس تحلیل او برنامه بلندمدت شهرهای متوسط در برزیل می‌باشد (محمد زاده تیتکانلو: ۱۳۸۱، ۹۶).

#### ۲-۱۲-۵ جو. یو. آمو (J.U.Umo)

جو. یو. آمو نقش شهرهای متوسط را در مهار رشد شهرهای بزرگ و مقابله با مسایل نخست شهری و توزیع عادلانه امکانات در پهنه سرزمین و تقویت یکپارچگی فضایی و رفع نابرابری‌ها و همچنین انتقال توسعه و نوسازی به روستاها می‌داند. فرضیه اساسی او در این است که رشد قطبی شده در الگوی نخست شهری گرایش به دوگانگی فضایی دارد و منافع یکپارچگی فضایی اقتصاد ملی است و توسعه شهرهای متوسط، یکپارچگی اقتصادی و فضایی کشور را تسهیل می‌کند و این موضوع

یعنی تقویت شهرهای متوسط به همراه حمایت از شهرهای کوچک می‌تواند یک راهبرد برای توسعه فضایی باشد. (محمد زاده تیتکانلو: ۱۳۸۱، ۹۸) او راهبرد توسعه فضایی ملی خود را تحت عنوان (SAIC) مطرح می‌کند که با اجرای آن انتظار می‌رود موارد زیر اتفاق بیفتد:

- شهرهای کوچک و متوسط به عنوان نقاط جاذب مهاجرین عمل کند.  
- ایجاد نظام‌های توسعه‌یافته‌ای از شهرهای کوچک و میانی در چارچوب یک راهبرد ملی شهرنشینی، می‌تواند یکپارچگی فضایی و اقتصادی کشور را به همراه داشته باشد.  
- توسعه شهرهای کوچک و حمایت از شهرهای متوسط می‌تواند توسعه و نوسازی روستاها را موجب شود.

- دسترسی به نیازهای اساسی و توزیع متعادل امکانات در شهرهای کوچک و بزرگ محقق می‌شود.  
- شهرهای کوچک و متوسط می‌توانند در نوسازی صنعت و مدرنیزاسیون کشاورزی سهم قابل توجهی داشته باشند.

- با توجه به قابلیت‌های موجود در شهرهای کوچک و میانی و ظرفیت‌های بالقوه آنها، سرمایه‌گذاری در این شهرها از سرمایه‌گذاری در کلان‌شهرهای اشباع‌شده باصرفه‌تر است (زبردست به نقل قول از Umo، ۱۹۸۳: ۳۲۸-۳۳۰ و محمد زاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۹۹-۹۷).

## ۲-۱۲-۶ ویلیام آلنسو (William Alonso)

آلنسو معتقد است که برای توزیع جمعیت در سکونتگاه‌های کشور، سهمی را که شهرهای بزرگ می‌توانند جذب کنند، تعداد بیش‌ماری از شهرهای کوچک به دلیل محدودیت مقیاس نمی‌توانند بپذیرند و اگر تلاش‌ها در جهت اتکا بیش از حد به شهرهای کوچک باشد، نتایج نامناسبی به بار نخواهد آمد. شهرهای متوسط (میانه) به دلیل مناسبی جهت پذیرش سهم بیش‌تری از کل جمعیت افزون‌شده کشور هستند و قادر به پذیرش سهمی از جمعیت در مقابل رشد شهرهای بزرگ خواهد بود؛ زیرا از توانایی‌های بالقوه‌ای برخوردارند که ناشی از صرفه‌های مقیاس این شهرهاست (محمد زاده

## ۲-۱۲-۷ دنیس راندینلی (Dennis Rondinrlli)

راندینلی ضمن بررسی مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فضایی و سیاسی شهرهای بزرگ و هزینه‌های مقابله با آنها چنین نتیجه می‌گیرد که با ظرفیت‌سازی برای رشد شهرهای میانی فشارهای جمعیتی بر شهرهای بزرگ کاهش می‌یابد و این شهرها به درجه‌ای از رشد خواهند رسید که قابل مدیریت باشد. او چندین نقش را برای شهرهای میانی پیشنهاد می‌کند، از جمله:

- شهرهای میانی از مشکلات که امر مسکن، حمل‌ونقل، اشتغال، آلودگی و تأمین خدمات شهری در بزرگ‌ترین شهرها ایجاد می‌کند، می‌کاهد. امروزه این مسائل در شهرهای بزرگ آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به روشنی مشاهده می‌شود.

- شهرهای میانی از نابرابری‌های ناحیه‌ای می‌کاهند، زیرا امکانات و خدمات عرضه‌شده در حوزه‌های مادرشهری، از شهرهای میانی بیشتر است و گسترش خدمات و امکانات در شهرهای میانی، نابرابری‌های موجود را کاهش می‌دهد و جمعیت بیشتری را در ناحیه از این قبیل خدمات بهره‌مند می‌کند.

- شهرهای میانی از طریق ایجاد خدمات، امکانات و بازارها برای تولیدات کشاورزی حوزه‌های روستایی، اقتصاد روستایی را تحرک و پویایی می‌بخشد. البته در بیشتر کشورهای روستایی، مانند هند، پاکستان و اندونزی، تعداد شهر میانی نسبت به جمعیت آنها کافی نیست، درحالی‌که هر کدام دارای چندین مادرشهر بزرگ است.

- شهرهای میانی، تمرکز اداری را در شهرهای بزرگ کاهش می‌دهند. در این صورت تمرکز سرمایه‌گذاری در شهرهای بزرگ صورت نمی‌گیرد و برای سرمایه‌گذاری‌های بخش عمومی و خصوصی در شهرهای میانی و دیگر شهرها زمینه‌های مساعد ایجاد می‌شود.

- سرمایه‌گذاری در شهرهای میانی، فقر را کاهش می‌دهد؛ زیرا در بعضی از کشورهای در حال توسعه، جلوه‌های فقر، بیشتر در شهرهای میانی و کوچک دیده می‌شود. سرمایه‌گذاری در این شهرها برای بیکاران و مهاجران روستایی فرصت‌های اشتغال ایجاد می‌کند. همچنین از فشارهای مهاجرتی و جمعیتی در بزرگ‌ترین شهرها می‌کاهد، در نتیجه سیستم پویای سکونتگاهی در سطح ملی سامان می‌یابد.

تمرکز بیش از حد هزینه‌های عمومی و نیز الگوی سرمایه‌گذاری به نفع کلان‌شهرها باعث مهاجرت به این شهرها می‌شود که با ایجاد شبکه‌ای از شهرهای میانی یکپارچه و تقویت شده می‌تواند منجر به تمرکززدایی سرمایه‌گذاری خصوصی و نهایتاً توسعه موزون در سطح ملی شود. (زبردست به نقل از Rondinelli، ۱۹۸۳: ۱۳-۱۶ و محمد زاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۱)

## ۲-۱۲-۸ جرج هاردوی و دیوید سترث وایت (Gorge Hardoy & David Satterthwait)

هاردوی و ساترتوایت در مورد قابلیت تعمیم تمام ویژگی‌های مشترک شهرهای متوسط تردید دارند. همچنین ضعف پایه اقتصادی شهرهای متوسط را در ضعف پایه اشتغال و بنیان‌های اقتصاد کل کشور می‌دانند؛ بنابراین معتقدند که توسعه شهرهای متوسط و کوچک اساساً تحت تأثیر سیاست‌ها و گرایش‌های دولت در ارتباط با اقتصاد کلان می‌باشد. آن‌ها با دسته‌بندی نیروهایی که بر یک منطقه و مراکز شهری آن اثر می‌گذارند چنین می‌پندارند که ساختار حکومت و نحوه توزیع قدرت و منابع در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی دولت نهادها آثار مهمی بر شهرهای کوچک و متوسط دارد؛ بنابراین ساختار محلی یا منطقه‌ای تولید و نظام شهری موجود، محیطی را تشکیل می‌دهند که مراکز شهری کوچک و متوسط را باید درون آن و به عنوان بخشی از آن مطالعه کرد (محمد زاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۱۰۸).

## ۲-۱۲-۹ آمیتاب کاندا (Amitabh Kundu)

آمیتاب کاندا، محقق هندی با بررسی روندهای شهرنشینی در هند و تحلیل ساختار شهرنشینی

در آن کشور، به تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و جمعیت در شهرهای بزرگ می‌پردازد و به نابرابری‌های منطقه‌ای در دسترسی به امکانات اساسی اشاره می‌کند. او با بررسی میزان دسترسی به این امکانات بر حسب اندازه شهرها به این نتیجه می‌رسد که تعداد کمی از شهرهای بزرگ توانسته‌اند رشد اقتصادی جدی را تجربه کنند (اشاره به بی‌صرفگی‌های ناشی از مقیاس) و شهرهای کوچک نیز نتوانسته‌اند به طور موثر و کارآمد مسئولیت‌ها توسعه‌ای را بر عهده بگیرند (زبردست به نقل از محمد زاده تیتکانلو: ۱۳۸۱، ۱۰۸).

## ۲-۱۲-۱۰ بکر و موریسون (Becker & Morrison)

بکر و موریسون با مطالعه سیاست‌های عمومی و مهاجرت روستایی شهری، تحولات جهانی شدن اقتصاد و گرایش‌های آزادسازی اقتصاد را مدنظر قرار می‌دهد و ایجاد تغییراتی را در راهبردهای شهرنشینی، توسعه منطقه‌ای و سیاست‌های جمعیتی مطرح می‌کنند. آن‌ها معتقدند که پیامدهای سیاست‌های عمومی بر شهرنشینی و مهاجرت‌های روستایی شهری تأثیر گذارند. با توجه به نظریه‌های اخیر مبنی بر اینکه مهاجرت روستایی شهری علاوه بر درآمد، از تسهیلات شهری، بودجه شهرداری‌ها، خدمات عمومی و مسکن در شهرها تأثیر پذیر است، آن‌ها به انواع سیاست‌های منطقه‌ای و راهبردهای هدایت مهاجرت‌ها و اسکان مجدد جمعیت اشاره می‌کنند و بر این باورند که در این سیاست‌ها، زیرساخت‌های لازم در شهرهای کوچک و میانی باید ایجاد شوند، در غیر این صورت این تصمیمات تأثیر منفی بر کشاورزی منطقه خواهد داشت (زبردست، ۱۳۸۳: ۳۸).

## ۲-۱۲-۱۱ اشمیت و هنری (Schmitt & Henry)

اشمیت و هنری برای بررسی اثرات اندازه شهر و رشد شهرها بر تغییرات جمعیت روستایی و نیز تغییرات اشتغال، از مدل میلز، بارنت و کارلینو استفاده کرده‌اند. آن‌ها با انجام مطالعات موردی در شهرهای فرانسه به این نتیجه رسیده‌اند که اندازه مراکز شهری، نرخ رشد جمعیت و نرخ رشد اشتغال شهری بر جمعیت روستایی و تغییرات اشتغال تأثیرگذار است و در این میان شهرهای میانی بیش‌ترین

اثر مثبت را بر تغییر جوامع روستایی داشته‌اند. آن‌ها ضمن نقد نگرش یک‌سویه به توسعه شهری بر روابط متقابل و دوسویه شهر و روستا تاکید می‌کنند. نتیجه یافته‌های اشمیت و هنری را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- مکان‌های روستایی توسط تغییراتی که در ساختار فضایی شهر اتفاق می‌افتد، تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

- جمعیت و شاغلان روستایی شدیداً به نرخ رشد و اندازه مرکز شهر و حاشیه شهر بستگی دارد.  
- اندازه نرخ رشد اشتغال مرکز شهر و نیز جمعیت و شکل مرکز شهر بر روی افزایش تغییرات و شاغلان در جوامع روستایی فرانسه تأثیر می‌گذارد.

- شهرهای میانی که حداقل از متوسط نرخ رشد اشتغال در مناطق مرکزی و حاشیه‌ای برخوردار هستند، شدیدترین اثرات مثبت را بر روی تغییرات جمعیت جوامع روستایی دارند (زبردست، ۱۳۸۳: ۳۹).

## ۲-۱۲-۱۲ ام. پراکاش ماتور (Mathur)

ام. پراکاش ماتور با مطالعه نتایج به دست آمده از بررسی میزان رضایت کشورها از نحوه توزیع فضایی سکونتگاه‌های خود که توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۶ انجام شده بود، به این نتیجه می‌رسد که اغلب کشورهای در حال توسعه به سوی الگوی غیرمتمرکز توسعه فضایی که در آن تقویت شهرهای کوچک و متوسط محور اصلی این سیاست‌هاست، گرایش پیدا کرده‌اند. او در بررسی علل چنین گرایشی، سه عامل زیر را در این زمینه تعیین‌کننده تشخیص می‌دهد (زبردست، ۱۳۸۳: ۲۷).

الف - کارایی: کارایی اقتصادی شهر زمانی که به سطح معینی از جمعیت برسد، رو به کاهش می‌گذارد. مقیاس یا اندازه اقتصادی شهر نامحدود نیست و زمانی که این اندازه به سطح معینی از جمعیت برسد، زیان‌های اقتصادی جانشین صرفه‌های اقتصادی شده، افت کارایی شهر را موجب می‌شود. هزینه سرانه تهیه زیربنایها و خدمات شهری پس از اینکه شهر به حد معینی از جمعیت

می‌رسد به صورت نامتناسب رشد کرده، نگهداری و توسعه شهرهای بزرگ را برای کشورهای در حال توسعه پر هزینه‌تر می‌سازد. پس ارجحیت با چنان شهرهایی خواهد بود که هزینه نهایی خدمات و زیربناها در آن‌ها حداقل است یا کمترین هزینه ممکن را در بردارند.

**ب - عدل و برابری با نظریه توزیع متوازن جمعیت:** توزیع متعادل جمعیت برای تحقق اهداف توسعه ملی سودمندتر است. تمرکز بی‌رویه جمعیت در چند مرکز شهری بزرگ، حالت وابستگی و دوگانگی را موجب می‌شود و یکپارچگی و به هم پیوستگی ملی را مختل می‌سازد. به علاوه، الگویی که در آن جمعیت شهری، فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در چند مرکز محدود متمرکز شده باشد، الگویی استثمارگرانه بوده، به انتقال منابع از شهرهای کوچک و نواحی روستایی به مراکز بزرگ و کلان‌شهر منتج می‌گردد. از این رو، توزیع متوازن جمعیت ارجحیت دارد.

**ج- شکست عملکرد تنزیل تدریجی (نظریه قطب رشد):** تا زمانی که رشد محدود به چند شهر بزرگ باشد بیشتر به تشدید و تمديد روند رشد در این مراکز گرایش وجود دارد تا انتقال تدریجی آن به مراکز شهری کوچک‌تر توزیع فضایی باید بر مبنای سیاست‌های عمومی و اندیشه‌ای که برای توسعه آتی مناسب و قابل است، تغییر یابد. بر این اساس، گرایش به شهرهای کوچک و میانی مطرح می‌شود (امکچی، ۱۳۸۳ به نقل از ماتور، ۱۳۶۸: ۱۰۸).

ام.پراکاش، ماتور می‌گوید: «برخی تحلیلگران بر این باورند که شهرهای میانی باید عملکرد مرکزیت مکانی را بر عهده گیرند که مشتمل بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی آنان است (شکویی: ۱۳۷۷: ۹۰).

با توجه به نظریات ارائه‌شده در بالا که بر گسترش و تقویت شهر میانی اذعان داشتند، نظریه کلاس کانزمن که بر عملکردهای شهر میانی اشاره دارد، در راستای برقراری تعادل و تعدیل دوگانگی‌ها در منطقه آذربایجان، گسترش و تقویت جایگاه شهرهای میانی با عملکردهای متنوع به عنوان یکی از موارد سازنده چارچوب نظری پژوهش، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

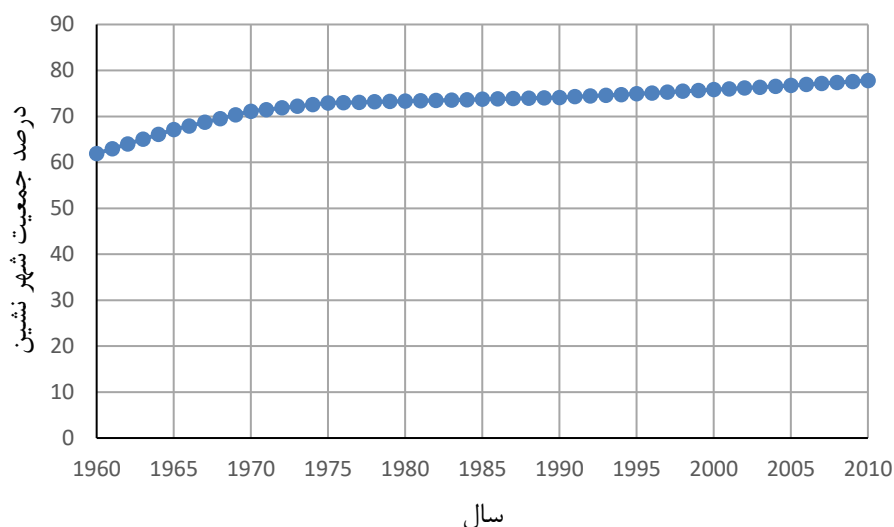
## ۱۳-۲ بررسی تجربیات کشورها در ارتباط با شهر میانی

جمعیت و اندازه مطلوب شهر از روزگار کهن ذهن اندیشمندانی چون افلاطون (شهر شایگان یا آرمان شهر با ۵۰۴۰ نفر)، ابنزهود (باغشهر با ۳۰۰۰۰ نفر) و... را به خود مشغول ساخته است؛ اما روند شتابان رشد جمعیت و به تبع آن رشد شهرنشینی بعد از انقلاب صنعتی به صورت افسارگسیخته، برنامه‌ریزی برای حد مطلوب سکونتگاه را با چالش‌هایی از جمله نخست شهری، عدم تعادل منطقه‌ای و... مواجه ساخته است. از این رو کشورهای مختلف برای ساماندهی این چالش‌ها، رویکردهای متفاوتی را پیش رو گرفتند. یکی از راهبردهای تعادل بخشی توجه به نقش و جایگاه شهر میانی در نظام شهری در راستای برقراری عدالت فضایی است؛ بنابراین در اینجا به بررسی و مرور تجربیات کشورهای هند، چین، فرانسه، مکزیک و کره جنوبی و استراتژی‌های آنان در رابطه با شهر میانی پرداخته می‌شود.

### ۱-۱۳-۲ فرانسه

طبق آخرین سرشماری جمعیت فرانسه در سال ۲۰۱۲ در حدود ۶۵,۶۳۰,۶۹۲ نفر می‌باشد (جمعیت فرانسه، ۲۰۱۱) که جمعیت شهری حدود ۷۷/۴۰ درصد و جمعیت روستایی حدود ۲۲/۶ درصد آن را تشکیل می‌دهند. نرخ رشد جمعیت شهری ۰/۸ درصد و نرخ رشد جمعیت روستایی ۰/۴- درصد می‌باشد (جمعیت شهری در فرانسه، ۲۰۱۲).





شکل ۱۵-۲ تحولات جمعیت شهرنشین فرانسه، مأخذ: International Monetary Fund - 2011 World Economic Outlook

پس از جنگ جهانی دوم و آغاز برنامه بازسازی کشور، مسئله تمرکز شدید جمعیت و منابع در پاریس و فقدان تعادل فضایی به دنبال انتشار کتاب گراویبه به نام پاریس و بیابان فرانسه آشکار شد. بدین ترتیب ضرورت تفکر آمایشی بر پایه تعادل و برقراری عدالت فضایی در پهنه سرزمین احساس گردید. در این راستا یکی از استراتژیهای مطرح شده در طرح آمایش فرانسه، سیاست تمرکززدایی از مرکز بود.

در راستای تمرکززدایی، تقویت و یا ایجاد چند مادر شهر متعادل کننده در برنامه توسعه پنجم فرانسه پیش‌بینی شد و سپس در برنامه ششم توسعه حمایت ویژه از شهرهای متوسط به عمل آید. خط مشی‌های اساسی برای تمرکززدایی شهری در فرانسه عبارت از ایجاد تجهیزات شهری، جذب سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل و ارتباطات و مانند آن بود (محمد زاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۴۲).

در واقع از ۱۹۶۰ بدین سو بود که به همراه سیاست‌های تمرکززدایی، مقوله انتخاب کلان‌شهرهای تعادل‌بخش برای پذیرش فعالیت‌هایی که بیشتر در پاریس متمرکز بودند طرح شد. این نقاط به عنوان قوه محرکه توسعه مناطق حوزه مربوط به خود نیز عمل می‌کردند. همچنین سال‌های

۱۹۷۳-۱۹۷۹ با نوعی بازنگری در سیاست‌های شهری کشور فرانسه همراه بود که در آن شهرهای کوچک و متوسط ۱۰۰-۲۰ هزار نفری مورد توجه قرار گرفتند و با پیشنهاد اجرای طرح‌هایی برای سازمان‌دهی مجدد آن‌ها بر نقش‌شان در نظام سکونتی کشور تاکید شد. سال‌های پس از ۱۹۷۵ نیز شاهد طرح مسائلی در خصوص توجه به شهرهای ۵ تا ۲۰ هزار نفری هستیم که با قصد برانگیختن توسعه اجتماعی و اقتصادی از طریق این شهرها در حوزه اطرافشان چگونگی سازمان‌دهی نهاده‌های لازم برای این حرکت در شهرهای کوچک (۵ تا ۲۰ هزار نفری) مورد توجه قرار گرفت (امکچی، ۱۳۸۳: ۸۶) که این برنامه با توجه به موارد زیر توجیه شده بود:

- هزینه توسعه شهری در شهرهای میانی در مقایسه با شهرهای بزرگ کمتر است.

- هزینه استقرار بنگاه‌ها در این‌گونه شهرها کمتر است.

- این شهرها در مقایسه با محیط‌های روستایی، از امتیاز زندگی شهری یعنی بهره‌مندی از

خدمات فرهنگی، آموزشی، درمانی و تفریحی برخوردار هستند.

این برنامه با این هدف دنبال می‌شد که «این شهرها مرحله‌ای از مهاجرت روستاییان به شهرها

نباشد، بلکه مهاجران برای همیشه در همین شهرها متوطن شوند» (زبردست، ۱۳۸۳: ۵۴).

## ۲-۱۳-۲ هند

طبق آخرین سرشماری جمعیت هند در سال ۲۰۱۱ در حدود ۱,۲۱۰,۱۹۳,۴۲۲ نفر می‌باشد

(جمعیت شهری هند، ۲۰۱۱). که جمعیت شهری حدود ۳۱/۱۶ درصد و جمعیت روستایی

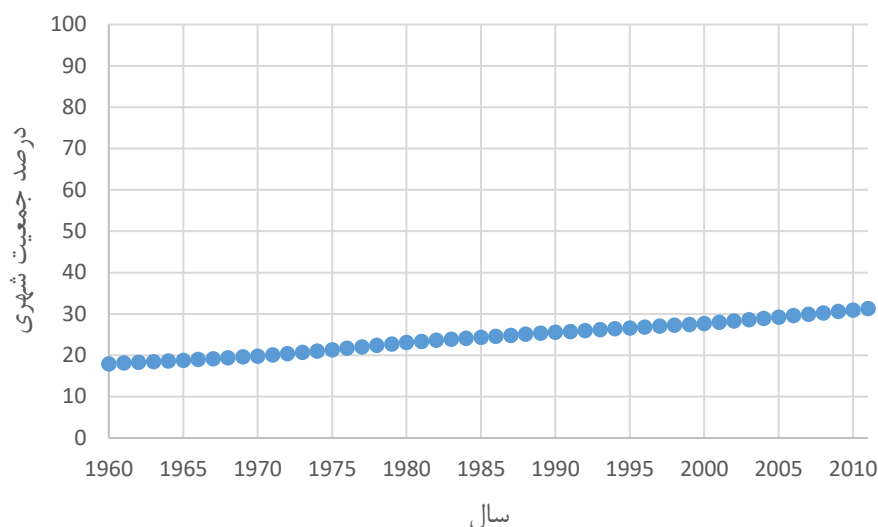
حدود ۶۸/۸۴ درصد آن را تشکیل می‌دهند (توزیع جمعیت شهری هند، ۲۰۱۲). اگرچه هند هنوز

کشوری روستایی باقی‌مانده، اما رشد بخش شهری آن، هم از نظر میزان مطلق و هم از نظر درصد،

سهام آن از کل جمعیت، در قرن اخیر با سرعت زیاد فزونی گرفته است (امکچی، ۸۳: ۱۰۵). نرخ رشد

جمعیت شهری ۲/۴ درصد و نرخ رشد جمعیت روستایی ۱ درصد می‌باشد (رشد جمعیت شهری

۲۰۱۰).



شکل ۱۶-۲ تحولات جمعیت شهرنشین هند، مأخذ: <http://www.indexmundi.com/facts/india/urban-population>

روند شهرگرایی در دوران قبل از استقلال هند (سلطه انگلیس) براساس سیاست‌ها و منافع استعماری انگلیس بود که باعث رشد و گسترش برخی شهرها (همراه با زیرساخت‌ها) منتخب شد که این امر روند قطبی‌گرایی شهرنشینی و اختلاف بین نظام شهری هند را تشدید کرد.

در دوران پس از استقلال هند برای این کشور همراه بود با رشد اقتصادی بیشتر و پیروی از الگوی توسعه صنعتی که شهرنشینی با نرخ بالاتر از پیش را برای کشور به ارمغان آورد. رشد کشاورزی نیز موجب پدیدار شدن شهرهای کوچک شد که با حوزه اطرافشان دارای ارتباطات حیاتی بودند؛ اما رشد جمعیت با نرخ‌های غیر همسان در شهرهایی با اندازه‌های متفاوت بود؛ زیرا به رغم رشد سریع جمعیت، فقط چند شهر بزرگ بودند که از این رشد برخوردار شده و شهرهای کوچک به کندی رشد می‌کردند (امکچی، ۸۳: ۱۰۶).

در سال ۱۹۷۵ در ایالت بوپال، کنفرانسی در مورد شهرهای کوچک و متوسط تشکیل شد که در آن به رشد فزاینده جمعیت شهری و عدم توانایی شهرهای کوچک و متوسط برای مهار رشد کلان‌شهرها پرداخته شد که این امر نیازمند برنامه‌ریزی کارا و بلندمدت است.

بدین ترتیب گروه کار برای بررسی این مساله تشکیل شد و دستیابی به الگوی صحیح توزیع مراکز جمعیتی و سلسله‌مراتب سکونتگاه‌های شهری را در دستور کار خود قرارداد. برنامه پنج ساله

ششم‌ه‌ند، حاصل فعالیت گروه کار را که به صورت پیشنهاداتی در ذیل از آن یاد می‌شود در نظر گرفت:

- مراکز فعالیت و سرمایه‌گذاری باید با سیاست‌های تشویقی به شهرهای کوچک یا یک روستای مرکزی از میان مجموعه‌ای از روستاها انتقال یابند

- نهاده‌های فیزیکی و مدیریتی و مالی باید برای برانگیختن اقتصاد روستایی تأمین شود.

- ارتباط سلسله‌مراتبی شهرهای کوچک با بزرگ‌ترین سکونتگاه شهری همان حوزه برقرار شود.

- تهیه طرح جامع برای ۵۷۵ شهر و پیش‌بینی و تأمین زیرساخت‌ها، بهبود شبکه ارتباطی و

سیستم فاضلاب، خانه‌سازی و تأمین بهداشت در جهت ارتقا سطح کیفی این نقاط جمعیتی صورت پذیرد.

این سیاست‌ها ایجاد شهرهای جدیدی خارج از شبکه شهرهای بزرگ را موجب شدند. بدین قرار

مراکز شهری سطوح پایین‌تر در پاسخ به تصویر کلی توسعه اقتصادی، در نواحی که دارای رشد کشاورزی بالایی بود، رشد کردند (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

این تنوع در مشاغل، صنعتی کردن کشاورزی و مدرنیزه کردن صنایع کوچک به عنوان

محركه‌های مناسبی برای سرعت بخشیدن به رشد جمعیت این رده از شهرها عمل کردند و سال‌های دهه ۱۹۷۰ را با افزایش سهم شهرهای متوسط از جمعیت شهری کشور، همراه کردند (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

خط مشی اساسی برای کاهش آثار تمرکز رشد شهری و مقابله با پدیده نخست شهری در این

کشور تمرکززدایی صنعتی می‌باشد. فرضیه اصلی در الگوی تمرکززدایی صنعتی و توسعه شهری به عنوان دو پدیده همبسته با یکدیگر این است که شهرنشینی غیرمتمرکز می‌تواند به جلوگیری از تمرکز شهری بینجامد (محمدزاده تیتکانلو، ۴۴: ۱۳۸۱).

کمیسیون ملی شهرنشینی هند طرح جامعی را برای ۶۰۰ شهر تحت عنوان «شهرهای با اولویت

ملی» و ۳۲۹ شهرک را تحت عنوان «تولیدکنندگان محرک اقتصادی» و ۴۹ منطقه را تحت عنوان

«مناطق با اولویت فضایی شهر نشینی» ارائه داد. هدف از ارائه این طرح درگیر کردن کلیه سلسله‌مراتب فضایی کشور در فرایند رشد بوده است.

توجه جدی دولت، به توسعه یکپارچه شهرهای کوچک و میانی معطوف است و از ششمین برنامه توسعه ملی هند (۱۹۷۹-۱۹۸۰) شروع شده و تاکنون دنبال می‌شود. هدف اصلی این برنامه ماهش مهاجرت از روستاها به شهرها و نیز از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، از طریق توسعه شهرهای کوچک و میانی منتخب که قابلیت تولید رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال دارند. اهداف عمده توسعه شهرهای کوچک و میانی یکپارچه (IDSMT) موارد زیر را دنبال شامل می‌شود:

- بهبود زیرساخت‌ها در شهرهای کوچک و میانی که قابلیت تبدیل به مراکز رشد اقتصادی و اشتغال منطقه ای را دارا هستند.

- تمرکززدایی رشد اقتصادی و فرصت‌های اشتغال و ترویج شهرنشینی پراکنده با استفاده از مزیت‌های پیوندهای عملکردی بین روستاها، شهرک‌ها و شهرها از طریق رویکرد برنامه‌ریزی منطقه‌ای.

در انتخاب شهرهای دارای پتانسیل توسعه برای رشد منطقه‌ای در برنامه (IDSMT) مراکز بخش‌ها، شهرک‌های بازاری و مراکز رشد صنعتی ارجحیت دارند. ارزیابی برنامه توسعه یکپارچه شهرهای کوچک و میانی نتایج زیر را در بر داشته است:

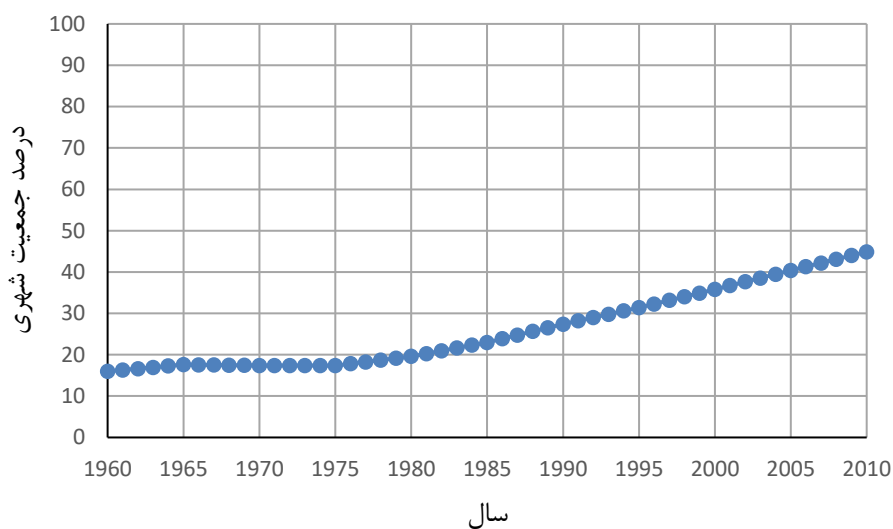
- توسعه شهرهای کوچک فرایندی است که نیازمند توجه جدی برای مدت زمان نسبتاً طولانی است.  
- موفق‌ترین فرایند در این برنامه مواردی بوده‌اند که بر مزیت‌های اقتصادی مثبت شهرهای کوچک، به جای نگرانی از جریان‌های مهاجرت به شهرهای بزرگ و تمرکز بیش از حد در شهرهای بزرگ، تاکید داشته‌اند.

- برای اینکه استراتژی توسعه شهرهای کوچک موفق باشد، باید ظرفیت‌سازی منظم در مدیریت محلی و مالی صورت پذیرد.

- چنین استراتژی باید دارای انعطاف در شناسایی پروژه و آماده سازی برنامه‌های توسعه متناسب با شرایط و پتانسیل منابع شهرهای کوچک باشد (زبردست به نقل از Mathur، ۱۹۹۷: ۸۴-۸۲).

## ۲-۱۳-۳ چین

جمعیت چین طبق سرشماری ۲۰۱۰ حدود ۱,۳۳۹,۷۲۴,۸۵۲ نفر است. (بررسی جمعیت جهان، جمعیت چین ۲۰۱۳) که جمعیت شهری حدود ۴۳/۱ درصد و جمعیت روستایی حدود ۵۶/۹ درصد آن را تشکیل می‌دهند. نرخ رشد جمعیت شهری ۲/۶ درصد و نرخ رشد جمعیت روستایی ۱/۱- درصد می‌باشد. (رشد جمعیت کره جنوبی ۲۰۱۳) که با این روند به زودی شهرنشینی از روستانشینی پیشی خواهد گرفت.



شکل ۱۷-۲ تحولات جمعیت شهری چین، مأخذ: china statistical yearbook, various years

توزیع ناموزون جمعیت شهری در چین بازتاب شرایط جغرافیایی این کشور است. بیش‌ترین و شدیدترین تمرکز جمعیت شهری در شرق چین، ناحیه‌ای صنعتی و کشاورزی، با تراکم نسبتاً بالای جمعیتی، قرار گرفته است. تراکم جمعیت شهری شرق چین ۲۷ برابر تراکم جمعیت شهری غرب چین است (زبردست، ۱۳۸۳: ۴۷).

در دهه ۱۹۴۰، چین با سرمایه‌گذاری صنعتی، به یک قطب صنعتی تبدیل شد که تمرکز فعالیت‌ها و خدمات در ۸ شهر، چین را به یک نظام متمرکز و قطبی مبدل ساخت.

در طول برنامه پنج ساله اول (پس از استقرار نظام کمونیستی)، چینی‌ها الگوی توسعه روسی، با

اولویت صنایع سنگین نسبت به توسعه کشاورزی و سیاست ایجاد موسسات مدرن بزرگ را نسبت به کوچک دنبال کردند. آنان همچنین در تعقیب اهداف ملی برای عدم تمرکز، هدایت فعالیت‌های اقتصادی از استان‌های ساحلی به سوی سرزمین‌های داخلی، برنامه انتقال صنایع سنگین و سرمایه بر مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها به عنوان قطب‌های توسعه را برگزیدند. (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۱۰) اما از دهه ۱۹۵۰ و آغاز دهه ۱۹۶۰ اثرات منفی سیاست عدم تمرکز صنایع، شروع به ظهور کرد. اگرچه جابه‌جایی صنایع، تقویت شبکه ارتباطی کشور را با خود به همراه داشت، این «قطب‌های توسعه» به هزینه نواحی روستایی و شهرهای کوچک حاشیه و حوزه بلافصل خود در حال رشد بودند. همین امر نیز موجب جریان بسیار شدید جمعیت روستایی بدان‌ها می‌شد. تا زمانی که چینی‌ها قوانین سخت کنترل مهاجرت را اعمال کردند (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۱۰). سال‌های آغازین دورانی که به نام «جهش بزرگ» نام گرفت با نوعی تغییر موضع صریح در راهبردهای انتخابی توسعه همراه بود که دو مشخصه خاص آن را از دوران پیشین متمایز می‌ساخت:

الف) هدف کاهش نابرابرهای منطقه‌ای به دلیل بروز این واقعیت که بازدهی صنعتی در شهرهای ساحلی رو به افول می‌نهاد، با استفاده از تمهیدات پیشین متوقف ماند.

ب) ظهور این واقعیت که پراکندن صنایع بزرگ به خودی خود راه‌حلی برای توسعه یک دست و هم‌نواخت نبوده و به عنوان نقطه برگشتی برای چین محسوب می‌شد و آنان را از مسیری که توسط بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته طی می‌شد دور می‌کرد (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

سیاست جهش بزرگ ارتباط صنایع سبک در شهرهای کوچک و صنایع سنگین در سطوح استانی و منطقه‌ای بدین طریق برقرار می‌شد. صنایع ساده، کاربر و بخشی از چرخه تولید صنایع سنگین، می‌توانست در شهرهای کوچک مستقر شود. بدین طریق نوعی ارتباط عمودی بین روستاها، شهرهای کوچک و متوسط و شهرهای بزرگ ایجاد می‌شد (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۱۱) و راهبرد در هم آمیختگی اقتصادی شهر و روستا، مبنای موفقیت و رشدهای رده پایین و کوچک قلمداد می‌شود (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

## ۲-۱۳-۴ کره جنوبی

طبق آخرین سرشماری جمعیت کره جنوبی در سال ۲۰۱۲ در حدود ۴۸,۸۶۰,۵۰۰ نفر دارد (South Korea-Urbanization 2012) که جمعیت شهری حدود ۸۳ درصد و جمعیت روستای حدود ۱۷۱ درصد (سال ۲۰۱۰) آن را تشکیل می‌دهند (جمعیت کره جنوبی، ۲۰۱۳). نرخ رشد جمعیت شهری ۰/۶ درصد و نرخ رشد جمعیت روستایی ۰/۵- درصد می‌باشد.

کره جنوبی به علت فقر منابع داخلی به استراتژی صنعتی شدن و صادرات روی آورد که این امر کره جنوبی را به بازارهای بین‌المللی وابسته نموده است؛ لذا با گسترش بندرگاه‌ها و زیرساخت‌ها، نقش بین‌المللی خود را تثبیت نمود. همگام با این سیاست‌های توسعه‌گرایی و صنعتی شدن، روند شهرنشینی شتابان نظام شهری منجر به تمرکز فعالیت و جمعیت در چند شهر بزرگ شد که عدم تعادل فضایی و نظام شهرنشینی قطبی شده را به همراه داشت و نیز مسئله امنیت ملی اِبه علت تمرکز شدید فعالیت‌ها در سئول]، دولت را بر آن داشت که سیاست تمرکززدایی را درپیش گیرد.

سیاست‌های تمرکززدایی در کره جنوبی از سال ۱۹۴۶ تحت تأثیر مسائل فوق از جمله کنترل رشد مناطق کلان‌شهری، به ویژه سئول اتخاذ و به مرحله اجرا گذاشته شده‌اند. دومین برنامه توسعه سرزمین (۱۹۹۱-۱۹۸۲) سیاست کاهش نابرابری‌ها بین مناطق و بین نواحی شهری و روستایی را دنبال کرد. برای دستیابی به توسعه متوازن در دهه ۱۹۸۰ استراتژی‌های زیر در برنامه فوق دنبال شدند:

### - تشکیل یک ساختار چند مرکزی و ایجاد نواحی اسکان یکپارچه منطقه‌ای

در این برنامه برای جلوگیری از دوقطبی شدن الگوی اسکان (پایتخت و بقیه کشور) و ایجاد ساختار چند مرکزی کاربری زمین، تقویت شهرهای دارای پتانسیل رشد در شهرستان‌ها به عنوان «مراکز رشد انگیخته» در نظر گرفته شده بود. برای مقابله با رشد کلان‌شهر سئول قرار بود به توسعه شهرهای تائجن، کوانگجو، تائگو کمک شود.



## -گسترش سرمایه اجتماعی بالاسری برای تقویت عملکردهای منطقه‌ای

توسعه صنعتی و تقویت عملکردهای منطقه‌ای در شهرهای کوچک و میانی با بهبود شبکه حمل‌ونقل و مخابرات پیش‌بینی شده بود.

## -کنترل رشد سئول و پوسان

از جمله سیاست‌های اتخاذشده در این زمینه می‌توان به تشویق صنایعی که استقرار آن‌ها در منطقه سئول نامناسب نبود به نقل مکان به جاهای دیگر، کنترل تمرکز دانشگاه‌ها و عملکردهای مرکزی مدیریت که قابل انتقال به سایر مناطق بودند، اشاره کرد. جابه‌جایی صنایع نامناسب از پوسان و تقویت عملکردهای مدیریت مورد نیاز شهر صنعتی و بازرگانی نیز مدنظر بود.

## -توسعه نواحی واپس مانده

جزیره‌ها و مناطق کوهستانی و واپس مانده و از نظر عملکردهای منطقه‌ای فقیر، تحت عنوان مناطق ویژه قرار بود با امکانات دولت مرکزی، توسعه یابند. در این میان مناطقی که شدیداً مهاجرت فرست بودند. درعین حال دارای پتانسیل زیاد برای توسعه گردشگری نیز بودند از توجه ویژه برخوردار (زبردست به نقل از توفیق، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۳ و Mathor، ۱۹۹۷: ۶۶-۶۸).

در چهارمین طرح جامع سرزمین (۲۰۲۰-۲۰۰۰) به تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت در منطقه پایتخت و اختلاف میان مناطق مجدداً به عنوان یکی از مسائل و مشکلات مهم سرزمین اشاره شده و در این زمینه استراتژیهای مطرح شد (زبردست، ۱۳۸۳: ۵۲-۵۰).

همانطور که تجربیات کشورهای مورد پژوهش نشانی می‌دهد که این کشورها با مشکلات تمرکزگرایی و پیامدهای آن از جمله عدم تعادل منطقه‌ای روبه‌رو بوده‌اند که برای کاهش آن از راهبرد تمرکززدایی در قالب گسترش و تقویت گسترش نقش شهرهای میانی در راستای تقویت زیرساخت‌ها و توسعه صنعتی و تعدیل عدم تعادل منطقه‌ای استفاده کرده‌اند. با توجه به تجربیات اشاره شده در بالا و وجود عدم تعادل منطقه‌ای در ایران و به خصوص در منطقه آذربایجان، راهبرد گسترش و تقویت

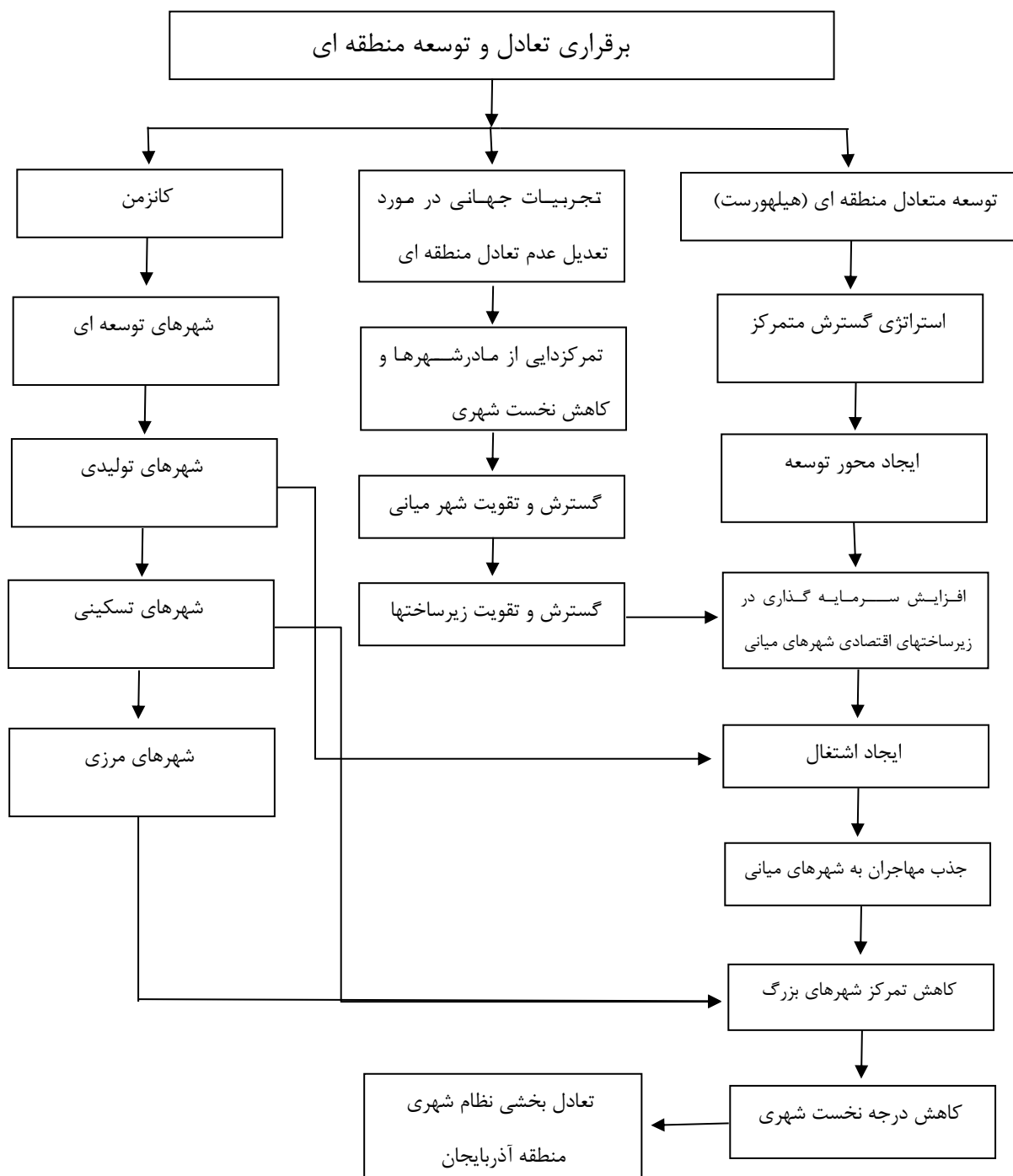
شهر میانی به عنوان کلید تمرکززدایی و تعدیل کننده عدم تعادل منطقه‌ای مطرح می‌گردد.

## ۲-۱۴ چارچوب نظری

با توجه به مطالب عنوان شده در مبانی نظری و نظریات اندیشمندان مختلف و تجربیات جهانی می‌توان گفت که راهبرد اصلی برای تمرکززدایی، گسترش و تقویت شهر میانی است. مهم‌ترین شاخص برای تعیین شهرهای میانی اندازه‌ی نسبی جمعیت در همان منطقه است و شهرهای میانی در واقع نقشی میانجی بین روستاها و شهرهای کوچک و کلان‌شهرها ایفا می‌کنند و توسعه‌ی این دسته از شهرها به منظور تعادل بخشی به اهداف متفاوتی بسته به شرایط منطقه صورت می‌گیرد.

با توجه به پدیده‌ی بزرگ سری در مناطق مختلف ایران و عدم ارتباط مناسب شهرهای میانی و شهرهای کوچک از نظریه کانزمن برای تعیین نقش شهرهای میانی و از نظریه هیلهورست جهت تقویت مراکز درجه ۲ (شهرهای میانی) و نیز تعیین پراکندگی و مکان‌یابی شهرهای میانی استفاده می‌شود. همچنین از ۴ نوع برخورد متفاوت نظریه هیلهورست، گسترش متمرکز با نظام شهری منطقه آذربایجان انطباق بیشتری دارد.

شکل ۱۸-۲ چارچوب نظری پژوهش



## ۱۵-۲ مدل تحلیلی پژوهش

مدل تحلیلی در اصطلاح به یکی از مراحل انجام تحقیق تبیینی گفته می‌شود که در این مرحله رابطه میان متغیرهای وابسته و مستقل بررسی و ترسیم می‌شود. مدل دنباله طبیعی طرح نظری مسئله تحقیق است که به صورت عملی نشانه‌ها و خط سیرهایی را که نهایتاً برای اجرای کار مشاهده و تحلیل در نظر گرفته خواهند شد، به یکدیگر مرتبط می‌سازد. اما آنچه که چارچوب نظری را از مدل تحلیلی متمایز می‌کند، عملی بودن یا عملیاتی بودن مدل تحلیلی است که باید به عنوان راهنمای مشاهده به کار رود. وظیفه مدل تحلیلی، فراهم آوردن زمینه و تسهیل در قالب‌بندی فرضیات است. در واقع مدل تحلیلی پیوند و ارتباطات بین سوالات تحقیق، فرضیه‌ها، چارچوب نظری را که ارتباط تنگاتنگی باهم دارند روشن تر بیان می‌نماید تا روند پژوهش مبتنی بر روش خردگرا و در چارچوب راهنمای پژوهش، تدقیق گردد. در شکل ۱۹-۲ مدل تحلیلی پژوهش ارائه شده است.

## ۱-۱۵-۲ تحلیل جمعیتی

اندازه شهر میانی در هر کشور با اندازه بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین شهر همان سرزمین سنجیده می‌شود و بیشتر اندازه نسبی جمعیت را در نظر می‌گیرند (شکویی، ۱۳۷۷: ۸۸). در حقیقت شهرهایی که به عنوان وزنه، نقش تعدیل جمعیتی شهرهای بزرگ و همچنین برقراری ارتباط بین شهرهای بزرگ و کوچک را برقرار می‌سازند را می‌توان شهر میانی محسوب نمود.

## ۱-۱۵-۲-۱ گام اول: تحلیل تغییرات شهرهای میانی

با توجه به استانداردهای جمعیتی در دهه‌های اول سرشماری شهر میانی وجود ندارد از طریق سنجش نسبی شهرهایی با این کارکرد مشخص شده‌اند. بدین صورت که شهرهایی که دارای بالاترین نسبت جمعیتی نسبت به شهر اول منطقه بوده‌اند. با استفاده از روش نقطه شکست دسته‌بندی شده و در دو دسته شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن قرار گرفته‌اند.

تغییرات تعداد و جمعیت شهرهای میانی (به صورت نسبی با استفاده از نقطه شکست) در ۷

دوره مشخص کننده توسعه یا پسرفت شهرهای میانی خواهد بود.

جدول ۲-۳ تحلیل تغییرات شهرهای میانی

نحوه بررسی	شاخص سنجش	مفهوم	تغییرات جمعیتی
استفاده از نقطه شکست اول برای شهرهای میانی و نقطه شکست دوم برای شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن	نسبت جمعیت شهرهای میانی به شهر بزرگ	افزایش تعادل در نظام سکونت	افزایش تعداد شهرهای میانی
	نسبت جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل به شهر بزرگ	کاهش تعادل در نظام سکونت	کاهش تعداد شهرهای میانی
	نسبت جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل به شهر بزرگ	افزایش تعادل در نظام سکونت	افزایش نسبت جمعیت شهرهای میانی
	نسبت جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل به شهر بزرگ	کاهش تعادل در نظام سکونت	کاهش نسبت جمعیت شهرهای میانی

## ۲-۱-۱۵-۲ گام دوم: تحلیل تغییرات تعادل منطقه‌ای

در گام دوم به منظور سنجش میزان تعادل در سطح منطقه و تغییرات آن در دوره‌های هفتگانه

(۱۳۹۰-۱۳۳۵) از سه دسته شاخص‌های نخست شهری، تمرکز و تعادل استفاده می‌شود.

ابتدا شاخص‌های نخست شهری شامل نخست شهری، جفرسون، کینزبرگ، مهتا، موما و

الوصایی مورد سنجش قرار می‌گیرند و تغییرات آن در دوره‌های مختلف بررسی می‌شود.

جدول ۲-۴ شاخص‌های تحلیل نخست شهری

شرح	شاخص	فرمول	اجزای فرمول	توضیحات
میزان نخست شهری	شاخص نخست شهری	$UPI = \frac{P1}{P}$	P کل جمعیت شهری P1 جمعیت شهر اول P2 جمعیت شهر دوم P3 جمعیت شهر سوم P4 جمعیت شهر چهارم	هر چه مقدار عددی این شاخص بیشتر باشد، نشان‌دهنده میزان بالاتر نخست شهری یا بزرگ سری در منطقه یا کشور مورد بررسی است. در شاخص چهار شهر، اگر مقدار به دست آمده بین ۰/۶۵ و ۱ باشد فوق برتری، بین ۰/۵۴ تا ۰/۶۵ برتری، بین ۰/۴۱ تا ۰/۵۴ مطلوب و کمتر از ۰/۴۱ نخست شهری کمترین را نشان می‌دهد.
	شاخص دو شهر	$ICI = \frac{P1}{P2}$		
	شاخص کینزبرگ	$ICI = \frac{P1}{P2+P3+P4}$		
	شاخص مهتا	$MI = \frac{P1}{P1+P2+P3+P4}$		
	شاخص موما و الوصایی	$MAI = \frac{P1+P2}{P3+P4}$		

ماخذ: زبردست، ۱۳۸۶: ۵۹

با توجه تغییرات جمعیتی نخست شهرها به طور غیرمستقیم از توسعه‌ی شهرهای کوچک و

میانی تأثیر می‌پذیرد و به طور مستقیم جمعیت شهرهای میانی در روابط کمی این شاخص‌ها در نظر

گرفته نمی‌شود شاخص‌های تمرکز محاسبه می‌گردد.

میزان تمرکز منطقه نیز از طریق دو شاخص تمرکز هرفیندال و عدم تمرکز هندرسون قابل

اندازه‌گیری می‌باشد که با توجه به دخالت جمعیت تمامی شهرها در محاسبات نسبت به شاخص‌های

نخست شهری در سنجش تعادل دقیق تر می‌باشند.

جدول ۵-۲ شاخص‌های تمرکز شهری

توضیحات	اجزای فرمول	فرمول	شاخص	
هر چه مقدار عددی این شاخص‌ها بیشتر باشد، میزان تمرکز بیشتری را نشان می‌دهد.	$P_i$ جمعیت شهر $i$ $P$ کل جمعیت شهری	$H_i = \sum_{i=1}^n \left(\frac{P_i}{P}\right)^2$	شاخص تمرکز هرفیندال	میزان تمرکز
		$UD = \sum_{i=1}^n \left[\left(\frac{P_i}{P}\right)^2\right]^{-1}$	شاخص عدم تمرکز هندرسون	

(فرهودی، ۱۳۸۸: ۵۹؛ زبردست، ۱۳۸۶: ۳۵)

شاخص‌های توزیع تعادل منطقه‌ای نیز با استفاده از شاخص‌های آنتروپی و ضریب جینی و

قاعده‌ی رتبه-اندازه قابل اندازه‌گیری است که به صورت کامل میزان تعادل پراکنش جمعیتی شهرها را

مشخص می‌کند.

جدول ۶-۲ شاخص‌های توزیع تعادل شهری

شرح	شاخص	فرمول	اجزای فرمول	توضیحات
	منحنی لورنز و ضریب جینی	$J = \frac{A}{A+B}$	محور X = درصد تراکمی تعداد شهرها محور Y = درصد تراکمی جمعیت شهرها A = مساحت بین منحنی لورنز و خط نرمال B = مساحت زیر خط نرمال	هرچه مقدار عددی این شاخص به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده میزان کمتر نخست شهری یا بزرگ سری در منطقه یا کشور مورد بررسی است. اگر مقدار عدد به دست آمده بین ۰ و ۰/۲۵ باشد متعادل، بین ۰/۲۵ تا ۰/۵ برتری، بین ۰/۵ تا ۰/۷۵ نیمه متعادل و بین ۰/۷۵ تا ۱ نامتعادل را نشان می‌دهد.
میزان توزیع متعادل	قاعده رتبه - اندازه	$P = \frac{P_1}{R^b}$	Pi = نسبت جمعیت شهر i به کل جمعیت شهری Pr = جمعیت شهر مورد نظر یا شهر r ام P1 = جمعیت شهر نخست R = مرتبه شهر و a شیب خط رتبه-اندازه	برای ضریب b، عدد a، نشان‌دهنده توزیع نرمال، عدد b > ۱ حاکی از تسلط نخست شهری و Pr نشان‌دهنده اهمیت نسبی شهرهای متوسط و میانی است.
	ضریب آنتروپی	$H = -\sum_{i=1}^n p_i \times \ln p_i$	Pi = نسبت جمعیت شهر i به کل جمعیت شهری Pr = جمعیت شهر مورد انتظار یا شهر r ام P1 = جمعیت شهر نخست R = مرتبه شهر و a شیب خط رتبه-اندازه	هرچه مقدار این شاخص به ۱ نزدیک‌تر باشد، توزیع به سوی تعادل در حرکت است.

مأخذ: رفیعیان به نقل از امکچی، ۳۷: ۱۳۸۳-۴۶؛ حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۶۴-۱۸۳؛ کواک تانگ سو ۲۰۰۷: ۳-۲؛ اکوت، ۲۰۰۴: ۱۴۳۱؛ فنی، ۱۳۸۲: ۷۹

پس از محاسبه‌ی این سه نوع شاخص و اندازه‌گیری آن‌ها در ۷ دوره تغییرات نخست شهری،

تمرکز و توزیع تعادل در سطح منطقه مشخص می‌گردد.

## ۲-۱۵-۲ تحلیل مکانی

تحلیل‌های انجام‌شده بر اساس جمعیت شامل شاخص‌های نخست شهری، تمرکز و توزیع تعادل

تنها به جمعیت شهرها بدون در نظر گرفتن مکان آن‌ها در ساختار فضایی منطقه توجه دارد به همین

منظور برای تحلیل دقیق تر نقش شهرهای میانی جایگاه این شهرها بر اساس چارچوب نظری

ارائه‌شده، تحلیل می‌شوند.

بر این اساس به چند دسته شهر میانی در فضای جغرافیایی منطقه برای رسیدن به تعادل نیاز است که هر یک از این دسته‌ها شاخص‌های مخصوصی جهت تحلیل نیاز دارند.

در واقع وضعیت پراکنش کنونی شهرهای میانی تعیین شده در تحلیل‌های جمعیتی با شکل ایده آل استخراج شده از مبانی نظری مقایسه می‌شود.

جدول ۷-۲ تیپولوژی شهرهای میانی بر اساس شاخص‌های مکانی

نوع شهر میانی	نقش	شاخص‌های مکانی	مفهوم	نحوه بررسی
شهرهای میانی تسکینی	- تمرکززدایی از شهرهای بزرگ و کاهش نخست شهری	- فاصله از شهرهای کوچک - فاصله از شهرهای بزرگ - فاصله از شهرهای متوسط موجود - میزان جمعیت شهر - فاصله از راه‌های اصلی	فاصله کمتر از شهر کوچک و بزرگ و راه‌های اصلی و فاصله بیشتر از شهر متوسط و جمعیت بیشتر خود شهر مطلوب است	GIS فازی
شهرهای میانی مرزی	- کاهش محرومیت نقاط - دور از مرکز و برقراری تعادل در نقاط با دسترسی کم	- فاصله از شهرهای کوچک - فاصله از مرزهای منطقه - فاصله از شهرهای متوسط موجود - میزان جمعیت شهر - فاصله از راه‌های اصلی	فاصله کمتر از شهر کوچک و مرزها و راه‌های اصلی و فاصله بیشتر از شهر متوسط و جمعیت بیشتر خود شهر مطلوب است	GIS فازی
شهرهای میانی توسعه‌ای	- ارتباط بین شهرهای کوچک و روستاها با شهرهای بزرگ - برقراری تعادل در کل منطقه	- فاصله از شهرهای کوچک - فاصله از شهرهای بزرگ - فاصله از شهرهای متوسط موجود - میزان جمعیت شهر - فاصله از راه‌های اصلی	فاصله کمتر از شهر کوچک و راه‌های اصلی و فاصله بیشتر از شهر متوسط و جمعیت بیشتر خود شهر مطلوب است.	GIS فازی

پس از انجام تحلیل‌های مکانی و مقایسه آن با وضع موجود مشخص می‌گردد که وضعیت کنونی تا چه حد با توزیع فضایی مطلوب فاصله دارد و دورنمایی برای ارائه پیشنهادات ارائه می‌نماید که چه نوع شهرهایی و در چه بخش‌هایی باید ایجاد شوند.

## ۲-۱۵-۳ تحلیل اقتصادی

پس از تحلیل مکان فعلی شهرهای میانی و مکان مطلوب شهرهایی که باید توسعه پیدا کنند با استفاده از تحلیل‌های اقتصادی نحوه توسعه این شهرها مشخص می‌شود که به این منظور ابتدا کل شهرستان‌های منطقه با استفاده از تحلیل اقتصاد پایه و ترکیب - سهم مورد بررسی قرار گرفته و



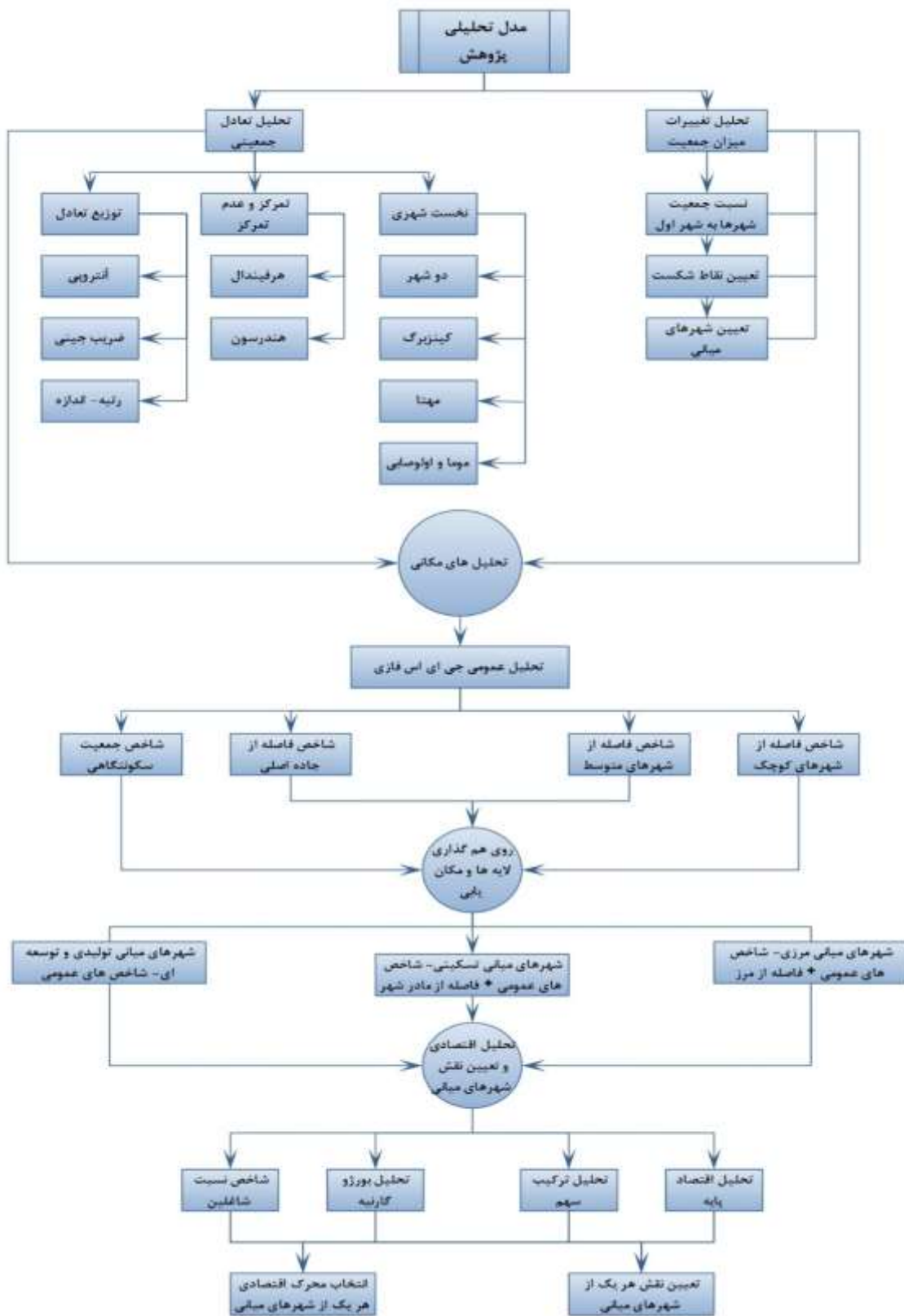
شهرهای میانی موجود و شهرهای دارای پتانسیل برای شهر میانی شدن با توجه به نقش مشخص شده از تحلیل‌های مکانی، از منظر اقتصادی مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

جدول ۸-۲ تیپولوژی شهرهای میانی بر اساس شاخص‌های اقتصادی

نوع شهر میانی	نقش	شاخص‌های اقتصادی	مفهوم	نتایج
شهرهای میانی تسکینی	- تمرکززدایی از شهرهای بزرگ و کاهش نخست شهری	- نسبت شاغلین به جمعیت - نسبت شاغلین به شاغلین مادرشهر - تغییرات اشتغال - شاغلین بخش‌های اقتصادی با استفاده از ضریب مکانی	هرچه شاخص‌های مذکور بالاتر باشد بهتر است	مکان‌هایی که اقتصاد پایه آن‌ها صنعت است در این دسته قرار می‌گیرند
شهرهای میانی مرزی	- کاهش محرومیت نقاط دور از مرکز و برقراری تعادل در نقاط با دسترسی کم	- نسبت شاغلین به جمعیت - نسبت شاغلین به شاغلین مادرشهر - تغییرات اشتغال - شاغلین بخش‌های اقتصادی با استفاده از ضریب مکانی	هرچه شاخص‌های مذکور بالاتر باشد بهتر است	شهرهایی که چند نقشی هستند در اولویت بالاتری هستند.
شهرهای میانی	- ارتباط بین شهرهای کوچک و روستاها با شهرهای بزرگ - برقراری تعادل در کل منطقه، بازار محصولات کشاورزی	- نسبت شاغلین به جمعیت - نسبت شاغلین به شاغلین مادرشهر - تغییرات اشتغال - شاغلین بخش‌های اقتصادی با استفاده از ضریب مکانی	هرچه شاخص‌های مذکور بالاتر باشد بهتر است	مکان‌هایی که کشاورزی است در این دسته قرار می‌گیرند.
شهرهای میانی توسعه‌ای-تعادلی	- ارتباط بین شهرهای کوچک و روستاها با شهرهای بزرگ	- نسبت شاغلین به جمعیت - نسبت شاغلین به شاغلین مادرشهر - تغییرات اشتغال - شاغلین بخش‌های اقتصادی با استفاده از ضریب مکانی	هرچه شاخص‌های مذکور بالاتر باشد بهتر است	شهرهایی که چند نقشی هستند در اولویت بالاتری هستند.

روند کلی مدل تحلیلی پژوهش به صورت نمودار صفحه بعد قابل بیان است.

شکل ۱۹-۲ مدل تحلیلی پژوهش



# فصل سوم: شناخت منطقه آذربایجان

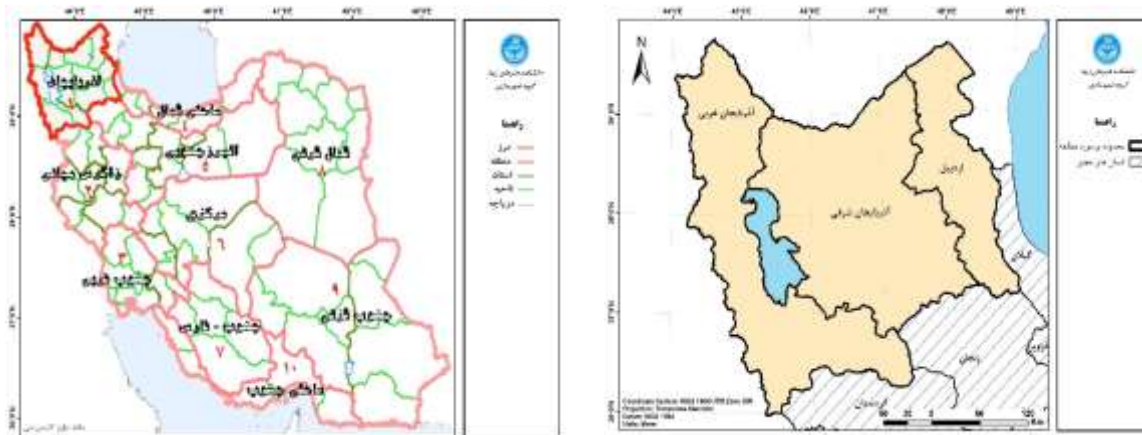
### ۱-۳ مقدمه

این فصل ابتدا به شناخت کلیات منطقه کالبدی از موقعیت جغرافیایی و تقسیمات کشوری پرداخته است. با توجه به چارچوب نظری که با نظام اسکان (جمعیت) و نظام فعالیت (اقتصاد) منطقه اشاره دارد. شناخت منطقه آذربایجان با توجه به این شاخص‌ها صورت گرفته است. برای بررسی نظام جمعیتی منطقه آذربایجان، ابتدا نسبت جمعیت منطقه آذربایجان به کشور در طی دوره‌های ۱۳۹۰-۱۳۳۵ مورد بررسی قرار گرفته که روند مهاجر فرستی از منطقه را نشان می‌دهد بررسی مهاجرت‌های در منطقه آذربایجان این امر را تأیید می‌کند. بررسی طبقات شهری در طی دوره زمانی مورد مطالعه، نشان می‌دهد که با افزایش سهم جمعیتی شهرهای متوسط، سهم جمعیت نخست شهر منطقه کاهش می‌یابد. از سوی دیگر تمرکز شهرها در نیمه غربی، تعادل شبکه شهری را به چالش کشیده است. از سوی دیگر ساختار اقتصادی منطقه در بخش‌های اصلی اقتصاد (کشاورزی، صنعت، خدمات) حاکی از روند رو به رشد اشتغال در این بخش‌ها است و بیش‌ترین رشد اشتغال در بخش خدمات است که نشان‌دهنده همگام بخش خدمات با افزایش نرخ شهرنشینی است.

### ۲-۳ شناخت جغرافیایی منطقه آذربایجان

بر طبق طرح منطقه آذربایجان (مصوب ۱۳۸۲) سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل تحت منطقه واحد آذربایجان تقسیم‌بندی شده‌اند. این استان‌ها به علت داشتن ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، تاریخی مشترک (اکثراً زبان ترکی) به عنوان یک منطقه همگن محسوب می‌شوند.

منطقه آذربایجان، منطقه‌ای بین عرض جغرافیایی ۳۶ درجه جنوبی، ۴۰ درجه شمالی، ۴۴ درجه غربی و ۴۹ درجه شرقی قرار دارد. این منطقه از جنوب با استان کردستان، از شرق با استان‌های زنجان و گیلان، از شمال با کشورهای آذربایجان، ارمنستان، جمهوری خودمختار نخجوان، از غرب با کشورهای ترکیه و عراق هم‌مرز است. این منطقه با وسعت ۱۰۰۸۶۱ کیلومتر مربع در سال ۱۳۹۰ دارای ۸۰۵۳۶۸۴ نفر بوده که حدوداً ۱۰.۷۲ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده است.



شکل ۳-۱ موقعیت جغرافیایی و تقسیمات منطقه آذربایجان

### ۳-۳ تقسیمات سیاسی منطقه

منطقه آذربایجان از لحاظ تقسیمات سیاسی شامل سه استان، ۴۷ شهرستان، ۱۱۱ بخش، ۳۲۶ دهستان و ۱۲۵ شهر در سال ۱۳۹۰ بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۰). این تقسیمات به همراه تقسیمات ریزتر و به تفکیک استان در سال ۱۳۹۰ در زیر آمده است.

جدول ۳-۱ تقسیمات سیاسی منطقه آذربایجان به تفکیک استان در پایان ۱۳۹۰

شهرستان	بخش	دهستان	شهر	تعداد آبادی‌های سال ۱۳۹۰		
				جمع	دارای سکنه	خالی از سکنه
منطقه آذربایجان	۱۱۱	۳۲۶	۱۲۴	۹۴۶۹	۷۶۷۴	۱۷۹۵
آذربایجان شرقی	۴۴	۱۴۴	۵۸	۳۰۸۳	۲۷۱۲	۳۷۱
آذربایجان غربی	۴۰	۱۱۳	۴۲	۴۵۳۱	۳۲۶۶	۱۲۶۵
اردبیل	۲۷	۶۹	۲۴	۱۸۵۵	۱۶۹۶	۱۵۹

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

### ۴-۳ شناخت ویژگی‌های اقتصادی، حمل‌ونقل، انرژی و معادن

این منطقه یکی از مناطق مستعد کشاورزی ایران است. علاوه بر این وجود ایلات و عشایر در دامداری منطقه نقش قابل توجهی دارد. این منطقه از نظر اکتشاف و بهره‌برداری منابع معدنی نسبت به سایر استان‌ها در وضع مطلوبی قرار ندارد. بررسی ترکیب کارگاه‌های موجود منطقه نیز نشان می‌دهد

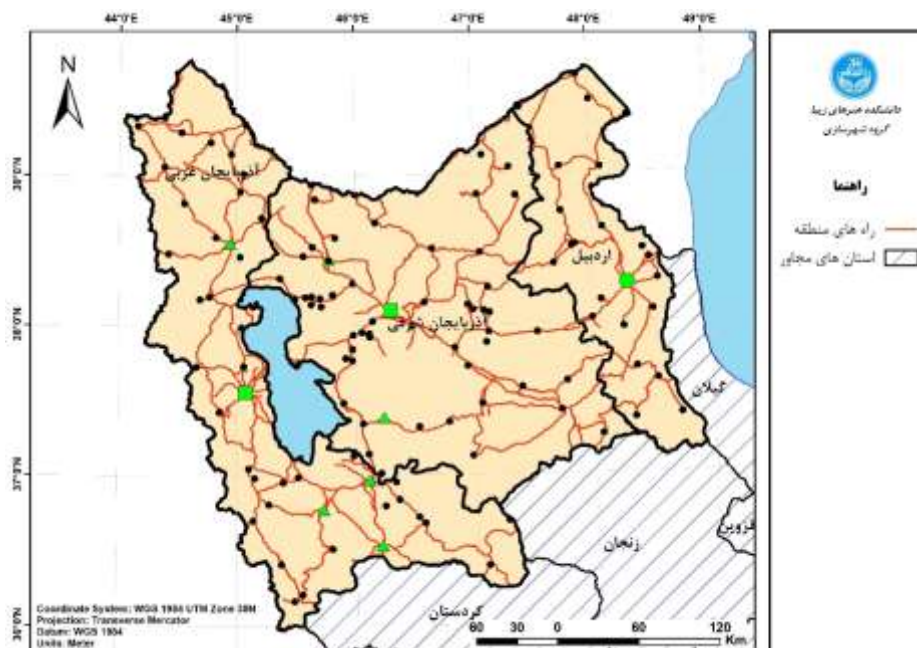
که دو گروه صنعتی کانی‌های غیرفلزی و غذایی - دارویی در بین سایر صنایع بالاترین تعداد میزان اشتغال را دارد. از جمله معادن این منطقه می‌توان به معادن مصالح و سنگ‌های ساختمانی، گرانیت، میکا، زرنیخ، تالک، تراورتن، طلا، خاک نسوز و پوکه معدنی اشاره کرد. از صنایع مهم منطقه می‌توان به ماشین‌سازی، تراکتورسازی، پالایشگاه نفت و گاز و صنایع پتروشیمی در تبریز اشاره کرد، صنایع سیمان، صنایع غذایی آشامیدنی نیز در مراکز استان‌ها (تبریز، ارومیه، اردبیل) و برخی از شهرهای مهم وجود دارد، صنایع کشت و صنعت نیز در دشت مغان و شرق تبریز وجود دارد. صنایع قند و شکر نیز در ارومیه، میاندوآب و خوی مستقر هستند. به طور کلی صنایع عمده نظیر ذوب‌آهن و فولاد و نورد فلزات، صنایع خودروسازی و صنایع الکترونیکی و رایانه‌ای در این منطقه وجود ندارد. در این زمینه فقط یک کارخانه ذوب‌آهن با ظرفیت ۴۰۰ تن در سال با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اردبیل وجود دارد. در مورد حمل‌ونقل در منطقه می‌توان گفت که ارومیه و اردبیل و اخیراً خوی و مراغه دارای فرودگاه‌های داخلی و تبریز دارای فرودگاه بین‌المللی است. خط راه‌آهن تبریز - تهران در داخل منطقه شهرهای میانه، مراغه، آذرشهر، تبریز و صوفیان می‌گذرد که در سال ۱۳۹۰ ایستگاه شهر میاندوآب افتتاح شد که از شهر مراغه این شاخه جدا شده و جنوب دریاچه ارومیه عبور می‌کند و به شهر ارومیه می‌رسد. شاخه دیگر در صوفیان دو شاخه شده که یکی به سمت شمال و از مسیر مرند و جلفا وارد کشور آذربایجان می‌شود، شاخه دیگر از طریق شبستر، نسوج و رازی وارد ترکیه می‌گردد. این منطقه دارای آزادراه و بزرگراه مهم بوده و تعدادی در حال ساخت می‌باشد، آزادراه تبریز- زنجان از جاده‌های مهم منطقه بوده که باعث اتصال پایتخت و شهر تبریز شده است. بزرگراه مهم منطقه که در سال‌های اخیر به بهره‌داری رسیده بزرگراه شهید کلانتری بوده که بر روی دریاچه ارومیه احداث شد، باعث کاهش فاصله مابین مراکز دو استان آذربایجان شرقی و غربی شده است. همچنین مسیر عبور بزرگراه تبریز - ارمنستان که از شهرستان‌های ورزقان و کلیبر در منطقه شمال غربی آذربایجان شرقی تعیین شده است، یکی از نقاط بکر طبیعی استان آذربایجان شرقی به شمار می‌رود که از نظر چشم‌اندازهای طبیعت‌گردی می‌تواند یکی از بزرگراه‌های بسیار دیدنی و جذاب کشور محسوب شود (رهنمایی، ۱۳۸۱).

جدول ۲-۳ مشخصات راه‌های منطقه آذربایجان

راه اصلی (کیلومتر)			آزادراه	شرح
معمولی	عریض	بزرگراه		
۱۰۲۹/۱	-	۲۹۸/۵۶	۲۱۹/۷	آذربایجان شرقی
۷۷۰	۴۸	۱۵۷	۰	آذربایجان غربی
۶۵۶/۵	۵۲	۱۰۱/۵	۰	اردبیل

مأخذ: سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۹۰

مهم‌ترین ویژگی این پروژه علاوه بر مزیت‌های اقتصادی، جاده‌ای، صادراتی و حمل‌ونقل، خاصیت اقلیمی و جغرافیایی این طرح است که با توجه به قرار گرفتن در یک مسیر بسیار آب و هوایی و نوع توپوگرافی منطقه می‌تواند از نظر گردشگری نیز قابل توجه و حائز اهمیت باشد. بزرگراه تبریز-باکو بزرگراهی مشترک بین ایران و جمهوری آذربایجان است که از شهر تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی آغاز گردیده و پس از گذر از شهرهای اهر، گرمی و بیله‌سوار وارد خاک جمهوری آذربایجان شده و به شهر باکو منتهی خواهد شد. با احداث این بزرگراه، ایران به منطقه قفقاز و روسیه متصل خواهد شد. در دریاچه ارومیه نیز سه بندر مهم شرفخانه، رحمانلو و گلمانخانه وجود دارد که البته با کاهش آب دریاچه ارومیه این بنادر اهمیت خود را از دست داده‌اند (رهنمایی، ۱۳۸۱).



شکل ۲-۳ راه‌های منطقه آذربایجان

### ۵-۳ شناخت جمعیتی، اقتصادی، سیاسی منطقه

با توجه به نتایج سرشماری دهه‌های گذشته سهم جمعیت منطقه آذربایجان نسبت به کل کشور همواره روند کاهشی داشته است که در سرشماری ۱۳۳۵ حدوداً ۱۵/۵۸ درصد جمعیت کشور را در منطقه آذربایجان بوده که در سال ۱۳۹۰ این رقم به ۱۰/۷۲ درصد رسیده است که ۴/۸۶ درصد سهم جمعیت خود را نسبت به کل کشور از دست داده است، استان‌های آذربایجان شرقی و اردبیل نسبت به استان آذربایجان غربی بیشتر جمعیت خود را از دست دادند که دلایل زیادی می‌تواند بر چنین روندی تأثیرگذار باشد از جمله ویژگی‌های فرهنگی و قومی، وجود شهرهای میانی و نقش آن‌ها در جذب جمعیت و ... داشته باشد، ولی آنچه مسلم است، میزان مهاجر فرستی منطقه به نسبت سایر مناطق کشور بالا بوده و به ویژه آذربایجان شرقی که در تمام دوره‌های سرشماری به استثنای دهه ۱۳۶۵ بیش‌ترین میزان مهاجرت را داشته است. در جدول ۳-۱ تحولات جمعیتی منطقه آذربایجان آمده است. جمعیت منطقه آذربایجان را به تفکیک استان‌هایش در طول سرشماری‌های مختلف به همراه مقایسه آن با جمعیت کشور ارائه می‌دهد. این جدول بیانگر کاهش نسبت جمعیت منطقه نسبت به کشور است که دلیلی بر شدت بالای مهاجر فرست بودن منطقه است.

جدول ۳-۳ جمعیت منطقه آذربایجان به تفکیک استان

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
منطقه آذربایجان	۲۸۳۱۱۵۵	۳۷۲۳۵۰۰	۴۶۰۵۲۸۹	۶۰۸۵۷۰۱	۶۷۰۴۵۵۱	۶۹۸۹۸۷۱	۷۷۰۵۰۷۰	۸۰۵۳۶۸۴
آذربایجان شرقی	۱۵۵۰۳۴۵	۲۰۲۱۱۳۵	۲۴۰۱۲۴۰	۳۰۷۷۸۸۲	۳۲۷۸۷۱۸	۳۳۲۵۵۴۰	۳۶۰۳۴۵۶	۳۷۲۴۶۲۰
آذربایجان غربی	۷۷۸۱۲۳	۱۰۸۷۴۱۱	۱۴۰۷۶۰۴	۱۹۷۱۶۷۷	۲۲۸۴۲۰۸	۲۴۹۶۳۲۰	۲۸۷۳۴۵۹	۳۰۸۰۵۷۶
اردبیل	۵۰۲۶۸۷	۶۱۴۹۵۴	۷۹۶۴۴۵	۱۰۳۶۲۰۲	۱۱۴۱۱۶۲۵	۱۱۶۸۰۱۱	۱۲۲۸۱۵۵	۱۲۴۸۴۸۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰



جدول ۳-۴ نسبت جمعیت منطقه آذربایجان به تفکیک استان و مقایسه آن با کل کشور

۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		۱۳۳۵		شرح
منطقه	کشور	منطقه	کشور	منطقه	کشور	منطقه	کشور	-
۱۰۰	۱۲.۲۸	۱۰۰	۱۳.۶۶	۱۰۰	۱۴.۴۴	۱۰۰	۱۵.۵۸	منطقه آذربایجان
۵۰.۶	۶.۲۲	۵۲.۱	۷.۱۲	۵۴.۳	۷.۸۴	۵۴.۱۸	۸.۸۲	آذربایجان شرقی
۳۲.۴	۳.۹۶	۳۰.۶	۴.۱۸	۲۹.۲	۴.۲۲	۲۷.۵	۴.۱۱	آذربایجان غربی
۱۷	۲.۱۰	۱۷.۳	۲.۳۶	۱۶.۵	۲.۳۸	۱۷.۸	۲.۶۵	اردبیل
۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۷۰		-
منطقه	کشور	منطقه	کشور	منطقه	کشور	منطقه	کشور	کشور
۱۰۰	۱۰.۷۲	۱۰۰	۱۰.۹۲	۱۰۰	۱۱.۵۵	۱۰۰	۱۲	منطقه آذربایجان
۴۶.۲۵	۴.۹۶	۴۶.۷۶	۵.۱۱	۴۷.۵	۵.۴۵	۴۸.۹	۵.۸۷	آذربایجان شرقی
۳۸.۲۵	۴.۱۰	۳۷.۲۹	۴.۰۷	۳۵.۱۷	۴.۱۶	۳۴.۱	۴.۰۹	آذربایجان غربی
۱۵.۵۰	۱.۶۶	۱۵.۹۳	۱.۷۴	۱۶.۸	۱.۹۴	۱۷	۲.۰۴	اردبیل

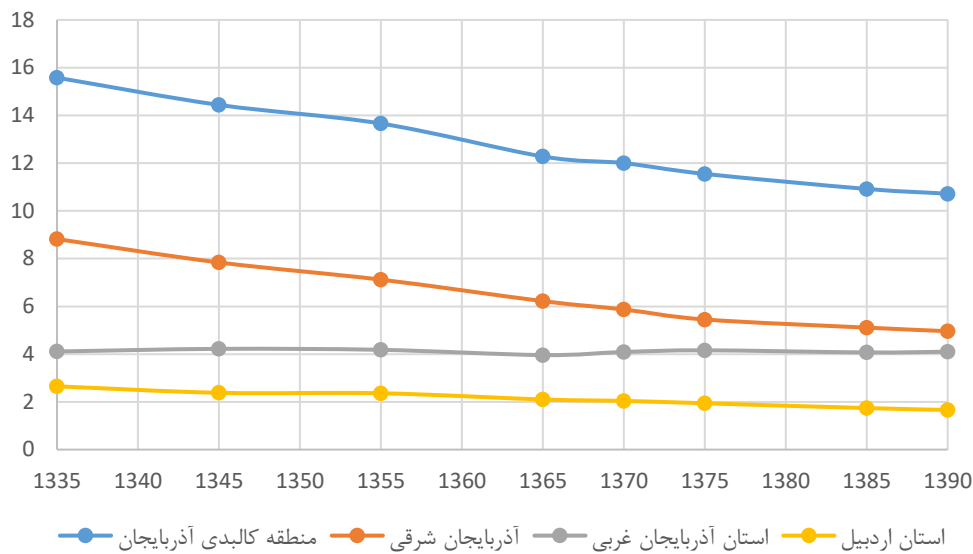
مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

جدول بالا جمعیت منطقه آذربایجان را به تفکیک استان‌هایش در طول سرشماری‌های مختلف

به همراه مقایسه آن با جمعیت کشور ارائه می‌دهد. این جدول بیانگر کاهش نسبت جمعیت منطقه

نسبت به کشور است که دلیلی بر شدت بالای مهاجر فرست بودن منطقه است.

شکل ۳-۳ جمعیت منطقه آذربایجان به تفکیک استان به کشور ۱۳۳۵-۱۳۹۰



### ۳-۶ تحولات فضایی جمعیت در کانون‌های شهری منطقه آذربایجان در مقاطع زمانی مورد مطالعه

بر اساس سرشماری ۱۳۹۰، در منطقه آذربایجان ۱۲۴ شهر با جمعیت ۵۳۱۰۶۶۴ وجود دارد. تعداد و سهم جمعیت شهری در طبقات شهری کمتر از ۲۵ هزار نفر و ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر (روستا-شهر و شهرهای کوچک) کاسته شده و در عوض بر سهم طبقات شهری ۵۰۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر و بالای یک میلیون نفر (شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها) افزوده می‌شود. همان طور که از آمار برمی‌آید دو طبقه شهری کمتر از ۵۰ هزار نفر از سهم جمعیتی ۹۵/۹۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۰/۳۵ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. درحالی‌که در همین دوره دو طبقه شهری بالای ۵۰۰ هزار نفر از ۰ درصد به ۴۰/۷۲ درصد افزایش پیدا کرده‌اند. با توجه به افزایش تعداد شهرهای ۱۰۰-۲۵۰ هزار نفری در طی سال‌های مورد بررسی، سهم جمعیتی آن‌ها نیز در کل با افزایش از ۰ به ۱۷/۴۸ درصد روبه‌رو بوده است و درعین‌حال با افزایش شهرهای میانی (میان‌دوآب، مرند، مهاباد، مراغه، بوکان، خوی)، سهم جمعیتی شهرهای بزرگ در این منطقه کاهش یافته است.

شهر تبریز (۲۸/۱۵ درصد) و نیز ارومیه (۱۲/۵۷ درصد) و اردبیل (۹/۰۹ درصد) به عنوان متروپل‌های منطقه‌ای در رأس هرم سلسله‌مراتب مراکز شهری قرار دارند که ۵۰ درصد جمعیت کلان

منطقه آذربایجان را در خود جای داده‌اند. لازم به ذکر است که تعداد نقاط شهری از ۷۵ نقطه شهری در سال ۱۳۳۵ به ۱۲۴ نقطه شهری در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. مروری بر روند تاریخی شکل‌گیری سکونتگاه‌ها نشان می‌دهد که روستاهای دارای سکنه طی فرآیندی از واحدهای روستایی به روستا-شهر و شهرها تحول می‌یابند، این فرآیند در درون خود ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مزبور را دگرگون می‌کند.

تا سال ۱۳۵۵ هیچ‌کدام از شهرها در طبقه جمعیتی شهرهای بزرگ (۵۰۰ هزار نفر تا ۱/۵ میلیون نفر) قرار نداشته و مادر شهرهای منطقه‌ای به شکل کنونی شکل نگرفته بودند؛ اما از سال ۵۵ به بعد به دلیل پیامدهای ناشی از اصلاحات ارضی در دهه گذشته و سرمایه‌گذاری کلان در شهرهای بزرگ، مادرشهر منطقه‌ای تبریز در ساختار سیستم شهری منطقه آذربایجان خودنمایی می‌کند. در سال ۱۳۶۵ مادرشهر منطقه‌ای تبریز در رده ۵۰۰ تا یک میلیون بوده و در سال ۱۳۷۵ تبریز دارای بیش از یک میلیون جمعیت می‌شود و در رده ۵۰۰ تا یک میلیون شهری وجود ندارد. در سال ۱۳۸۵ و در سال ۱۳۹۰ تبریز در رده بیش از یک میلیون و ارومیه در رده ۵۰۰ تا یک میلیون نفر قرار می‌گیرند. علل افزایش و کاهش تعداد این طبقه از شهرها ورود شهرهای جدید به این طبقه و خروج شهرهای پرجمعیت تر به طبقه بالاتر (کلانشهر) است.

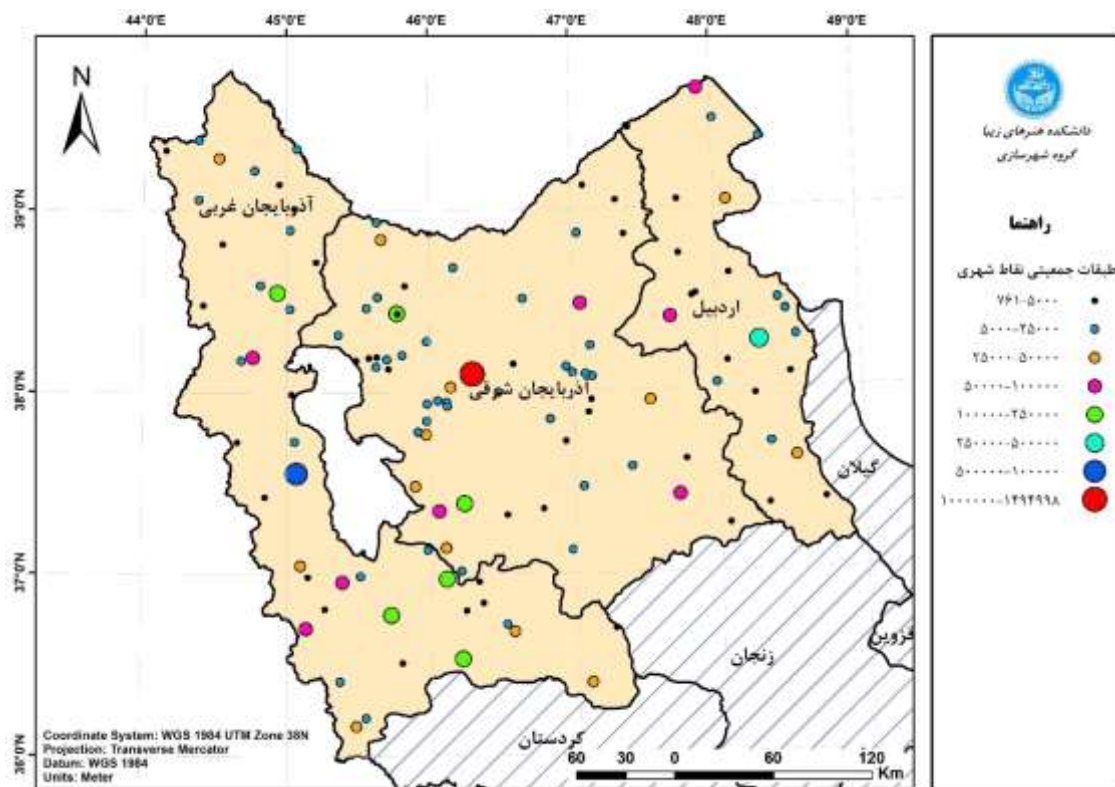
بررسی کلان‌شهرهای بیش از ۱ میلیون نفر نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۷۵ شهری در منطقه آذربایجان نبوده و از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ تنها تبریز در پهنه نظام شهری منطقه آذربایجان خود نمایی می‌کرده است.

جدول ۳-۵ روند تغییرات تعداد شهر و جمعیت شهری منطقه آذربایجان به تفکیک طبقات شهری (۱۳۹۰-۱۳۳۵)

۱۳۴۵				۱۳۳۵				طبقات شهری (به هزار نفر)
جمعیت		شهر		جمعیت		شهر		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۱/۲۵	۳۷۷۰۹۴	۸۸	۶۶	۳۸/۷۷	۳۱۳۰۵۴	۹۳/۲۴	۶۹	کمتر از ۲۵ هزار
۱۳/۱۵	۱۵۸۷۱۸	۶/۶۷	۵	۸/۸	۷۱۰۴۲	۲/۷	۲	۲۵-۵۰
۱۲/۲۴	۱۴۷۶۸۸	۲/۶۷	۲	۱۶/۵۱	۱۳۳۳۴۷	۲/۷	۲	۵۰-۱۰۰
۹/۴۲	۱۱۳۷۳۰	۱/۳۳	۱	.	.	.	.	۱۰۰-۲۵۰
۳۳/۹۳	۴۰۹۴۹۸	۱/۳۳	۱	۳۵/۹۲	۲۸۹۹۹۶	۱/۳۵	۱	۲۵۰-۵۰۰
.	.	.	.	.	.	.	.	۵۰۰-۱۰۰۰
.	.	.	.	.	.	.	.	یک میلیون نفر و بیشتر
۱۰۰	۱۲۰۶۷۲۸	۱۰۰	۷۵	۱۰۰	۸۰۷۴۳۹	۱۰۰	۷۴	جمع
۱۳۶۵				۱۳۵۵				طبقات شهری (به هزار نفر)
جمعیت		شهر		جمعیت		شهر		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۶/۷۲	۵۰۳۵۳۰	۷۴/۶۷	۵۶	۲۴/۳۲	۴۳۸۳۹۱	۸۲/۶۷	۶۲	کمتر از ۲۵ هزار
۶/۸۴	۲۰۵۸۵۵	۸/۰۰	۶	۱۶/۱۹	۲۹۱۹۰۳	۱۰/۶۷	۸	۲۵-۵۰
۱۷/۵۹	۵۲۹۵۶۴	۱۰/۶۷	۸	۷/۷۳	۱۳۹۳۹۱	۲/۶۷	۲	۵۰-۱۰۰
۷/۲۳	۲۱۷۸۴۵	۲/۶۷	۲	۱۷/۸۹	۳۲۲۴۲۷	۲/۶۷	۲	۱۰۰-۲۵۰
۱۹/۳۵	۵۸۲۷۱۹	۲/۶۷	۲	.	.	.	.	۲۵۰-۵۰۰
۳۲/۲۶	۹۷۱۴۸۲	۱/۳۳	۱	۳۳/۸۶	۶۱۰۳۸۵	۱/۳۳	۱	۵۰۰-۱۰۰۰
.	.	.	.	.	.	.	.	یک میلیون نفر و بیشتر
۱۰۰	۳۰۱۰۹۹۵	۱۰۰	۷۵	۱۰۰	۱۸۰۲۴۹۷	۱۰۰	۷۵	جمع
۱۳۸۵				۱۳۷۵				طبقات شهری (به هزار نفر)
جمعیت		شهر		جمعیت		شهر		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۲/۴۸	۵۹۱۷۹۰	۷۵/۴۴	۸۶	۱۱/۲۷	۴۳۸۲۵۶	۶۵/۳۳	۴۹	کمتر از ۲۵ هزار
۸/۲۸	۳۹۲۸۱۸	۹/۶۵	۱۱	۹/۷۱	۳۷۷۴۶۱	۱۴/۶۷	۱۱	۲۵-۵۰
۱۲/۹۰	۶۱۲۰۳۴	۷/۰۲	۸	۱۵/۳۵	۵۹۶۶۶۵	۱۰/۶۷	۸	۵۰-۱۰۰
۱۵/۷۵	۷۴۶۸۷۱	۵/۲۶	۶	۱۳/۰۹	۵۰۹۰۸۱	۵/۳۳	۴	۱۰۰-۲۵۰
۸/۸۲	۴۱۸۲۶۲	۰/۸۸	۱	۱۹/۹۵	۷۷۵۵۸۶	۲/۶۷	۲	۲۵۰-۵۰۰
۱۲/۳۰	۵۸۳۲۵۵	۰/۸۸	۱	.	.	.	.	۵۰۰-۱۰۰۰
۲۹/۴۸	۱۳۹۸۰۶۰	۰/۸۸	۱	۳۰/۶۳	۱۱۹۱۰۴۳	۱/۳۳	۱	یک میلیون نفر و بیشتر
۱۰۰	۴۷۴۳۰۹۰	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰	۳۸۸۸۰۹۲	۱۰۰	۷۵	جمع

با نگاهی به توزیع فضایی جمعیت در نقاط شهری که در نقشه منعکس است، شهرها در نیمه غربی نسبت به نیمه شرقی منطقه متراکم تر هستند. شهرهای متوسط کلان منطقه آذربایجان نیز همگی در غرب منطقه قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده تراکم جمعیتی در نیمه غربی نسبت به نیمه شرقی است.

ویژگی دیگر غرب منطقه بالا بودن نسبت شهرنشینی آن‌ها نسبت به نیمه شرقی است؛ به طوری که شهرهای رتبه اول (به جز اردبیل) در غرب منطقه است، به طور متوسط نیمه غربی از میزان شهرنشینی بالای ۷۵ درصد برخوردار هستند و اگر شهر تبریز را از جمع این شهرها خارج کنیم باز هم متوسط میزان شهرنشینی نیمه غربی منطقه بالاتر از ۶۵ درصد خواهد بود. درحالی‌که شهرهای دیگر که عمدتاً در شرق منطقه قرار گرفته‌اند، متوسط میزان شهرنشینی کمتر از ۳۵ درصد را دارا هستند.



شکل ۳-۴ توزیع جمعیت شهری کلان منطقه آذربایجان به تفکیک طبقات شهری (۱۳۹۰)

### ۷-۳ جریان‌های مهاجرتی منطقه آذربایجان

نتایج سرشماری‌های عمومی نشان می‌دهد که منطقه آذربایجان در هر سه دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵

دارای موازنه مهاجرتی منفی (مهاجر فرست) بوده و در طی این مدت بیش از ۵۹۰ هزار نفر، از منطقه آذربایجان خارج شده‌اند. (جدول ۳-۶)

جدول ۳-۶ توازن مهاجرتی منطقه آذربایجان با دیگر استان‌های کشور در دهه ۸۵-۱۳۵۵

منطقه	دهه سرشماری	وارد شده	خارج شده	خالص مهاجرت	وضعیت
استان آذربایجان شرقی	۱۳۵۵-۶۵	۳۹۰۱۴	۲۶۳۸۰۴	-۲۲۴۷۹۰	مهاجر فرست
	۱۳۶۵-۷۵	۱۲۶۵۸۵	۲۱۵۰۴۳	-۸۸۴۵۸	مهاجر فرست
	۱۳۷۵-۸۵	۱۵۸۴۲۴	۳۰۲۱۵۷	-۱۴۳۷۳۳	مهاجر فرست
استان آذربایجان غربی	۱۳۵۵-۶۵	۳۰۸۸۱	۴۴۶۹۵	-۱۳۸۱۴	مهاجر فرست
	۱۳۶۵-۷۵	۹۴۸۶۱	۹۶۲۵۸	-۱۳۹۷	مهاجر فرست
	۱۳۷۵-۸۵	۱۲۱۶۲۰	۱۴۸۴۴۱	-۲۶۸۲۱	مهاجر فرست
استان اردبیل	۱۳۵۵-۶۵	-	-	-	-
	۱۳۶۵-۷۵	۳۶۸۹۰	۷۶۴۴۶	-۳۹۵۵۶	مهاجر فرست
	۱۳۷۵-۸۵	۷۹۳۳۱	۱۳۴۷۲۳	-۵۵۳۹۲	مهاجر فرست
منطقه آذربایجان	۱۳۵۵-۶۵	۶۹۸۹۵	۳۰۸۴۹۹	-۲۳۸۶۰۴	مهاجر فرست
	۱۳۶۵-۷۵	۲۵۸۳۳۶	۳۸۷۷۴۷	-۱۲۹۴۱۱	مهاجر فرست
	۱۳۷۵-۸۵	۳۵۹۳۷۵	۵۸۵۳۲۱	-۲۲۵۹۴۶	مهاجر فرست

مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۸۵

خالص مهاجرت در دهه ۱۳۵۵-۶۵ از دهه‌های دیگر بیشتر است؛ به عبارت دیگر منطقه آذربایجان در این دوره بیش‌ترین میزان مهاجر فرستی را داشته است. خالص مهاجرت در دهه ۱۳۶۵-۷۵ کاهش قابل توجهی نسبت به دهه‌های دیگر داشته است که این امر نشان‌دهنده کاهش میزان مهاجر فرستی در این دوره است. افزایش خالص مهاجرت در دهه ۱۳۷۵-۸۵ نسبت به دهه قبل حاکی از رشد روند مهاجر فرستی است.

شکل ۳-۵ موازنه مهاجرتی بین استانی طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵، مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۸۵



### ۳-۸ بررسی اشتغال منطقه آذربایجان

برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای برای یک منطقه به شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی وابسته است. به تبع افزایش این شاخص، سطح رفاه و اشتغال نیز ارتقا می‌یابد و ساختار اقتصادی منطقه در بخش‌های اصلی کشاورزی، صنعت و خدمات را متحول می‌سازد. لذا اشتغال در بخش‌های اصلی ساختار اقتصادی منطقه، دورنمایی از مزیت‌ها و تنگناها و ساختار اقتصادی منطقه آذربایجان را آشکار می‌سازد.

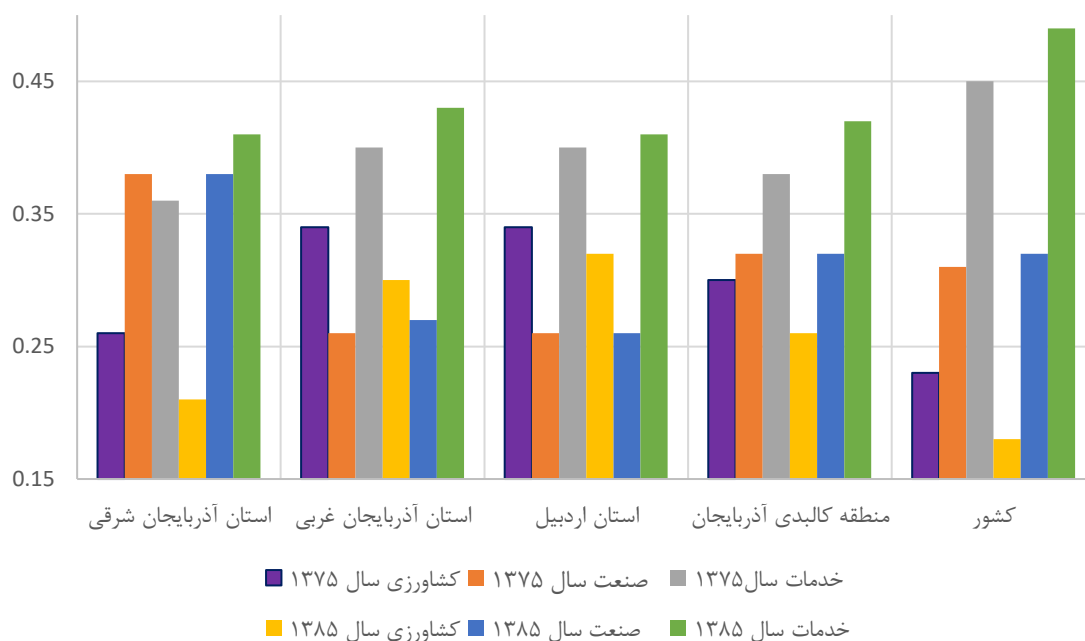
جدول ۳-۷ اشتغال در بخش‌های اصلی اقتصاد منطقه آذربایجان ۱۳۷۵-۱۳۸۵

کشور	منطقه آذربایجان	استان اردبیل	استان آذربایجان غربی	استان آذربایجان شرقی	فعالیت	سال
(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)		
۰/۲۳	۰/۳۰	۰/۳۴	۰/۳۴	۰/۲۶	کشاورزی	۱۳۷۵
۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۳۸	صنعت	
۰/۴۵	۰/۳۸	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۳۶	خدمات	
۰/۱۸	۰/۲۶	۰/۳۲	۰/۳۰	۰/۲۱	کشاورزی	۱۳۸۵
۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۲۶	۰/۲۷	۰/۳۸	صنعت	
۰/۴۹	۰/۴۲	۰/۴۱	۰/۴۳	۰/۴۱	خدمات	

ماخذ: سالنامه آماری، ۱۳۸۵

بررسی روند اشتغال در بخش‌های اصلی اقتصاد منطقه آذربایجان در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ حاکی از آن است که بخش کشاورزی در منطقه آذربایجان و کشور در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ افزایش نسبی اشتغال را نشان می‌دهد. همچنین بخش خدمات در طی این دوره در منطقه آذربایجان بیش‌ترین رشد اشتغال را داشته است که بیانگر آن است با افزایش نرخ رشد شهرنشینی، نرخ اشتغال در این بخش، نیز به تبع آن افزایش داشته است. بخش صنعت در منطقه و کشور افزایش اشتغال کمی را موجب شده است و این امر حاکی از آن است که این بخش تحرک کافی را برای توسعه اقتصادی نداشته و نیازمند بستری سازی بیشتری در جهت زیرساخت‌ها برای ارتقای رشد اشتغال و تحول ساختار اقتصادی است.

شکل ۳-۶ تغییرات اشتغال در منطقه آذربایجان (۱۳۷۵-۱۳۸۵)، مأخذ: سالنامه آماری، ۱۳۸۵



### ۳-۹ نتیجه‌گیری

منطقه آذربایجان در شمال غربی ایران به علت داشتن مرز مشترک با کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و عراق، جمهوری نخجوان و همچنین قرارگیری منطقه در مسیر شبکه ارتباطی آسیایی و جاده ابریشم، اهمیت ویژه‌ای به موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی منطقه آذربایجان



بخشیده است. این منطقه علی‌رغم داشتن پتانسیل‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری زیادی در بخش زیرساخت‌های صنعتی سنگین نداشته است. در نهایت این عوامل در توزیع و پراکندگی سکونتگاهی انسانی و جمعیتی نقش داشته است.

نظام شهری ایران از الگوی کهکشانی (به دلیل تجمع و تمرکز جمعیت و فعالیت‌های مهم اقتصادی در چند قطب عمده، باعث شکل‌گیری آرایش فضایی ویژه‌ای گردیده است) به الگوی زنجیره‌ای تبدیل شده که این امر ضمن برهم زدن روابط منطقی شهرهای کوچک، میانی و بزرگ با یکدیگر، باعث آشفتگی در نظام شهری ایران شده است. در نظام شهری ایران تعداد نقاط شهری از ۲۰۰ نقطه شهری در سال ۱۳۳۵ به ۱۱۳۹ در سال ۱۳۹۰ شهر افزایش یافته است. میزان شهرنشینی کل کشور از ۳۱/۷ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۱/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. بررسی کلانشهرهای بیش از ۱/۵ میلیون نفر نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۶۵ تنها کلانشهر تهران در پهنه نظام شهری ایران خود نمایی می‌کرده، اما از سال ۱۳۷۵ کلانشهر مشهد و در سال ۱۳۸۵ کلانشهر اصفهان و در سال ۱۳۹۰ کلانشهر کرج نیز به این طبقه شهری اضافه شده است.

بررسی نظام شهری منطقه آذربایجان نشان می‌دهد که این منطقه مهاجر فرست بوده و با افزایش سهم جمعیتی شهرهای میانی، از سهم جمعیتی شهرهای بزرگ کاسته شده است. تعداد نقاط شهری منطقه از ۷۵ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۲۴ نقطه شهری در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ تبریز تنها کلانشهر بالای یک میلیون نفر منطقه آذربایجان است.

فصل چهارم: بررسی تحلیل سازمان

فضایی و شبکه شهری منطقه آذربایجان

#### ۴-۱ مقدمه

این فصل به بررسی ویژگی‌های نظام شهری منطقه آذربایجان می‌پردازد. شناخت خصلت‌های حاکم بر نظام شهری و روابط مسلط بر آن، اهمیت استفاده از مدلها و روش‌ها در بررسی تحولات و رفتار پدیده‌ها را مضاعف می‌نماید. لذا در این فصل به بررسی چارچوب تئوریک و شناخت رفتار نظام شهری با تاکید بر رفتار در قالب مدل‌های شبکه شهری پرداخته می‌شود.

از سوی دیگر شناخت نظام شهری تا حد زیادی متأثر از نظام اقتصادی منطقه و سطح اشتغال است. به همین جهت ویژگی‌های اقتصادی منطقه در قالب سطح اشتغال در جهت شناخت هر چه بهتر تأثیرگذاری آن بر نظام شهری منطقه، دید جامع تری برای تحلیل شبکه شهری (با تاکید بر نقش شهر میانی) را میسر می‌کند.

## ۲-۴ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در محدوده زمانی مطالعه (۱۳۹۰-۱۳۳۵)

اندازه شهر میانی در هر کشور با اندازه بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین شهر همان سرزمین سنجیده می‌شود و بیشتر اندازه نسبی جمعیت را در نظر می‌گیرند. (شکویی، ۱۳۷۷: ۸۸) به این ترتیب اندازه شهر میانی یک مفهوم نسبی بوده که با جمعیت سنجیده می‌شود و ممکن است با تغییر روند تحولات جمعیتی در طول زمان، عامل جمعیت برای تعریف شهرهای میانی نیز تغییر کند، به طور مثال با تعاریف و استانداردهای موجود در سال ۱۳۳۵ در منطقه‌ی آذربایجان شهرهایی وظیفه‌ی ارتباط بین مراکز استان و شهرهای کوچک و روستاها را برقرار می‌نموده‌اند؛ اما جمعیت آن‌ها بین صد تا ۲۵۰ هزار نفر نبوده است.

به همین دلیل بررسی روند تحولات شهرهای میانی (از نظر جمعیتی) در منطقه آذربایجان، به صورت نسبی در نظر گرفته شده است که نحوه استاندارد کردن با استفاده از فرمول زیر صورت پذیرفته است.

$$Z = \frac{P_i}{P_{max}} \quad \text{فرمول ۴-۱}$$

$Z$  = شاخص استاندارد

$P_i$  = جمعیت شهر  $i$

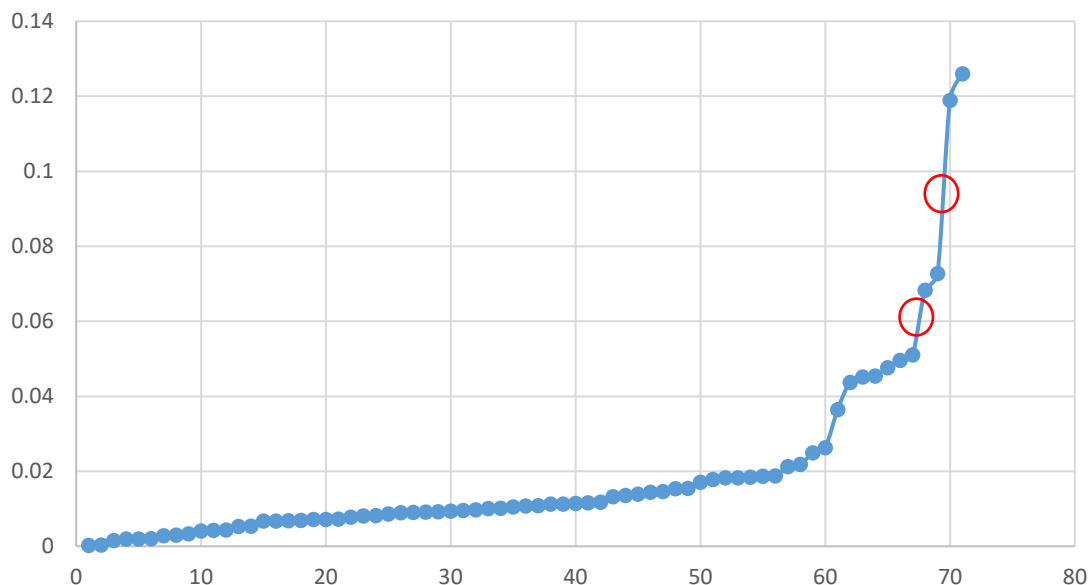
$P_{max}$  = جمعیت بزرگ‌ترین شهر

بعد از نرمال کردن جمعیت شهرها، نمودار شاخص استاندارد شهرها رسم می‌گردد و به منظور وضوح بیشتر در آن پس از سه شهر تبریز، ارومیه و اردبیل شهرهای با جمعیت بالاتر، نقاط شکستشان با شهرهای قبل از خود به عنوان شهرهای میانی در نظر گرفته می‌شود.

## ۱-۲-۴ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۳۵

با استاندارد کردن شهرها در این دوره و بررسی نمودار و نقاط شکست، شهرهای مراغه، خوی به

عنوان شهرهای میانی و شهرهای میانه، اهر به عنوان شهرهایی که دارای پتانسیل تبدیل شدن به شهرهای میانی را دارند، می توان در نظر گرفت.



شکل ۴-۱ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۳۵

با توجه به جمعیت شهرهای میانی مشخص می گردد که حدود ۸/۹۷ درصد جمعیت از کل جمعیت منطقه آذربایجان مربوط به شهرهای میانی بوده است و در مجموع با در نظر گرفتن دو نقطه شکست ۱۳/۸۶ درصد از جمعیت مربوط به شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل برای پیوستن به شهرهای میانی بوده است.

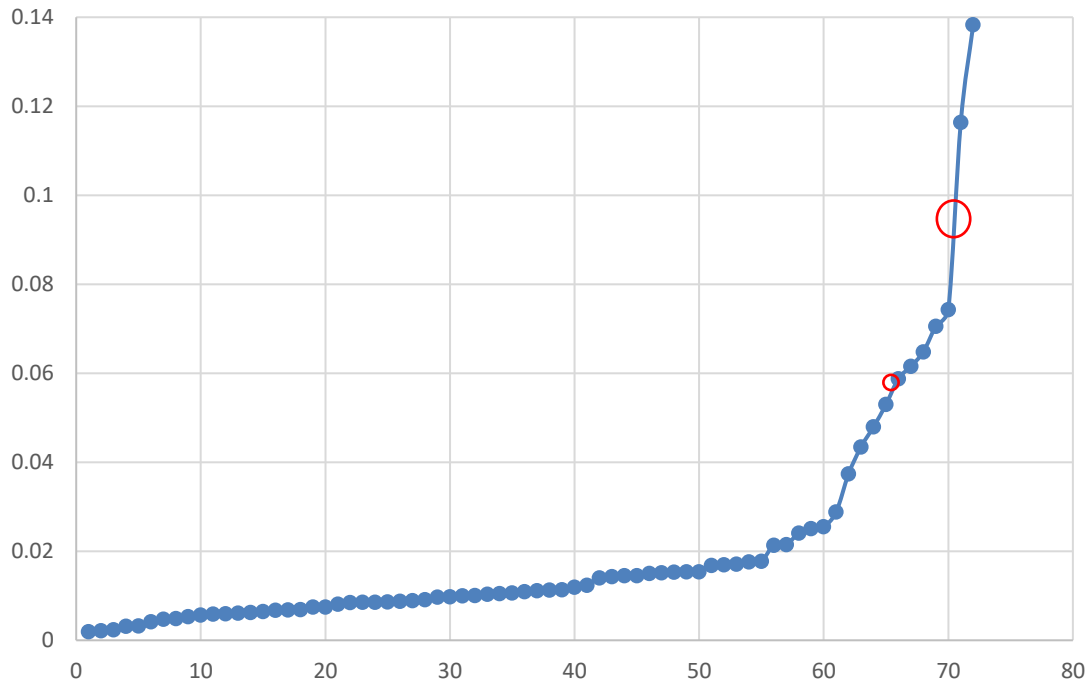
جدول ۴-۱ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۳۵

سال	جمعیت شهر میانی (درصد)	جمعیت شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن (درصد)	جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن (درصد)
۱۳۳۵	۸/۷۹	۵/۰۶	۱۳/۸۶

#### ۴-۲-۲ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۴۵

با استاندارد کردن شهرها در این دوره و بررسی نمودار و نقاط شکست، شهرهای مراغه، خوی به عنوان شهرهای میانی و شهرهای اهر، میاندوآب، مرند، مهاباد، میانه، خوی، مراغه به عنوان شهرهایی

که دارای پتانسیل تبدیل شدن به شهرهای میانی را دارند، می توان در نظر گرفت.



شکل ۲-۴ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۴۵

با توجه به جمعیت شهرهای میانی مشخص می گردد که حدود ۸.۶۴ درصد جمعیت از کل جمعیت منطقه آذربایجان مربوط به شهرهای میانی بوده است و در مجموع با در نظر گرفتن دو نقطه شکست ۱۹.۸۴ درصد از جمعیت مربوط به شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل برای پیوستن به شهرهای میانی بوده است.

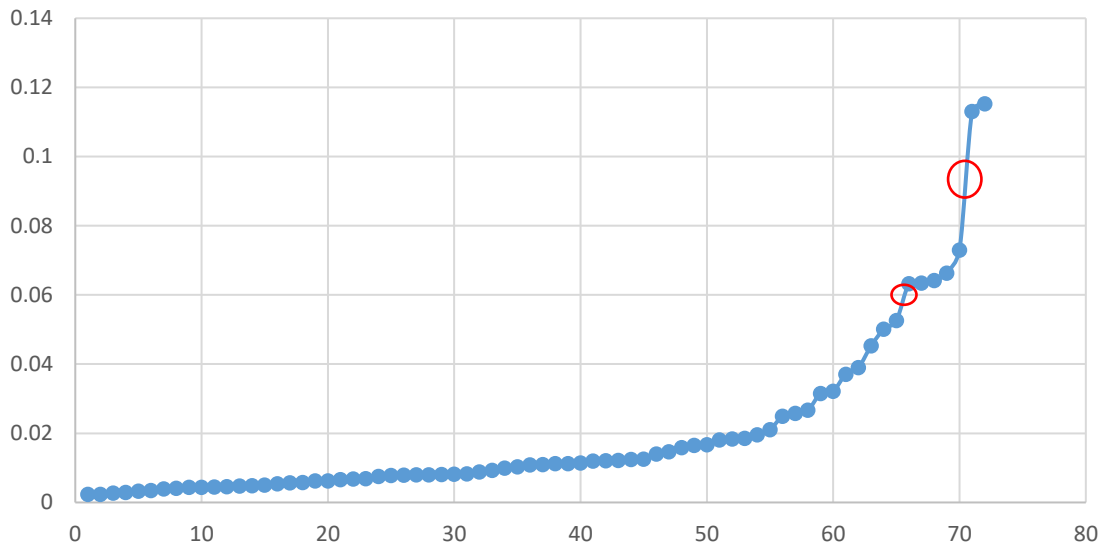
جدول ۲-۴ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۴۵

سال	جمعیت شهر میانی (درصد)	جمعیت شهرهای دارای پتانسیل (درصد)	جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن (درصد)
۱۳۴۵	۸/۶۴	۱۱/۱۹	۱۹/۸۴

#### ۳-۲-۴ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۵۵

با استاندارد کردن شهرها در این دوره و بررسی نمودار و نقاط شکست، شهرهای خوی، مراغه به

عنوان شهرهای میانی و شهرهای میاندوآب، میانه، مرند، سردرود، مهاباد به عنوان شهرهایی که دارای پتانسیل تبدیل شدن به شهرهای میانی را دارند، می‌توان در نظر گرفت.



شکل ۳-۴ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۵۵

با توجه به جمعیت شهرهای میانی مشخص می‌گردد که حدود ۷.۷۳ درصد جمعیت از کل جمعیت منطقه آذربایجان مربوط به شهرهای میانی بوده است و در مجموع با در نظر گرفتن دو نقطه شکست ۱۸.۹۱ درصد از جمعیت مربوط به شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل برای پیوستن به شهرهای میانی بوده است.

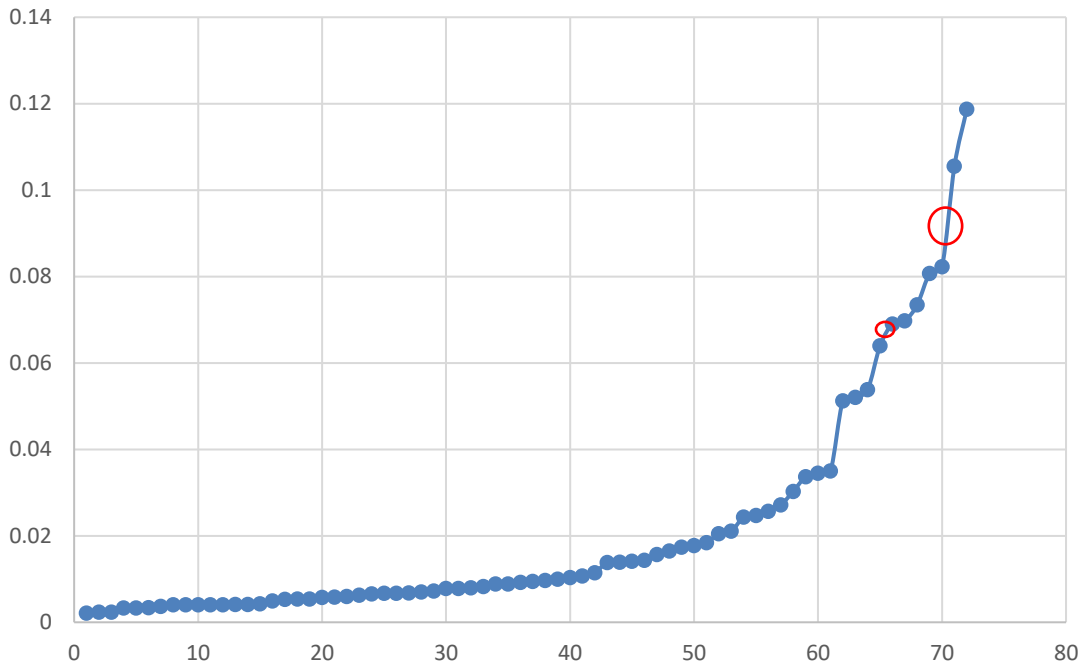
جدول ۳-۴ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۵۵

سال	جمعیت شهر میانی (درصد)	جمعیت شهرهای دارای پتانسیل (درصد)	جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن (درصد)
۱۳۵۵	۷/۷۳	۱۱/۱۸	۱۸/۹۱

#### ۴-۲-۴ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۶۵

با استاندارد کردن شهرها در این دوره و بررسی نمودار و نقاط شکست، شهرهای خوی، مراغه به عنوان شهرهای میانی و شهرهای میاندوآب، میانه، مرند، بوکان، مهاباد به عنوان شهرهایی که دارای

پتانسیل تبدیل شدن به شهرهای میانی را دارند، می توان در نظر گرفت.



شکل ۴-۴ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۶۵

با توجه به جمعیت شهرهای میانی مشخص می گردد که حدود ۷.۲۳ درصد جمعیت از کل جمعیت منطقه آذربایجان مربوط به شهرهای میانی بوده است و در مجموع با در نظر گرفتن دو نقطه شکست ۱۹.۳۴ درصد از جمعیت مربوط به شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل برای پیوستن به شهرهای میانی بوده است.

جدول ۴-۴ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۶۵

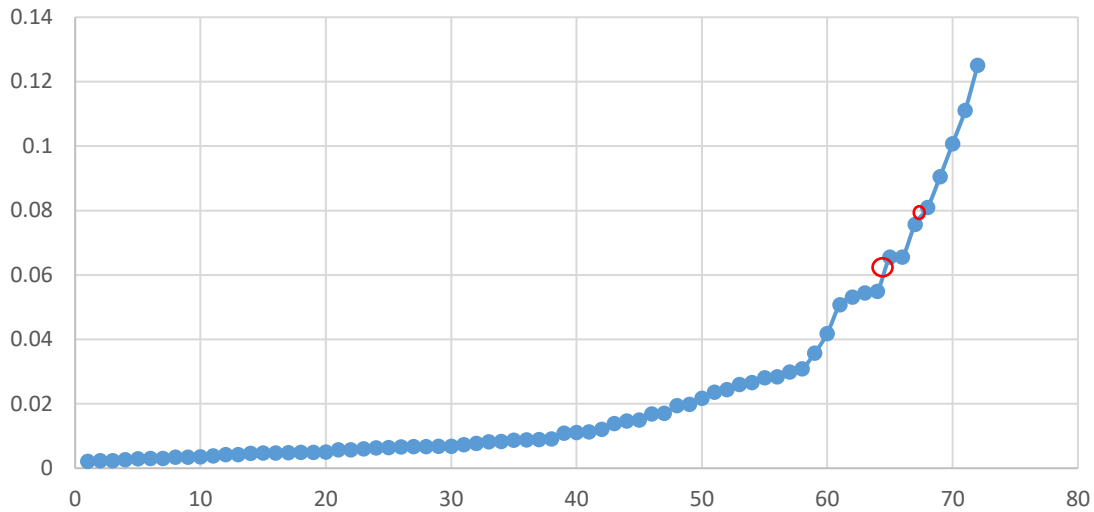
سال	جمعیت شهر میانی (درصد)	جمعیت شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن (درصد)	جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن (درصد)
۱۳۶۵	۷/۲۳	۱۲/۱	۱۹/۳۴

### ۳-۴ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۷۵

با استاندارد کردن شهرها در این دوره و بررسی نمودار و نقاط شکست، شهرهای مرند، مهاباد، بوکان، مراغه، خوی به عنوان شهرهای میانی و شهرهای اهر، میانه و میاندوآب به عنوان شهرهایی که



دارای پتانسیل تبدیل شدن به شهرهای میانی را دارند، می‌توان در نظر گرفت.



شکل ۴-۵ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۷۵

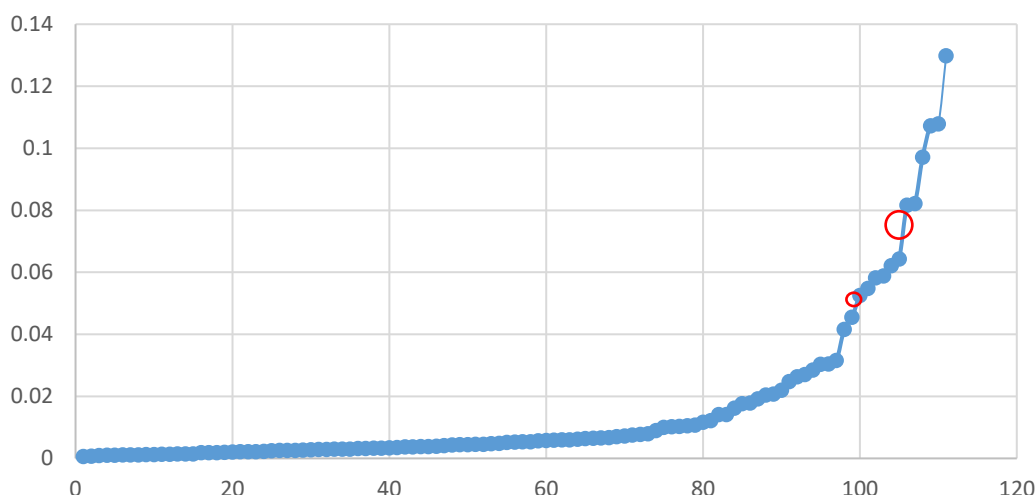
با توجه به جمعیت شهرهای میانی مشخص می‌گردد که حدود ۱۵.۵۷ درصد جمعیت از کل جمعیت منطقه آذربایجان مربوط به شهرهای میانی بوده است و در مجموع با در نظر گرفتن دو نقطه شکست ۲۱.۹ درصد از جمعیت مربوط به شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل برای پیوستن به شهرهای میانی بوده است.

جدول ۴-۵ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۷۵

سال	جمعیت شهر میانی (درصد)	جمعیت شهرهای دارای پتانسیل (درصد)	جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن (درصد)
۱۳۷۵	۱۵/۵۷	۶/۳۳	۲۱/۹

#### ۴-۳-۱ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۸۵

با استاندارد کردن شهرها در این دوره و بررسی نمودار و نقاط شکست، شهرهای میاندوآب، مرند، مهاباد، مراغه، بوکان، خوی به عنوان شهرهای میانی و شهرهای نقده، بناب، سلماس، پارس آباد، اهر، میانه به عنوان شهرهایی که دارای پتانسیل تبدیل شدن به شهرهای میانی را دارند، می‌توان در نظر گرفت.



شکل ۴-۶ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۸۵

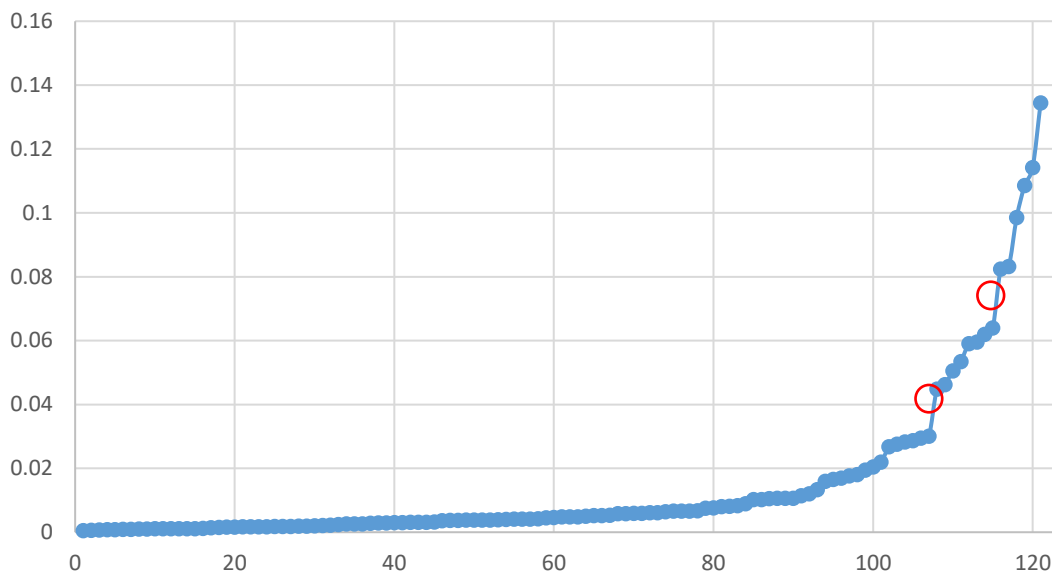
با توجه به جمعیت شهرهای میانی مشخص می‌گردد که حدود ۱۷.۴۸ درصد جمعیت از کل جمعیت منطقه آذربایجان مربوط به شهرهای میانی بوده است و در مجموع با در نظر گرفتن دو نقطه شکست ۲۷.۶ درصد از جمعیت مربوط به شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل برای پیوستن به شهرهای میانی بوده است.

جدول ۴-۶ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۸۵

سال	جمعیت شهر میانی (درصد)	جمعیت شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن (درصد)	جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن (درصد)
۱۳۸۵	۱۷/۴۸	۱۰/۱۲	۲۷/۶

#### ۴-۳-۲ بررسی شهرهای میانی منطقه آذربایجان در سال ۱۳۹۰

با استاندارد کردن شهرها در این دوره و بررسی نمودار و نقاط شکست، شهرهای میاندوآب، مرند، مهاباد، مراغه، بوکان، خوی به عنوان شهرهای میانی و شهرهای مشکین‌شهر، پیرانشهر، نقده، بناب، سلماس، پارس‌آباد، اهر، میانه به عنوان شهرهایی که دارای پتانسیل تبدیل شدن به شهرهای میانی را دارند، می‌توان در نظر گرفت.



شکل ۷-۴ تعیین شهرهای میانی با نقاط شکست جمعیت استاندارد سال ۱۳۹۰

با توجه به جمعیت شهرهای میانی مشخص می‌گردد که حدود ۱۷.۵۶ درصد جمعیت از کل جمعیت منطقه آذربایجان مربوط به شهرهای میانی بوده است و در مجموع با در نظر گرفتن دو نقطه شکست ۲۹.۹۸ درصد از جمعیت مربوط به شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل برای پیوستن به شهرهای میانی بوده است.

جدول ۷-۴ جمعیت شهر میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن در منطقه آذربایجان ۱۳۹۰

سال	جمعیت شهر میانی (درصد)	جمعیت شهرهای دارای پتانسیل (درصد)	جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن (درصد)
۱۳۹۰	۱۷/۵۶	۱۲/۴۱	۲۹/۹۸

#### ۴-۴ بررسی شبکه شهری منطقه آذربایجان در مقاطع زمانی مورد مطالعه

امروزه، شناخت خصلت‌های حاکم بر فضا از طریق کنکاش در نظام و روابط مسلط بر آن و همچنین ساختار حاکم بر نظام‌های سکونتگاهی، محققین را ناگزیر به استفاده از مدل‌ها و روش‌های کمی برای تعیین قانونمندی‌های حاکم بر فضا نموده است. این مدل‌ها که دارای ابعاد فضایی-مکانی هستند، قادر به تحلیل وضع موجود سازمان فضایی و ساختار حاکم بر آن می‌باشند و در صورت

بومی سازی آن‌ها متناسب با شرایط محیطی، اقتصادی و اجتماعی جامعه، می‌توان از ارائه نتایج آن در فرایند توسعه و برنامه‌ریزی استفاده کرد (پورمحمدی، ۱۳۸۶).

در این پژوهش برای سازمان‌یابی فضایی و تحلیل نظام سکونتگاه‌ها در راستای توصیف و تحلیل شرایط و روندهای تغییرات شبکه شهری منطقه آذربایجان از سه دسته شاخص‌های نخست شهری، شاخص‌های تمرکز و شاخص‌های توزیع تعادل استفاده شده است.

#### ۴-۴-۱ بررسی شاخص‌های نخست شهری

نخست شهر، شهری است که در یک کشور یا منطقه همه چیز را تحت تأثیر خود قرار داده و به شکل نامتناسبی نسبت به دیگر شهرها بزرگ‌تر است. (لیوار جانی و شیخ اعظمی، ۱۳۸۸: ۱۸۳ به نقل از Goodall, 1989) توزیع نخست شهری در یک منطقه بدین صورت است که یک شهر خیلی بزرگ با تعداد زیادی از شهرها و شهرک‌های کوچک‌تر، و نه مرکز شهری با اندازه متوسط، در تقابل با توزیع رتبه - اندازه خطی می‌باشد. (همان: ۱۸۳). این ایده، نخستین بار توسط مارک جفرسون جغرافیدان آلمانی در سال ۱۹۳۹ مطرح شد.

بررسی پدیده نخست شهری در ساختار فضایی منطقه آذربایجان توسط تمامی شاخص‌ها - به جز شاخص موماو و الوصایی - نشان می‌دهد که طی هفت دوره سر شماری از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۰، بیش‌ترین میزان نخست شهری مربوط به سال ۱۳۳۵ بوده است. همچنین تمامی شاخص‌ها بیانگر آن است که این پدیده از سال ۱۳۵۵ تاکنون در حال کاهش بوده است. شاخص‌های نخست شهری جفرسون، مهتا و کینزبرگ روند نسبتاً مشابهی را برای تغییرات به نمایش گذاشته‌اند. با توجه به نتایج به دست آمده از شاخص‌های دو کینزبرگ و مهتا، از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۰ میزان نخست شهری همواره رو به کاهش بوده، در سال ۱۳۹۰ دارای کمترین و در سال ۱۳۳۵ بیش‌ترین مقدار نخست شهری است. با توجه به نتایج به دست آمده از شاخص مهتا، از دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ دارای برتری و طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نظام شهری کلان منطقه، به حالت تعدیل شده تر، برتری

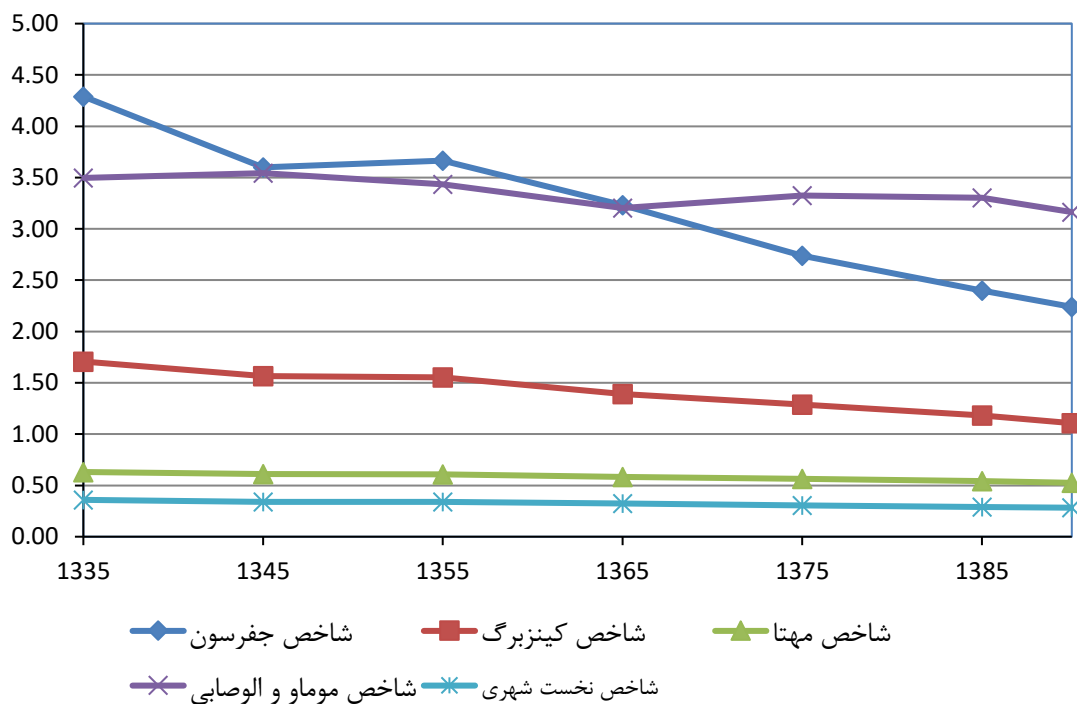
نزدیک به مطلوب می‌رسد. به نظر می‌رسد شاخص موماو و الوصابی نتیجه متفاوتی را به دست داده است. به گونه‌ای که این شاخص ۱۳۴۵ را دارای بیش‌ترین مقدار نخست شهری معرفی می‌کند.

در استان آذربایجان شرقی، با توجه به نتایج به دست آمده از شاخص کینزبرگ، از دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ میزان نخست شهری رو به کاهش بوده و از دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ میزان نخست شهری رو به افزایش بوده و مجدداً از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ میزان نخست شهری رو به کاهش بوده و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ میزان نخست شهری رو به افزایش بوده و از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ میزان نخست شهری رو به افزایش بوده و از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ میزان نخست شهری رو به کاهش بوده است. سال ۱۳۴۵ دارای کمترین مقدار نخست شهری بوده است. با توجه به نتایج به دست آمده از شاخص مهتا، از دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ نظام شهری استان آذربایجان شرقی دارای فوق برتری است. به نظر می‌رسد شاخص موماو و الوصابی نتیجه متفاوتی را به دست داده است. به گونه‌ای که این شاخص ۱۳۹۰ را دارای کمترین مقدار نخست شهری معرفی می‌کند.

در استان آذربایجان غربی، با توجه به نتایج به دست آمده از شاخص‌های دو جفرسون و کینزبرگ، از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۵ میزان نخست شهری رو به افزایش بوده، از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ میزان نخست شهری رو به کاهش بوده، از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۹۰ میزان نخست شهری رو به افزایش بوده است. سال ۱۳۳۵ دارای کمترین و سال ۱۳۹۰ بیش‌ترین مقدار میزان نخست شهری بوده است. با توجه به نتایج به دست آمده از شاخص مهتا، از دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ نظام شهری استان آذربایجان غربی مطلوب بوده و از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ دارای حالت برتری است. به نظر می‌رسد شاخص موماو و الوصابی نتیجه متفاوتی را به دست داده است. به گونه‌ای که این شاخص ۱۳۳۵ را دارای بیشترین مقدار نخست شهری معرفی می‌کند.

در استان اردبیل، با توجه به نتایج به دست آمده از شاخص کینزبرگ، از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۵ میزان نخست شهری رو به کاهش بوده، از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۵۵ میزان نخست شهری رو

به افزایش بوده، از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵ میزان نخست شهری رو به کاهش بوده، از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۵ میزان نخست شهری رو به افزایش بوده، از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۵ میزان نخست شهری رو به کاهش بوده، از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ میزان نخست شهری رو به افزایش بوده است. سال ۱۳۸۵ دارای کمترین مقدار نخست شهری بوده است. با توجه به نتایج به دست آمده از شاخص مهتا، از دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ نظام شهری استان اردبیل دارای فوق برتری است.

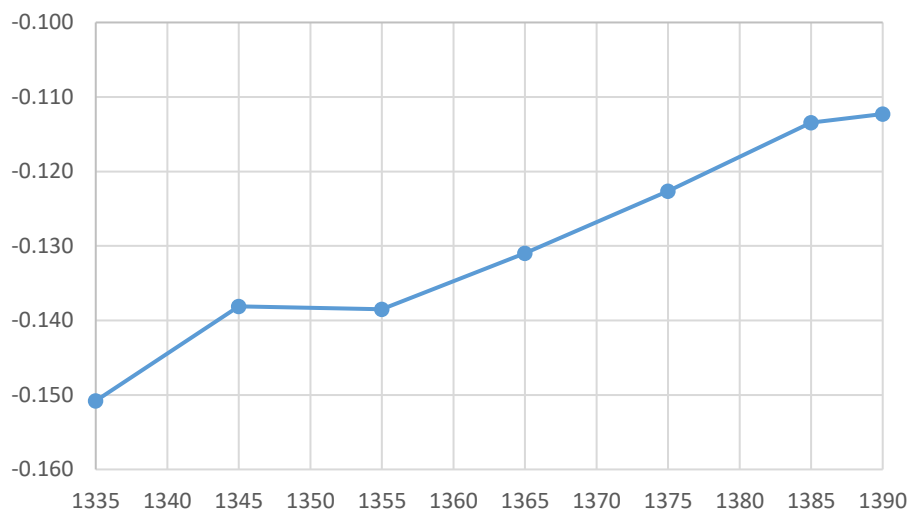


شکل ۴-۸ شاخص‌های نخست شهر در منطقه آذربایجان

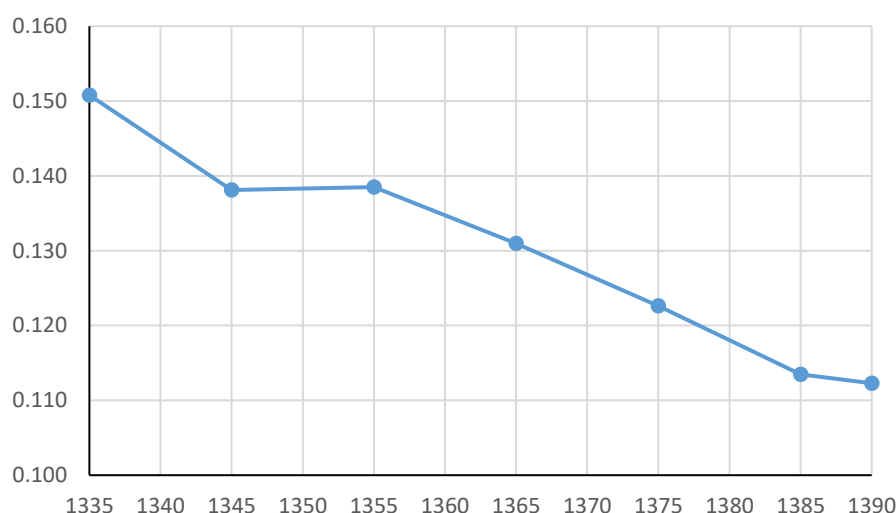
#### ۴-۴-۲ شاخص‌های بررسی میزان تمرکز

با توجه به اینکه شاخص‌های قبلی میزان نخست شهری و یا تسلط شهر نخست بر نظام شهری را بررسی می‌کردند، شاخص‌هایی نیز لازم است تا میزان تمرکز در کل نظام شهری و اینکه آیا در مقاطع مختلف زمانی از شدت تمرکز کاسته شده و نظام شهری به سمت تعادل نسبی پیش می‌رود یا نه را، بررسی کند (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۵). برای این کار می‌توان از روش‌های شاخص تمرکز هرفیندال، شاخص عدم تمرکز هندرسون استفاده کرد.

برای بررسی تحولات تمرکز در منطقه آذربایجان از شاخص‌های تمرکز هرفیندال و عدم تمرکز هندرسون ذکر شده در جدول ۵-۲ استفاده شده است. بررسی این پدیده در ساختار فضایی منطقه مورد بررسی توسط دو شاخص هرفیندال و هندرسون نشان می‌دهد، طی هفت دوره سر شماری از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۰، میزان تمرکز همواره رو به کاهش بوده است و بیشترین آن مربوط به سال ۱۳۳۵ است. روند تغییرات تمرکز طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ با سرعت کمتری رو به کاهش بوده است. این نتایج تا حدودی نتایج به دست آمده از شاخص‌های بررسی میزان نخست شهری را تأیید می‌کند، زیرا در بیشتر موارد تغییرات تسلط نخست شهر تا سال ۱۳۹۰ همواره رو به کاهش بوده است. می‌توان نتیجه گرفت که نخست شهری و تمرکز هر دو در سال ۱۳۳۵ در بیشترین مقدار خود در مقایسه با هر زمان دیگر بوده‌اند، نخست شهری و تمرکز هر دو در سال از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۰ همواره رو به کاهش بوده‌اند و در نهایت نخست شهری به طور روشن و با شدت بسیار کمتر از آن تمرکز، از سال ۱۳۳۵ تاکنون رو به کاهش بوده است.



شکل ۹-۴ شاخص عدم تمرکز هندرسون



شکل ۱۰-۴ شاخص تمرکز هرفیندال

#### ۴-۴-۳ شاخص‌های بررسی میزان تعادل

علاوه بر شاخص‌های نخست شهری و شاخص‌های تمرکز شهری، روش‌های متفاوتی برای بررسی میزان تعادل در نحوه توزیع و استقرار فضایی- مکانی جمعیت در مناطق مختلف وجود دارد که برای بررسی تحولات توزیع متعادل در شهرهای منطقه آذربایجان از شاخص‌های رتبه-اندازه و آنتروپی و ضریب جینی و منحنی لورنز استفاده شده و نتایج هر یک به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

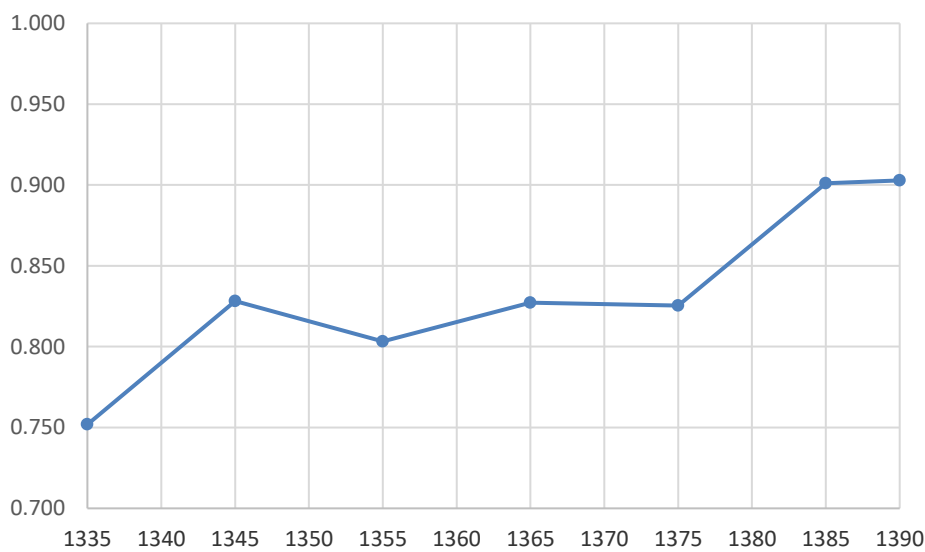
#### ۴-۴-۳-۱ شاخص آنتروپی

آنتروپی یا شاخص بی‌نظمی یک روش ریاضی است که به منظور تحلیل اطلاعات و سازماندهی یک سیستم مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تئوری و روش‌های مربوط به آن برای تشریح و توصیف وضع موجود توزیع سکونتگاه‌ها و نحوه توزیع تمرکز جمعیت در فضای جغرافیایی کاربرد دارد (پور محمد، ۱۳۸۷: ۶۱).

بررسی تحولات توزیع جمعیت در نقاط شهری منطقه مورد مطالعه با استفاده از ضریب آنتروپی بیانگر آن است که در سال ۱۳۳۵ بیشترین تعادل برقرار بوده است. از سال ۱۳۳۵ تا سال



۱۳۴۵ تعادل در نظام شهری منطقه رو به کاهش بوده و از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۵۵ تعادل در نظام شهری منطقه رو به افزایش بوده و از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵ تعادل در نظام شهری منطقه رو به کاهش بوده و از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۵ تعادل در نظام شهری منطقه رو به افزایش بوده و از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۹۰ تعادل در نظام شهری منطقه همواره رو به کاهش بوده است؛ اما سرعت کاهش آن طی سال‌های ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ به کمترین حد خود رسیده است. در کل نظام شهری منطقه به سمت عدم تعادل پیش می‌رود.



شکل ۱۱-۴ شاخص آنتروپی

#### ۴-۳-۴-۲ بررسی قاعده رتبه -اندازه

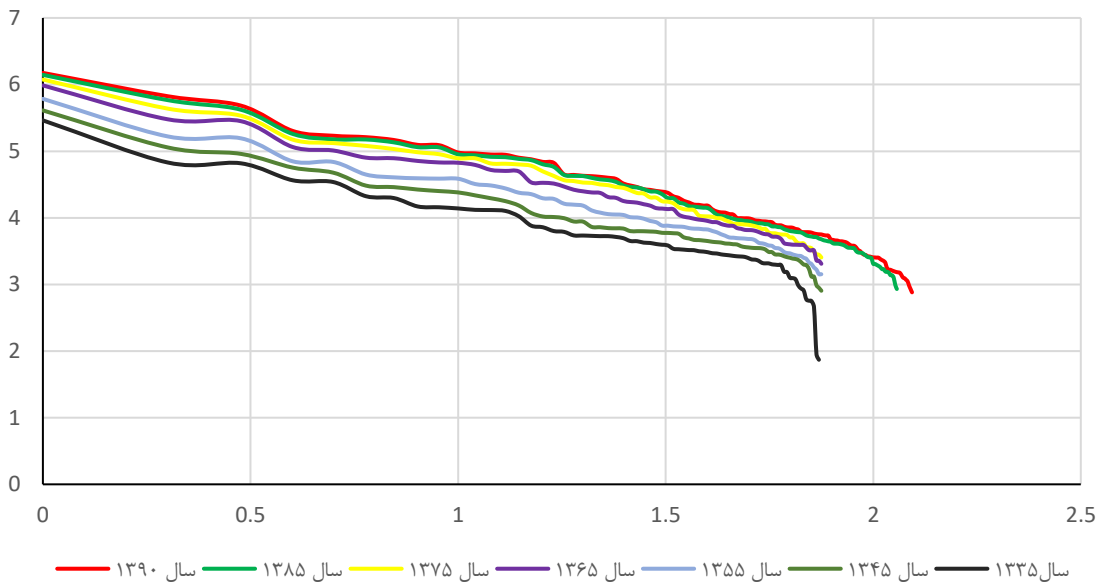
بررسی تحولات توزیع جمعیت در نقاط شهری منطقه‌ی مورد مطالعه با استفاده از قاعده رتبه - اندازه نشان می‌دهد که ضریب  $b$  (شیب خط رگرسیون) در سال ۱۳۹۰ بیشترین فاصله را از عدد ۱- و در نتیجه بیشترین عدم تعادل را داشته است. از سال ۱۳۴۵ تاکنون نظام شهری به سمت عدم تعادل و بزرگ‌تر شدن (قدرمطلق) پیش رفته است. جدول شماره جدول ۸-۴ و نمودارهای مربوط به آن نیز نشانگر همین موضوع است؛ به گونه‌ای که خط لگ نرمال در طول هفت دوره سرشماری، از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ به خط نرمال نزدیک شده و از سال ۱۳۴۵ در حال فاصله گرفتن از تعادل است.

تفاوت عمده‌ای که بین این الگو و برخی الگوهای تمرکز یا نخست شهری وجود دارد، در این است که این شاخص، توزیع جمعیت در سال ۱۳۹۰ را کاملاً نامتعادل توصیف می‌کند، درحالی‌که از بین شاخص‌های قبل فقط شاخص آنتروپی چنین نتیجه‌ای را به دست داده است و سایر آن‌ها روند تغییرات را در این سال را در استمرار با دوره‌های پیشین نشان داده‌اند. مساله قابل بحث دیگر در مورد ضریب تعیین خط برازش داده‌شده به توزیع لگاریتمی است. بررسی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۳۵ ضریب تعیین کمترین مقدار را داشته است و در سایر سال‌ها، ضریب تعیین بالای ۰.۹۰ بوده که بیانگر نیکویی برازش است.

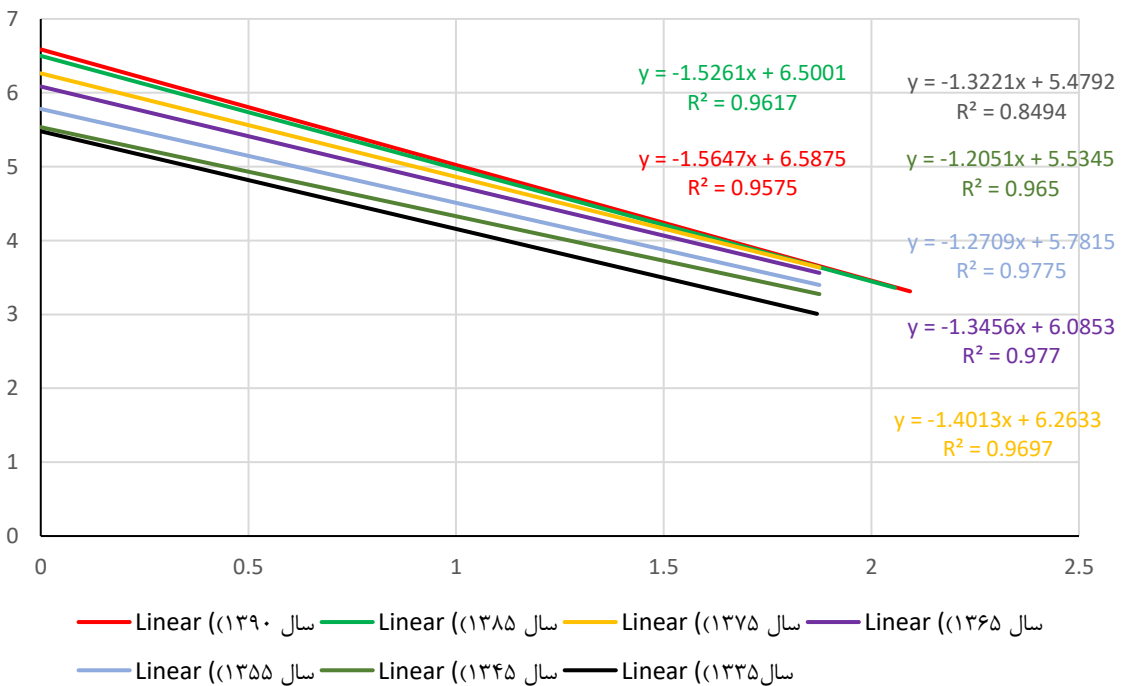
جدول ۸-۴ ضریب b در قاعده رتبه-اندازه در شهرهای منطقه مورد مطالعه طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵

۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		۱۳۳۵		شرح
R <sup>2</sup>	b	R <sup>2</sup>	b	R <sup>2</sup>	b	R <sup>2</sup>	b	R <sup>2</sup>	b	R <sup>2</sup>	b	R <sup>2</sup>	b	
۰/۹۵۷	-۱/۵۶۴	۰/۹۶۱	-۱/۵۲۶	۰/۹۶۹	-۱/۴۰۱	۰/۹۷۷	-۱/۳۴۵	۰/۹۷۷	-۱/۲۷۰	۰/۹۶۵	-۱/۲۰۵	۰/۸۴۹	-۱/۳۲۲	ضریب b

شکل ۱۲-۴ نمودارهای لگ نرمال در دوره‌های مورد بررسی



شکل ۱۳-۴ رگرسیون خطی نمودارهای لگ نرمال در دوره‌های مورد بررسی



### ۳-۳-۴-۴ منحنی لورنز و ضریب جینی

ضریب جینی شاخصی برای اندازه‌گیری و تحلیل نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی است که با

منحنی لورنز ارتباط دارد و از آن می‌توان برای مقایسه توزیع جمعیت در طبقات شهری در طی زمان استفاده کرد و پی برد که آیا نابرابری با گذر زمان در حال افزایش است یا کاهش. برای ترسیم منحنی لورنز، بر روی محور افقی فراوانی تجمعی نسبی تعداد شهرها و بر روی محور عمودی نیز فراوانی تجمعی جمعیت شهرها قرار داده می‌شود. هرچه قدر منحنی لورنز به طرف خط نرمال (نیمساز ۴۵ درجه) متمایل باشد توزیع طبقات جمعیتی در منطقه مطلوب‌تر است. خط ۴۵ درجه، خط برابری کامل توزیع جمعیت در طبقات شهری را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر در این حالت تمام شهرها سهم یکسانی از جمعیت را خواهند داشت (همه شهرها هم اندازه هستند)؛ اما در واقعیت منحنی لورنز به سمت محور افقی تحدب پیدا می‌کند. ضریب جینی عددی بین ۰ و ۱ است. ضریب جینی صفر، برابری کامل (خط ۴۵ درجه) و ضریب جینی ۱ نابرابری کامل را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر هر چه ضریب جینی به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد به معنای آن است که توزیع طبقات جمعیتی شهرها، نامتوازن‌تر است.

برای تشخیص میزان تعادل از ضریب تراکم جینی که از تقسیم مساحت ناحیه قوس زیر منحنی به مساحت مثلث به دست می‌آید، استفاده می‌شود. این ضریب برای سنجش وضعیت توزیع جمعیت در نقاط شهری به کار می‌رود. این ضریب را به چهار دسته ۰-۰/۲۵، متعادل، ۰-۰/۵، تقریباً متعادل، ۰/۵-۰/۷۵، نیمه متعادل، ۰/۷۵-۱، نامتعادل (بحرانی) می‌توان تقسیم کرد. البته ضریب جینی وضعیت توزیع را به طور کامل نشان نمی‌دهد و ممکن است دو توزیع متفاوت دارای ضریب جینی یکسان باشند. ضریب جینی از رابطه زیر به دست می‌آید: (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵:۲۶۲)

فرمول ۲-۴

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2[xy_1 + (n-1)y_2 + \dots + y_n]}{Y \times n^2}, y_1 < y_2 < \dots < y_n$$

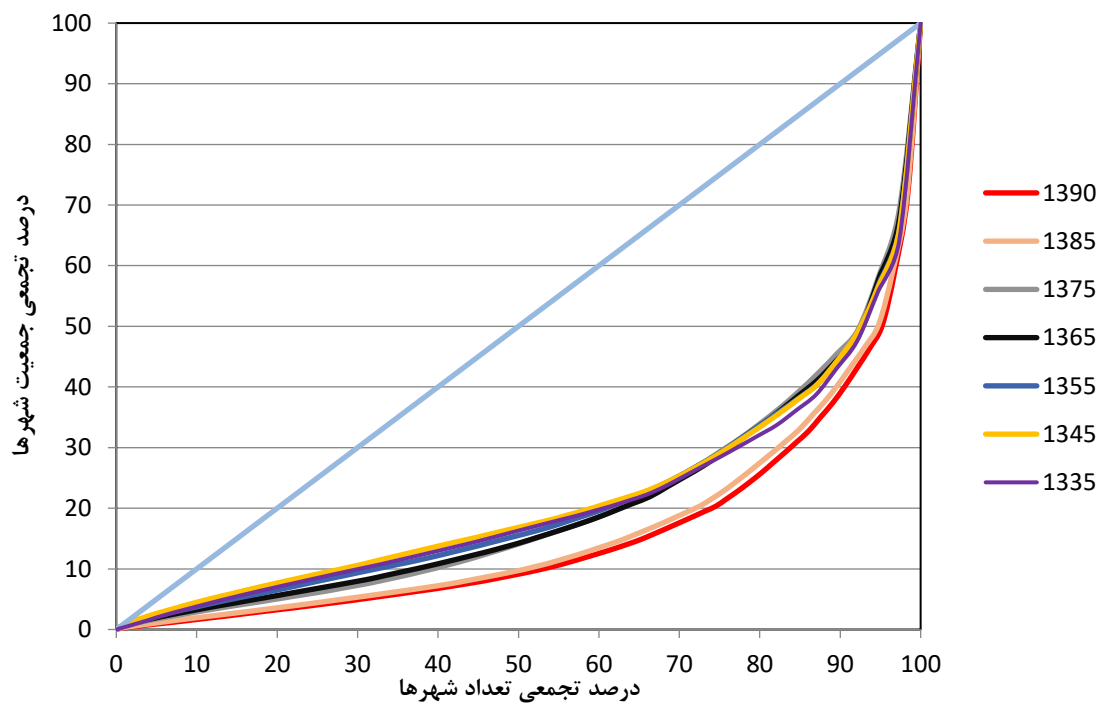
G: برابر است با ضریب جینی

n: تعداد مناطق

$\bar{Y}$ : میانگین شاخص مورد نظر

در منطقه آذربایجان منحنی لورنز و میزان ضریب جینی بر اساس سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال‌های مختلف با هم مقایسه شده که نشان‌دهنده افزایش میزان چولگی تابع توزیع شهرها و گرایش به یک آن با گذشت زمان است. این به معنای تشدید شرایط نابرابری (بدتر شدن توزیع طبقاتی جمعیت شهری) است به طوری که ضریب جینی در سال ۱۳۹۰ بیشترین مقدار (بدترین) و نامتعادل‌ترین شکل خود و در سال ۱۳۴۵ کمترین (بهترین) مقدار را در منطقه آذربایجان داشته است. وضعیت توزیع جمعیت در نقاط شهری نشان می‌دهد که توزیع نیمه متعادل است. این پدیده نشان‌دهنده تعلق جمعیت زیادی به تعداد محدودی از شهرهای بزرگ و جمعیت کمتری به تعداد بیشماری از شهرهای کوچک و میان مقیاس است.

در این رابطه آلسو با اشاره به ظرفیت محدود شهرهای کوچک، شهرهای میانی را دلیل مناسبی برای پذیرش سهم بیشتری از کل جمعیت افزون‌شده کشور می‌خواند تا در مقابل رشد غول‌آسا و غیرقابل کنترل شهرهای بزرگ قادر به پذیرش سهمی از جمعیت باشند. آنچه که شهرهای میانی را دلیل مناسبی برای پذیرش جمعیت می‌سازد، توانایی‌هایی است که این مقیاس از شهرها از نظر اقتصادی می‌یابند و آن‌ها را برای پذیرش جمعیت بیشتر مهیا می‌سازند، قابلیت‌هایی که شهرهای کوچک نمی‌توانند در خود فراهم کنند (امکچی، ۱۳۸۳: ۴۱).



شکل ۴-۱۴ توزیع گروه‌های شهری و جمعیت شهری با استفاده از منحنی لورنز منطقه آذربایجان

جدول ۴-۹ مقدار ضریب جینی در منطقه آذربایجان

۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	استان
۰/۷۲۲	۰/۷۲۵	۰/۶۸	۰/۶۷	۰/۶۳	۰/۶۱۲	۰/۶۱۱	آذربایجان شرقی
۰/۶۱	۰/۵۶	۰/۳۹۵	۰/۳۹۹	۰/۴۲	۰/۴۳۷	۰/۴۴	آذربایجان غربی
۰/۷۰	۰/۶۵	۰/۵۷	۰/۵۸	۰/۵۷	۰/۵۳	۰/۶۰	اردبیل
۰/۶۹	۰/۶۷	۰/۵۹۵	۰/۵۹۴	۰/۵۸	۰/۵۷	۰/۵۸	منطقه آذربایجان

#### ۴-۵ تأثیر شهرهای میانی بر تمرکز و توزیع تعادل منطقه آذربایجان

برای بررسی ارتباط معنادار بین گسترش شهرهای میانی و شاخص‌های نخست شهری و میزان تعادل سیستم نظام شهری و نیز رابطه معنادار بین گسترش شهرهای میانی و توسعه شهرهای کوچک، میزان همبستگی مورد سنجش قرار گرفت که در جدول ۱۰-۴ میزان همبستگی بیان شده است.

بررسی میزان آنتروپی (شاخص توزیع تعادل) و کل جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن، میزان همبستگی ۰/۹۸ درصد را بیان می‌دهد که نشان‌دهنده این است که گسترش شهرهای میانی بر روند توزیع تعادل شبکه شهری منطقه آذربایجان اثر مثبت داشته است؛ به عبارت دیگر گسترش شهرهای میانی، شبکه شهری را متعادل تر کرده است. همچنین بررسی رابطه آنتروپی و شهر میانی، همبستگی ۰/۷۷ را بیان می‌دهد که گسترش شهرهای میانی، شبکه شهری را متعادل تر کرده است.

بررسی میزان نخست شهری و کل جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل شهر میانی شدن، میزان همبستگی ۰/۹۵- درصد را بیان می‌دهد که نشان‌دهنده این است که گسترش شهرهای میانی بر میزان نخست شهری، شبکه شهری منطقه آذربایجان اثر معکوس داشته است؛ به عبارت دیگر گسترش شهرهای میانی، شبکه شهری را متعادل تر کرده است. همچنین بررسی میزان نخست شهری و شهر میانی، همبستگی ۰/۸۶- را بیان می‌دهد که از میزان نخست شهری کاسته می‌شود؛ به عبارت دیگر گسترش شهرهای میانی، شبکه شهری را متعادل تر کرده است.

جدول ۱۰-۴ همبستگی بین شهرهای میانی و شاخص‌های نظام شهری

میزان	نوع همبستگی
۰/۹۸	همبستگی بین آنتروپی و کل (جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل
۰/۷۷	همبستگی آنتروپی و شهر میانی
-۰/۹۵	همبستگی نخست شهری و کل (جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای
-۰/۸۶	همبستگی نخست شهری و شهر میانی

با توجه به داده‌های فوق‌الذکر و بررسی میزان همبستگی، تأثیر گسترش و تقویت شهرهای میانی بر تعادل بخشی نظام شهری ثابت می‌گردد. در ادامه با توجه به عدم تعادل شبکه شهری منطقه آذربایجان، شهرهای میانی که تعادل نظام شهری منطقه را برقرار می‌سازد، با توجه به شرایط موجود، مکان‌یابی و انتخاب می‌گردد.

#### ۴-۶ تحلیل مکانی شهرهای میانی

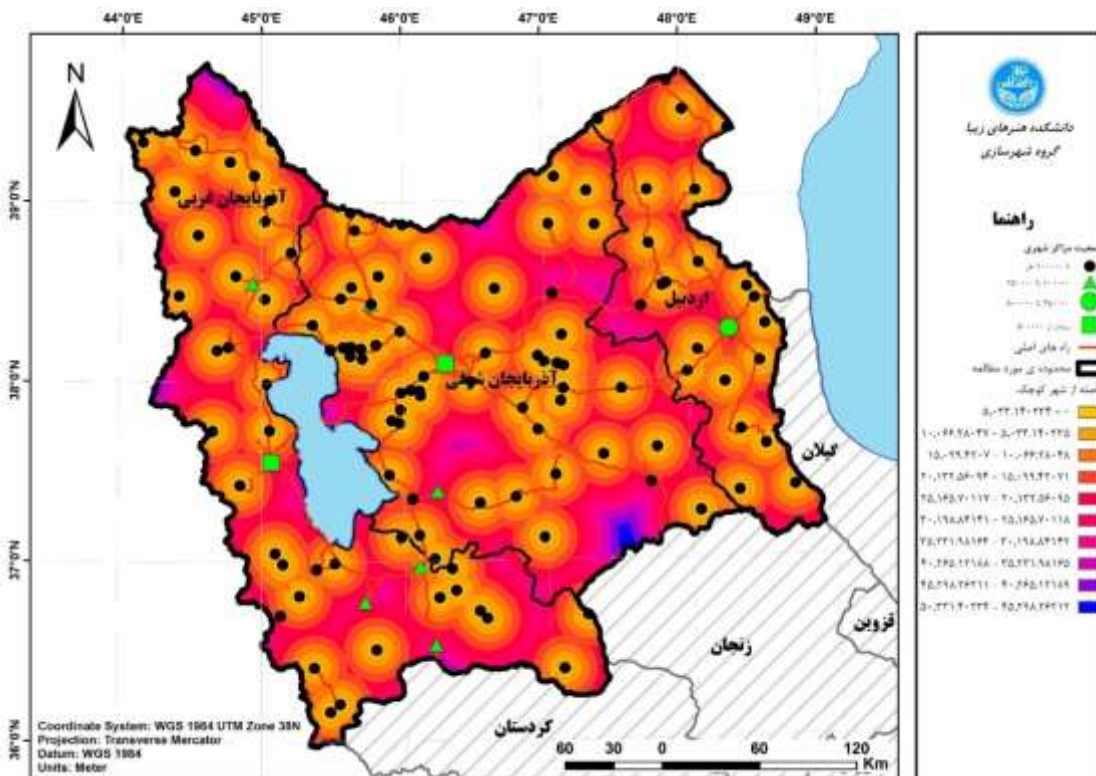
تحلیل‌های انجام‌شده بر اساس جمعیت شامل شاخص‌های نخست شهری، تمرکز و توزیع تعادل تنها به جمعیت شهرها بدون در نظر گرفتن مکان آن‌ها در ساختار فضایی منطقه توجه دارد به همین منظور برای تحلیل دقیق تر نقش شهرهای میانی جایگاه این شهرها بر اساس چارچوب نظری ارائه‌شده تحلیل می‌شوند. بر این اساس به چند دسته شهر میانی در فضای جغرافیایی منطقه برای رسیدن به تعادل نیاز است که هر یک از این دسته‌ها شاخص‌های مخصوصی جهت تحلیل نیاز دارند.

در واقع وضعیت پراکنش کنونی شهرهای میانی تعیین‌شده در تحلیل‌های جمعیتی با شکل ایده آل استخراج‌شده از مبانی نظری مقایسه می‌شود. به این ترتیب مشخص می‌شود که توزیع فضایی شهرهای میانی موجود با شهرهای میانی مطلوب چه فاصله‌ای دارد. برای این منظور شهرهای میانی بر اساس نظر کانزمن به ۴ دسته تقسیم می‌شود که ۳ دسته شهر میانی تسکینی، مرزی، توسعه‌ای توسط تحلیل‌های مکانی و شهرهای تولیدی توسط عامل تحلیلی در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

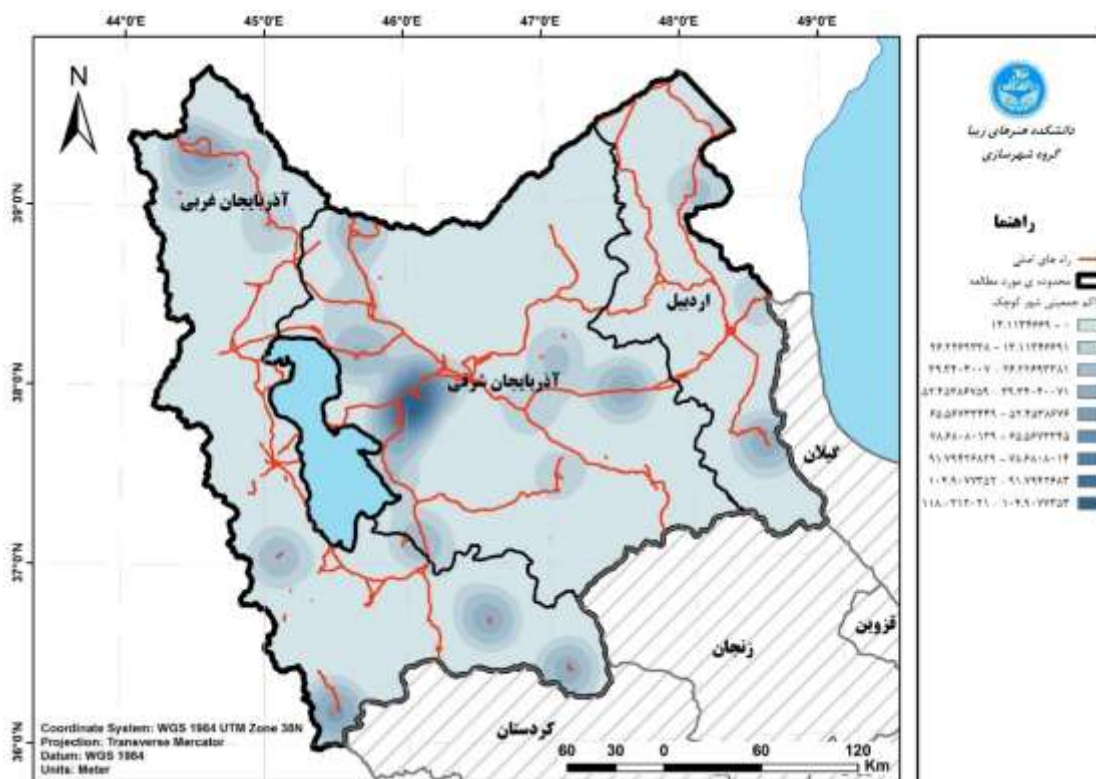
برای تحلیل مکان شهرهای میانی ابتدا ۴ شاخص فاصله از شهرهای کوچک و فاصله از شهرهای میانی موجود، فاصله از شبکه راه‌ها و جمعیت مراکز شهرهای موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برای بررسی تأثیر فاصله شهرهای کوچک بر شهرهای میانی، هر چه فاصله شهرهای کوچک از شهر میانی کمتر باشد، خدمات‌رسانی و برقراری تعادل بهتر است (شکل ۱۵-۴). از سوی دیگر شهر میانی باید شهرهای کوچک و نیز جمعیت بیشتری را تحت پوشش قرار می‌دهد (شکل ۱۵۱۷-۴).



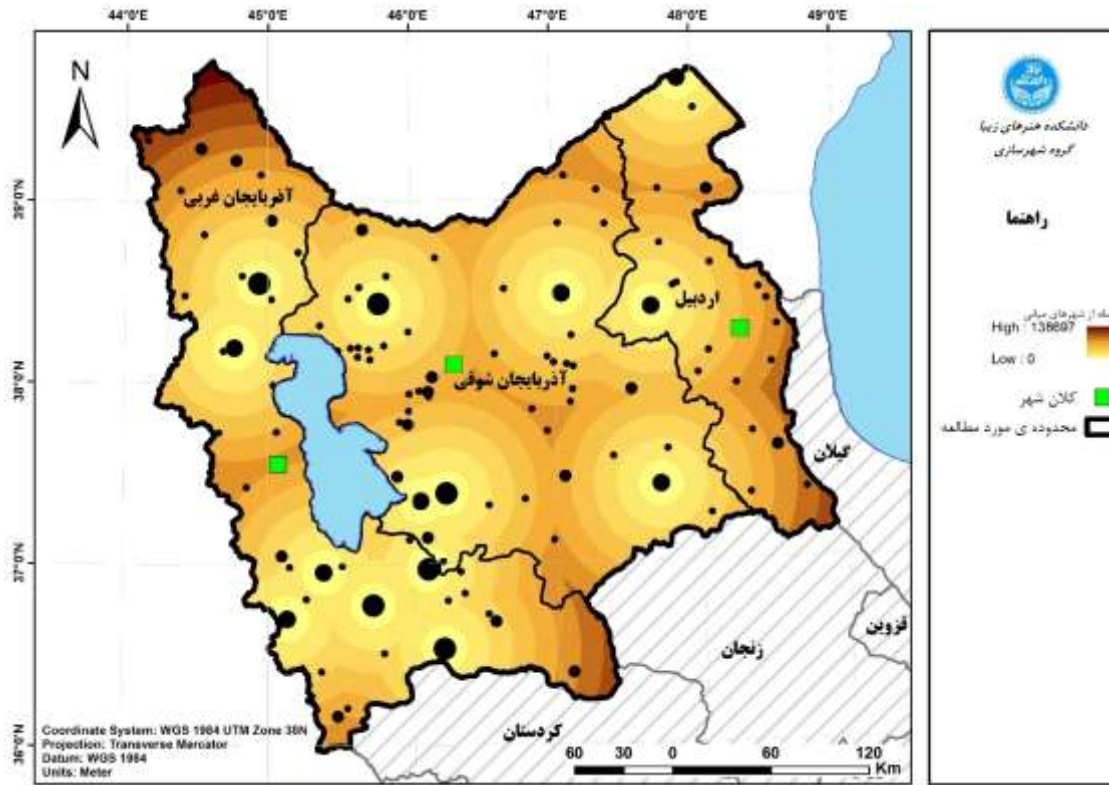


شکل ۴-۱۵ فاصله شهرهای کوچک از یکدیگر



شکل ۴-۱۶ تراکم جمعیتی شهرهای کوچک

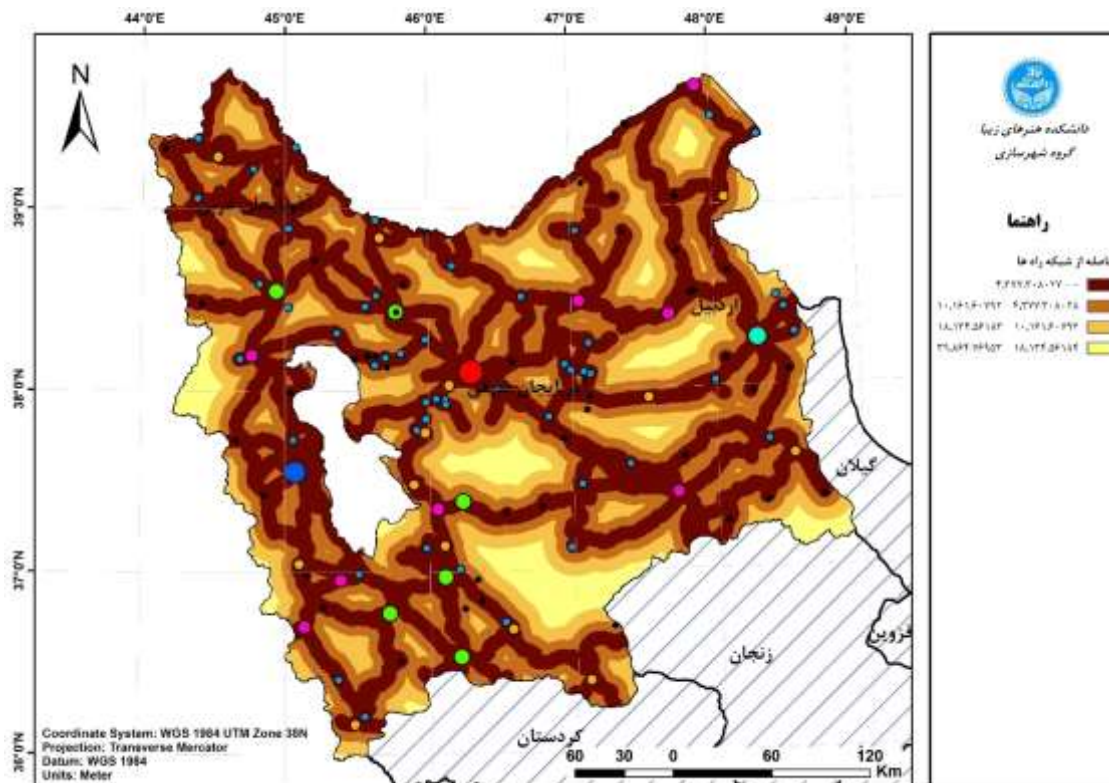
معیار دوم، فاصله همه شهرها از شهر میانی موجود است که هرچه این فاصله بیشتر باشد بهتر است به عبارت دیگر دو شهر میانی در کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرد و توزیع فضایی بهتر متعادل تر می‌شود.



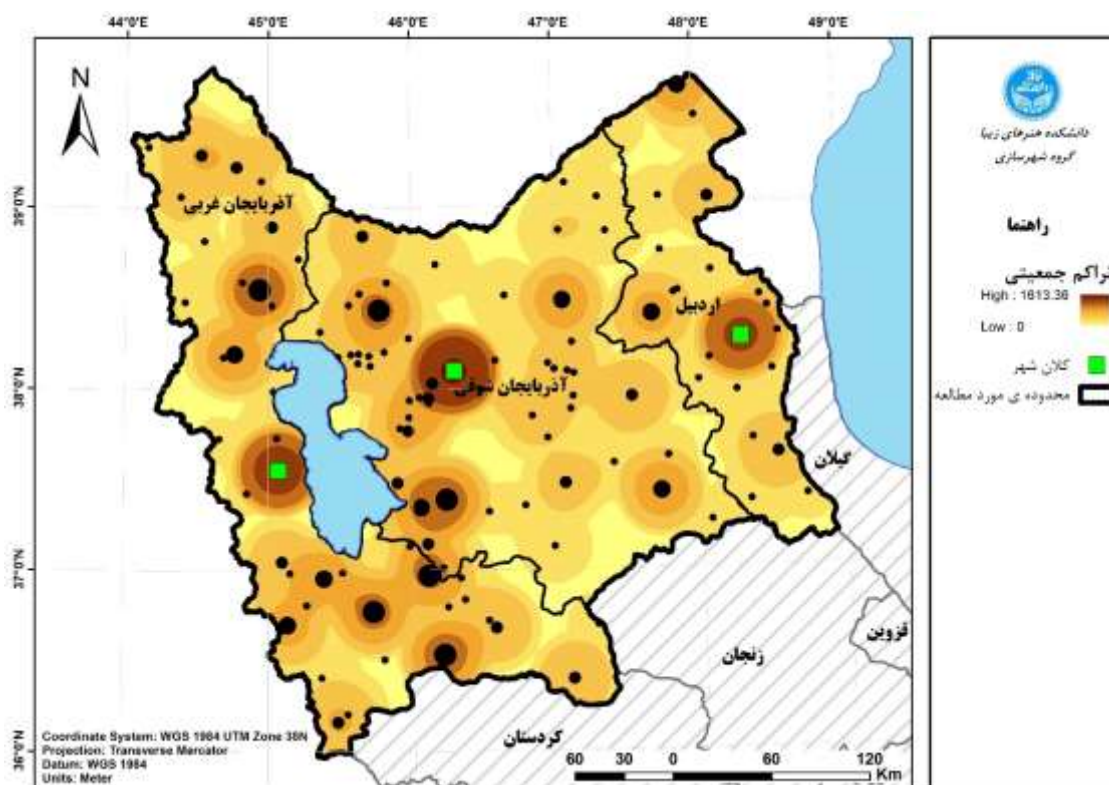
شکل ۱۷-۴ فاصله شهرهای میانی از همه مراکز شهری

معیار سوم برای تحلیل مکانی، فاصله از شبکه راه‌ها است. شهرهای میانی هرچه به شبکه راه‌ها نزدیک‌تر باشد، بهتر است؛ به عبارت دیگر، هر چه این معیار کمتر باشد، بهتر است. (شکل ۱۸-۴) معیار چهارم، جمعیت شهرهای کوچک و میانی است به این معنی که شهر میانی، در کنار شهرهای کوچک با جمعیت بیشتر قرار می‌گیرد و هر چه مقدار آن بیشتر باشد بهتر است. (

شکل ۱۹-۴)

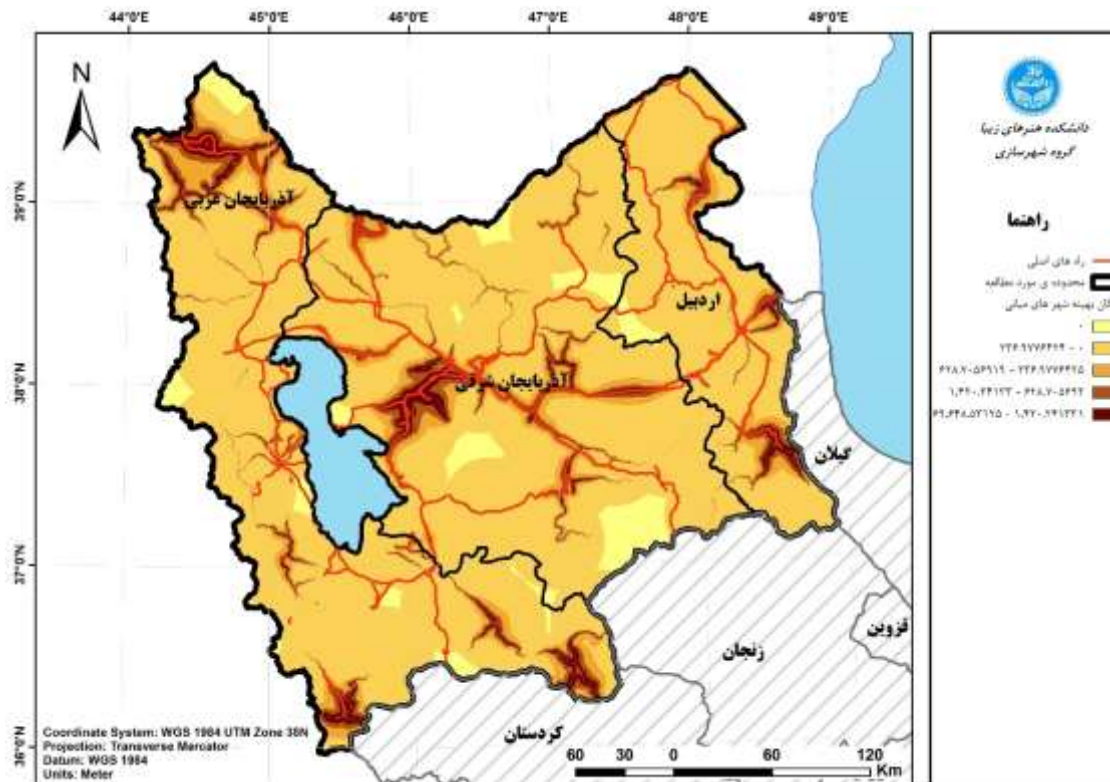


شکل ۴-۱۸ فاصله شبکه راه‌ها از شهرهای موجود



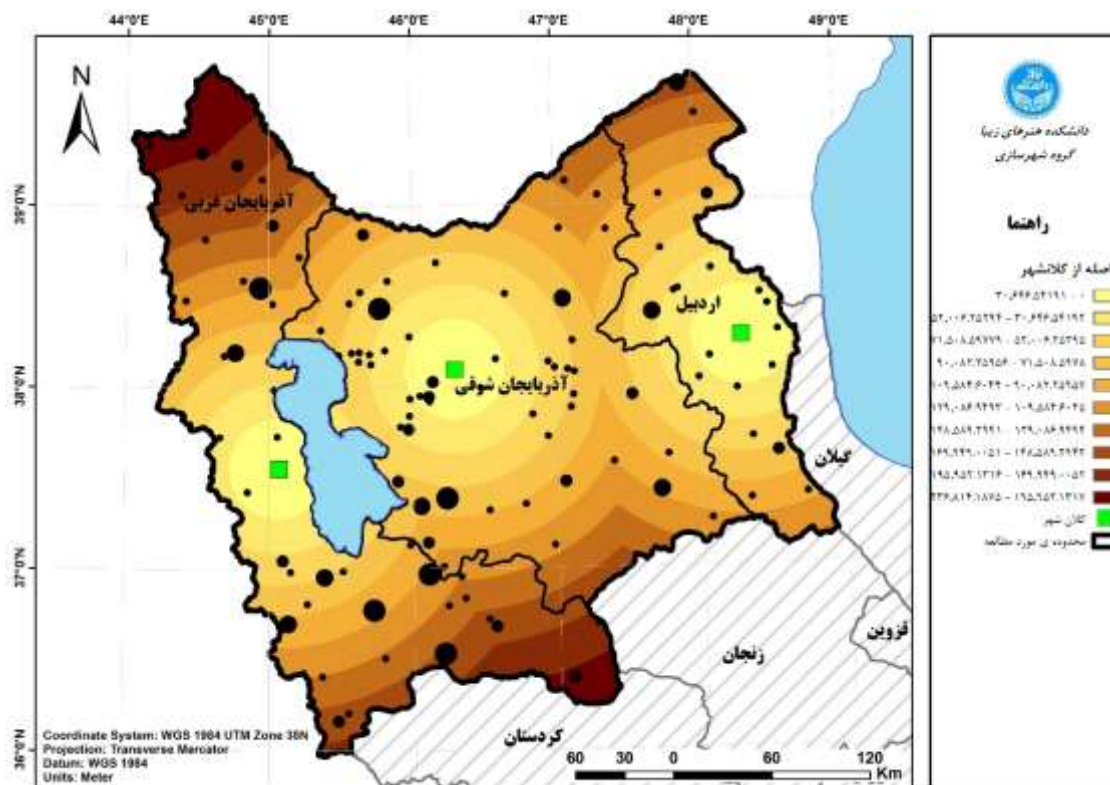
شکل ۴-۱۹ جمعیت شهرها میانی و کوچک

این ۴ معیار برای تعیین نقش شهرهای میانی مشترک بوده که با روی هم گذاری این ۴ لایه، نقشه زیر، به عنوان مکان عمومی مناسب برای شهرهای میانی به دست می‌آید که برای به دست آوردن نقش شهرهای میانی لازم است لایه‌های دیگر که در ادامه ذکر می‌شود، نقش شهرهای میانی را مشخص می‌سازد.



شکل ۲۰-۴ مکان عمومی شهرهای میانی

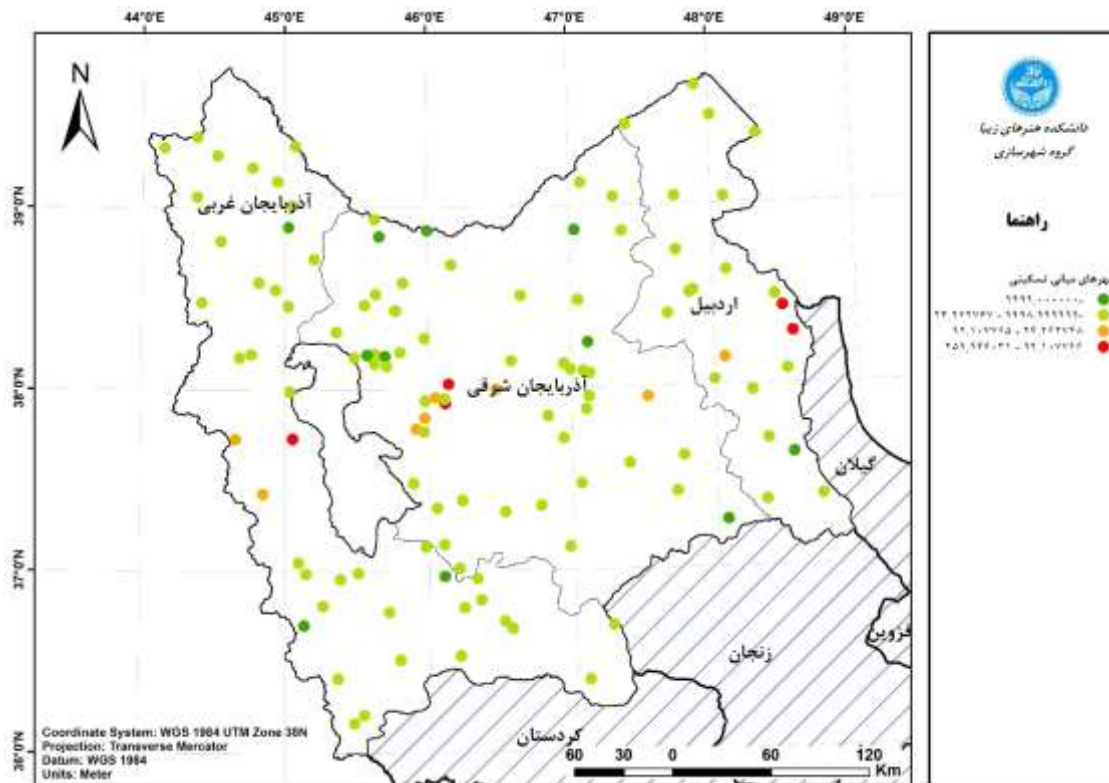
برای تعیین نقش شهرهای میانی ترکیب لایه‌های فاصله از کلانشهر با ۴ لایه قبلی، شهرهای میانی با عملکرد تسکینی را مشخص می‌سازد؛ به عبارت دیگر شهرهای میانی با عملکرد تسکینی از فشار کلانشهرها می‌کاهد و هرچه شهر میانی به کلانشهر کمتر باشد، بهتر است.



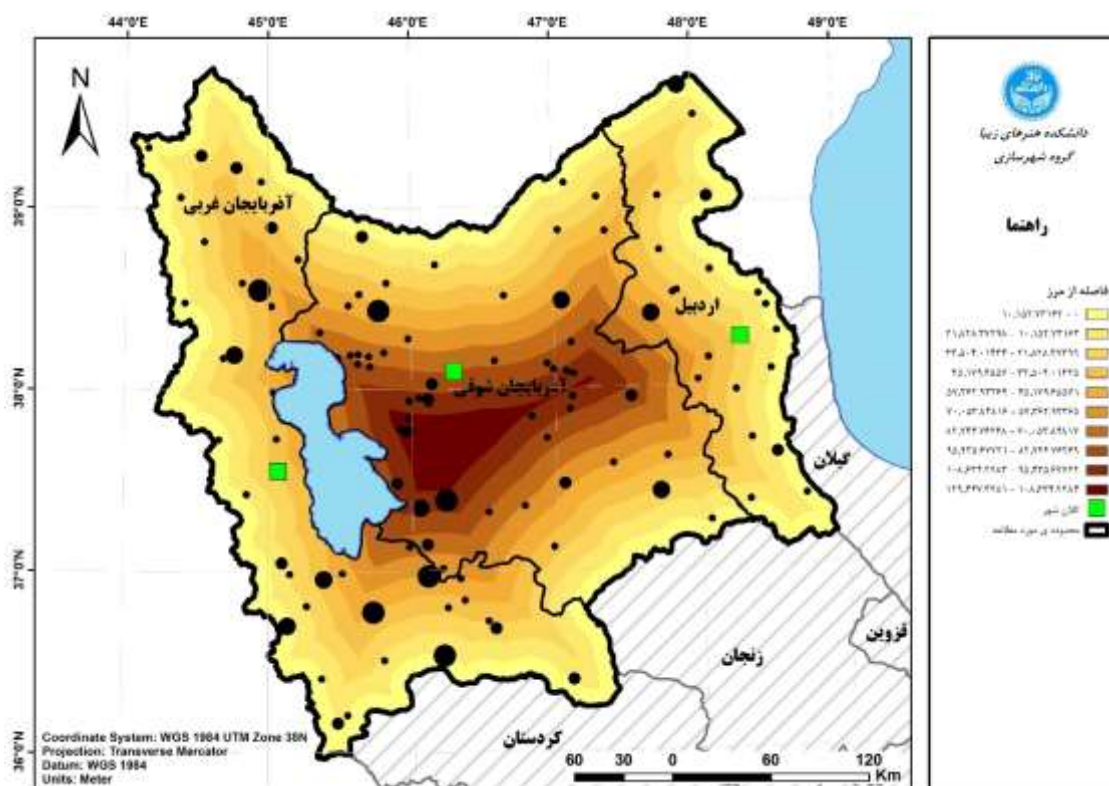
شکل ۲۱-۴ فاصله از کلانشهر

به این ترتیب با ترکیب ۴ لایه عمومی و لایه فاصله از کلانشهر، شهرهای میانی با عملکرد تسکینی مشخص می‌شود، شکل ۲۲-۴ این شهرها را نشان می‌دهد که عبارت‌اند از: نمین، آبی بیگلو، سردرود، نوشین شهر، اسکو

برای مشخص کردن شهرهای میانی با عملکرد مرزی (دروازه‌ای) که اغلب نسبت به دیگر نقاط، محروم تر هستند، فاصله از مرزها هرچه کمتر باشد، بهتر است. (شکل ۲۳-۴)

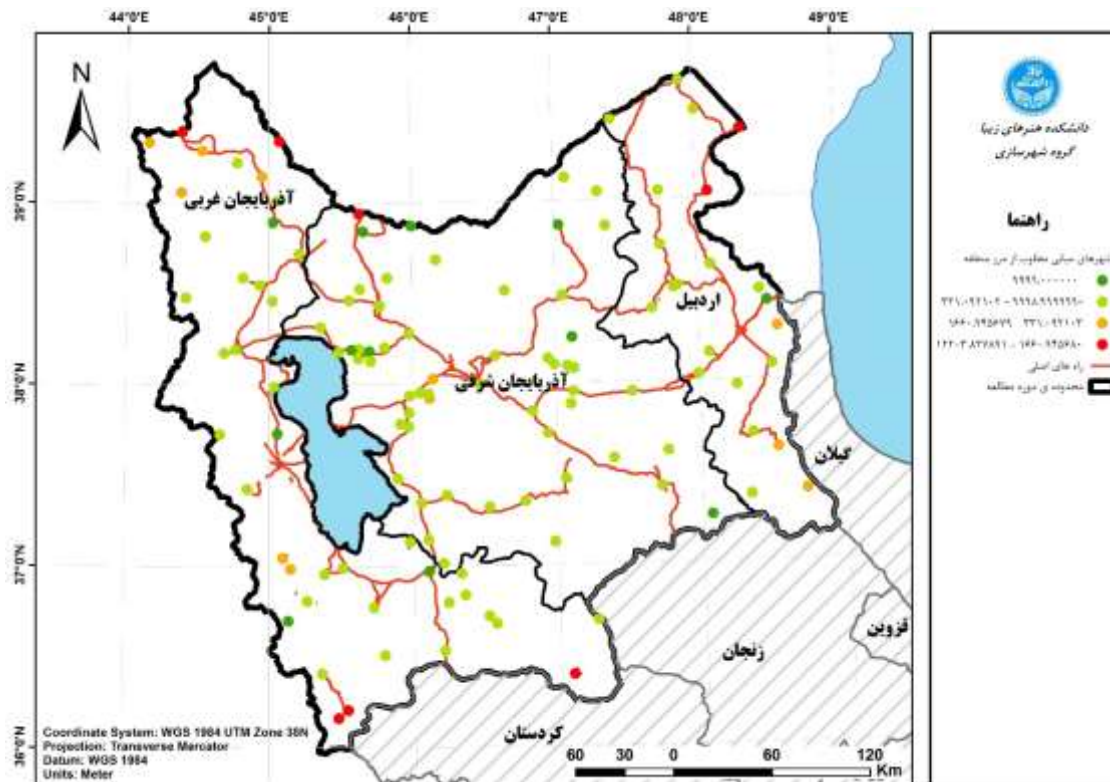


شکل ۲۲-۴ شهرهای تسکینی



شکل ۲۳-۴ فاصله از مرزها

با ترکیب ۴ لایه عمومی و لایه فاصله از مرز منطقه مورد مطالعه، شهرهای میانی با عملکرد مرزی مشخص می‌شود، شکل ۲۴-۴ این شهر را نشان می‌دهد که عبارت‌اند از: بازرگان، پلدشت، جلفا، بیله سوار، گرمی، تکاب، ربط، سردشت



شکل ۲۴-۴ شهرهای مرزی

برای تحلیل عملکرد شهرهای توسعه‌ای و تولیدی، از تحلیل‌های اقتصادی استفاده می‌شود که در ادامه می‌آید.

#### ۴-۷ شناخت وضعیت اقتصادی منطقه آذربایجان

رشد و توسعه پایدار از اهداف اصلی برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای است. افزایش رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی منطقه آذربایجان، به بررسی وضعیت ساختار اقتصادی منطقه در بخش‌های صنعتی، کشاورزی و خدمات پرداخته می‌شود. اقتصادی را سبب می‌شود که کیفیت سطح زندگی و معیشت مردم را ارتقا می‌دهد. لازمه تحقق این امر درک درست از مزیت‌ها، تنگناها و ساختار اقتصادی منطقه

است. در این راستا، برای بررسی وضع در این رابطه فعالیت‌های اقتصادی را که محرک بوده و موجب اشتغال‌زایی و جذب جمعیت شده، شناسایی می‌شود. با شناخت بخش‌های پیشرو و فعالیت‌های پایه، می‌توان فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال مورد نیاز آینده را برنامه‌ریزی نمود. البته تمرکز امکانات در یک یا چند شهر باعث قطبی شدن فعالیت‌ها و سرازیر شدن مهاجران می‌شود؛ لذا باید این فعالیت‌ها، به طور متناسب با امکانات و پتانسیل‌های هر شهر و منطقه توزیع گردد. بخش‌های صنعتی، کشاورزی و خدمات خود به زیر بخش‌هایی تقسیم می‌گردد:

فعالیت‌های کشاورزی خود به زیر بخش‌هایی مانند صید و شکار-جنگل داری-دامپروری و دامداری و باغبانی و زراعت قابل تقسیم می‌باشد. صنعت به فعالیت‌های مانند ساختمان-آب و برق و گاز و نیز صنایع و معادن و فعالیت‌های مشابه تقسیم می‌باشد. خدمات شامل بخش‌هایی از عمده‌فروشی و خرده‌فروشی-حمل و نقل و ارتباطات-رستوران داری و هتل داری-انبارداری و خدمات دفتری و مالی-بیمه و خدمات عمومی و اجتماعی و غیره را شامل می‌شود.

در بررسی عوامل اقتصادی و نقش آن در توسعه منطقه آذربایجان از آنالیز Shift-share (ترکیب- سهم) برای مقایسه ترکیب بخش‌های اقتصادی منطقه با سطح ملی در یک دوره زمانی و مشخص کردن بخش پیشرو، از ضریب مکانی (LQ) برای تشخیص فعالیت پایه و غیر پایه به منظور شناخت سهم بخش‌های اقتصادی، کلان منطقه آذربایجان در مقایسه با سطح ملی و نیز از مثلث بوژگرنیه برای شناخت نقش اقتصادی منطقه استفاده شده است.

#### ۴-۷-۱ تحلیل بخش‌های اقتصادی منطقه آذربایجان با استفاده از روش ترکیب-سهم

روش ترکیب - سهم برای درک بهتر ترکیب بخش‌های اقتصادی یک منطقه، ارزیابی نسبی آن‌ها و شناسایی امکانات گسترش بخش‌های مختلف اقتصادی منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر این روش، ترکیب بخش‌های اقتصادی منطقه، مقایسه این ترکیب‌ها با بخش‌های اقتصادی سایر مناطق و یا سطح ملی، تغییرات در ترکیب بخش‌ها و اثرات تبعی آن و اینکه چه تغییراتی به نفع



منطقه است و لازم است مورد حمایت قرار گیرد و یا چه تغییراتی مضر است و باید از آن جلوگیری کرد، را بررسی می کند.

روش ترکیب - سهم یک توضیح توصیفی از تغییرات اشتغال منطقه‌ای را در یک دوره زمانی مشخص ارائه می دهد. از این روش در تحلیل منطقه‌ای برای مشخص نمودن موارد زیر استفاده می شود:

۱- بخش‌هایی از منطقه که نیاز به مطالعه تفصیلی در آن‌ها وجود دارد.

۲- تصویر کلی از نقش منطقه مورد بررسی در کشور را، برای بخش‌های مختلف اقتصادی، ارائه می دهد.

۳- ارتباط رشد بخش‌های منطقه با بخش‌های ملی (در سطح ملی) را معین می کند.

اگر پیش‌بینی‌هایی در سطح ملی، برای بخش‌های مختلف اقتصادی، وجود داشته باشد، با استفاده از این روش می توان تحولات منطقه را نیز پیش‌بینی کرد.

در سیاست‌گذاری‌های مقدماتی برای تصمیم‌گیری‌هایی در مورد ترکیب بخش‌های منطقه‌ای می تواند مفید باشد.

تغییرات در اشتغال منطقه‌ای نسبت به تغییرات در اشتغال ملی (هر منطقه دیگری که به عنوان منطقه مرجع Reference Region انتخاب شود) در یک دوره زمانی مشخص نتیجه سه اثر زیر می باشد:

الف- تغییر در کل اشتغال در سطح ملی

ب- ترکیب بخش‌های اقتصادی در سطح منطقه (نسبت به ترکیب موجود در سطح ملی)

ج- تغییر در سهم اشتغال منطقه از اشتغال ملی در هر یک از بخش‌ها.

تغییرات اشتغال منطقه‌ای در یک دوره زمانی مشخص از طریق فرمول زیر محاسبه می شود:

$$R = N+M+S$$

که در آن:

R= کل تغییرات در اشتغال منطقه‌ای

N= تغییرات در اشتغال در اثر رشد ملی

M= تغییرات در اشتغال در اثر ترکیب بخش‌ها

S= تغییرات در اشتغال در اثر سهم منطقه (زبردست، ۱۳۹۰: ۲)

جدول ۱۱-۴ تغییرات اشتغال در سطح ملی در کلان منطقه آذربایجان در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵

سطح	بخش	اشتغال		تغییرات اشتغال در سال	
		۱۳۷۵	۱۳۸۵	مطلق	درصد
ملی	کشاورزی	۳۳۵۸۰۰۰	۳۶۸۷۰۰۰	۳۲۹۰۰۰	۹/۸
	صنعت	۴۴۷۳۰۰۰	۶۴۹۳۰۰۰	۲۰۲۰۰۰۰	۴۵/۱۶
	خدمات	۶۴۸۴۰۰۰	۹۸۰۸۰۰۰	۳۳۲۴۰۰۰	۵۱/۲۶
	جمع ملی	۱۴۳۱۵۰۰۰	۱۹۹۸۸۰۰۰	۵۶۷۳۰۰۰	۳۹/۶۲
کلان منطقه آذربایجان	کشاورزی	۵۴۵۱۶۹	۶۰۵۸۸۷	۶۰۷۱۸	۱۱/۱۳
	صنعت	۵۷۶۹۴۴	۷۳۷۰۱۲	۱۶۰۰۶۸	۲۷/۷۴
	خدمات	۶۷۸۲۳۱	۹۵۹۸۲۷	۲۸۱۵۹۶	۴۱/۵۱
	جمع منطقه	۱۸۰۰۳۴۴	۲۳۰۲۷۲۶	۵۰۲۳۸۲	۲۷/۹
استان آذربایجان شرقی	کشاورزی	۲۳۳۹۷۸	۲۳۷۱۷۰	۳۱۹۲	۱/۳۶
	صنعت	۳۴۰۳۱۱	۴۱۸۴۸۵	۷۸۱۷۴	۲۳
	خدمات	۳۲۸۱۰۵	۴۵۰۸۶۱	۱۲۲۷۵۶	۳۷/۴۱
	جمع منطقه	۹۰۲۳۹۴	۱۱۰۶۵۱۶	۲۰۴۱۲۲	۲۲/۶۲
استان آذربایجان غربی	کشاورزی	۲۱۴۵۰۴	۲۵۳۶۹۶	۳۹۱۹۲	۱۸/۲۷
	صنعت	۱۶۴۳۴۱	۲۲۳۷۸۰	۵۹۴۳۹	۳۶/۱۷
	خدمات	۲۵۰۲۵۰	۳۶۱۰۹۰	۱۱۰۸۴۰	۴۴/۲۹
	جمع منطقه	۶۲۹۰۹۵	۸۳۸۵۶۶	۲۰۶۷۷۱	۳۲/۸۶
استان اردبیل	کشاورزی	۹۶۶۸۷	۱۱۵۰۲۱	۱۸۳۳۴	۱۹
	صنعت	۷۲۲۹۲	۹۴۷۴۷	۲۲۴۵۵	۳۱/۰۶
	خدمات	۹۹۸۷۶	۱۴۷۸۷۶	۴۸۰۰۰	۴۸/۰۶
	جمع منطقه	۲۶۸۸۵۵	۳۵۷۶۴۴	۸۸۷۸۹	۳۳/۰۲

\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

این جدول نشان می‌دهد که کل اشتغال در سطح ملی، در دوره زمانی مورد نظر، ۳۹/۶۲ رشد

داشته است. در صورتی که اشتغال در منطقه آذربایجان فقط ۲۷/۹ رشد داشته است. چگونه می توان

این تفاوت را توضیح داد؟

اگر منطقه آذربایجان نیز همانند سطح ملی رشد داشت، چقدر اشتغال باید در بخش های

مختلف منطقه ایجاد می شد؟ جدول ۴-۱۲ اثر رشد ملی در منطقه آذربایجان را نشان می دهد.

جدول ۴-۱۲ اثر رشد ملی در منطقه آذربایجان

سطح	بخش	اشتغال سال پایه ۱۳۷۵ (۱)	ستون N= (۱)*متوسط نرخ رشد ملی (۲)	رشد واقعی R= (۳)	R-N=M+S (۴)
کلان منطقه آذربایجان	کشاورزی	۵۴۵۱۶۹	۲۱۵۹۹۶	۶۰۷۱۸	-۱۵۵۲۷۸
	صنعت	۵۷۶۹۴۴	۲۲۸۵۸۵	۱۶۰۰۶۸	-۶۸۵۱۷
	خدمات	۶۷۸۲۳۱	۲۶۸۷۱۵	۲۸۱۵۹۶	۱۲۸۸۱
	جمع منطقه	۱۸۰۰۳۴۴	۷۱۳۲۹۶	۵۰۲۳۸۲	۲۱۰۹۱۴
استان آذربایجان شرقی	کشاورزی	۲۳۳۹۷۸	۹۲۷۰۲	۳۱۹۲	-۸۹۵۱۰
	صنعت	۳۴۰۳۱۱	۱۳۴۸۳۱	۷۸۱۷۴	-۵۶۶۵۷
	خدمات	۳۲۸۱۰۵	۱۲۹۹۹۵	۱۲۲۷۵۶	-۷۲۳۹
	جمع منطقه	۹۰۲۳۹۴	۳۵۷۵۲۹	۲۰۴۱۲۲	-۱۵۳۴۰۷
استان آذربایجان غربی	کشاورزی	۲۱۴۵۰۴	۸۴۹۸۶	۳۹۱۹۲	-۴۵۷۹۴
	صنعت	۱۶۴۳۴۱	۶۵۱۱۲	۵۹۴۳۹	-۵۶۷۳
	خدمات	۲۵۰۲۵۰	۹۹۱۴۹	۱۱۰۸۴۰	۱۱۶۹۱
	جمع منطقه	۶۲۹۰۹۵	۲۴۹۲۴۷	۲۰۶۷۷۱	-۴۲۴۷۶
استان اردبیل	کشاورزی	۹۶۶۸۷	۳۸۳۰۷	۱۸۳۳۴	-۱۹۹۷۳
	صنعت	۷۲۲۹۲	۲۸۶۴۲	۲۲۴۵۵	-۶۱۸۷
	خدمات	۹۹۸۷۶	۳۹۵۷۱	۴۸۰۰۰	۸۴۲۹
	جمع منطقه	۲۶۸۸۵۵	۱۰۶۵۲۰	۸۸۷۸۹	-۱۷۷۳۱

\* تنظیم بر اساس داده های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

مطابق با جدول ۴-۱۲ اگر بخش های منطقه آذربایجان همراه با سطح ملی رشد می کردند بایستی

۷۱۳۲۹۶ شغل جدید در اثر رشد ملی در سطح منطقه ایجاد می شد؛ اما رشد واقعی در منطقه مورد

نظر ۵۰۲۳۸۲ شغل جدید است؛ یعنی منطقه آذربایجان نتوانسته است پایه پای سطح ملی رشد کند.

این امر در مورد استان‌های آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل نیز صادق است.

بنابراین علت عدم تحقق اشتغال ۲۱۰۹۱۴ در منطقه (۲۱۰۹۱۴=۵۰۲۳۸۲-۷۱۳۲۹۶) را

چگونه می‌توان توجیه کرد؟ این فقط می‌تواند ترکیب بخش‌های منطقه (یعنی M) و نیز سهم منطقه

(یعنی S) توجیه داشته باشد.

بنابراین در جدول ۱۳-۴ ترکیب بخش‌های منطقه (M) را به دست می‌آوریم. ارقام ستون (۳)

این جدول انحراف هر بخش از متوسط نرخ رشد ملی را نشان می‌دهد. انحرافات از کسر کردن متوسط

نرخ رشد ملی از نرخ رشد هر بخش در دوره زمانی مورد نظر به دست می‌آید. این انحرافات سپس در

اشتغال منطقه‌ای بخش‌ها (در سال پایه) ضرب می‌شود. (ستون ۴ جدول ۳) تا اثر ترکیب بخش‌ها در

منطقه (M) به دست آید. این جدول نشان می‌دهد که عدم تحقق ۵۱۶۶۰ شغل (در مقایسه با سطح

ملی) به دلیل ترکیب بخش‌های مختلف اقتصادی در منطقه است. (M = -۵۱۶۶۰)

جدول ۱۳-۴ اثر ترکیب بخش‌ها در منطقه آذربایجان در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵

بخش	توزیع اشتغال در سال پایه ۱۳۷۵ (درصد)		انحراف = نرخ رشد بخش سطح ملی منهای متوسط نرخ رشد ملی (درصد) (۳)	اشتغال در منطقه آذربایجان در سال پایه ۱۳۷۵ (۴)	M = ستون (۳) * ستون (۵) (۵)
	سطح ملی (۱)	منطقه آذربایجان (۲)			
کشاورزی	۲۳/۵	۳۰/۳	-۲۹/۸۲	۵۴۵۱۶۹	-۱۶۲۵۶۹
صنعت	۳۱/۲	۳۲	۵/۵۴	۵۷۶۹۴۴	۳۱۹۶۳
خدمات	۴۵/۳	۳۷/۷	۱۱/۶۴	۶۷۸۲۳۱	۷۸۹۴۶
جمع	۱۰۰	۱۰۰	-۱۲/۶۴	۱۸۰۰۳۴۴	-۵۱۶۶۰

\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

سپس اثر سهم منطقه (S) را می‌توان به دست آورد. با توجه به اینکه  $R=N+M+S$  است، اثر

سهم منطقه (S) برابر با  $S=R-N-M$  -۱۵۹۲۵۴ شغل به دست می‌آید. و یا

$$S=۵۰۲۳۸۲-۷۱۳۲۹۶-(۵۱۶۶۰)=-۱۵۹۲۵۴$$

بنابراین اثر سهم منطقه  $S = -159254$  و اثر ترکیب بخش‌ها در منطقه  $(M = -51660)$  به صورت تجمعی عدم تحقق اشتغال ۲۱۰۹۱۴ نفری را در سطح منطقه آذربایجان نسبت به سطح ملی توضیح می‌دهد. حال می‌توان جزییات اثر سهم منطقه‌ای را در هر بخش اقتصادی در منطقه به دست آورد. (جدول ۴-۱۷)

خلاصه داده‌های مربوط به روش ترکیب - سهم در جدول ۴-۱۷ ارائه شده است. برای تحلیل بخش کشاورزی منطقه آذربایجان در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵ (با استفاده از جدول ۴-۱۷ و سایر جداول قبلی) می‌توان گفت، اگر بخش کشاورزی منطقه آذربایجان به اندازه متوسط نرخ رشد ملی (۳۹/۶۲ درصد) رشد می‌کرد و اگر رشد اشتغال در بخش کشاورزی نیز همان نرخ رشد بخش را داشت، در سال ۱۳۸۵ تعداد شاغلین بخش کشاورزی منطقه آذربایجان باید ۲۱۵۹۹۶ افزایش نشان می‌داد (از ۵۴۵۱۶۹ در سال ۱۳۷۵ به ۷۶۱۱۶۵ در سال ۱۳۸۵ می‌رسید) اما در عوض اشتغال در بخش کشاورزی منطقه ۶۰۷۱۸ افزایش داشته، چون سهم بخش کشاورزی منطقه از ۵۴۵۱۶۹ در سال ۱۳۷۵ به ۶۰۵۸۸۷ در سال ۱۳۸۵ رسیده است. تفاوت بین اشتغال ۷۶۱۱۶۵ با اشتغال ۶۰۵۸۸۷ واقعی، تغییر ۱۵۵۲۷۸- در بخش کشاورزی در فاصله زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵ را نشان می‌دهد که به صورت زیر قابل توضیح است.

جدول ۴-۱۴ اثر ترکیب بخش‌ها در استان آذربایجان شرقی در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵

M= ستون (۳) * ستون (۵)	اشتغال در استان آذربایجان شرقی در سال پایه ۱۳۷۵ (۴)	انحراف = نرخ رشد بخش سطح ملی منهای متوسط نرخ رشد ملی (درصد) (۳)	توزیع اشتغال در سال پایه ۱۳۷۵ (درصد)		بخش
			استان آذربایجان شرقی (۲)	سطح ملی (۱)	
-۶۹۷۲۲	۲۳۳۹۷۸	-۲۹/۸۲	۲۵/۹	۲۳/۵	کشاورزی
۱۸۸۵۳	۳۴۰۳۱۱	۵/۵۴	۳۷/۷	۳۱/۲	صنعت
۳۸۱۹۱	۳۲۸۱۰۵	۱۱/۶۴	۳۶/۴	۴۵/۳	خدمات
-۱۲۶۷۸	۹۰۲۳۹۴	-۱۲/۶۴	۱۰۰	۱۰۰	جمع

\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

جدول ۱۵-۴ اثر ترکیب بخش‌ها در استان آذربایجان غربی در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵

M= ستون (۳) * ستون (۵)	اشتغال در استان آذربایجان غربی در سال پایه ۱۳۷۵ (۴)	انحراف = نرخ رشد بخش i سطح ملی منهای متوسط نرخ رشد ملی (درصد) (۳)	توزیع اشتغال در سال پایه ۱۳۷۵ (درصد)		بخش
			استان آذربایجان غربی (۲)	سطح ملی (۱)	
-۶۳۹۶۵	۲۱۴۵۰۴	-۲۹/۸۲	۳۴/۱	۲۳/۵	کشاورزی
۹۱۰۴	۱۶۴۳۴۱	۵/۵۴	۲۶/۱	۳۱/۲	صنعت
۲۹۱۲۹	۲۵۰۲۵۰	۱۱/۶۴	۳۹/۸	۴۵/۳	خدمات
-۲۵۷۳۲	۶۲۹۰۹۵	-۱۲/۶۴	۱۰۰	۱۰۰	جمع

\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

جدول ۱۶-۴ اثر ترکیب بخش‌ها در استان اردبیل در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵

M= ستون (۳) * ستون (۵)	اشتغال در استان اردبیل در سال پایه ۱۳۷۵ (۴)	انحراف = نرخ رشد بخش i سطح ملی منهای متوسط نرخ رشد ملی (درصد) (۳)	توزیع اشتغال در سال پایه ۱۳۷۵ (درصد)		بخش
			استان اردبیل (۲)	سطح ملی (۱)	
-۲۸۸۳۲	۹۶۶۸۷	-۲۹/۸۲	۳۶	۲۳/۵	کشاورزی
۴۰۰۵	۷۲۲۹۲	۵/۵۴	۲۶/۹	۳۱/۲	صنعت
۱۱۶۲۶	۹۹۸۷۶	۱۱/۶۴	۳۷/۱	۴۵/۳	خدمات
-۳۳۹۸۳	۲۶۸۸۵۵	-۱۲/۶۴	۱۰۰	۱۰۰	جمع

\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

جدول ۴-۱۷ اشتغال و اجزاء تغییرات اشتغال در منطقه آذربایجان ۱۳۸۵-۱۳۷۵

سطح	بخش‌ها	اشتغال و تغییرات آن			اجزاء تغییرات اشتغال		
		۷۵ (۱)	۸۵ (۲)	تغییرات ۷۵-۸۵(R) (۳)	اثر N(رشد ملی) (۴)	اثر M(ترکیب بخش‌ها) (۵)	اثر S(سهام ملی) (۶)
کلان منطقه آذربایجان	کشاورزی	۵۴۵۱۶۹	۶۰۵۸۸۷	۶۰۷۱۸	۲۱۵۹۹۶	-۱۶۲۵۶۹	۷۲۹۱
	صنعت	۵۷۶۹۴۴	۷۳۷۰۱۲	۱۶۰۰۶۸	۲۲۸۵۸۵	۳۱۹۶۳	-۱۰۰۴۸۰
	خدمات	۶۷۸۲۳۱	۹۵۹۸۲۷	۲۸۱۵۹۶	۲۶۸۷۱۵	۷۸۹۴۶	-۶۶۰۶۵
	جمع	۱۸۰۰۳۴۴	۲۳۰۲۷۲۶	۵۰۲۳۸۲	۷۱۳۲۹۶	-۵۱۶۶۰	-۱۵۹۲۵۴
استان آذربایجان شرقی	کشاورزی	۲۳۳۹۷۸	۲۳۷۱۷۰	۳۱۹۲	۹۲۷۰۲	-۶۹۷۲۲	-۱۹۷۸۸
	صنعت	۳۴۰۳۱۱	۴۱۸۴۸۵	۷۸۱۷۴	۱۳۴۸۳۱	۱۸۸۵۳	-۷۵۵۱۰
	خدمات	۳۲۸۱۰۵	۴۵۰۸۶۱	۱۲۲۷۵۶	۱۲۹۹۹۵	۳۸۱۹۱	-۴۵۴۳۰
	جمع	۹۰۲۳۹۴	۱۱۰۶۵۱۶	۲۰۴۱۲۲	۳۵۷۵۲۹	-۱۲۶۷۸	-۱۴۰۷۲۸
استان آذربایجان غربی	کشاورزی	۲۱۴۵۰۴	۲۵۳۶۹۶	۳۹۱۹۲	۸۴۹۸۶	-۶۳۹۶۵	۱۸۱۷۱
	صنعت	۱۶۴۳۴۱	۲۲۳۷۸۰	۵۹۴۳۹	۶۵۱۱۲	۹۱۰۴	-۱۴۷۷۷
	خدمات	۲۵۰۲۵۰	۳۶۱۰۹۰	۱۱۰۸۴۰	۹۹۱۴۹	۲۹۱۲۹	-۱۷۴۳۸
	جمع	۶۲۹۰۹۵	۸۳۸۵۶۶	۲۰۹۴۷۱	۲۴۹۲۴۷	-۲۵۷۳۲	-۱۴۰۴۴
استان اردبیل	کشاورزی	۹۶۶۸۷	۱۱۵۰۲۱	۱۸۳۳۴	۳۸۳۰۷	-۲۸۸۳۲	۸۸۵۹
	صنعت	۷۲۲۹۲	۹۴۷۴۷	۲۲۴۵۵	۲۸۶۴۲	۴۰۰۵	-۱۰۱۹۲
	خدمات	۹۹۸۷۶	۱۴۷۸۷۶	۴۸۰۰۰	۳۹۵۷۱	۱۱۶۲۶	-۳۱۹۷
	جمع	۲۶۸۸۵۵	۳۵۷۶۴۴	۸۸۷۸۹	۱۰۶۵۲۰	-۱۳۲۰۱	-۴۵۳۰

\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

اول این که اشتغال در بخش کشاورزی در سطح ملی کمتر از متوسط نرخ رشد ملی رشد داشته است (۹/۸ درصد در مقابل ۳۹/۶۲ درصد)؛ بنابراین اشتغال کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها در سطح ملی نیز کاهش داشته است و چون کمترین سهم اشتغال در منطقه در سال ۱۳۸۵ نیز مربوط به بخش کشاورزی بوده است، بنابراین کاهش نسبی اشتغال کشاورزی در سطح ملی کمترین اثر منفی را بر روی اشتغال کشاورزی این منطقه گذاشته است. (از دست دادن ۲۱۵۹۹۶ هزار شغل جدید، فقط در این بخش).

دوم اینکه در دوره زمانی ۸۵-۱۳۷۵ سهم منطقه‌ای از اشتغال در بخش کشاورزی نیز افزایش

نسبی داشته است. این افزایش نسبی خود را به شکل ۶۰۷۱۸ شغل در منطقه آذربایجان در این دوره نشان می‌دهد؛ بنابراین حاصل جمع تغییرات نسبی منهای ۱۵۵۲۷۸- شغل (ستون ۴، اشتغال و اجزاء تغییرات اشتغال در منطقه آذربایجان ۱۳۸۵-۱۳۷۵) و نیز ۲۱۵۹۹۶ شغل در اثر رشد ملی، تجربه ۶۰۷۱۸ شغل در بخش کشاورزی در منطقه آذربایجان است.

سایر بخش‌ها را نیز می‌توان به همین ترتیب تفسیر و تحلیل نمود. در این مثال فقط اطلاعات مربوط به یک دوره زمانی در نظر گرفته شده است و این ساده‌ترین شکل ترکیب - سهم است. روش ترکیب- سهم را می‌توان در سطح زیر در منطقه (sub- region) و شهرهای یک منطقه مطالعاتی اعمال کرد. در بعضی موارد می‌توان به جای سطح ملی، از مناطق دیگر به عنوان منطقه مرجع استفاده کرد.



جدول ۱۷-۴ تغییرات اشتغال در سطح ملی در کلان منطقه آذربایجان در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵

شرح	سال ۱۳۷۵			سال ۱۳۸۵			تغییرات اشتغال در سال ۱۳۸۵-۱۳۷۵					
	آذربایجان	آذربایجان	اردبیل	آذربایجان	آذربایجان	اردبیل	استان آذربایجان		استان آذربایجان غربی		استان اردبیل	
							مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد
گروه عمده فعالیت												
جمع کل	۹۱۴۸۴	۶۳۷۶۱	۲۶۸۸۵	۱۱۵۵۲۲۱	۸۵۶۶۴	۳۶۱۸۰	۲۴۰۳	۲۶/۲۷	۲۱۹۰۲	۲۴/۳۵	۹۲۹۴	۳۴/۵۷
کشاورزی، شکار و جنگلداری	۲۳۳۹۶	۲۱۴۳۸	۹۶۶۳۸	۲۳۷۰۰۸	۲۵۲۸۹	۱۱۴۴۷	۳۰۴۶	۱/۳	۳۸۵۱۴	۱۷/۹۶	۱۷۸۳	۱۸/۴۵
شیلات	۱۶	۱۱۹	۴۹	۱۶۲	۷۹۷	۵۵۰	۱۴۶	۹۱۲/۵	۶۷۸	۵۶۹/۷۵	۵۰۱	۱۰۲۲/۴۵
استخراج معدن	۱۷۷۱	۱۰۳۲	۴۲۰	۱۹۶۷	۱۴۹۵	۵۴۸	۱۹۶	۱۱/۰۷	۴۶۳	۴۴/۸۶	۱۲۸	۳۰/۴۸
صنعت- ساخت	۲۴۰۹۸	۷۷۱۲۸	۳۰۲۶۱	۲۷۱۱۸۳	۱۰۷۷۹	۳۶۵۳۵	۳۰۲۰	۱۲/۵۲	۳۰۶۶۹	۲۹/۷۶	۶۲۷۴	۲۰/۷۳
تأمین برق، گاز و آب	۶۱۰۸	۳۱۸۴	۱۵۱۴	۱۰۶۶۳	۷۶۹۰	۲۹۷۵	۴۵۵۵	۷۴/۵۷	۴۵۰۶	۱۴۱/۵۲	۱۴۶۱	۹۶/۵
ساختمان	۹۱۴۵۲	۸۲۹۹۷	۴۰۰۹۷	۱۳۴۶۷۲	۱۰۶۷۹	۵۴۶۸۹	۴۳۲۲	۴۷/۲۶	۲۳۸۰۱	۲۸/۶۸	۱۴۵۹	۳۶/۳۹
عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل	۱۰۴۴۹	۷۰۵۰۳	۳۰۲۵۴	۱۳۷۲۲۸	۱۱۷۸۷	۴۵۷۴۶	۳۲۷۳	۳۱/۳۲	۴۷۳۷۰	۶۷/۱۹	۱۵۴۹	۵۱/۲۱
هتل و رستوران	۵۴۶۶	۳۶۳۱	۲۲۸۲	۸۳۷۸	۷۲۰۰	۴۴۰۲	۲۹۱۲	۵۳/۲۷	۳۵۶۹	۹۸/۲۹	۲۱۲۰	۹۲/۹
حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات	۵۵۰۸۰	۳۴۹۲۶	۱۴۶۲۳	۸۹۱۹۸	۷۳۸۲۵	۲۸۵۶۵	۳۴۱۱	۶۱/۹۴	۳۸۸۹۹	۱۱۱/۳۸	۱۳۹۴	۹۵/۳۴
واسطه‌گری‌های مالی	۵۸۰۱	۳۷۰۲	۱۷۴۵	۹۲۷۵	۷۰۲۷	۳۱۵۰	۳۴۷۴	۵۹/۸۹	۳۳۲۵	۸۹/۸۲	۱۴۰۵	۸۰/۵۲
مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کاروکسب	۵۸۲۳	۳۹۴۵	۱۴۰۶	۱۵۱۱۲	۱۳۰۷۱	۴۱۰۲	۹۲۸۹	۱۵۹/۵۲	۹۱۲۶	۲۳۱/۳۳	۲۶۹۶	۱۹۱/۷۵
اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری	۶۸۷۴۱	۷۸۲۲۱	۱۹۴۵۷	۹۴۵۴۵	۶۴۷۱۸	۲۳۰۲۳	۲۵۸۰	۳۷/۵۴	-۱۳۵۰۳	-۱۷/۲۶	۳۵۶۶	۱۸/۳۳
آموزش	۵۲۵۱۸	۳۵۳۰۰	۱۷۲۹۵	۵۸۷۷۳	۴۴۱۹۱	۲۳۴۶۶	۶۲۵۵	۱۱/۹۱	۸۸۹۱	۲۵/۱۹	۶۱۷۱	۳۵/۶۸
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۱۴۴۴۹	۹۲۰۳	۳۷۹۶	۲۱۸۲۰	۱۵۳۸۴	۸۱۶۰	۷۳۷۱	۵۱/۰۱	۶۱۸۱	۶۷/۱۶	۴۳۶۴	۱۱۴/۹۶
سایر فعالیت‌های خدمات عمومی	۱۱۱۸۷	۸۷۱۷	۳۴۸۴	۱۴۶۷۲	۱۶۳۵۱	۷۱۸۹	۳۴۸۵	۳۱/۱۵	۷۶۳۴	۸۷/۵۸	۳۷۰۵	۱۰۶/۳۴
فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت‌های	۳۸۸۷	۱۵۶۴	۲۹۰	۱۸۲۹	۱۳۴۶	۷۳	-۲۰۵۸	-۵۲/۹۵	-۲۱۸	-۱۳/۹۴	-۲۱۷	-۷۴/۸۳
سازمانها و هیئت‌های برون‌مرزی	۲۲	۱۰	۲۳۳	۴	۳۲	۰	-۱۸	-۸۱/۸۲	۲۲	۲۲۰	-۲۳۳	-۱۰۰
دفاتر مرکزی	۶۳۵	۵۲۸	۵۰۱۱	۲۷	۷۲	۰	-۶۰۸	-۹۵/۷۵	-۴۵۶	-۸۶/۳۶	-۵۰۱۱	-۱۰۰
اظهار نشده	۱۲۴۵۲	۸۵۲۲	۴	۴۸۷۰۵	۱۸۰۸۰	۴۱۶۱	۳۶۲۵	۲۹۱/۱۴	۹۵۵۸	۱۱۲/۱۶	۴۱۵۷	۱۰۳۹۲۵

تنظیم نگارنده بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران

#### ۸-۴ روش ضریب مکانی:

روش ضریب مکانی، روشی توصیفی برای تحلیل ساختار اقتصادی یک منطقه است. در این روش فعالیت‌های اقتصادی به دو بخش پایه (Basic) و غیر پایه (Non-Basic) تقسیم می‌شود: هر فعالیتی که محصولات آن به خارج از منطقه صادر شود، فعالیت پایه و هر فعالیتی که محصولات آن در داخل منطقه به مصرف برسد، فعالیت غیر پایه تعریف می‌شود، اساس تئوری فعالیت پایه بر این فرض استوار است که اگر بخش پایه رشد کند، بخش غیر پایه نیز متعاقب آن رشد خواهد کرد، به عبارت دیگر، صادرات تنها عامل رشد و توسعه منطقه در نظر گرفته می‌شود. (زبردست، ۱۳۹۰: ۶)

به عبارت دیگر ضریب مکانی یکی از روش‌های تحلیل منطقه‌ای و بررسی چگونگی ارتباط آن با دیگر مناطق است. این روش جهت شناسایی بخش‌های پایه در یک منطقه و سهم آن در کل تولید و اشتغال منطقه و مقایسه آن با سطح مرجع در دوره‌های مختلف زمانی به کار می‌رود.

ساختار کلی مدل به صورت زیر است:

$$L.Q = \frac{\frac{TN_i}{TN_a}}{\frac{CN_i}{CN_a}} \quad \text{فرمول ۳-۴}$$

L.Q: ضریب مکانی

TN<sub>i</sub>: تعداد نیروی کار موجود در بخش i در شهر یا منطقه

TN<sub>a</sub>: تعداد کل نیروی کار موجود در شهر یا منطقه

CN<sub>i</sub>: تعداد نیروی کار موجود در بخش i در کل کشور

CN<sub>a</sub>: تعداد کل نیروی کار در کشور

اگر  $L.Q > 1$  باشد، شهر صادرکننده آن کالا و خدمات است و آن بخش جز فعالیت‌های پایه‌ای است.

اگر  $L.Q < 1$  باشد، شهر وارد کننده است و آن بخش جز فعالیت‌های غیر پایه‌ای است.

اگر  $L.Q = 1$  باشد، شهر خودکفا است.

جدول ۱۸-۴ ضریب مکانی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۵

عجب شیر	ورزقان	چار اویماق	اسکو	آذرشهر	ملکان	جلفا	هریس	کلیبر	شبستر	بستان آباد	بناب	هشتگرد	میانه	مرند	مراغه	سراب	تبریز	اهر	کل استان آذربایجان شرقی
۰/۸۳	۲/۱۳	۳/۳۴	۱/۲۴	۱/۱۱	۱/۸۲	۰/۸۴	۱/۱۷	۲/۰۳	۱/۹۶	۱/۷۰	۱/۳۵	۲/۵۰	۲/۰۵	۱/۱۱	۱/۳۸	۲/۲۳	۰/۱۶	۱/۴۸	کشاورزی، شکار و جنگلداری
۰	۰	۰	۰	۰	۱/۵۹	۴/۸۸	۰	۰	۰	۱/۷۹	۰	۰	۱/۸۰	۱/۲۵	۲/۵۹	۵/۸۹	۰/۵۳	۱/۵۰	شیلات
۰/۱۷	۱۳/۵۹	۰	۰/۲۲	۰/۵۱	۰/۴۵	۰/۱۵	۰/۱۶	۰/۸۱	۰/۱۳	۰/۳۳	۰/۴۷	۰	۰/۶۷	۱/۳۷	۰/۹۴	۰/۰۷	۰/۵۹	۶/۲۴	استخراج معدن
۰/۶۳	۱/۴۹	۰/۴۷	۱/۴۰	۱/۲۹	۰/۵۵	۰/۴۶	۲/۱۸	۰/۸۷	۰/۷۷	۱/۰۸	۰/۶۹	۰/۳۰	۰/۲۸	۱/۱۰	۰/۷۵	۰/۴۸	۱/۲۳	۰/۶۰	صنعت- ساخت
۰/۴۸	۰/۵۵	۰/۲۶	۰/۶۱	۰/۴۲	۰/۵۹	۱/۲۶	۰/۴۳	۰/۲۹	۰/۹۱	۰/۵۰	۱/۰۵	۱/۱۱	۰/۶۱	۰/۶۸	۰/۹۹	۰/۹۱	۱/۳۷	۱/۳۲	تأمین برق، گاز و آب
۰/۲۸	۰/۵۴	۰/۳۴	۰/۵۵	۰/۹۰	۱/۴۰	۱/۰۶	۰/۸۱	۱/۶۵	۰/۶۶	۰/۹۷	۰/۸۹	۱/۱۹	۱/۲۴	۰/۷۶	۰/۹۰	۰/۹۰	۱/۱۰	۱/۳۷	ساختمان
۰/۳۵	۰/۱۴	۰/۲۰	۰/۷۶	۰/۹۹	۰/۸۶	۰/۹۰	۰/۳۹	۰/۱۷	۰/۸۲	۰/۶۳	۱/۱۵	۰/۵۳	۰/۷۲	۰/۹۶	۰/۸۸	۰/۶۳	۱/۳۹	۰/۹۳	عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه
۰/۳۸	۰/۲۳	۰/۲۷	۰/۶۴	۰/۶۶	۰/۷۸	۱/۴۵	۰/۲۷	۰/۴۹	۰/۸۴	۰/۶۴	۱/۶۳	۰/۳۷	۰/۹۷	۰/۸۸	۰/۳۳	۰/۷۴	۱/۴۱	۰/۹۱	هتل و رستوران
۰/۴۰	۰/۲۳	۰/۳۳	۰/۹۲	۱/۰۵	۰/۹۰	۱/۲۲	۰/۴۱	۰/۳۳	۱/۰۷	۱/۴۶	۱/۲۰	۰/۵۵	۰/۹۵	۱/۲۶	۰/۷۲	۰/۶۰	۱/۲۲	۰/۷۲	حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات
۰/۴۰	۰/۱۸	۰/۲۱	۱/۲۴	۰/۷۶	۰/۷۴	۱/۳۲	۰/۲۲	۰/۲۵	۰/۷۴	۰/۴۵	۰/۶۱	۰/۵۰	۰/۶۲	۰/۵۷	۰/۷۹	۰/۸۳	۱/۵۴	۰/۵۲	واسطه گری های مالی
۰/۲۳	۰/۱۴	۰/۲۱	۰/۶۶	۰/۸۳	۰/۴۷	۱/۵۷	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۳۱	۰/۲۴	۰/۹۷	۰/۲۷	۰/۶۲	۰/۸۰	۰/۷۹	۰/۳۲	۱/۶۶	۰/۴۵	مستغلات، اجاره و فعالیت های کار و کسب
۶/۰۵	۰/۲۴	۰/۳۱	۰/۵۸	۰/۳۸	۰/۶۵	۱/۷۱	۰/۲۵	۰/۴۲	۰/۵۷	۰/۲۳	۰/۵۸	۰/۵۰	۰/۸۰	۰/۶۲	۱/۴۹	۰/۷۹	۱/۰۰	۰/۴۵	اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی
۰/۶۹	۰/۶۱	۰/۷۸	۱/۱۱	۰/۸۶	۰/۵۶	۱/۳۲	۰/۴۶	۰/۸۹	۰/۷۹	۰/۴۲	۱/۰۲	۱/۱۱	۱/۰۳	۱/۳۶	۰/۹۴	۱/۱۴	۱/۰۶	۱/۴۳	آموزش
۰/۴۴	۰/۵۰	۰/۶۲	۰/۷۵	۰/۵۹	۰/۴۴	۰/۹۹	۰/۳۱	۰/۶۳	۰/۷۵	۰/۴۸	۰/۶۷	۱/۱۷	۰/۷۹	۰/۵۷	۰/۹۵	۰/۷۶	۱/۴۵	۰/۹۰	بهداشت و مددکاری اجتماعی
۰/۳۴	۰/۳۴	۰/۳۲	۰/۸۶	۰/۶۶	۰/۷۹	۱/۵۰	۰/۲۹	۰/۳۹	۰/۹۶	۰/۵۷	۰/۹۲	۰/۶۲	۰/۶۴	۰/۹۵	۰/۹۱	۰/۶۵	۱/۴۰	۰/۷۴	سایر فعالیت های خدمات عمومی، اجتماعی و
۰/۱۶	۰/۷۳	۰/۳۵	۰/۳۸	۰/۸۴	۰/۳۴	۵/۴۶	۰/۰۰	۰/۳۶	۰/۲۳	۰/۰۰	۰/۴۸	۰/۲۰	۰/۶۲	۱/۸۸	۰/۹۴	۰/۲۵	۱/۲۹	۱/۷۴	فعالیت های خانوارهای دارای مستخدم و
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	سازمان ها و هیئت های برون مرزی
۴/۲۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲/۱۷	۰	دفتر مرکزی
۰/۵۲	۰/۴۰	۰/۵۸	۰/۸۱	۱/۰۳	۰/۹۰	۲/۰۳	۰/۲۶	۰/۸۱	۰/۵۳	۰/۵۲	۱/۵۱	۰/۵۷	۱/۰۰	۰/۹۱	۱/۰۴	۰/۷۳	۱/۱۸	۱/۲۶	اظهار نشده

\* تنظیم بر اساس داده های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

جدول ۱۹-۴ ضریب مکانی شهرهای استان آذربایجان غربی ۱۳۸۵

چالدران	اشنویه	تکاب	شاهین دژ	بوکان	نقده	میاندوآب	مهاباد	ماکو	سلماس	سردشت	خوی	پیرانشهر	ارومیه	استان آذربایجان غربی
۱/۵۴	۱/۵۲	۱/۱۷	۱/۱۹	۰/۹۱	۱/۰۱	۱/۳۱	۰/۹۳	۰/۹۹	۱/۲۶	۰/۹۸	۱/۰۵	۱/۱۲	۰/۷۵	کشاورزی، شکار و جنگلداری
۰	۰/۸۵	۰	۱/۳۹	۰/۵۱	۱/۲۹	۰/۴۱	۰/۸۵	۷/۶۳	۰	۰/۴۷	۰/۱۲	۰/۴۴	۰/۸۷	شیلات
۰/۱۶	۰/۴۲	۵/۶۴	۰/۸۰	۰/۱۳	۰/۴۶	۰/۷۳	۱/۴۷	۱/۱۱	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۷۶	۱/۱۰	۱/۱۱	استخراج معدن
۰/۹۵	۰/۵۵	۱/۷۷	۱/۳۴	۱/۰۸	۰/۷۵	۰/۹۰	۰/۶۸	۰/۶۵	۰/۷۰	۰/۴۹	۱/۶۰	۰/۶۰	۱/۰۱	صنعت- ساخت
۰/۹۴	۰/۷۳	۰/۵۵	۱/۰۵	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۶۲	۰/۹۰	۰/۸۲	۰/۶۰	۰/۸۱	۰/۷۰	۱/۴۱	تأمین برق، گاز و آب
۰/۸۰	۰/۶۹	۰/۹۵	۱/۲۶	۱/۰۳	۰/۷۳	۱/۰۸	۱/۰۶	۱/۵۵	۰/۹۳	۰/۸۷	۰/۷۲	۰/۶۸	۱/۰۹	ساختمان
۰/۵۱	۰/۹۲	۰/۶۷	۰/۶۰	۱/۴۲	۱/۱۱	۰/۸۶	۱/۳۲	۰/۶۲	۰/۸۵	۱/۰۱	۰/۹۶	۰/۹۸	۱/۰۹	عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی و خانگی
۰/۶۴	۰/۹۴	۰/۷۲	۰/۳۳	۱/۰۳	۱/۱۱	۰/۶۳	۱/۰۶	۱/۰۲	۱/۱۶	۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۷۶	۱/۳۱	هتل و رستوران
۰/۶۸	۰/۹۰	۰/۵۲	۰/۵۹	۱/۱۲	۱/۱۷	۰/۸۴	۱/۰۶	۱/۰۵	۱/۱۰	۲/۱۲	۰/۸۸	۰/۹۶	۱/۰۲	حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات
۰/۴۰	۰/۶۰	۰/۶۳	۰/۴۸	۰/۶۴	۱/۱۶	۰/۶۰	۰/۶۲	۱/۱۴	۰/۷۳	۰/۵۹	۰/۸۵	۰/۷۴	۱/۶۰	واسطه‌گری‌های مالی
۰/۱۸	۰/۹۶	۰/۶۶	۰/۵۱	۱/۶۳	۰/۷۱	۰/۷۷	۱/۱۷	۰/۳۶	۰/۵۷	۰/۵۶	۰/۷۶	۰/۶۶	۱/۴۷	مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کاروکسب
۰/۹۹	۰/۷۶	۰/۷۲	۰/۸۲	۰/۴۰	۱/۱۱	۰/۶۳	۰/۹۷	۱/۲۱	۱/۰۱	۱/۰۴	۰/۶۴	۲/۲۰	۱/۲۶	اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری
۰/۷۹	۰/۸۱	۰/۹۲	۱/۱۳	۰/۸۸	۱/۳۶	۰/۸۹	۱/۰۲	۱/۰۴	۰/۸۸	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۶۰	۱/۱۲	آموزش
۰/۷۹	۰/۵۶	۰/۷۵	۱/۰۷	۰/۷۳	۱/۳۲	۰/۸۳	۰/۹۵	۰/۹۱	۰/۸۶	۰/۹۸	۰/۸۵	۰/۷۶	۱/۲۹	بهداشت و مددکاری اجتماعی
۰/۶۴	۰/۸۵	۰/۷۵	۰/۶۵	۱/۱۲	۱/۱۰	۰/۸۱	۱/۲۶	۰/۶۲	۰/۹۹	۰/۸۸	۰/۸۷	۱/۸۷	۱/۰۸	سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی
۳/۱۷	۱/۲۵	۰/۲۶	۰/۸۷	۰/۵۳	۰/۹۴	۰/۳۲	۰/۸۴	۱/۵۳	۰/۶۲	۱/۵۵	۱/۸۹	۱/۳۱	۰/۸۲	فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت‌های تولیدی غیرقابل تفکیک
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲/۰۷	سازمان‌ها و هیئت‌های برون‌مرزی
۰	۴/۶۹	۲/۲۲	۲/۳۷	۰	۲/۸۶	۰	۵/۴۴	۳/۳۷	۰	۰	۰	۱/۹۶	۰	دفاتر مرکزی
۱/۳۵	۱/۳۶	۰/۴۹	۰/۴۶	۰/۶۸	۱/۰۵	۰/۸۹	۱/۱۹	۱/۹۲	۱/۱۰	۱/۲۷	۱/۲۰	۰/۵۰	۰/۸۹	اظهارنشده

\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

جدول ۲۰-۴ ضریب مکانی شهرهای استان اردبیل ۱۳۸۵

شرح	اردبیل	بيله سوار	خلخال	مشکين شهر	گرمی	پارس آباد	کوثر	نمین	فیر
کشاورزی، شکار و جنگلداری	۰/۶۶	۱/۹۱	۰/۹۰	۱/۰۵	۱/۶۰	۱/۱۶	۱/۵۸	۱/۱۰	۲/۰۸
شیلات	۰/۳۰	۰	۹/۶۷	۰	۰	۰/۱۴	۶/۸۰	۰/۲۱	۰/۱۷
استخراج معدن	۱/۱۰	۰	۱/۹۰	۰/۷۷	۱/۸۵	۰/۶۱	۰/۱۵	۰/۸۱	۰
صنعت - ساخت	۱/۱۳	۰/۳۹	۰/۸۴	۰/۹۴	۰/۸۱	۱/۳۰	۰/۷۰	۰/۶۶	۰/۴۷
تأمین برق، گاز و آب	۱/۱۴	۰/۸۰	۰/۹۲	۰/۸۵	۰/۸۰	۱/۲۰	۰/۵۵	۰/۵۷	۰/۴۶
ساختمان	۰/۹۹	۰/۴۳	۱/۳۹	۱/۰۲	۰/۸۵	۰/۸۴	۱/۰۰	۲/۱۷	۰/۳۸
عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای	۱/۳۳	۰/۴۳	۱/۰۱	۰/۹۰	۰/۵۲	۰/۷۹	۰/۵۶	۰/۴۴	۰/۴۷
هتل و رستوران	۱/۳۱	۰/۳۲	۰/۶۲	۱/۱۷	۰/۷۱	۰/۶۷	۰/۶۴	۰/۵۷	۰/۵۷
حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات	۱/۲۵	۰/۷۹	۰/۶۸	۰/۸۳	۰/۷۲	۰/۹۶	۰/۴۸	۰/۶۹	۰/۵۴
واسطه‌گری‌های مالی	۱/۳۳	۰/۵۸	۰/۹۰	۱/۰۳	۰/۴۹	۰/۷۶	۰/۳۳	۰/۳۶	۰/۴۶
مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کاروکسب	۱/۳۸	۰/۶۶	۰/۳۹	۰/۷۸	۰/۳۶	۱/۱۵	۰/۳۱	۰/۵۱	۰/۱۹
اداره امور عمومی، دفاع و تامین اجتماعی اجباری	۱/۱۷	۰/۷۴	۰/۸۳	۱/۲۲	۰/۷۱	۰/۸۸	۰/۷۰	۰/۴۶	۰/۵۷
آموزش	۱/۰۳	۰/۸۶	۱/۲۹	۱/۲۳	۰/۷۲	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۶۰	۰/۷۴
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۱/۳۰	۰/۵۸	۱/۱۱	۰/۷۰	۰/۸۲	۰/۶۷	۰/۶۸	۰/۵۹	۰/۶۴
سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی	۱/۳۴	۰/۵۳	۰/۷۹	۰/۹۸	۰/۵۲	۰/۸۰	۰/۴۲	۰/۴۶	۰/۳۹
فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت‌های تولیدی	۱/۹۶	۰	۰	۰	۰/۸۱	۰	۰	۰	۱/۲۵
سازمانها و هیئت‌های برون مرزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دفاتر مرکزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اظهار نشده	۰/۶۵	۲/۱۳	۱/۳۸	۰/۶۳	۱/۲۴	۱/۱۶	۱/۰۹	۲/۸۹	۰/۹۱

\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

جدول ۲۱-۴ ضریب مکانی بخش‌های عمده فعالیت در منطقه آذربایجان

سال ۱۳۸۵											
شرح	استان آذربایجان شرقی	استان آذربایجان غربی	استان اردبیل	کلان منطقه آذربایجان	کل کشور	ضریب مکانی استان آذربایجان شرقی به کلان منطقه آذربایجان	ضریب مکانی استان آذربایجان غربی به کلان منطقه آذربایجان	ضریب مکانی استان اردبیل به کلان منطقه آذربایجان	ضریب مکانی استان آذربایجان شرقی به کل کشور	ضریب مکانی استان آذربایجان غربی به کل کشور	ضریب مکانی استان اردبیل به کل کشور
جمع کل	۱۱۵۵۲۲۱	۸۵۶۶۴۷	۳۶۱۸۰۵	۲۳۷۳۶۷۳	۱۴۵۷۲۰۰۰						
کشاورزی	۲۳۷۰۰۸	۲۵۲۸۹۹	۱۱۴۴۷۱	۶۰۴۳۷۸	۳۳۱۹۰۰۰	-۰/۸۱	۱/۱۶	۱/۲۴	-۰/۹۰	۱/۳۰	۱/۳۹
شیلات	۱۶۲	۷۹۷	۵۵۰	۱۵۰۹	۳۹۰۰۰	-۰/۲۲	۱/۴۶	۲/۳۹	-۰/۰۵	-۰/۳۵	-۰/۵۷
استخراج معدن	۱۹۶۷	۱۴۹۵	۵۴۸	۴۰۱۰	۱۲۰۰۰۰	۱/۰۱	۱/۰۳	-۰/۹۰	-۰/۲۱	-۰/۲۱	-۰/۱۸
صنعت-ساخت	۲۷۱۱۸۳	۱۰۷۷۹۷	۳۶۵۳۵	۴۱۵۵۱۵	۲۵۵۲۰۰۰	۱/۳۴	-۰/۷۲	-۰/۵۸	۱/۳۴	-۰/۷۲	-۰/۵۸
تأمین برق، گاز و آب	۱۰۶۶۳	۷۶۹۰	۲۹۷۵	۲۱۳۲۸	۱۵۱۰۰۰	۱/۰۳	۱/۰۰	-۰/۹۲	-۰/۸۹	-۰/۸۷	-۰/۷۹
ساختمان	۱۳۴۶۷۲	۱۰۶۷۹۸	۵۴۶۸۹	۲۹۶۱۵۹	۱۶۵۰۰۰۰	-۰/۹۳	۱/۰۰	۱/۲۱	۱/۰۳	۱/۱۰	۱/۳۳
عمده فروشی	۱۳۷۲۲۸	۱۱۷۸۷۳	۴۵۷۴۶	۳۰۰۸۴۷	۱۸۴۲۰۰۰	-۰/۹۴	۱/۰۹	۱/۰۰	-۰/۹۴	۱/۰۹	۱/۰۰
هتل و رستوران	۸۳۷۸	۷۲۰۰	۴۴۰۲	۱۹۹۸۰	۸۵۰۰۰	-۰/۸۶	۱/۰۰	۱/۴۵	۱/۲۴	۱/۴۴	۲/۰۹
حمل و نقل	۸۹۱۹۸	۷۳۸۲۵	۲۸۵۶۵	۱۹۱۵۸۸	۹۷۳۰۰۰	-۰/۹۶	۱/۰۷	-۰/۹۸	۱/۱۶	۱/۲۹	۱/۱۸
واسطه‌گری‌های مالی	۹۲۷۵	۷۰۲۷	۳۱۵۰	۱۹۴۵۲	۱۵۳۰۰۰	-۰/۹۸	۱/۰۰	۱/۰۶	-۰/۷۶	-۰/۷۸	-۰/۸۳
مستغلات	۱۵۱۱۲	۱۳۰۷۱	۴۱۰۲	۳۲۲۸۵	۱۴۹۰۰۰	-۰/۹۶	۱/۱۲	-۰/۸۳	۱/۲۸	۱/۴۹	۱/۱۱
اداره امور عمومی	۹۴۵۴۵	۶۴۷۱۸	۲۳۰۲۳	۱۸۲۲۸۶	۱۶۱۸۰۰۰	۱/۰۷	-۰/۹۸	-۰/۸۳	-۰/۷۴	-۰/۶۸	-۰/۵۷
آموزش	۵۸۷۷۳	۴۴۱۹۱	۲۳۴۶۶	۱۲۶۴۳۰	۱۰۴۱۰۰۰	-۰/۹۶	-۰/۹۷	۱/۲۲	-۰/۷۱	-۰/۷۲	-۰/۹۱
مستغلات، اجاره و فعالیتهای کاروکسب	۲۱۸۲۰	۱۵۳۸۴	۸۱۶۰	۴۵۳۶۴	۳۰۳۰۰۰	-۰/۹۹	-۰/۹۴	۱/۱۸	-۰/۹۱	-۰/۸۶	۱/۰۸
اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری	۱۴۶۷۲	۱۶۳۵۱	۷۱۸۹	۳۸۲۱۲	۲۲۴۰۰۰	-۰/۷۹	۱/۱۹	۱/۲۳	-۰/۸۳	۱/۲۴	۱/۲۹
فعالیت‌های خانوارهای دارای استخدام	۱۸۲۹	۱۳۴۶	۷۳	۳۲۴۸	۶۲۰۰۰	۱/۱۶	۱/۱۵	-۰/۱۵	-۰/۳۷	-۰/۳۷	-۰/۰۵
سازمان‌ها و هیئت‌های برون مرزی	۴	۳۲	۰	۳۶	۳۳۰۰۰	-۰/۲۳	۲/۴۶	۰	۰	-۰/۰۲	۰
دفاتر مرکزی	۲۷	۷۲	۰	۹۹	۱۰۰۰	-۰/۵۶	۲/۰۲	۰	-۰/۳۴	۱/۲۲	۰
اظهارنشده	۴۸۷۰۵	۱۸۰۸۰	۴۱۶۱	۷۰۹۴۶	۲۵۷۰۰۰	۱/۴۱	-۰/۷۱	-۰/۳۸	۲/۳۹	۱/۲۰	-۰/۶۵

با بررسی ساختار اقتصادی (ضریب مکانی) مناطق مورد مطالعه در دو سطح مرجع کلان منطقه

آذربایجان و کل کشور در دوره مطالعه به نتایج زیر دست یافت:

#### • استان آذربایجان شرقی

- با بررسی اشتغال نسبت به سطح مرجع کلان منطقه آذربایجان و کل کشور در بخش کشاورزی و شیلات حاکی از آن است که این بخش در هر دو سطح پایه نبوده و بخش مذکور رشد ملی و منطقه‌ای مناسبی نداشته است و به زودی مزیت خود را در منطقه از دست می‌دهد.

- در بخش صنعت، استخراج معدن در سطح مرجع، منطقه پایه بوده که نشان‌دهنده مزیت نسبی منطقه در این بخش است ولی در سطح ملی پایه نیست و رشد ملی مناسبی نداشته است. در زمینه صنعت-ساخت در هر دو سطح مرجع، بخش پایه بوده و اثر سهم منطقه‌ای مثبت آن نشان‌دهنده مزیت نسبی منطقه در این بخش است. در زمینه تأمین برق، گاز و آب در سطح مرجع منطقه پایه بوده و در سطح مرجع ملی پایه نیست. در زمینه ساختمان در سطح مرجع منطقه پایه نبوده ولی در سطح مرجع ملی پایه است.

- در بخش خدمات، زمینه‌های اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری و فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت‌های تولیدی غیرقابل تفکیک در سطح مرجع منطقه پایه بوده که در سطح مرجع ملی پایه نیستند. زمینه‌های هتل و رستوران، حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات، مستغلات و اجاره و فعالیت‌های کاروکسب در سطح مرجع منطقه‌ای پایه نبوده ولی در سطح مرجع ملی پایه هستند.

#### • استان آذربایجان غربی

- با بررسی اشتغال نسبت به سطح مرجع کلان منطقه آذربایجان و کل کشور در بخش کشاورزی حاکی از آن است که این بخش در هر دو سطح مرجع پایه بوده و بخش مذکور رشد ملی و منطقه‌ای مناسبی داشته است و به عنوان مزیت نسبی در هر دو سطح مرجع مطرح است ولی در زمینه شیلات

در سطح مرجع منطقه پایه بوده ولی در سطح مرجع ملی پایه نیست.

- در بخش صنعت، استخراج معدن در سطح مرجع منطقه پایه بوده که نشان‌دهنده مزیت نسبی منطقه در این بخش است ولی در سطح مرجع ملی پایه نیست و رشد ملی مناسبی نداشته است. در زمینه صنعت-ساخت در هر دو سطح بخش پایه نبوده و رشد ملی مناسبی نداشته است. در زمینه تأمین برق، گاز و آب در سطح منطقه پایه بوده و در سطح ملی پایه نیست. در زمینه ساختمان در هر دو سطح پایه بوده که نشان‌دهنده آن است که بخش مذکور رشد ملی و منطقه‌ای مناسبی داشته است و به عنوان مزیت نسبی در هر دو سطح مطرح است.

- در بخش خدمات، زمینه‌های عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی، هتل و رستوران، حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات، مستغلات و اجاره و فعالیت‌های کاروکسب، سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی، دفاتر مرکزی در هر دو سطح پایه هستند. زمینه‌های واسطه‌گری‌های مالی، فعالیت‌های سازمان‌ها و هیئت‌های برون‌مرزی، خانوارهای دارای مستخدم فعالیت‌های تولیدی غیرقابل تفکیک، سازمان‌ها و هیئت‌های برون‌مرزی، دفاتر مرکزی در بخش منطقه‌ای پایه بوده ولی در سطح ملی پایه نیستند. سایر زمینه‌های خدمات در هر دو سطح پایه نیستند.

#### • استان اردبیل

- با بررسی اشتغال نسبت به کلان منطقه آذربایجان و کل کشور در بخش کشاورزی حاکی از آن است که این بخش در هر دو سطح پایه بوده و بخش مذکور رشد ملی و منطقه‌ای مناسبی داشته است و به عنوان مزیت نسبی در هر دو سطح مطرح است ولی در زمینه شیلات در سطح منطقه پایه بوده ولی در سطح ملی پایه نیست.

- در بخش صنعت، زمینه ساختمان در هر دو سطح پایه که نشان‌دهنده آن است که بخش مذکور رشد ملی و منطقه‌ای مناسبی داشته است و به عنوان مزیت نسبی در هر دو سطح مطرح است. سایر

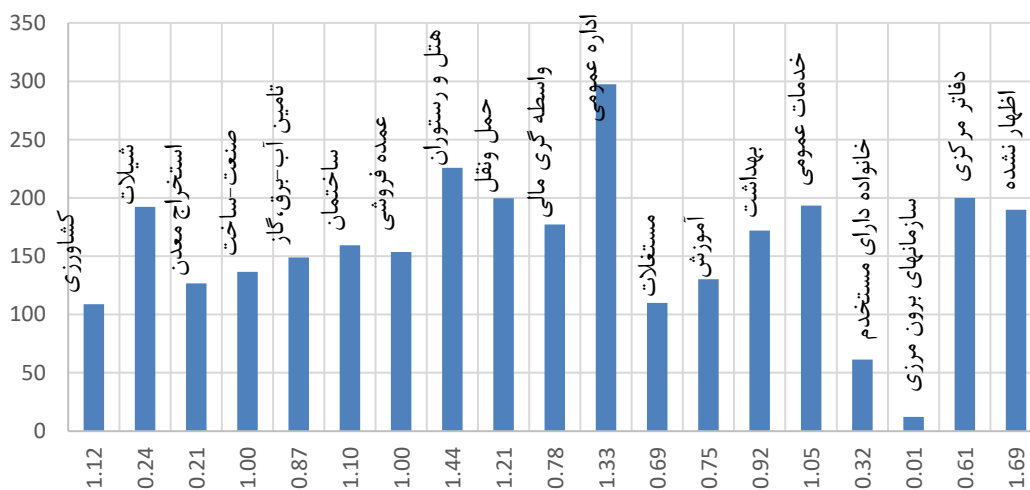


زمینه‌های صنعت در هر دو بخش پایه نبوده و بخش‌های مذکور رشد ملی و منطقه‌ای مناسبی نداشته‌اند و به زودی مزیت خود را در منطقه از دست می‌دهند.

- در بخش خدمات، زمینه‌های عمده فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی، هتل و رستوران، بهداشت و مددکاری اجتماعی، سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی، در هر دو سطح پایه هستند. زمینه‌های واسطه‌گری‌های مالی، آموزش، در بخش منطقه‌ای پایه بوده ولی در سطح ملی پایه نیستند. زمینه‌های حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات، مستغلات و اجاره و فعالیت‌های کاروکسب در سطح منطقه‌ای پایه نبوده ولی در سطح ملی پایه هستند. سایر زمینه‌های خدمات در هر دو سطح پایه نیستند.

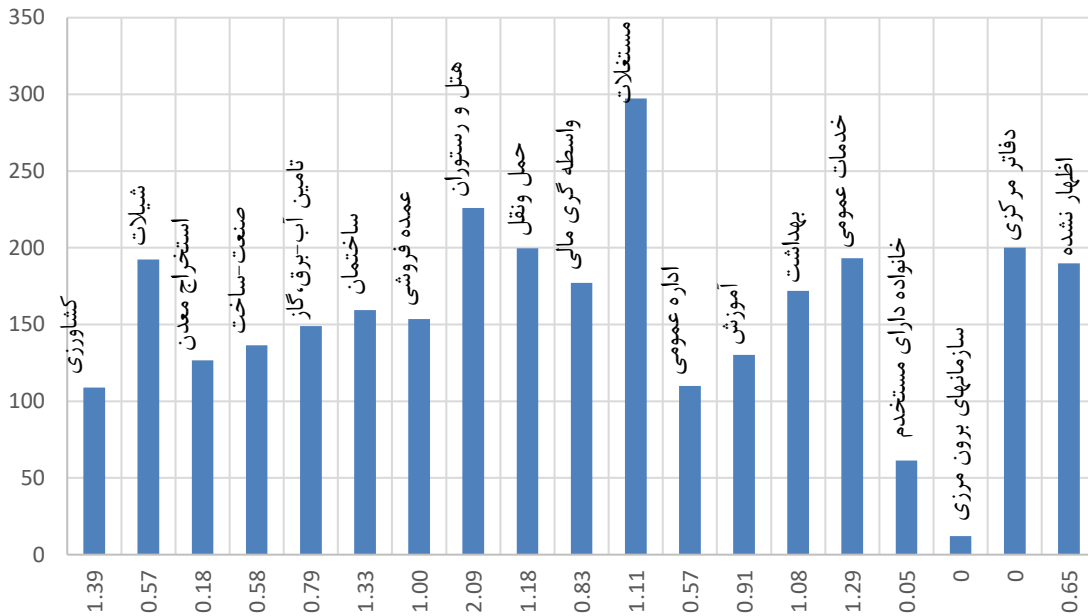
برای بررسی بهتر روند تحولات اشتغال در منطقه آذربایجان ضریب مکانی را در محور Xها و تغییرات اشتغال را در محور Yها قرار می‌دهیم. بدین صورت روند تحولات اشتغال در هر بخش مشخص می‌شود.

شکل ۲۵-۴ تحولات اشتغال در کلان منطقه آذربایجان سال ۱۳۸۵



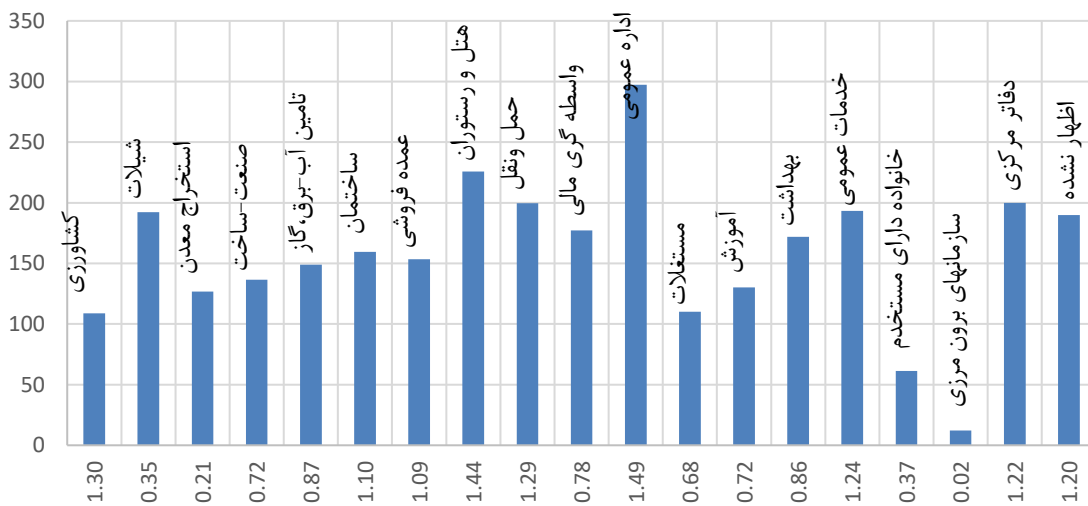
\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

شکل ۲۶-۴ تحولات اشتغال در استان اردبیل سال ۱۳۸۵



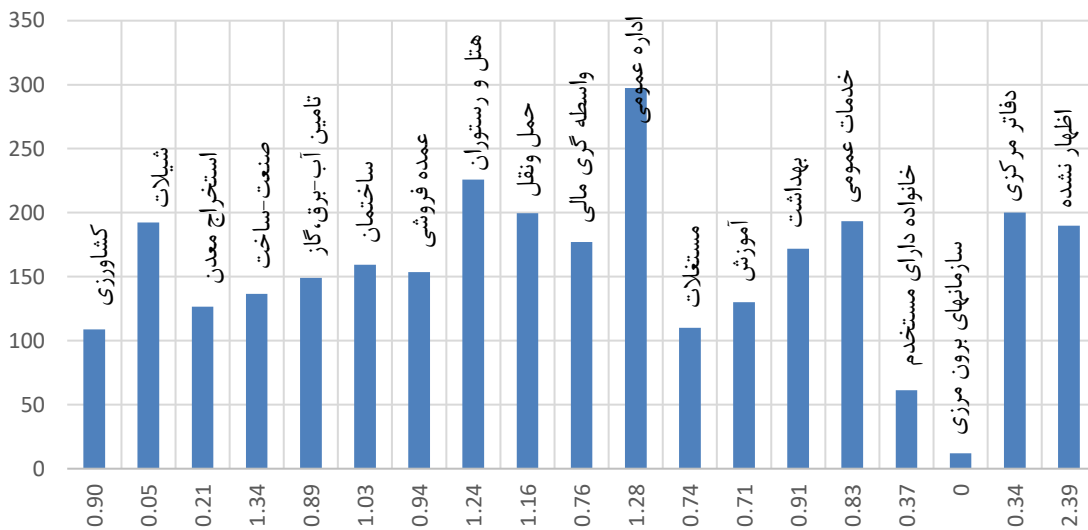
\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

شکل ۲۷-۴ تحولات اشتغال در استان آذربایجان غربی سال ۱۳۸۵



\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

شکل ۲۸-۴ تحولات اشتغال در استان آذربایجان شرقی سال ۱۳۸۵



\* تنظیم بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

#### ۹-۴ نقش اقتصادی منطقه آذربایجان:

برای تعیین نقش اقتصادی منطقه از روش بوژوگاریه (بر حسب ترکیب مشاغل) بر حسب

عناوین زیر استفاده شده است:

گروه اول مشاغل اجتماعی (کشاورزی): نیروی انسانی وابسته به کشاورزی، جنگل بانی، شیلات

گروه دوم مشاغل اجتماعی (صنعت): نیروی انسانی فعال در استخراج معدن، صنایع و ساختمان

گروه سوم مشاغل اجتماعی (اجتماعی): نیروی انسانی جذب شده در بازرگانی و خدمات و کلیه مشاغلی

که نمی‌توانند در گروه اول و دوم آورده شوند.

نیروهای سه‌گانه مشاغل اجتماعی را بر مبنای درصد روی نمودار زیر که بر حسب قرارداد بر

شش بخش نامساوی و نامشابه تقسیم شده‌اند، منعکس می‌کنند. نقطه تلاقی خطوط درصدها که

مسلماً در محدوده یکی از وظایف خواهد بود بیانگر نقش اقتصادی منطقه است. (حکمت نیا، ۱۳۸۵

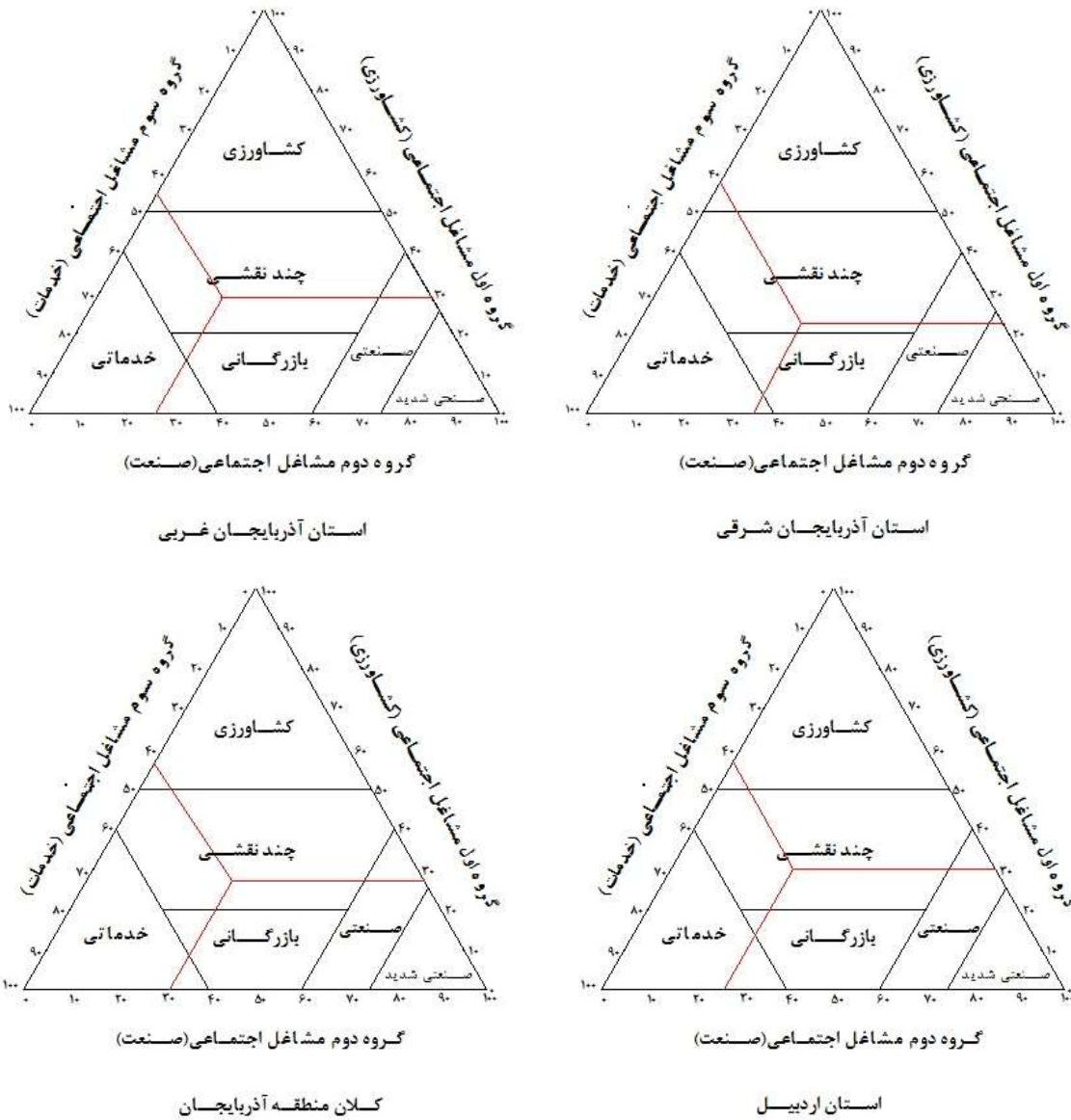
:۷۶-۷۷)

نقش اقتصادی سه استان آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل و کلان منطقه آذربایجان در قالب

مثلت بوژوگاریه، حاکی از آن است که سه استان دارای وجه چند نقشی بوده و در نتیجه کلان منطقه

آذربایجان دارای وجه چند نقشی است. در ادامه نقش اقتصادی شهرستان‌ها در جدول ۲۲-۴ ذکر شده است.

شکل ۲۹-۴ مثلث بورژوا و گارنیه و شناخت نقش اقتصادی منطقه



جدول ۲۲-۴ نقش اقتصادی شهرستان‌های منطقه آذربایجان

ردیف	استان آذربایجان شرقی		استان آذربایجان غربی		استان اردبیل	
	نام شهرستان	نقش شهرستان	نام شهرستان	نقش شهرستان	نام شهرستان	نقش شهرستان
۱	اهر	چند نقشی	ارومیه	چند نقشی	اردبیل	چند نقشی
۲	تبریز	بازرگانی	پیرانشهر	چند نقشی	بيله سوار	کشاورزی
۳	سراب	چند نقشی	خوی	چند نقشی	خلخال	چند نقشی
۴	مراغه	چند نقشی	سردشت	چند نقشی	مشکین شهر	چند نقشی
۵	مرند	چند نقشی	سلماس	چند نقشی	گرمی	کشاورزی
۶	میانه	چند نقشی	ماکو	چند نقشی	پارس آباد	چند نقشی
۷	هشتروند	کشاورزی	مهاباد	چند نقشی	کوثر	کشاورزی
۸	بناب	چند نقشی	میاندو آب	چند نقشی	نمین	چند نقشی
۹	بستان آباد	چند نقشی	نقده	چند نقشی	نیر	کشاورزی
۱۰	شبستر	چند نقشی	بوکان	چند نقشی		
۱۱	کلیبر	چند نقشی	شاهین دژ	چند نقشی		
۱۲	هریس	صنعتی	تکاب	چند نقشی		
۱۳	جلفا	بازرگانی	اشنویه	چند نقشی		
۱۴	ملکان	چند نقشی	چالدران	چند نقشی		
۱۵	آذرشهر	چند نقشی				
۱۶	اسکو	چند نقشی				
۱۷	چاراویماق	کشاورزی				
۱۸	ورزقان	چند نقشی				
۱۹	عجب‌شیر	خدماتی				

همان طور که مشاهده می‌شود اغلب شهرستان‌ها داری وجه چند نقشی می‌باشد که این امر در

تعیین نقش شهرهای میانی (به خصوص نقش توسعه‌ای) استفاده می‌شود.

#### ۴-۱۰ فعالیت شهرهای میانی

پس از آنکه شهر میانی مرزی و شهرهای تسکینی در مرحله قبلی توسط تحلیل مکانی مشخص

شد، شهرهای تولیدی و توسعه‌ای با توجه به نوع فعالیت اقتصادی تعیین می‌گردد. در جدول زیر

فعالیت شهرهای میانی آمده است.

جدول ۲۳-۴ فعالیت‌های پایه شهرهای میانی

آبی بیگلو	نمین	سراب	خلخال	مشکین شهر	هشترود	بستان‌آباد	هریس	عجب‌شیر	شاهین دژ	اشنویه
کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	اداره امور عمومی	کشاورزی	کشاورزی
ساختمان	ساختمان		شیلات	ساختمان	ساختمان	صنعت- ساخت	صنعت- ساخت	دفاتر مرکزی	ساختمان	دفاتر مرکزی
			ساختمان	هتل و رستوران		حمل و نقل			دفاتر مرکزی	
			آموزش	آموزش						
سردشت	ربط	تکاب	گرمی	بیله سوار	جلفا	پلدشت	بازرگان	اسکو	نوشین شهر	سردرود
کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	تأمین آب برق و گاز	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی	کشاورزی
عمده‌فروشی	عمده‌فروشی	استخراج معدن	ساختمان	ساختمان	هتل و رستوران	شیلات	شیلات	صنعت- ساخت	عمده‌فروشی	
حمل و نقل	حمل و نقل	صنعت- ساخت			اداره امور عمومی	ساختمان	ساختمان		هتل و رستوران	
فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت تولیدی	فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت تولیدی				آموزش	اداره امور عمومی	اداره امور عمومی		حمل و نقل	
							فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت تولیدی		آموزش	
							فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت تولیدی			
									دفاتر مرکزی	دفاتر مرکزی

با توجه به جدول بالا، شهرهای تولیدی دارای فعالیت پایه کشاورزی هستند. این شهرها در کنار شهرهای کوچک و روستاهای قرار دارند و به آن‌ها خدمات‌رسانی می‌کند. بدین ترتیب شهرهای میانی با هر عملکرد و موقعیت جغرافیایی که دارد در جهت تمرکززدایی و نیز تقویت ارتباط عمودی و افقی بین مراکز شهری در هر رده طبقه جمعیتی مشخص می‌گردد. از سوی دیگر با استاندارد کردن مشاغل شهرهای میانی (نسبت اشتغال هر شهر به بیش‌ترین اشتغال شهرهای میانی منطقه) نرخ اشتغال در

هر شهر مشخص می‌شود که در جدول ۲-۶ در بخش پیوست آمده است.

#### ۴-۱۱ نتیجه‌گیری

با بررسی نظام اسکان (جمعیت) و نظام فعالیت (اقتصاد) مشخص می‌شود که به تدریج از میزان نخست شهری کاسته شده و بر تعادل شبکه شهری افزوده می‌شود. بررسی تحلیل مکانی نشان می‌دهد که شبکه شهری موجود دچار عدم تعادل است که با گسترش و انتخاب شهرهای دارای پتانسیل و تقویت شهرهای میانی موجود در چهار نقش تولیدی، توسعه‌ای، تسکینی و مرزی این وضعیت می‌تواند تا حدود زیادی بهبود یابد که برای تعیین نقش از تحلیل‌های مکانی، جمعیتی و اقتصادی به طور تو امان استفاده شده است.

فصل پنجم: آزمون فرضیه‌ها، ارائه شهادت

نتیجه‌گیری



## ۱-۵ مقدمه

مدل مفهومی براساس سوالات پژوهش و فرضیه های پژوهش شکل گرفت. حال در این فصل برای آزمون فرضیه های پژوهش از متغیرها و پارامترهای های مرتبط استفاده می شود. آزمون فرضیه، یک فرآیند تصمیم گیری است که این فرآیند مبتنی بر ذهنیاتی که از طریق مشاهده مستقیم و ساده اطلاعات بدست می آید نبوده، بلکه براساس عینیتی است که با محاسبه احتمال وقوع فرضیات مختلف حاصل می شود.

برای آزمون تجربی و کمی فرضیه های مذکور، چند روش کلی به کار رفته است:

۱- تخمین رابطه ای با استفاده از داده های سری زمانی (هدف تجزیه و تحلیل سری های زمانی معمولاً دو مورد است: درک یا به مدل درآوردن مکانیسم تصادفی که منجر به مشاهده سری می شود و پیش بینی مقادیر آینده سری بر مبنای گذشته آن)

۲- تخمین رابطه ای با استفاده از داده های مقطعی

۳- ارزشیابی فرضیه با تاکید بر جنبه های نظری (به صورت توصیفی و تحلیلی)، در مواردی که

اطلاعات مقطعی و سری زمانی کافی نیست. (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۱۹۰)

## ۲-۵ پاسخ به سوالات و آزمون فرضیات

### ۱-۲-۵ فرضیه اول

فرضیه اول که پاسخ اولیه به سوال «آیا توسعه ی شهرهای میانی می تواند بر روند گسترش شهرهای بزرگ تاثیر گذاشته و کاهش پدیده ی بزرگ سری را موجب شود؟» ارائه گردیده است. بر اساس مشاهدات و مطالعات اولیه پژوهش «به نظر می رسد توسعه ی شهرهای میانی باعث کاهش درجه نخست شهری می شود.»

برای پاسخ به این سوال و آزمون این فرضیه ابتدا تغییرات شهرهای میانی را با تغییرات شاخص های نخست شهری مقایسه می گردد.

جدول ۱-۵ تغییرات شهرهای میانی با تغییرات شاخص های نخست شهری

سال	جمعیت شهر میانی	پتانسیل	کل	نخست شهری کینزبرگ	شاخص نخست شهری
۱۳۳۵	۸/۷۹	۵/۰۶	۱۳/۸۶	۴/۲۸۹۶	۰/۳۵۹۲
۱۳۴۵	۸/۶۴	۱۱/۱۹	۱۹/۸۴	۳/۶۰۰۶	۰/۳۳۹۳
۱۳۵۵	۷/۷۳	۱۱/۱۸	۱۸/۹۱	۳/۶۶۶۲	۰/۳۳۸۶
۱۳۶۵	۷/۲۳	۱۲/۱	۱۹/۳۴	۳/۲۳۰۲	۰/۳۲۲۶
۱۳۷۵	۱۵/۵۷	۶/۳۳	۲۱/۹	۲/۷۳۶۸	۰/۳۰۶۳
۱۳۸۵	۱۷/۴۸	۱۰/۱۲	۲۷/۶	۲/۳۹۷۰	۰/۲۸۸۷
۱۳۹۰	۱۷/۵۶	۱۲/۴۱	۲۹/۹۸	۲/۲۳۹۷	۰/۲۸۲۸

همان طور که از جدول فوق بر می آید جمعیت شهرهای میانی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۰ به طور پیوسته افزایش یافته است و در همین دوره زمانی شاخص های نخست شهری کینزبرگ و نخست شهری سیر نزولی نشان می دهد که این موضوع نشان دهنده اثبات فرضیه فوق است.

میزان همبستگی تغییرات جمعیت شهرهای میانی با تغییرات شاخص های نخست شهری و کینزبرگ نشان دهنده میزان همبستگی ۰.۸۸- و ۰.۸۶- را نشان می دهد.

همچنین میزان همبستگی تغییرات جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن با تغییرات شاخص‌های نخست شهری و کینزبرگ نشان‌دهنده میزان همبستگی ۰.۹۶- و ۰.۹۵- را نشان می‌دهد.

با توجه به اینکه میزان همبستگی هرچه به یک نزدیک تر باشد نشان‌دهنده ارتباط بیشتر است بنابراین اعداد به دست آمده نشان از همبستگی شدید این دو فاکتور است و به عبارت دیگر هرچه جمعیت شهرهای میانی بیشتر شده است از درجه نخست شهری کاسته شده است و فرضیه اثبات می‌شود.

## ۲-۲-۵ فرضیه دوم

فرضیه دوم پاسخی اولیه برای این سؤال است که «آیا توسعه شهرهای میانی در سطح منطقه آذربایجان بر میزان توسعه تعادل موثر است.»

پیش فرض اولیه پژوهشگر برای این سؤال آن است که به نظر می‌رسد توسعه شهرهای میانی باعث افزایش تعادل در منطقه‌ی آذربایجان می‌شود.

برای آزمون این فرضیه ابتدا تغییرات شهرهای میانی را با تغییرات شاخص‌های توزیع تعادل شامل آنتروپی و ضریب جینی و شاخص‌های تمرکز هرفیندال و هندرسون مقایسه می‌گردد.

جدول ۲-۵ تغییرات شهرهای میانی با تغییرات شاخص‌های توزیع تعادل

سال	جمعیت شهر میانی	پتانسیل	کل	آنتروپی	ضریب جینی	هرفیندال	هندرسون
۱۳۳۵	۸/۷۹	۵/۰۶	۱۳/۸۶	۰/۷۵۱۹	۰/۵۸	۰/۱۵۱	-۰/۱۵۱
۱۳۴۵	۸/۶۴	۱۱/۱۹	۱۹/۸۴	۰/۸۲۸۳	۰/۵۷	۰/۱۳۸	-۰/۱۳۸
۱۳۵۵	۷/۷۳	۱۱/۱۸	۱۸/۹۱	۰/۸۰۳۳	۰/۵۸	۰/۱۳۸	-۰/۱۳۸
۱۳۶۵	۷/۲۳	۱۲/۱	۱۹/۳۴	۰/۸۲۷۱	۰/۵۹۴	۰/۱۳۱	-۰/۱۳۱
۱۳۷۵	۱۵/۵۷	۶/۳۳	۲۱/۹	۰/۸۲۵۴	۰/۵۹۵	۰/۱۲۳	-۰/۱۲۳
۱۳۸۵	۱۷/۴۸	۱۰/۱۲	۲۷/۶	۰/۹۰۱۱	۰/۶۷	۰/۱۱۳	-۰/۱۱۳
۱۳۹۰	۱۷/۵۶	۱۲/۴۱	۲۹/۹۸	۰/۹۰۲۸	۰/۶۹	۰/۱۱۲	-۰/۱۱۲

همان طور که از جدول فوق بر می‌آید جمعیت شهرهای میانی و همچنین شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن به طور پیوسته در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ افزایش یافته است و شاخص‌های مربوط به توسعه تعادل نظیر آنتروپی و ضریب جینی نیز در این دوره زمانی افزایش یافته است.

همچنین شاخص‌های تمرکز هرفیندال و عدم تمرکز هندرسون در این دوره به ترتیب کاهش و افزایش یافته‌اند که نشان از تعادل بیشتر در سطح منطقه است.

بررسی رابطه همبستگی بین تغییرات جمعیتی شهرهای میانی و شاخص‌های فوق‌الذکر نیز رابطه معناداری را نشان می‌دهد، زیرا اعداد بسیار به یک نزدیک هستند و بنابراین فرضیه دوم اثبات می‌شود.

جدول ۳-۵ تغییرات شهرهای میانی و شاخص‌های نخست شهری و توزیع تعادل

۰/۹۸	همبستگی بین تغییرات آنترویی و تغییرات جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن
۰/۷۷	همبستگی بین تغییرات آنترویی و تغییرات جمعیت شهرهای میانی
۰/۹۱	همبستگی بین تغییرات ضریب جینی و تغییرات جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن
۰/۸۴	همبستگی بین تغییرات ضریب جینی و تغییرات جمعیت شهرهای میانی
-۰/۹۶	همبستگی بین تغییرات شاخص تمرکز هرfindal و تغییرات جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن
۰/۸۶-	همبستگی بین تغییرات شاخص تمرکز هرfindal و تغییرات جمعیت شهرهای میانی
۰/۹۶	همبستگی بین تغییرات شاخص عدم تمرکز هندرسون و تغییرات جمعیت شهرهای میانی و شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن
۰/۸۶	همبستگی بین تغییرات شاخص عدم تمرکز هندرسون و تغییرات جمعیت شهرهای میانی

## ۵-۲-۳ فرضیه سوم

فرضیه سوم پاسخی اولیه به سؤال «وضعیت کنونی شهرهای میانی در ساختار فضایی منطقه آذربایجان چگونه است؟» می‌باشد که بر اساس پیش‌فرض اولیه به نظر می‌رسد که جایگاه کنونی شهرهای میانی در ساختار فضایی منطقه آذربایجان مناسب نیست.

با توجه به تحلیل‌های جمعیتی و نقطه شکست نمودارهای جمعیت در سال ۱۳۹۰ شهرهای خوی، بوکان، مراغه، مهاباد، مرند و میاندوآب به عنوان شهرهای میانی موجود و شهرهای میانه، اهر، پارس‌آباد، سلماس، بناب، نقده، پیرانشهر و مشکین‌شهر نیز به عنوان شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن مطرح می‌باشند.

بررسی‌ها و تحلیل‌های مکانی بر اساس شاخص‌های فاصله از سایر شهرهای میانی، فاصله از مراکز جمعیتی (شامل شهرهای کوچک و روستاها)، فاصله از کلان‌شهر اصلی، فاصله از مرزهای منطقه و فاصله از راه‌های اصلی نشان می‌دهد که شهرهای موجود دارای شرایط مناسبی در ساختار فضایی منطقه می‌باشند و بنابراین فرض سوم رد می‌شود.

اما نکته قابل‌ذکر آن است که با توجه به نقش‌های متفاوت شهرهای میانی نظیر شهرهای تسکینی، توسعه‌ای، تولیدی و مرزی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از شهرهای میانی موجود با توجه به فاصله‌ی جغرافیایی موجود با کلان‌شهرهای هر یک استان‌ها نمی‌تواند نقش تسکینی و جذب سرریز جمعیتی را ایفا نماید و همچنین فاصله زیاد این شهرها از مرزهای منطقه نیز نامناسب بودن آن‌ها را برای اختصاص نقش مرزی به این شهرها نشان می‌دهد. بر این اساس شهرهایی که باید این دو نقش را ایفا کنند در وضعیت کنونی در رده‌ی شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن و یا شهرهای کوچک قرار دارند و باید تقویت و بر اساس تحلیل‌های اقتصادی و نقش اختصاصی به شهر میانی مبدل شوند.

بنابراین مسئله اصلی عدم کفاف تعداد شهرهای میانی موجود و لزوم ارتقای سایر شهرها بر اساس محرک‌های اقتصادی به شهرهای میانی است.

### ۳-۵ پاسخ به سؤالات پژوهش

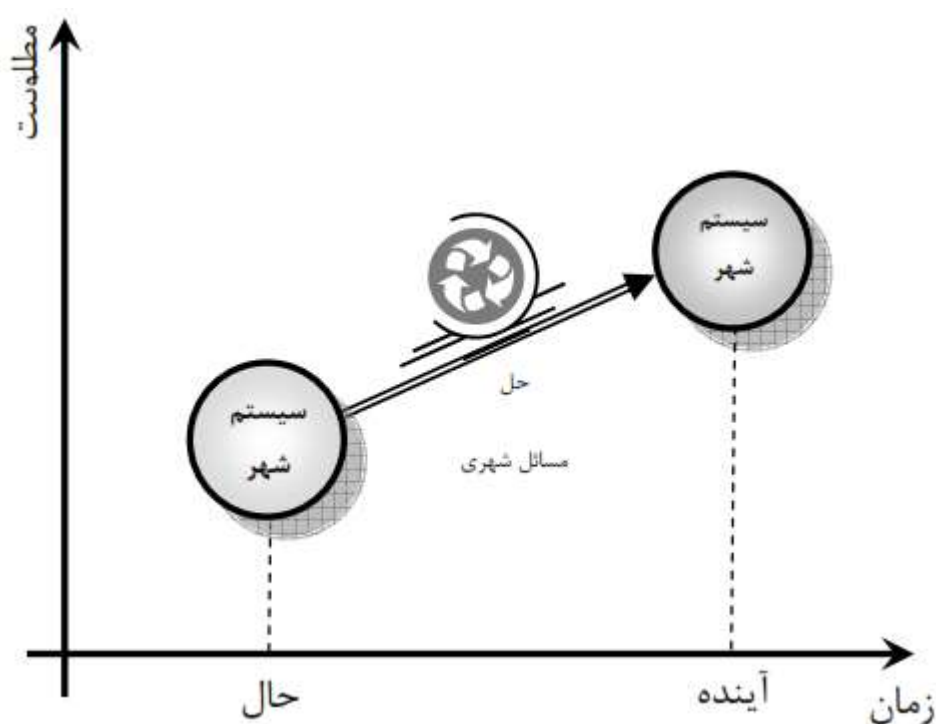
با توجه به تدوین فرضیه‌ها بر اساس سؤالات پژوهش و آزمون آن‌ها به سه سؤال اولیه در قالب اثبات یا رد فرضیه‌های پژوهش پاسخ داده شد و سؤال نهایی پژوهش که در حقیقت پیشنهاد پژوهش را نیز نشان می‌دهد آن است که توسعه کدام شهرها در منطقه آذربایجان جهت برقراری تعادل فضایی مطلوب تر است؟

بر اساس چارچوب نظری ارائه‌شده به منظور برقراری تعادل در منطقه باید در دو بعد اسکان و فعالیت تعادل برقرار نمود که با توجه به نظریات کانزمن و هیلپورست تعادل فضایی با استفاده از تعریف شهرهای میانی با عملکردهای متفاوت تسکینی، مرزی، تولیدی و توسعه‌ای و پراکنش مناسب آن‌ها بر اساس فاصله مناسب از نخست شهرها، سایر شهرهای میانی، فاصله از شبکه ارتباطی و جمعیت شهر و حوزه اطراف قابل تحقق است.

بدین منظور تحلیل اسکان با معیار جمعیت و تحلیل فعالیت بر اساس آمار اشتغال صورت گرفته است و در نهایت با روی هم گذاری لایه‌ها در نرم‌افزار GIS شهرها با عملکردهای مختلف مشخص و پراکندگی فضایی آن‌ها تعیین گردید.

## ۴-۵ تدوین سناریو های پیشنهادی

تدوین سناریو (آینده‌نگری) بر اساس وضع موجود، شیوه‌ای در راستای برنامه‌ریزی و مدیریت مطلوب تر آینده می‌باشد که در آن سناریوهای فرضی و ممکن، تصور و طراحی می‌گردد. طراحی سناریو ها بر اساس روندهای موجود، اهداف و چشم‌اندازهای آتی منطقه می‌باشد. نتیجه نهایی سناریونویسی ترسیم یک نقشه درست از آینده نیست بلکه هدف آن اصلاح و بهبود نظام‌مند تصمیم‌گیری‌ها در خصوص حوزه‌های هدف مربوط به آینده است.



شکل ۱-۵ نقش سناریو در آینده‌نگری

آینده‌نگری یعنی فکر کردن درباره اتفاقات آینده قبل از وقوع آن تا بتوان بیشترین بهره‌وری با کمترین هزینه‌ها انجام داد و با هدایت و راهبری شاخه‌ها و مؤلفه‌های موضوعی بتوان میان آنها هماهنگی و ارتباط تنگاتنگ به وجود آورد و با برنامه‌ریزی صحیح به چشم‌انداز مطلوب دست یافت. یکی از اهداف این پژوهش، آینده‌نگری است که تلاش می‌کند نمایی از آینده منطقه ترسیم و برنامه‌ای برای افق طرح، پی‌ریزی کند. این امر نیازمند طرح‌ریزی برنامه‌های مفصل و در نهایت ارائه نقشه‌های عملی (action plan) است که پرداختن به آن‌ها از حوصله پژوهش خارج است و تنها به



ارائه سناریوهای ممکن برای شبکه شهری منطقه آذربایجان اکتفا می‌شود. در این راستا، سناریوهای ممکن برای منطقه آذربایجان با توجه به جایگاه شهرهای میانی در نظام شهری در جهت دستیابی به عدالت فضایی ارائه می‌گردد.

#### ۵-۴-۱ سناریو اول: ادامه روند وضع موجود

همان طور که در فصل ۳ اشاره شد، تراکم شهرها در نیمه غربی نسبت به نیمه شرقی بیشتر است. شهرهای متوسط موجود کلان منطقه آذربایجان نیز همگی در غرب منطقه قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده تراکم جمعیتی در نیمه غربی نسبت به نیمه شرقی است. میزان شهرنشینی بالای ۷۵ درصد در نیمه غربی این امر را تأیید می‌کند. این امر نشان‌دهنده محور توسعه‌یافته خطی و قطب‌های توسعه در غرب منطقه است. لذا ادامه روند کنونی، شبکه شهری منطقه آذربایجان را با چالش جدی (به خصوص در نیمه غربی نسبت به نیمه شرقی) مواجه می‌سازد. این امر هرم ناقص شبکه شهری موجود را که در آن اصل سلسله مراتبی بین مراکز شهری را به طور ناقص رعایت شده را بسط می‌دهد. این امر به نوبه خود تأثیر اندکی بر نخست شهری در وضع موجود می‌گذارد که منجر به عدم تعادل نظام شهری می‌گردد.

بر اساس روند جمعیت‌پذیری شهرهای میانی تنها تعداد محدودی از شهرها که در وضعیت کنونی نیز به عنوان شهر میانی عمل می‌کنند در آینده این نقش را ایفا خواهند کرد و عدم تعادل بین بخش غربی و شرقی همچنان باقی می‌ماند. در سال ۱۳۹۰ شهرهای میاندوآب، مرند، مهاباد، مراغه، بوکان، خوی به عنوان شهرهای میانی و شهرهای مشکین‌شهر، پیرانشهر، نقده، بناب، سلماس، پارس‌آباد، اهر، میانه به عنوان شهرهایی که دارای پتانسیل تبدیل شدن به شهرهای میانی را دارند، می‌توان در نظر گرفت.

در آینده در منطقه آذربایجان الگوی مسلط سکونت، الگوی شهری خواهد بود. در افق ۱۴۲۰ بیش از ۸۵ درصد جمعیت در شهرها زندگی خواهند کرد. شمار شهرها از ۱۲۴ در سال ۱۳۹۰ به ۲۳۶

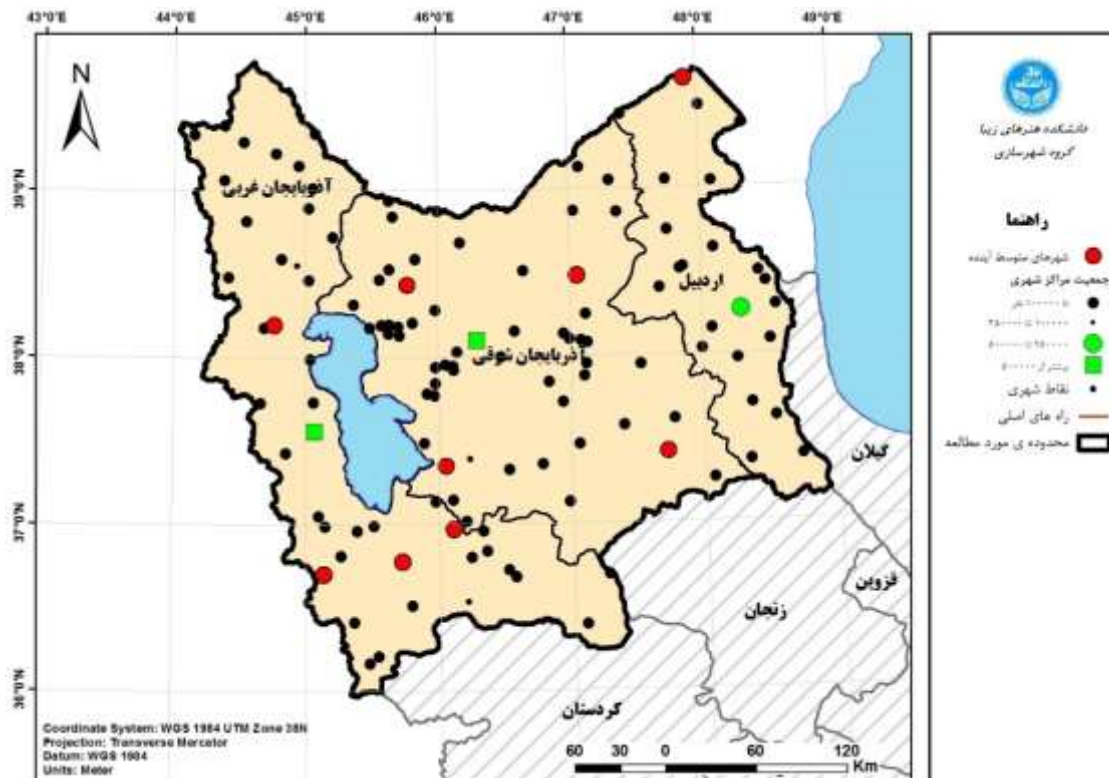
در افق ۱۴۲۰ خواهد رسید. انتظار می رود در بلندمدت (۳۰ سال آینده)، در منطقه آذربایجان: (پیش‌بینی‌ها بر اساس نرم‌افزار people و نرخ رشد رگرسیونی بین سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ بوده است)

- یک شهر فرا منطقه‌ای (تبریز)، بیش از ۲ میلیون نفری
- دو شهر منطقه‌ای (ارومیه، اردبیل)، با جمعیت بیش از ۱ میلیون نفر
- ۳ شهر بزرگ (مراغه، خوی، بوکان) ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار،
- ۹ شهر متوسط (میاندوآب، مرند، میانه، اهر، بناب، مهاباد، سلماس، پارس‌آباد، پیرانشهر) ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار،
- ۱۰ شهر مهم متوسط کوچک (احتمالاً سراب، آذرشهر، سردشت، ماکو، اشنویه، شاهین دژ، تکاب، خلخال، مشکین‌شهر، نقده) ۵۰ تا ۱۰۰ هزار،
- ۲۱ شهر مهم کوچک محلی ۲۵ تا ۵۰ هزار و
- ۱۹۰ شهر -روستا زیر ۲۵ هزار نفری، وجود داشته باشد.

جدول ۴-۵ پیش‌بینی توزیع شهرهای منطقه آذربایجان بر حسب اندازه

سال	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۴۰۵	۱۴۱۰	۱۴۱۵	۱۴۲۰
طبقات شهری (به هزار نفر)						
کمتر از ۲۵ هزار	۱۱۳	۱۲۸	۱۴۴	۱۵۹	۱۷۵	۱۹۰
۲۵-۵۰	۱۴	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۱
۵۰-۱۰۰	۷	۷	۸	۸	۸	۱۰
۱۰۰-۲۵۰	۷	۱۰	۱۰	۹	۹	۹
۲۵۰-۵۰۰	۰	۰	۱	۲	۲	۳
۵۰۰-۱۰۰۰	۲	۲	۱	۱	۰	۰
۱ تا ۲ میلیون نفر	۱	۱	۲	۱	۲	۲
بیش از ۲ میلیون	۰	۰	۰	۱	۱	۱
جمع	۱۴۴	۱۶۴	۱۸۲	۱۹۹	۲۱۶	۲۳۶

بدین منظور برای افق منطقه آذربایجان ۹ شهر متوسط وجود خواهد داشت که پراکنش جغرافیایی آن‌ها در نقشه زیر نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود تعداد شهرهای متوسط در نیمه غربی از نیمه شرقی بیشتر است و در نیمه شرقی شهرهای میانی پاسخگویی برقراری ارتباط سلسله‌مراتب شهری کامل نیست.



شکل ۲-۵ شهرهای متوسط منطقه آذربایجان در آینده

۲-۴-۵ سناریو دوم: تقویت شهر میانی با عملکردهای مرزی، تسکینی، توسعه‌ای،

## تولیدی

شبکه‌های سلسله‌مراتبی از نظر توزیع خدمات و مدیریت سرزمین در راستای تمرکززدایی و عدالت فضایی نیازمند اصلاح شبکه شهری با توجه به شرایط و امکانات، روش کارآمدی است. حلقه مکمل در راستای این اصلاح توجه به نقش شهر میانی با توجه به عملکردهای آن است که در اینجا برای تعیین نقش شهرهای میانی پیشنهاداتی ارائه می‌گردد:

## ۱- استراتژی توسعه و تقویت شهرهای میانی موجود

با توجه به اینکه شهرهای میانی موجود از نظر مکانی دارای وضعیت نسبتاً مناسبی از نظر فاصله با سایر شهرهای میانی، نزدیکی به مراکز جمعیتی و شبکه‌های اصلی راه‌ها بوده و دارای جمعیت و روند جمعیت‌پذیری نسبتاً مناسبی می‌باشند، به منظور برقرار تعادل در سطح منطقه بهترین راهبرد توسعه‌ی شهرهای میانی موجود است.

به منظور تسریع در توسعه‌ی این شهرها با توجه به تحلیل‌های اقتصادی مشخص می‌گردد که در سطح شهرستان، غالب فعالیت این دسته از شهرها کشاورزی می‌باشد اما در مواردی نیز بخش خدمات غلبه بیشتری داشته است.

بر این اساس شهرهای میانی موجود را می‌توان در دو دسته شهرهای توسعه‌ای و شهرهای تولیدی تقسیم‌بندی نمود.

الف) شهرهای میانی تولیدی: در این شهرها غلبه با بخش تولید یعنی کشاورزی و صنعت می‌باشد و در حقیقت در این نوع از شهرها باید علاوه بر حفظ توان کنونی بر ایجاد بازارهای دادوستد و محیط کسب‌وکار برای توسعه بازار محصولات منطقه‌ی تحت پوشش تاکید گردد.

ب) شهرهای میانی توسعه‌ای: این نوع از شهرها دارای اقتصاد چندبخشی بوده و نقش توسعه‌ی کلی منطقه و ایجاد تعادل درون منطقه‌ای را بر عهده‌دارند. مهم‌ترین ویژگی این نوع شهرها پایه بودن اقتصاد مبتنی بر کسب‌وکار و همچنین بخش خدمات است.

راهبرد توسعه این شهرها نیز حمایت و رونق کسب‌وکار و هماهنگی بخش خدمات با نوع محصولات کشاورزی و صنعتی می‌باشد.

جدول ۵-۵ نقش اقتصادی شهرهای میانی موجود

شهرهای میانی موجود		
شهر	محرك توسعه	كار كرد اقتصادى
خوى	كشاورزى و صنعت	شهر ميانى توليدى
بوكان	صنعت، ساختمان، عمده‌فروشى و خرده‌فروشى، ارتباطات، كسب‌وكار	شهر ميانى توسعه‌اى
مراغه	كشاورزى، شيلات	شهر ميانى توليدى
مهاباد	معدن، ساختمان، عمده‌فروشى و خرده‌فروشى، هتل و رستوران، ارتباطات، فعاليت‌هاى كسب‌وكار	شهر ميانى توسعه‌اى
مرند	كشاورزى، شيلات، معدن، حمل‌ونقل و ارتباطات	شهر ميانى توليدى
مياندوآب	كشاورزى و ساختمان	شهر ميانى توليدى

## ۲- توسعه شهرهای دارای پتانسیل و افزایش تعداد شهرهای میانی

علی‌رغم مناسب بودن مکان شهرهای میانی موجود تعداد این شهرها کم بوده و تمامی منطقه را پوشش نمی‌دهند به همین خاطر توسعه شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن (با توجه به بخش تحلیل)، افزایش تعداد شهرهای میانی و در نهایت افزایش نسبت جمعیتی شهرهای میانی به کلان‌شهرها و در نتیجه کاهش پدیده‌ی نخست شهری را موجب خواهد شد. بدین منظور باید نقش این شهرها نظیر شهرهای میانی موجود و محرك اقتصادی توسعه‌ی آن‌ها مشخص شود.

جدول ۵-۶ نقش اقتصادی شهرهای دارای پتانسیل میانی شدن

شهرهای میانی دارای پتانسیل		
شهر	محرك توسعه	كار كرد اقتصادى
ميانه	كشاورزى، شيلات، ساختمان	شهر ميانى توليد
اهر	كشاورزى، شيلات، معدن به طور خاص، آموزش و ساختمان	شهر ميانى توليد
پارس‌آباد	كشاورزى، صنعت، كسب‌وكار	شهر ميانى توسعه‌اى
سلماس	كشاورزى، هتل و رستوران، حمل‌ونقل و ارتباطات	شهر ميانى توسعه‌اى
بناب	كشاورزى، عمده‌فروشى و خرده‌فروشى، هتل و رستوران	شهر ميانى توسعه‌اى
نقده	شيلات، عمده‌فروشى و خرده‌فروشى، هتل و رستوران، حمل‌ونقل و ارتباطات، بخش‌هاى مختلف خدماتى	شهر ميانى توسعه‌اى
پيرانشهر	كشاورزى، معدن و خدمات	شهر ميانى توليد
مشكين‌شهر	كشاورزى، ساختمان، آموزش، هتل و رستوران، واسطه‌گرى مالى	شهر ميانى توسعه‌اى

### ۳- تقویت شهرهای میانی در مرزهای منطقه

با توجه به حساسیت مرزهای هر منطقه به ویژه مرزهایی که با سایر کشورها وجود دارد، وجود شهرهایی با اقتصاد فعال و پویا می‌تواند روابط اقتصادی بیشتری را ایجاد نماید. همچنین این نقاط مرزی با توجه به فاصله‌ای که از مادر شهرهای منطقه دارند لازم است تا دسترسی مناسبی به یک شهر میانی برای دادوستد و عرضه‌ی تولیدات وجود داشته باشد.

بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته در وضعیت کنونی شهر میانی مرزی وجود ندارد و مناطق مرزی توسط شهرهای کوچک خدمات‌رسانی می‌شوند بر اساس مکان‌یابی انجام‌شده شهرهای بازرگان، پلدشت، جلفا، بیله سوار، گرمی، تکاب، ربط، سردشت با توجه به دسترسی به مناطق مرزی، دسترسی به شبکه راه‌های اصلی، دسترسی به مراکز عمده‌ی جمعیتی و جمعیت کنونی خود شهر، دارای پتانسیل بیشتری برای تبدیل شدن به شهرهای میانی مرزی می‌باشند.

بررسی نوع مرز (با مناطق داخلی یا کشورهای خارجی) و همچنین پتانسیل اقتصادی کنونی شهر نیز می‌تواند راهبردهای کلان توسعه این شهرها را مشخص نماید.

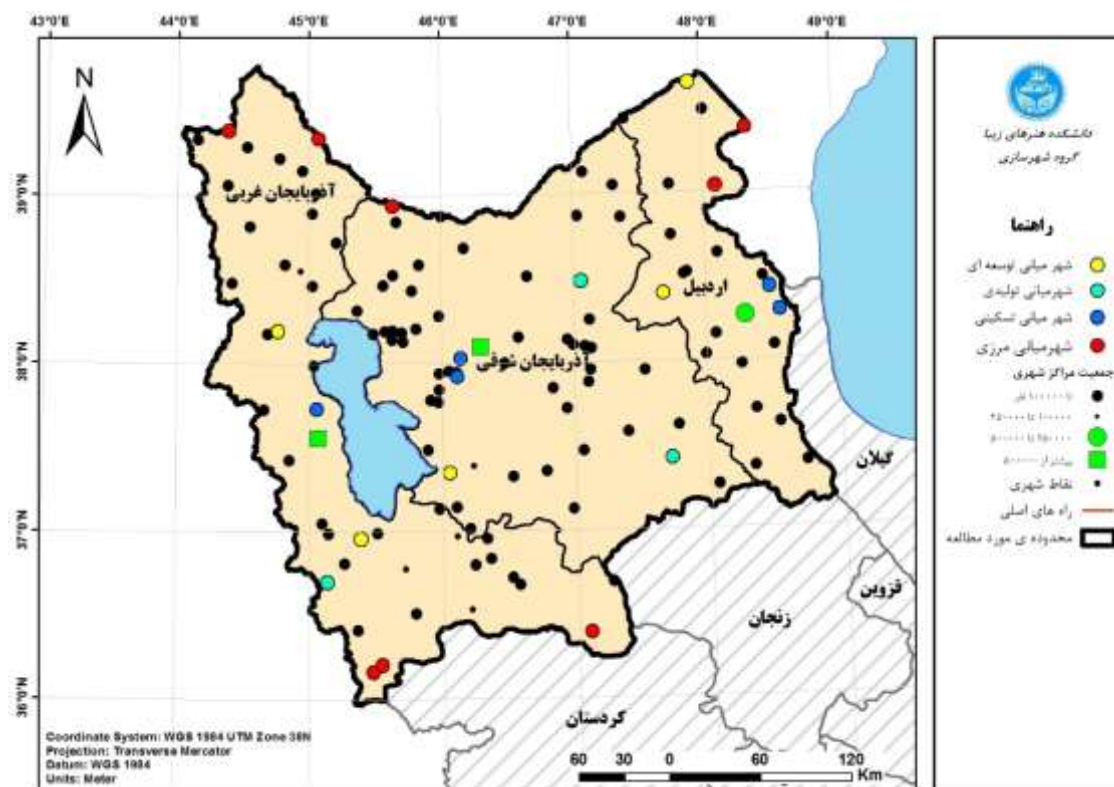
بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته شهرهای بازرگان، پلدشت، جلفا، بیله سوار که دارای مرز خارجی می‌باشند موتور محرک اقتصادی بخش خدمات باید در نظر گرفته شود

همچنین شهرهای گرمی، تکاب، ربط، سردشت که در مرز منطقه با سایر مناطق داخلی قرار گرفته‌اند با توجه به غلبه بخش معدن در آن‌ها باید به شهرهای میانی به عنوان بازار محصولات کشاورزی و معدنی منطقه اطراف مبدل شوند و توسعه اقتصاد کارگر بر با تخصص پایین و صنایع مرتبط با معادن پیشنهاد می‌شود.

### ۴- تقویت شهرهای میانی تسکینی و تمرکززدایی از کلان‌شهرها

با توجه به پدیده بزرگ سری در سطح منطقه به خصوص شهر تبریز با توجه به پتانسیل شهرهای موجود بر اساس شاخص‌های جمعیت کنونی، دسترسی به شبکه اصلی راه‌ها، فاصله از سایر

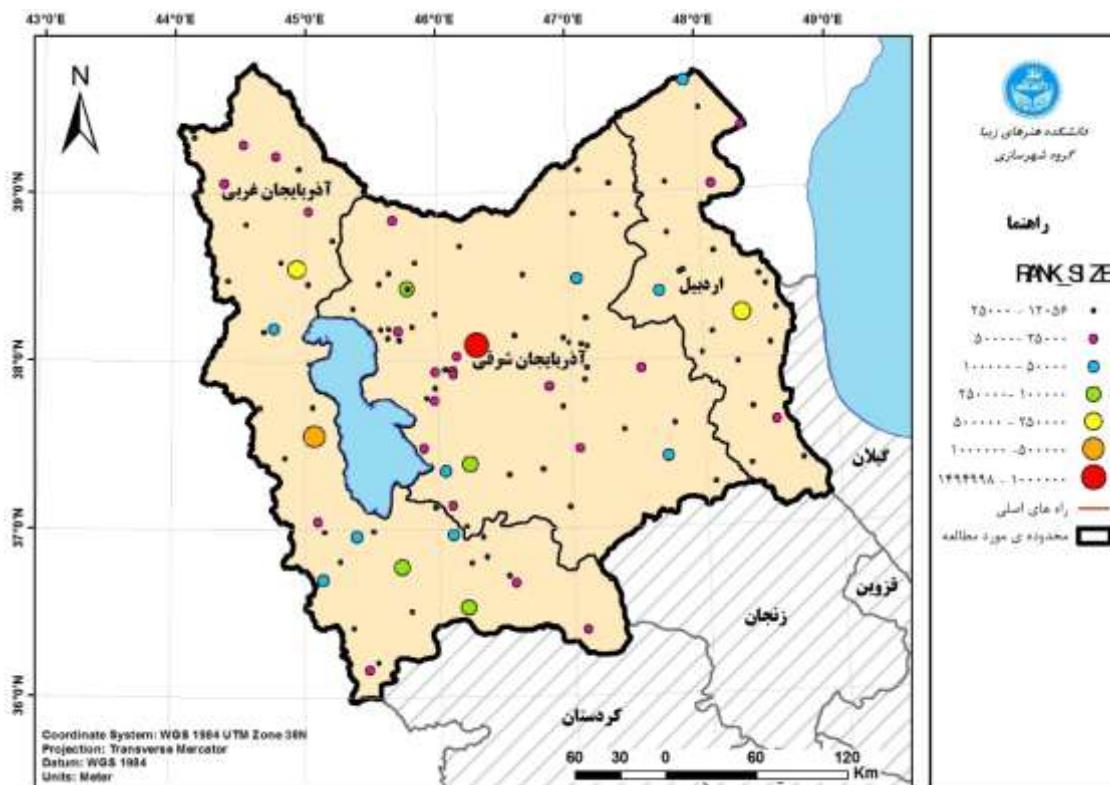
شهرهای میانی، فاصله از کلان‌شهر، شهرهای نمین، آبی بیگلو، سردرود، نوشین شهر و اسکو می‌توانند در درازمدت به عنوان نقاط شهری جهت تمرکززدایی از سه شهر بزرگ تبریز، اردبیل و ارومیه مطرح باشند بر این اساس برای توسعه‌ی این دسته از شهرها نقش‌های حمل‌ونقل و انبار و همچنین استقرار صنایع با فناوری بالا و سرمایه‌بر، با توجه به دسترسی به شهر بزرگ و وجود نیروی کار متخصص پیشنهاد می‌گردد.



شکل ۳-۵ شهرهای میانی با عملکرد تسکینی، مرزی، توسعه‌ای و تولیدی

## ۵-۵ سناریو سوم: حالت مطلوب

در این سناریو، هر شهر خط مشی توسعه خود را با توجه به پتانسیل‌ها و نقاط قوت خود در حالت مطلوب تعیین می‌کند. در این سناریو حالت بهینه شبکه شهری مد نظر است. لذا در اینجا شبکه شهری پیشنهادی بر طبق قاعده رتبه - اندازه (در راستای توزیع بهتر جمعیت شهری و پر کردن خلأ سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها از بالا به پایین) ارائه می‌شود. در این حالت ۴ شهر متوسط مراغه، مهاباد، بوکان و مرند در منطقه نقش شهر میانی را بازی می‌کنند.



شکل ۴-۵ پراکنش حالت مطلوب مراکز شهری در منطقه آذربایجان با استفاده از قاعده رتبه - اندازه

## ۵-۶ ارزیابی سناریو ها و انتخاب گزینه برتر

سناریو برتر بر اساس نظام‌های اسکان و فعالیت و با توجه به جایگاه و نقش شهرهای میانی در منطقه آذربایجان ارائه می‌گردد؛ لذا در ابتدا سناریو های ارائه شده در بخش قبلی بر اساس معیارهای مشخص، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برای این امر از روش AHP برای ارزیابی سناریو ها و انتخاب سناریو برتر استفاده می‌گردد.

معیارهای ارزیابی این سناریوها عبارت‌اند از: قابل اجرا بودن سناریوها، تنوع نقش شهرهای

میانی، کاهش نخست شهری، محرومیت‌زدایی مناطق مرزی منطقه



شکل ۵-۵ ارزیابی سناریوها

به این ترتیب سناریو دوم به عنوان سناریو برتر انتخاب می‌گردد.



## ۷-۵ نتیجه‌گیری

منطقه آذربایجان همزمان با رشد شتابان شهرنشینی با تمرکز امکانات در مادرشهرهای منطقه‌ای تبریز، ارومیه و اردبیل مواجه بوده است که این امر شبکه شهری منطقه را به چالش کشیده است. به طوری که تمرکز امکانات در نیمه غربی، تمرکز شهرها را باعث شده و نیمه شرقی را توسعه نیافته نموده است.

بر اساس مبانی نظری، راهبرد کلیدی توسعه فضایی در منطقه با تمرکز جمعیت و فعالیت بالا، تمرکززدایی است که از طریق توسعه‌ی شهرهای میانی در ارتباط مناسب با شهرهای بزرگ، مراکز عمده سکونت و کار و سایر شهرهای میانی، ارتباط با مناطق مرزی و دسترسی به شبکه ارتباطی می‌باشد که روند توزیع جمعیت و فعالیت را در پهنه سرزمین ساماندهی کند.

بررسی وضعیت کنونی شبکه شهری منطقه آذربایجان با استفاده از شاخص‌های نخست شهری، تمرکز و توزیع تعادل نشانگر تسلط نخست شهرها بر منطقه است هرچند که تحلیل نظام شهری منطقه آذربایجان در دوره پنجاه سال اخیر نشان‌دهنده روند کاهش میزبان نخست شهری و تمرکز شهری بوده اما پیشروی نظام شهری به سمت عدم تعادل است.

تحلیل همبستگی بین شاخص‌های نخست شهری و توسعه شهرهای میانی نیز نشان‌گر ارتباط معنادار و موثر افزایش جمعیت و تعداد شهرهای میانی بر کاهش درجه نخست شهری است که به تبع آن تمرکز کمتر و تعادل بیشتر نظام شهری حاصل می‌گردد. در نهایت بر اساس چارچوب نظری شهرهای میانی با نقش‌های تسکینی، مرزی، توسعه‌ای و تولیدی به منظور تعادل بخشی نظام شهری پیشنهاد می‌گردند.

**منابع و مأخذ:**

**الف - منابع فارسی:**

- ۱- امکچی، حمیده، شهرهای میانی و نقش آن در چارچوب توسعه ملی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳
- ۲- بهفروز، فاطمه، فلسفه روش‌شناسی تحقیق علمی در جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۷۸،
- ۳- پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمد امیر، نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت، ۱۳۸۷
- ۴- پاپلی یزدی، محمدحسین، رجبی سناجردی، حسین، نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، ۱۳۸۲
- ۵- پورمحمدی، محمدرضا، قربانی، رسول و دیگران، تحلیل ویژگی‌های نظام شهری منطقه آذربایجان با تاکید بر تأثیرات تمرکز اقتصادی کلانشهر تبریز، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی (دانشگاه تبریز)، سال ۱۴، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۸
- ۶- تقوایی، مسعود، صابری، حمید، تحلیلی بر سیستم‌های شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، نشریه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره پنجم، تابستان ۱۳۸۹
- ۷- حاتمی نژاد، حسین، پور حسین، حمید، محمد پور، صابر، منوچهری میاندوآب، ایوب، تحلیل عملکرد فضایی شهر میانی مرنند در سطح شهرستان مرنند، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، زمستان ۱۳۹۰
- ۸- حافظ نیا، محمدرضا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت: تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۱
- ۹- حکمت نیا، حسن، میر نجف موسوی، کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم نوین، ۱۳۸۵
- ۱۰- رهنمایی، محمدتقی، اطلس عمومی ایران و جهان: سیاسی، طبیعی، اقتصادی، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۸۱
- ۱۱- زالی، نادر، پورمحمدی، محمدرضا، تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای و آینده نگاری توسعه (نمونه موردی: استان آذربایجان شرقی)، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی (دانشگاه تبریز)، سال ۱۵، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۸۸

- ۱۲- زالی، نادر، عظیمی، نورالدین، بررسی و تحلیل ابعاد پیوندهای جمعیتی در استان آذربایجان غربی، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره نهم، تابستان ۱۳۹۰
- ۱۳- زبردست، اسفندیار، اندازه شهر، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۳
- ۱۴- زبردست، اسفندیار، بررسی تحولات نخست شهری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶
- ۱۵- زبردست، اسفندیار، درس نامه روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰
- ۱۶- زنجانی، حبیب‌الله، سیمین اسلام‌بوچی مقدم، فریدون رحمانی، راهنمای جمعیت شهرهای ایران، چاپ دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۲
- ۱۷- سرمست، بهرام، زالی، نادر، انتظام فضایی شبکه شهری و برنامه‌ریزی جمعیتی در افق ۱۴۰۰، مطالعه موردی آذربایجان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره مسلسل ۴۸، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹
- ۱۸- سید فاطمی، سید مجید، حسین زاده دلیر، کریم، بررسی و تحلیل نقش شهر جدید سهند در انتظام فضایی منطقه بزرگ شهری تبریز، مطالعات و پژوهش‌های شعری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره ششم، پاییز ۱۳۸۹
- ۱۹- شکویی، حسین، باقری، اشرف السادات، کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای، مورد نجف‌آباد و خمینی‌شهر، فصلنامه مدرس، شماره ۸، پاییز ۱۳۷۷
- ۲۰- شیخی، حجت، احمد شاه‌یوندی، تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای و سطح‌بندی نظام شهری در منطقه زاگرس، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، پاییز ۱۳۹۱
- ۲۱- طرح ملی ایران، بررسی‌های پایه، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱
- ۲۲- طرح کالبدی ملی ایران، مطالعات شبکه شهرهای مهم کشور، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۳
- ۲۳- طرح منطقه آذربایجان، شبکه شهرها و خدمات، جلد دوم نظام شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۸
- ۲۴- عبداللهی، حسن، افغانستان تبیین الگوی مطلوب نظام شهری، چاپ اول، انتشارات پاپلی، ۱۳۸۸

- ۲۵- عظیمی، ناصر، روش‌شناسی شبکه سکونتگاه‌ها در طرح‌های کالبدی منطقه‌ای، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۲
- ۲۶- عظیمی، ناصر، پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، چاپ اول، نشر نیکا، مشهد، ۱۳۸۱
- ۲۷- فنی، زهره، شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، انتشارات آذرخش، چاپ سوم، ۱۳۸۸
- ۲۸- قرخلو، مهدی، امینی، حسن حسینی، رجایی، سیدعباس، نقش شهرهای میانی در تعادل منطقه‌ای مورد مطالعه: شهر میانی شهرضا (استان اصفهان)، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۱، ۱۳۸۱
- ۲۹- کلانتری، خلیل، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تهران، انتشارات خوشبین، ۱۳۸۱
- ۳۰- لیوار جانی، پروین دخت، شیخ اعظمی، علی، بررسی پدیده نخست شهری در ایران در سال ۱۳۸۵: سیاست و سرزمین، مجله فضای جغرافیایی، سال نهم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۸
- ۳۱- محمدزاده تیتکانلو، حمیده، تبیین نقش شهرهای متوسط در توسعه فضایی منطقه‌ای مورد پژوهی استان خراسان و بجنورد، رساله دکترای تخصصی شهرسازی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
- ۳۲- مرصوصی، نفیسه و دیگران، تحلیل استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای در آذربایجان شرقی، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
- ۳۳- معصومی اشکوری، سید حسن، اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات پیام ۱۳۸۵،
- ۳۴- -----، مرکز آمار ایران، اطلاعات سرشماری ۱۳۹۰، ۱۳۸۵، ۱۳۷۵، ۱۳۶۵، ۱۳۵۵، ۱۳۴۵، ۱۳۳۵

## ب- منابع لاتین:

- 1- Adell, German, Literature review theories and models of the peri-urban interface: a changing conceptual landscape, university college London, 1999

- 2- Aniah,E.j,The role of secondary cities in regional economic development in Nigeria, journal of environmental Science 4(2),2001
- 3- EEA(2006),Urban Sprawl in Europe: the Ignored challenge.European Environment Agency/European commission.joint research center. Luxembourg: office for official publications of the European communities.
- 4- Gomez Luis Alfonso Escudero, Medina, Jose Somoza,Medium-Sized Cities: Polycentric Strategies vs the Dynamics of Metropolitan Area Growth, The Open Urban Studies Journal, 2010, 3, 2-13
- 5- Hackenberg, Robert A,New Patterns of Urbanization in Southeast Asia: An Assessment,Population and Development Review,Vol. 6, No. 3 (Sep. 1980), pp. 391-419
- 6- Hildreth, Paul, understanding medium-sized cities, Town & Country Planning, 2007
- 7- Kunzmann, Klaus R, Medium-sized Towns, Strategic Planning and Creative Governance in the South Baltic Arc
- 8- Mason,John P, The role of urbanization in national development: Bridging the rural-urban divide, U.S. Agency for International Development,1989
- 9- Rondinelli,Dennis A. Towns and Small Cities in Developing Countries, Source: Geographical Review, Vol. 73, No. 4 (Oct. 1983), pp. 379-395
- 10- Venture Capital in New England Secondary Cities, Carole Carlson and Prabal Chakrabarti, 2007 Issue 1, Federal Reserve Bank of Boston page8

## ج - سایت های اینترنتی

1. *South Korea-Urbanization*,2012.

[http://www.mongabay.com/histry/south\\_korea/south\\_korea-urbanization.html](http://www.mongabay.com/histry/south_korea/south_korea-urbanization.html).

۲. بررسی جمعیت جهان، جمعیت چین، ۲۰۱۳.

<http://worldpopulationreview.com/population-of-china>

۳. توزیع جمعیت شهری هند، ۲۰۱۲.

<http://hetv.org/india/india-population-2012.htm>

۴. جمعیت کره جنوبی، ۲۰۱۳.

[http://www.indexmundi.com/south\\_korea/demographics\\_profile.html](http://www.indexmundi.com/south_korea/demographics_profile.html)

۵. جمعیت شهری در فرانسه، ۲۰۱۲.

<http://www.tradingeconomics.com/france/urban-population-wb-data.html>

۶. جمعیت شهری هند، ۲۰۱۱. <http://www.indexmundi.com/facts/india/urban-population>.

۷. جمعیت فرانسه، ۲۰۱۱. <http://www.indexmundi.com/france/population.html>

۸. رشد جمعیت شهری، ۲۰۱۰.

<http://www.tradingeconomics.com/india/urban-population-growth-annual-percent-wb-data.html>

۹. رشد جمعیت کره جنوبی، ۲۰۱۳.

<http://www.tradingeconomics.com/china/urban-population-growth-annual-percent-wb-data.html>

پوست  
چوب

جدول ۶-۱ ضریب مکانی شهرهای میانی

گروه عمده فعالیت	شهرهای میانی توسعه‌ای										
	اشنویه	شاهین دژ	عجب‌شیر	هریس	بستان آباد	هشترود	مشکین شهر	خلخال	سراب	نمین	آبی بیگلو
کشاورزی، شکار و جنگلداری	۲/۵۵	۱/۹۹	۰/۹۷	۱/۳۷	۱/۹۸	۲/۹۱	۱/۸۸	۱/۶۲	۲/۶۰	۱/۹۷	۱/۹۷
شیلات	۰/۲۲	۰/۳۵	۰	۰	۰/۰۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۴/۰۲	۰/۲۳	۰/۰۹	۰/۰۹
استخراج معدن	۰/۱۰	۰/۱۹	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۱۶	۰/۳۹	۰/۰۲	۰/۱۶	۰/۱۶
صنعت- ساخت	۰/۴۰	۰/۹۹	۰/۸۶	۳/۰۱	۱/۵۰	۰/۴۱	۰/۵۶	۰/۵۰	۰/۶۶	۰/۳۹	۰/۳۹
تأمین برق، گاز و آب	۰/۶۰	۰/۸۵	۰/۴۰	۰/۳۶	۰/۴۲	۰/۹۳	۰/۶۳	۰/۶۹	۰/۷۶	۰/۴۳	۰/۴۳
ساختمان	۰/۶۷	۱/۲۳	۰/۲۵	۰/۷۳	۰/۸۸	۱/۰۸	۱/۲۰	۱/۶۳	۰/۸۱	۲/۵۶	۲/۵۶
عمده‌فروشی، خردفروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی خانگ	۰/۹۱	۰/۶۰	۰/۳۰	۰/۳۳	۰/۵۵	۰/۴۶	۰/۸۳	۰/۹۲	۰/۵۵	۰/۴۰	۰/۴۰
هتل و رستوران	۰/۸۴	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۲۱	۰/۴۹	۰/۲۹	۱/۵۲	۰/۸۱	۰/۵۷	۰/۷۳	۰/۷۳
حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات	۰/۸۲	۰/۵۴	۰/۳۲	۰/۳۴	۱/۱۹	۰/۴۵	۰/۶۹	۰/۵۷	۰/۴۹	۰/۵۸	۰/۵۸
واسطه‌گری‌های مالی	۰/۳۷	۰/۳۰	۰/۲۴	۰/۱۴	۰/۲۷	۰/۳۰	۰/۶۸	۰/۵۹	۰/۵۰	۰/۲۳	۰/۲۳
مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کار و کسب	۰/۶۸	۰/۳۶	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۱۴	۰/۱۷	۰/۴۱	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۲۶	۰/۲۶
اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری	۰/۶۶	۰/۷۱	۵/۷۰	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/۴۷	۰/۸۹	۰/۶۱	۰/۷۵	۰/۳۴	۰/۳۴
آموزش	۰/۶۳	۰/۸۸	۰/۵۳	۰/۳۶	۰/۳۳	۰/۸۶	۱/۲۰	۱/۲۷	۰/۸۸	۰/۵۹	۰/۵۹
بهداشت و مهندکاری اجتماعی	۰/۴۰	۰/۷۵	۰/۳۳	۰/۲۳	۰/۳۵	۰/۸۷	۰/۶۲	۰/۹۸	۰/۵۷	۰/۵۲	۰/۵۲
سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی	۰/۷۷	۰/۵۹	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۳۴	۰/۳۷	۰/۹۲	۰/۷۴	۰/۳۹	۰/۴۴	۰/۴۴
فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت‌های تولیدی غیرقابل تفکیک	۱/۰۶	۰/۷۳	۰/۱۳	۰	۰	۰/۱۷	۰	۰	۰/۲۲	۰	۰
سازمانها و هیئت‌های برون‌مرزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دفاتر مرکزی	۴/۰۳	۲/۰۴	۱/۰۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اظهارنشده	۱/۲۰	۰/۴۱	۰/۹۳	۰/۴۵	۰/۹۲	۱/۰۱	۰/۳۱	۰/۶۶	۱/۳۰	۱/۴۰	۱/۴۰



ادامه جدول ۶-۱ ضریب مکانی شهرهای میانی

گروه عمده فعالیت	شهر میانی تسکینی			شهر میانی مرزی							
	سردرود	نوشین شهر	اسکو	بازرگان	پلدشت	جلفا	بيله سوار	گرمی	تکاب	ریط	سردشت
کشاورزی، شکار و جنگلداری	۳/۸۹	۱/۶۹	۱/۴۴	۱/۶۶	۱/۶۶	۰/۹۸	۳/۴۳	۲/۸۶	۱/۹۶	۱/۶۴	۱/۶۴
شیلات	۰/۰۰	۰/۳۳	۰	۱/۹۴	۱/۹۴	۰/۱۹	۰	۰	۰	۰/۱۲	۰/۱۲
استخراج معدن	۰/۰۰	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۰۳	۰	۰/۳۸	۱/۳۲	۰/۰۹	۰/۰۹
صنعت- ساخت	۰/۶۵	۰/۵۶	۱/۹۳	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۶۴	۰/۲۳	۰/۴۸	۱/۳۱	۰/۳۶	۰/۳۶
تأمین برق، گاز و آب	۰/۲۲	۰/۷۸	۰/۵۲	۰/۷۳	۰/۷۳	۱/۰۶	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۴۵	۰/۴۹	۰/۴۹
ساختمان	۰/۳۱	۰/۷۱	۰/۵۰	۱/۵۰	۱/۵۰	۰/۹۷	۰/۵۱	۱/۰۰	۰/۹۲	۰/۸۴	۰/۸۴
عمده‌فروشی، خردمفروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی و خانگی	۰/۱۸	۱/۱۱	۰/۶۵	۰/۶۲	۰/۶۲	۰/۷۸	۰/۳۹	۰/۴۸	۰/۶۷	۱/۰۱	۱/۰۱
هتل و رستوران	۰/۲۱	۱/۰۰	۰/۵۰	۰/۹۱	۰/۹۱	۱/۱۲	۰/۴۱	۰/۹۲	۰/۶۵	۰/۷۲	۰/۷۲
حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات	۰/۲۷	۱/۰۶	۰/۷۵	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۹	۰/۶۶	۰/۶۰	۰/۴۸	۱/۹۲	۱/۹۲
واسطه‌گری‌های مالی	۰/۱۳	۰/۷۲	۰/۷۵	۰/۷۱	۰/۷۱	۰/۸۰	۰/۳۸	۰/۳۳	۰/۳۹	۰/۳۶	۰/۳۶
مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کار و کسب	۰/۱۲	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۹۵	۰/۳۵	۰/۱۹	۰/۴۶	۰/۳۹	۰/۳۹
اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری	۰/۲۹	۰/۹۶	۰/۵۵	۱/۰۵	۱/۰۵	۱/۶۱	۰/۵۴	۰/۵۲	۰/۶۳	۰/۹۱	۰/۹۱
آموزش	۰/۶۰	۱/۰۶	۰/۸۵	۰/۸۱	۰/۸۱	۱/۰۱	۰/۸۴	۰/۷۰	۰/۷۲	۰/۷۶	۰/۷۶
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۰/۴۶	۰/۹۳	۰/۵۵	۰/۶۴	۰/۶۴	۰/۷۳	۰/۵۲	۰/۷۳	۰/۵۳	۰/۶۹	۰/۶۹
سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی	۰/۱۹	۰/۹۹	۰/۵۱	۰/۵۶	۰/۵۶	۰/۹۰	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۶۸	۰/۸۰	۰/۸۰
فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت‌های تولیدی غیرقابل تفکیک	۰/۳۰	۰/۷۹	۰/۳۳	۱/۳۰	۱/۳۰	۴/۶۶	۰	۰/۰۹	۰/۲۲	۱/۳۱	۱/۳۱
سازمانها و هیئت‌های برون‌مرزی	۰	۰	۰	۰	۰	۱/۲۷	۰	۰	۰	۰	۰
دفاتر مرکزی	۰/۰۰	۲	۰	۲/۹۰	۲/۹۰	۰	۰	۰	۱/۹۱	۰	۰
اظهارننده	۱/۰۳	۰/۹۳	۱/۴۳	۱/۷۰	۱/۷۰	۳/۵۹	۱/۰۳	۰/۶۰	۰/۴۳	۱/۱۳	۱/۱۳

جدول ۲-۶ نسبت مشاغل شهرهای میانی

گروه عمده فعالیت	تسکینی			مرزی							
	سردرود	نوشین شهر	اسکو	بازرگان	پلدشت	جلفا	بيله سوار	گرمی	تکاب	ربط	سردشت
جمع کل	۱/۶۵۶	۱۷/۸۷	۱/۵۵۱	۲/۴۵۷	۲/۴۵۷	۰/۸۰۰	۰/۸۷۹	۱/۵۱۲	۱/۳۲۹	۱/۳۵۰	۱/۳۵۰
کشاورزی، شکار و جنگلداری	۰/۴۹۴	۵/۳۳۱	۰/۳۹۳	۰/۷۱۹	۰/۷۱۹	۰/۱۳۸	۰/۵۳۱	۰/۷۶۴	۰/۴۵۹	۰/۳۹۱	۰/۳۹۱
شیلات	۰/۰۰۲	۰/۰۲۱	۰	۰/۰۱۷	۰/۰۱۷	۰/۰۰۱	۰	۰	۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
استخراج معدن	۰/۰۰۱	۰/۰۱۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰	۰	۰/۰۰۴	۰/۰۱۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
صنعت- ساخت	۰/۱۵۷	۱/۶۹۰	۰/۵۰۹	۰/۲۰۰	۰/۲۰۰	۰/۰۸۷	۰/۰۳۵	۰/۱۲۴	۰/۲۹۵	۰/۰۸۳	۰/۰۸۳
تأمین برق، گاز و آب	۰/۰۱۴	۰/۱۵۴	۰/۰۰۹	۰/۰۲۰	۰/۰۲۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۰/۰۱۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷
ساختمان	۰/۱۵۱	۱/۶۳۳	۰/۰۹۹	۰/۴۷۴	۰/۴۷۴	۰/۰۹۹	۰/۰۵۸	۰/۱۹۴	۰/۱۵۷	۰/۱۴۶	۰/۱۴۶
عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی خانگ	۰/۲۵۳	۲/۷۳۴	۰/۱۴۰	۰/۲۱۱	۰/۲۱۱	۰/۰۸۶	۰/۰۴۸	۰/۱۰۰	۰/۱۲۳	۰/۱۸۸	۰/۱۸۸
هتل و رستوران	۰/۰۱۶	۰/۱۶۷	۰/۰۰۷	۰/۰۲۱	۰/۰۲۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	۰/۰۱۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹
حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات	۰/۱۶۷	۱/۷۹۸	۰/۱۱۰	۰/۲۲۳	۰/۲۲۳	۰/۰۷۵	۰/۰۵۵	۰/۰۸۶	۰/۰۶۰	۰/۲۴۶	۰/۲۴۶
واسطه‌گری‌های مالی	۰/۰۱۶	۰/۱۷۱	۰/۰۱۵	۰/۰۲۳	۰/۰۲۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷
مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کاروکسب	۰/۰۱۸	۰/۱۹۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۱۳	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱
اداره امور عمومی، دفاع وتأمین اجتماعی اجباری	۰/۱۳۹	۱/۴۹۸	۰/۰۷۴	۰/۲۲۴	۰/۲۲۴	۰/۱۱۲	۰/۰۴۱	۰/۰۶۹	۰/۰۷۲	۰/۱۰۶	۰/۱۰۶
آموزش	۰/۱۱۶	۱/۲۵۰	۰/۰۸۷	۰/۱۳۱	۰/۱۳۱	۰/۰۵۴	۰/۰۴۹	۰/۰۷۰	۰/۰۶۳	۰/۰۶۸	۰/۰۶۸
بهداشت ومددکاری اجتماعی	۰/۰۳۹	۰/۴۲۳	۰/۰۲۲	۰/۰۴۰	۰/۰۴۰	۰/۰۱۵	۰/۰۱۲	۰/۰۲۸	۰/۰۱۸	۰/۰۲۴	۰/۰۲۴
سلبرفعالیتهای خدمات عمومی، اجتماعی وشخصی	۰/۰۳۵	۰/۳۷۴	۰/۰۱۷	۰/۰۲۹	۰/۰۲۹	۰/۰۱۵	۰/۰۰۹	۰/۰۱۶	۰/۰۱۹	۰/۰۲۳	۰/۰۲۳
فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت‌های تولیدی غیرقابل تفکیک	۰/۰۰۲	۰/۰۲۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰	۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳
سازمان‌ها و هیئت‌های برون مرزی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دفاترمرکزی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اظهارنشده	۰/۰۳۷	۰/۳۹۵	۰/۰۵۳	۰/۰۹۹	۰/۰۹۹	۰/۰۶۸	۰/۰۲۲	۰/۰۲۱	۰/۰۱۴	۰/۰۳۶	۰/۰۳۶

ادامه جدول ۶-۲ نسبت مشاغل شهر میانی

گروه عمده فعالیت	توسعه ای									تسکینی	
	اشنویه	شاهین دژ	عجب شیر	هریس	بستان آباد	هشترود	مشکین	خلخال	سراب	نمین	آبی بیگلو
جمع کل	۰/۸۸۳	۱/۴۹۹	۲/۰۱۹	۱/۶۳۴	۱/۵۸۵	۰/۹۴۱	۲/۱۳۱	۱/۲۴۰	۲/۱۰۶	۰/۷۷۲	۰/۷۷۲
کشاورزی، شکار و جنگلداری	۰/۳۹۷	۰/۵۲۵	۰/۳۴۴	۰/۳۹۴	۰/۵۵۳	۰/۴۸۴	۰/۷۰۸	۰/۳۵۵	۰/۹۶۵	۰/۲۶۸	۰/۲۶۸
شیلات	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۰۱۸	۰/۰۰۲	۰	۰
استخراج معدن	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰	۰/۰۰۱	۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
صنعت- ساخت	۰/۰۶۱	۰/۲۵۳	۰/۲۹۷	۰/۸۲۸	۰/۴۰۲	۰/۰۶۶	۰/۲۰۲	۰/۱۰۵	۰/۲۳۷	۰/۰۵۱	۰/۰۵۱
تأمین برق، گاز و آب	۰/۰۰۶	۰/۰۱۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۱۰	۰/۰۱۵	۰/۰۰۹	۰/۰۱۸	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴
ساختمان	۰/۰۷۶	۰/۲۳۶	۰/۰۶۵	۰/۱۵۴	۰/۱۷۹	۰/۱۳۰	۰/۳۲۸	۰/۲۶۰	۰/۲۲۰	۰/۲۵۴	۰/۲۵۴
عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی و خانگ	۰/۱۱۱	۰/۱۲۴	۰/۰۸۳	۰/۰۷۵	۰/۱۱۹	۰/۰۵۹	۰/۲۴۳	۰/۱۵۸	۰/۱۵۹	۰/۰۴۳	۰/۰۴۳
هتل و رستوران	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۳۰	۰/۰۰۹	۰/۰۱۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵
حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات	۰/۰۶۸	۰/۰۷۶	۰/۰۶۲	۰/۰۵۲	۰/۱۷۹	۰/۰۴۰	۰/۱۴۰	۰/۰۶۷	۰/۰۹۸	۰/۰۴۲	۰/۰۴۲
واسطه‌گری‌های مالی	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۱۹	۰/۰۱۰	۰/۰۱۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کاروکسب	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۱۹	۰/۰۰۵	۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴
اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری	۰/۰۵۱	۰/۰۹۳	۱/۰۰۰	۰/۰۲۳	۰/۰۳۰	۰/۰۲۸	۰/۱۶۵	۰/۰۶۵	۰/۱۳۷	۰/۰۲۳	۰/۰۲۳
آموزش	۰/۰۳۷	۰/۰۸۸	۰/۰۷۱	۰/۰۳۹	۰/۰۳۴	۰/۰۵۳	۰/۱۶۹	۰/۱۰۴	۰/۱۲۳	۰/۰۳۰	۰/۰۳۰
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۰/۰۰۹	۰/۰۲۹	۰/۰۱۷	۰/۰۰۹	۰/۰۱۴	۰/۰۲۱	۰/۰۳۳	۰/۰۳۱	۰/۰۳۰	۰/۰۱۰	۰/۰۱۰
سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی	۰/۰۱۴	۰/۰۱۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۰/۰۱۲	۰/۰۰۷	۰/۰۴۱	۰/۰۱۹	۰/۰۱۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷
فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت‌های تولیدی غیرقابل تفکیک	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۰۰۱	۰	۰
سازمانها و هیئت‌های برون مرزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دفاتر مرکزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اظهار نشده	۰/۰۲۵	۰/۰۱۵	۰/۰۴۵	۰/۰۱۸	۰/۰۳۵	۰/۰۲۳	۰/۱۶/۰	۰/۰۲۰	۰/۰۶۵	۰/۰۲۶	۰/۰۲۶

## **Abstract**

Accelerated urbanization and concentration of resources and facilities in metropolises and large cities have caused regional imbalances. This has led to creation of a phenomenon which has result in a form of spatial imbalance and presence of severe differences in labor systems and other activities in Azerbaijan region. Other outcomes of this phenomenon includes the transformation of Tabriz into a primate city and the other two cities of the region, namely Ardabil and Urmia becoming prominent cities at the regional level. The urbanization rate in the Western part of the region is about 75 percent as compared to 25 percent in the eastern half. Therefore, in order to achieve spatial justice, a balanced regional development, strengthening the role of the mid-sized cities was taken into consideration. This would result in a regional balance as has been proposed by such theories of development as Hilhorst's and Kunzmann's. The research method of this study is based on the descriptive-analysis approach. In order to analyze and identify the trends, three categories of indexes, including the primacy index, urban concentration index and indices of balanced distribution are used. In order to describe and analyze the economic situation, shift-share analysis and location coefficient is used. The results obtained show that with the growth of mid-sized cities, primacy rate and urban concentration would be reduced and the urban system would move towards a balanced condition. Economic indexes show that with the strengthening of the role of the mid-sized cities, the process of the economic situation in Azerbaijan region would improve. Finally, in order to create a more balanced regional development in Azerbaijan region, the mid-sized cities in the region's borders, cities with relief roles, cities with development role, and cities with production functions were identified and located.

### **Key words:**

Mid-sized cities, Hilhorst theory, Kunzmann theory, Primacy index, urban concentration index, Balanced distribution index, Location Coefficient, Shift-share analysis.



**University of Tehran**

**Faculty of Fine Arts**

**School of Urban and Regional Planning**

A Thesis Presented for the Degree of Master  
of Arts in Regional Planning

**Analyzing the Position of Mid-Sized Cities in Azerbaijan Region  
in order to Achieve a Balanced Regional Development**

by

Esmaeil Keyvanloo

Supervisor

Esfandiar Zebardast

July 2013